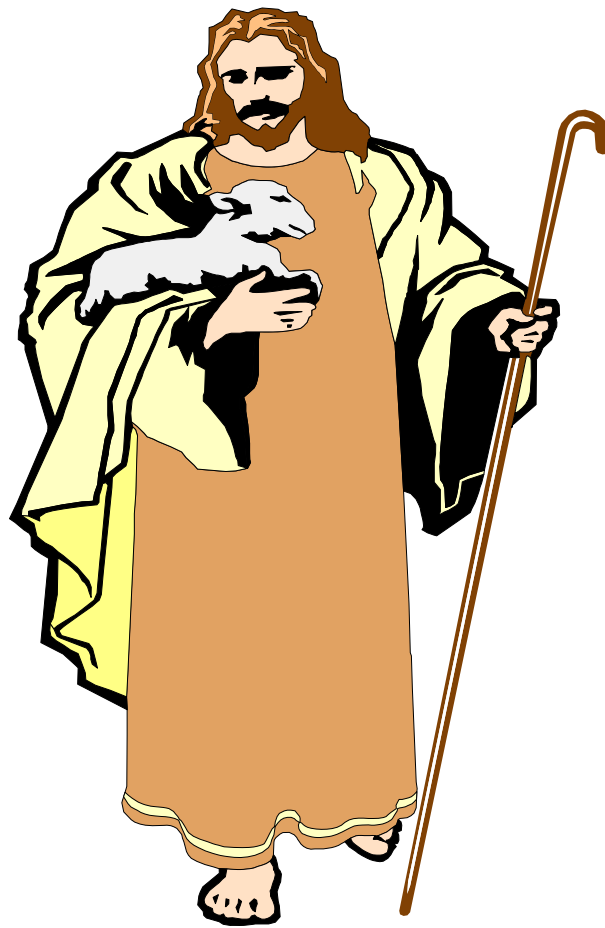


# مروری بر عهد جدید





Iranian Christian Church  
740 E.Arques Ave  
Sunnyvale, CA 94085  
USA

## مروری بر عهد جدید

نویسنده: کشیش هرمز شریعت پناهی

### هدف کلیسای ایرانیان:

با قدرت روح القدس، نجات، شفا و آزادی روحانی در عیسای مسیح را به ایرانیان اعلام نماییم  
و آنها را شاگرد بسازیم تا مانند مسیح زندگی و محبت کنند تا اینکه این کلیسا یکی از ابزار دست  
خداوند برای وقوع پیوستن ارمیاء ۴۹: ۳۸ - ۳۹ باشد و در نتیجه خدا جلال یابد.

برای هر نوع سؤالات یا اطلاعات با نشانی زیر تماس بگیرید:

[www.kelisa-iranian.com](http://www.kelisa-iranian.com)

Copyright ©2002 by International Antiach Ministries, INC

New Update 2008



## فهرست مطالب

۱	..... مقدمه
۲	..... آشنایی با روش تدریس
۴	..... فهرست کتب عهد جدید
۵	..... دوران سکوت
۱۰	..... کتب عهد جدید
۱۲	..... اناجیل
۱۴	..... متی
۲۰	..... مرقس
۲۵	..... لوقا
۳۰	..... یوحنا
۳۶	..... اعمال رسولان
۴۱	..... رسالات پولس
۴۳	..... رومیان
۴۹	..... اول قرنتیان
۵۵	..... دوم قرنتیان
۶۰	..... غلاطیان
۶۶	..... افسسیان
۷۲	..... فیلیپیان
۷۸	..... کولسیان
۸۲	..... اول تسالونیکیان
۸۷	..... دوم تسالونیکیان
۹۱	..... اول تیموتاوس
۹۶	..... دوم تیموتاوس
۱۰۱	..... تیطس
۱۰۶	..... فلیمون
۱۱۰	..... عبرانیان
۱۱۷	..... یعقوب
۱۲۲	..... اول پطرس
۱۲۸	..... دوم پطرس
۱۳۲	..... اول یوحنا
۱۳۹	..... دوم یوحنا
۱۴۲	..... سوم یوحنا

۱۴۶	.....	یهودا
۱۵۱	.....	مکاشفه
۱۵۹	.....	ترتیب کتاب های عهد جدید
۱۶۰	.....	حفظ کتابهای عهد جدید بوسیله حروف
۱۶۱	.....	ضمیمه ( ۱ ) ترتیب تاریخی رسالات پولس
۱۶۲	.....	ضمیمه ( ۲ ) ترتیب تاریخی رسالات ( غیر پولس )
۱۶۳	.....	حفظ ترتیب کتابهای عهد جدید بوسیله عکس

## مقدمه

دورهٔ درسی «مروری بر کتاب مقدس» شامل سه کلاس «مروری بر عهد عتیق ۱»، «مروری بر عهد عتیق ۲» و «مروری بر عهد جدید» می باشد. در این کلاس ها، کتاب های کتاب مقدس مورد بررسی کلی قرار می گیرد. هدف این است که دانشجو با موضوع اصلی، اهمیت و کاربرد هر کتاب آشنا شده و جای آن را در نقشه کلی خدا برای بشر بداند.

هر مسیحی می بایست با کتاب مقدس آشنایی کامل و عمیق داشته باشد. بخصوص یک خادم خدا موظف است که اطلاعات عمیق از کتاب مقدس داشته، آن را در زندگی خود به عمل آورده و سپس به دیگران تعلیم دهد. اساس زندگی و خدمت هر مسیحی کتاب مقدس می باشد. در کتاب مقدس است که با شخصیت، روحیه و روش کار خداوندان آشنا می شویم. در آنجا است که از اراده او و نقشه های او با خبر می شویم تا بتوانیم با او همکار شویم. پس بدانید هر ساعتی که برای مطالعه کتاب مقدس می گذارید در تمامی عمرتان برای خود شما و هر کس که روبرو می شوید بازدهی، منفعت و برکت خواهد داشت. بنابراین با جدیت سعی کنید مطالب این کلاس را بیاموزید. بگذارید این حقایق نه تنها فکر شما را لمس کرده و پر کند، بلکه قلب و روح شما را لمس و لبریز نماید.

در این کلاس، با ۲۷ کتاب عهد جدید آشنا می شویم. دانستن عهد عتیق به شما کمک خواهد کرد که مطالب کتب عهد جدید را بهتر و عمیق تر درک کنید. عهد جدید مانند درختی زیبا و پر میوه می باشد که هر شخص به زیبایی آن جذب شده و با خوردن میوه حقیقت آن، نجات و حیات جاودانی را تجربه می کند. اما این درخت ریشه ای عمیق دارد. عهد عتیق به ما نشان می دهد که این درخت زیبای عهد جدید، ریشه ای عمیق دارد.

## آشنایی با روش تدریس

همانطور که خواهید دید، معرفی و بررسی هر کتاب، شامل بخش‌های زیر خواهد بود. در زیر توضیح داده شده است که هدف و اهمیت هر کدام از این بخش‌ها چه می‌باشد:

**نویسنده و تاریخ نگارش** - در این بخش، نویسنده آن کتاب معرفی می‌گردد. اگر می‌بایست نکته خاصی در مورد نویسنده بدانید، در اینجا مطرح می‌شود. تاریخ نگارش به ما کمک می‌کند تا بدانیم نگارش آن کتاب در مقایسه با وقایع تاریخی کجا قرار می‌گیرد و نویسنده آن را در چه شرایط تاریخی نوشته است.

**زمینه و موضوعات اصلی** - در اینجا با موضوع کلی آن کتاب آشنا می‌شوید و بطور کلی درک می‌کنید که آن کتاب در مورد چه چیزی است و چرا نوشته شده است. همچنین اطلاعاتی که به فهم آن کتاب کمک می‌کند، مطرح می‌شود. بخصوص زمینه تاریخی و یا فرهنگی هر کتاب بیان می‌شود که کمک می‌کند تا معنی آن را بهتر درک نماییم.

در این بخش، همواره «کلمه کلیدی» آن کتاب مطرح می‌گردد. این کلمه کلیدی، مهم‌ترین اطلاعاتی است که می‌بایست در مورد هر کتاب بدانید. کلمه کلیدی سعی می‌کند موضوع هر کتاب را در یک کلمه خلاصه کند. در نتیجه با دانستن آن کلمه، موضوع اصلی آن کتاب بخاطر شما خواهد ماند. از شما انتظار می‌رود، کلمه کلیدی هر کتاب را حفظ نمایید. به «آیات کلیدی» نیز توجه و دقت نمایید. در این آیات کلیدی، خلاصه تمام آن کتاب را در یکی دو آیه می‌توانید مشاهده نمایید. «فصل کلیدی» مهم‌ترین فصل هر کتاب را معرفی می‌کند.

**بررسی** - در این قسمت، آن کتاب به چند بخش اصلی تقسیم بندی می‌گردد و هر بخش با جزئیات بیشتر شرح داده می‌شود. بدینوسیله، با هر کتاب آشنایی عمیق تری را پیدا می‌کنید. از شما انتظار می‌رود، بخش‌های اصلی هر کتاب را نیز حفظ نمایید. برای کمک به حفظ کردن، به درس «روش مطالعه و حفظ کردن دروس» در کتاب *نمروری بر عهد عتیق ۱* مراجعه نمایید.

**مکاشفه عیسای مسیح** - همانطور که در عهد عتیق دیده ایم، عیسای مسیح شخصیت اصلی هر کتاب در عهد عتیق و عهد جدید می‌باشد. هر کتاب به ما کمک می‌کند شخصیت و مقام عظیم عیسای مسیح را بهتر درک کرده و او را بهتر بشناسیم.

**مکاشفه روح القدس** - در هر کتاب در کتاب مقدس، می‌توان نقش و اثر روح القدس را نیز مشاهده نمود. در عهد عتیق و بخصوص بعد از صعود عیسای مسیح به آسمان، روح القدس نقش اساسی را در رابطه ما با خدا بازی می‌کند. در این دوره که کلیسای عیسای مسیح بر روی زمین می‌باشد، زمان خدمت و کارهای روح القدس می‌باشد.

**دروس اصلی روحانی** - هر کتاب از کتاب مقدس، حاوی درس‌های متعدد روحانی می‌باشد. از میان آنها چند درس روحانی انتخاب شده و بیان می‌گردد. موضوع این دروس اکثراً طوری انتخاب شده اند که نشان دهند از کل این کتاب چه درس روحانی و عملی جامع می‌توان گرفت.

این درس ها را به دقت بخوانید و بگذارید بر قلب و زندگی و عملکرد شما تاثیر بگذارد. این دروس بر اساس مکاشفات و تجربه های شخصی و همچنین تجربیات خدمتی در کلیسای ایرانیان نوشته شده اند. در نتیجه مسایل فرهنگی ما ایرانیان و روش خدمتی بین ایرانیان در آنها در نظر گرفته شده است. پس این دروس کمک می کنند تا نه تنها خواننده در شخصیت و زندگی روحانی خود پیش رود، بلکه او را آماده می کند تا خادم موثرتری در بین ایرانیان باشد.

بعضی از درسهای روحانی به خواننده می آموزد که در کلیساهای خانگی چگونه خدمت نماید. لازم به تذکر است که در این درس ها وقتی از کلمه «شاهنگ» استفاده می شود، مقصود همان گروه ها یا کلیساهای خانگی می باشد. کلیساهای خانگی در کلیسای ایرانیان سن حوزه، «شاهنگ» نامگذاری شده است که به معنی «ستاره درخشنده صبح» و لقب عیسای مسیح در کتاب مکاشفه می باشد.

**سوالات برای مرور درس** - این سوالات دو هدف دارند : کمک برای مرور درس تا خود دانشجو بداند که آیا در واقع این درس را یاد گرفته است یا خیر. همچنین این سوالات، دانشجو را برای امتحان جلسه بعدی حاضر می کند. سوالات آن امتحان بر اساس همین سوالات مطرح می شود. سوالات در مورد هر کتاب حداقل شامل سه مورد زیر می شود (گرچه به آن محدود نمی گردد) : «کلمه کلیدی آن کتاب چیست؟»، «بخش های اصلی آن کتاب کدامند؟» و «دروس اصلی روحانی آن کتاب چه می باشند؟» در امتحان نهایی، کلاس، کلمه کلیدی و بخش های اصلی هر کتاب پرسیده خواهد شد.

## New Testament Books

## کتاب عهد جدید

English Name	نام فارسی	Chapters فصل ها
Matthew	متی	۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷
Mark	مرقس	۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶
Luke	لوقا	۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴
John	یوحنا	۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱
Acts	اعمال رسولان	۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸
Romans	رومیان	۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶
۱ Corinthians	اول قرنتیان	۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶
۲ Corinthians	دوم قرنتیان	۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳
Galatians	غلاطیان	۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶
Ephesians	افسیسیان	۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶
Philippians	<b>فیلیپیان</b>	۱ ۲ ۳ ۴
Colossians	کولسیان	۱ ۲ ۳ ۴
۱ Thessalonians	اول تسالونیکیان	۱ ۲ ۳ ۴ ۵
۲ Thessalonians	دوم تسالونیکیان	۱ ۲ ۳
۱ Timothy	اول تیموتائوس	۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶
۲ Timothy	دوم تیموتائوس	۱ ۲ ۳ ۴
Titus	تیتوس	۱ ۲ ۳
Philemon	فلیمون	۱
Hebrews	عبرانیان	۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳
James	یعقوب	۱ ۲ ۳ ۴ ۵
۱ Peter	اول پطرس	۱ ۲ ۳ ۴ ۵
۲ Peter	دوم پطرس	۱ ۲ ۳
۱ John	اول یوحنا	۱ ۲ ۳ ۴ ۵
۲ John	دوم یوحنا	۱
۳ John	سوم یوحنا	۱
Jude	یهودا	۱
Revelation	مکاشفه	۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲

## دوران سکوت

دوران بین آخرین کتاب عهد عتیق تا ظهور یحییای تعمید دهنده حدود ۴۰۰ سال است که به «دوران سکوت» معروف می باشد چرا که در این دوران هیچ پیامبری ظهور نکرد و هیچ کتابی به کتاب مقدس اضافه نشد. گویا خداوند هرآنچه که تا قبل از آمدن مسیح می بایست می گفت را گفته بود و در این دوران سکوت کرد تا ناگهان کاری عظیم نماید. این ۴۰۰ سال شباهت زیادی به دوران ۴۰۰ سال سکوت بین مرگ یعقوب و ظهور موسی نجات دهنده قوم اسرائیل از بندگی مصر می باشد. با آمدن موسی بعد از ۴۰۰ سال سکوت، دوره «آبای قوم» (Patriarchs) به پایان رسید و دوران شریعت شروع شد. با آمدن عیسیای مسیح بعد از ۴۰۰ سال سکوت نیز دوره شریعت به پایان رسید و دوران فیض شروع شد.

### وضع سیاسی در دوره سکوت

در این ۴۰۰ سال، کشور اسرائیل ۴ دوره سیاسی را طی کرد. البته این تحولات سیاسی قبلاً بوسیله دانیال بطور دقیق پیشگویی شده بودند. همانطور که در زیر خواهید دید، این تحولات تاریخی و سیاسی در کنترل خداوند بودند و هر کدام در انجام نقشه های خدا برای نجات بشر نقش اساسی داشتند.

#### ۱) دوره حکومتی فارس – ۴۳۰ تا ۳۳۲ قبل از میلاد

وقتی آخرین کتاب عهد عتیق یعنی ملاکی نوشته می شد، سرزمین یهودا تحت تسلط کشور فارس بود که قدرت دنیا را از ۱۰۰ سال قبل از آن تا ۱۰۰ سال بعد از آن در دست داشت. پادشاهان فارس با قوم یهود بسیار با ملایمت رفتار کردند. خداوند از حکومت فارس استفاده کرد تا نه تنها اسیران یهودی را به سرزمین خود بازگرداند بلکه در تحت حفاظت آن قدرت، قوم را دوباره در سرزمین خود مستقر کند. بعلاوه پادشاهان فارس شروع به ساختن جاده های سراسری کردند که بعد ها بوسیله دولت روم گسترش یافت و در زمان مناسب مورد استفاده پولس و رسولان برای پخش انجیل در سراسر دنیا قرار گرفت.

#### ۲) دوره حکومتی یونان – ۳۳۱ تا ۱۶۷ قبل از میلاد

اسکندر کبیر در سال ۳۳۶ قبل از میلاد در سن ۲۰ سالگی رهبری لشکر یونان را به دست گرفت. او در مدت کوتاهی قدرت های آشور، بابل، مصر و فارس را شکست داده و در سال ۳۳۱ قبل از میلاد، قدرت دنیا را به دست گرفت. او وقتی یهودا را فتح کرد، با یهودیان با ملایمت رفتار کرد و اورشلیم را نابود نکرد بلکه به آنها اجازه داد به شهر اسکندریه در مصر روند و در آنجا مستقر شوند. در دوره حکومتی یونان، زبان و فرهنگ غنی یونانی در تمام دنیا پخش شد بطوریکه زبان یونانی به صورت زبان بین المللی در آمد. خداوند از این مسئله برای پخش انجیل خود به دو صورت استفاده کرد. اولاً، از میان زبانهای دنیا، زبان یونانی را برای تشریح انجیل خود استفاده کرد. این زبان از لحاظ غنی بودن بی نظیر است. بخصوص در مورد بیان مسایل عاطفی، فلسفی و روحانی زبانی مانند آن در طول تاریخ وجود نداشته است و ندارد. ثانیاً خداوند اجازه داد که این زبان، زبان بین المللی شود تا مانع زبان برداشته شده و اینکه انجیل او به سرعت در تمام دنیا پخش گردد و هرکس در هر جا بتواند آنرا خوانده و درک کند.

### ۳) دوره استقلال یهودا - ۱۶۷ تا ۶۳ قبل از میلاد

در این دوران فرقه ای یهودی به نام «مکابی ها» در یهودیه شورش کردند. با آنکه کوچک و ضعیف بودند ولی با شجاعت جنگیدند و قدرت های بزرگ تر از خود را شکست دادند و برای مدتی استقلالی برای یهودا کسب کردند.

### ۴) دوره حکومت روم - ۶۳ قبل از میلاد تا زمان مسیح

در این دوران، روم قدرت های مختلف را شکست داده و قدرت دنیا را به دست گرفت. این باعث شد که مرزهای بین کشورها برداشته شود. بعلاوه کشور روم در ساختن جاده ها و وصل کردن شهر های امپراطوری خود به یکدیگر بسیار فعال بود. خداوند از این مساله برای پخش سریع انجیل خود استفاده کرد. شخصی مانند پولس که شهروند رومی بود می توانست به راحتی از جاده های ساخت روم استفاده کرده و در تمام دنیا آزادانه بگردد و تحت حفاظت حکومت روم بشارت داده و کلیساها را بنا کند.

### وضع مذهبی در دروان سکوت

در این دوران، یهودیان بیشتر از پیش پراکنده شده و در شهر های مختلف دنیا مستقر شدند. خداوند از این پراکندگی آنها استفاده نمود به این صورت که به هر شهری که پولس می رفت در آنجا می توانست یهودیانی را پیدا نماید که با قلبی باز و راستین آماده پذیرفتن مسیح موعود بودند. پیدا کردن آنها نیز آسان بود چرا که در اکثر شهر ها کنیسه وجود داشت. در این دوره یهودیان مذهب خود را به صورت زیر متشکل کرده و بیشتر در مذهب خود و مراسم مذهبی ریشه گرفتند.

#### ۱) کنیسه ها

کنیسه ها در زمان اسارت و بعد از آنکه معبد خراب شده بود (۵۸۶ قبل از میلاد)، شروع شدند. کنیسه ها مرکز اجتماع و مطالعه و تعلیم عهد عتیق بودند و هیچوقت هدف آنها این نبود که جایگزین معبد شوند. کنیسه ها به این صورت شروع شدند که یهودیانی که در اسارت بودند، متوجه شدند که دلیل اسارت آنها بی توجهی به کلام خدا بوده است. بنابراین کنیسه ها را به عنوان مراکزی برای تعلیم کتاب مقدس بوجود آوردند. در نتیجه حتی بعد از ساخته شدن دوباره معبد (۵۱۶ قبل از میلاد)، کار کنیسه ها ادامه یافت و حتی در خود اورشلیم نیز کنایس بسیاری وجود داشتند. یهودیانی که به تمام دنیا پراکنده شده بودند در هر محل کنیسه ساختند تا نه تنها مذهب بلکه ملیت خود را حفظ کنند.

کلمه «کنیسه» به معنی «اجتماع» می باشد. هر کنیسه بوسیله هیئتی از مشایخ اداره می شد. معلمین کنیسه، «رابیین یا «خاخام» (به معنی «معلم») خوانده می شدند.

یهودیان پخش شده در دنیا و کنیسه ها در شهر های مختلف، به پخش سریع انجیل کمک کردند. چراکه پولس در هر جا وارد می شد، اول به محل اجتماع یهودیان در کنیسه می رفت و انجیل را آنجا پخش می کرد. در هر شهر همواره اولین ایمانداران یهودیانی بودند که با قلبی باز منتظر و آماده برای ملاقات با مسیح موعود، نجات دهنده عالم بودند.



## ۲) کنیسه اعظم

کنیسه اعظم (اجتماع اعظم)، گروه ۱۲۰ نفری بودند که گفته می شود که اولین بار بوسیله نحمیا در سال ۴۱۰ قبل از میلاد تشکیل شد و اولین رهبر آن نیز عزرا بود. هدف این گروه این بود که زندگی مذهبی و روحانی را دوباره به میان یهودیان آزاد شده از اسارت، بازگرداند. این گروه تا سال ۲۷۵ قبل از میلاد در قدرت (مذهبی) بود و نقش اساسی در تدوین، کپی کردن و اشاعه کتب عهد عتیق داشت.

## ۳) سنهدرین

سنهدرین، یک گروه ۷۰ نفره بودند که در زمان مسیح اعضای آن رهبری مذهبی و روحانی یهودیان را به عهده داشتند. آنها بودند که مسیح را به محاکمه کشیدند. این گروه از قرن سوم قبل از میلاد شروع شد و بیشتر شامل کاهن ها و صدوقی ها می بود. اما تعدادی از فریسی ها و کاتب ها و مشایخ قوم نیز عضو این گروه بودند. سرپرستی این گروه به عهده کاهن اعظم بود.

## وضع کتاب مقدس در دوران سکوت

کتاب مقدس در این دوران بسیار مورد توجه قرار گرفته و بین یهودیان پخش گردید. کتاب های ترجمه و تفسیر بسیاری نیز در این دوران در مورد عهد عتیق بوسیله کاتبان نوشته شد که مهم ترین آنها به شرح زیر است:

### ۱) ترگم – Tar gum

یهودیان بازگشته از اسارت، اکثرا زبان عبری خود را فراموش کرده و بیشتر به زبان آرامی (زبان بابل) سخن می گفتند. در نتیجه لازم شد که عهد عتیق از زبان عبری به زبان آرامی ترجمه شود تا مردم عادی بتوانند آنرا خوانده و بفهمند. کلمه «ترگم»، کلمه ای آرامی و به معنی «ترجمه» می باشد.

### ۲) ترجمه هفتاد – LXX -Septuagint

بعد از آنکه حکومت یونان زبان خود را در همه جا اشاعه داد و یونانی زبان بین المللی شد، لازم شد عهد عتیق به زبان یونانی ترجمه شود تا آنکه یهودیان پخش شده در هر جای دنیا بتوانند آنرا در کنایس خود خوانده و عمل کنند. در نتیجه حدود سال ۲۵۰ قبل از میلاد، هفتاد عالم یهودی از اورشلیم به شهر اسکندریه در مصر رفتند تا عهد عتیق را از عبری به یونانی ترجمه کنند. به همین دلیل این ترجمه به «ترجمه هفتاد» معروف می باشد.

### ۳) تلمود – Talmud

کلمه «تلمود» به معنی «آموزش» می باشد. تلمود مجموعه ای از سنت ها، احادیث نقل شده و تفسیر های کتب عهد عتیق بود. کاتبان و عالمان روحانی برای حفظ کردن و نشکستن قوانین شریعت، خود قوانینی مشکل را به شریعت اضافه کردند تا آنکه دور شریعت موسی دیوار حفاظتی بکشند و از شکسته شدن عمدی و غیر عمدی آن جلوگیری نمایند.

به عنوان مثال، برای آنکه قوم یهود روز سبت را نگاه دارند و کار نکنند، قوانین زیادی را نوشتند که معنی «کار» را تعریف نمایند. این قوانین بطوری سخت بود که حمل بار، غذا درست کردن و حتی روشن کردن چراغ، «کار» به حساب می آمد. مثال دیگر آنکه برای نگاه داشتن دستور تورات در مورد نجوشاندن بزغاله در شیر مادر، برای اینکه نکند در خانه ای از یهودیان این کار سهواً انجام شود و بلای آن گریبانگیر تمامی قوم گردد، این شریعت را اضافه نمودند که خوردن گوشت و شیر با یکدیگر حرام می باشد (تا نکند در معده، شریعت خدا شکسته شده و گوشت بزغاله با شیر مادر مخلوط گردد) و همچنین در هر خانه می بایست دو دست ظروف باشد: یکی برای گوشت و یکی برای لبنیات.

## ۴) اپوکریفا – Apocrypha

اپوکریفا، ۱۴ کتابی است که بین قرن سوم و اول قبل از میلاد در دوران سکوت نوشته شده اند. نویسنده اکثر آنها معلوم نمی باشد. این کتاب ها هیچوقت بوسیله یهودیان به عنوان کتب عهد عتیق شمرده نشدند. اما بعد ها به آخر «ترجمه هفتاد» اضافه شد. هیچ قسمت از این کتب بوسیله مسیح تایید نشدند. مسیح و کتب عهد جدید از همه کتب عهد عتیق نقل قول می کنند اما از این کتب حتی یک بار نیز نقل قول نمی کنند. کلیسای اولیه نیز هیچگاه این کتاب ها را به عنوان کلام خدا نپذیرفتند. در قرن دوم میلادی که خواستند عهد عتیق را به زبان لاتین ترجمه کنند، از ترجمه هفتاد (که اکنون ۱۴ کتاب اپوکریفا به آخر آن ضمیمه شده بود) استفاده کردند. در نتیجه قرن ها این کتب بطور غیر رسمی در آخر ۶۶ کتاب رسمی کتاب مقدس به زبان لاتین وجود داشتند.

در قرن ۱۵ نهضت پروتستان شکل گرفت. یکی از ارکان های این نهضت این بود که هر ایماندار باید خود کتاب مقدس را برای استفاده شخصی بخواند. اما در آن زمان کتاب مقدس به زبان عتیقه لاتین بود و جز عالمان مذهبی کسی آن را درک نمی کرد. پس رهبران این نهضت شروع به ترجمه کتاب مقدس از لاتین به زبانهای زنده آن زمان نمودند. آنها هنگامی که به کتاب های اپوکریفا رسیدند، بنا به دلایلی که در بالا ذکر کردیم، آنها را در کتاب مقدس ترجمه شده خودم منظور نداشتند. اما کلیسای کاتولیک به استفاده از آنها ادامه داد و برای عکس العمل در مقابل تصمیم کلیسای پروتستان، رسماً اعلانیه ای صادر نمود و این کتاب ها را رسماً به عنوان کلام خدا پذیرفت. در نتیجه امروزه در کتاب مقدس کاتولیک ها، این ۱۴ کتاب بین کتب عهد عتیق و عهد جدید قرار دارند.

## فرقه های مذهبی در دوران سکوت

در طی ۴۰۰ سال دوران سکوت، فرقه ها و مقامات مذهبی متعددی در قوم یهود ایجاد شد.

### ۱) فریسی ها

در قرن سوم قبل از میلاد، بعد از آنکه فرهنگ و زبان یونانی جهانگیر شد، یهودیان متعصب که می دیدند فرهنگ و زبان آنها دارد نابود می شود و جوانان آنها بیشتر فرهنگ و حتی خرافات مذهبی یونانی را دنبال می کنند، عکس العمل نشان دادند. آنها خود را از دیگران که تحت تاثیر فرهنگ یونانی قرار داشتند جدا کردند (کلمه فریسی به معنی «جدا شده» می باشد) تا اصالت خود را حفظ کنند. این فرقه برخلاف روند آن زمان، تورات را کلمه به کلمه تفسیر کرده و پیروی می کردند و می خواستند دیگر یهودیان را نیز مجبور به اطاعت جزء به جزء تورات بکنند. این فرقه خود را بالاتر و پاک تر و یهودی تر و با خدا تر از دیگران می پنداشتند که این روحیه در اناجیل مشهود است.

## ۲) صدوقی ها

این فرقه در مقایسه با فریسی ها نسبت به کلام بازتر بودند و تعصب کمتری داشتند. آنها از لحاظ فرهنگی یهودی-یونانی بودند و با دولت روم همکاری نزدیکی داشتند. آنها گرچه مسئولیت اداره معبد را به عهده داشتند اما افراد بسیار مذهبی نبودند. تعداد آنها زیاد نبود اما اکثراً متمول و به خاطر نزدیکی و همکاری با دولت روم با نفوذ بودند. آنها فقط ۵ کتاب موسی را قبول داشتند و بقیه کتاب های عهد عتیق را رد می کردند. بعلاوه هر تعلیمی را که فکر می کردند در ۵ کتاب تورات وجود ندارد را رد می کردند (مثل رستاخیز از مردگان-اعمال رسولان ۲۳: ۶-۸). آنها انتظار مسیح را نمی کشیدند. کلمه «صدوقی» از کلمه «صادق» به معنی «عادل» (righteous) می آید.

## ۳) کاتبان

وظیفه کاتبان مطالعه، تفسیر و کپی کردن کتاب مقدس بود. آنها کتب عهد عتیق را بسیار خوب می دانستند و حتی بسیاری از آنها کتاب عهد عتیق را حفظ بودند. آنها مورد احترام جامعه بودند و مردم از تفسیر های آنها پیروی می کردند. کاتبان معروف کتب تفسیر می نوشتند که مردم مانند قانون از آنها پیروی می کردند. بعضی از کاتبان عضو شورای سنهدرین بودند (مانند غمالائیل در اعمال ۵: ۳۴ و نيقوديموس در یوحنا فصل ۳).

## ۴) سامری ها

سامری ها که در اناجیل به آنها اشاره بسیار می شود، مذهب خود را دارا بودند. برای فهمیدن بهتر این قسمت های انجیل لازم است که بدانیم سامری ها چه کسانی بودند و چه مذهبی داشتند. زمانی که آشور و بابل قوم یهود و اسرائیل را به اسارت بردند، تعدادی از یهودیان فقیر و ضعیف و مریض را جا گذاشتند. بر طبق روش سیاسی آن زمان، برای کنترل این منطقه، بعضی قوم های خدانشناس را مجبور کردند که به این سرزمین کوچ کنند. در نتیجه یهودیان باقی مانده با این اقوام ازدواج کرده و با آنها از لحاظ نژادی مخلوط شدند. علاوه بر نژاد، مذاهبشان نیز با یکدیگر مخلوط شدند. پس این قوم اصالت یهودی بودن خود را از دست دادند بطوری که حتی به پرورش خوک ها که در مذهب یهود نجس بودند پرداختند.

بعد از ۷۰ سال که یهودیان از اسارت برگشتند، با سامری هایی برخورد کردند که نه اصالت نژادی داشتند و نه مذهبی. پس آنها را نجس می دانستند و با آنها معاشرت و رفت و آمد نمی کردند. حتی یهودیانی که از قسمت جلیل (در شمال اسرائیل) می خواستند برای زیارت به اورشلیم بروند، راه خود را کج کرده و دور می کردند تا از سرزمین نجس سامره عبور نکنند. سامریان نیز یهودیان را دشمن می دانستند و از زواری که از سرزمین آنها عبور می کردند نه تنها پذیرایی نمی کردند بلکه آزار می رساندند. با توجه به این تاریخچه، داستان سامری نیکو و یا صحبت عیسای مسیح با زن سامری بر سر چاه معنی واضح تری پیدا می کند. وقتی یهودیان می خواستند به عیسای مسیح فحش دهند او را «سامری» می خواندند. وقتی سامریان به شاگردان عیسای مسیح کمک نکردند، آنها می خواستند که دعا کنند تا از آسمان آتش آمده و سامریان را نابود کند (لوقا ۹: ۵۱-۵۶).

## کتاب عهد جدید

انبیای عهد عتیق همانطور که در ۳۹ کتاب خود ذکر می کنند، همگی با اشتیاق انتظار نجات دهنده ای را می کشیدند که یهوه وعده داده بود. با آمدن عیسی مسیح، این انتظار به پایان رسیده و وعده ها و پیشگویی های آنها به انجام می رسد. خدایی که در عهد عتیق بوسیله انبیاء با بشر سخن می گفت، اکنون جسم پوشیده و به میان متعلقان خود می آید تا آنها را از اسارت گناه و شیطان و مرگ ابدی در جهنم نجات بخشد و رابطه گسیخته شده را با بشر شخصا برقرار کند.

### زمان کامل

عیسی مسیح در «زمان کامل» (غلاطیان ۴ : ۴) بر روی زمین آمد خداوند با حکمت الهی خود زمان مناسبی را برای انجام نقشه خود برای نجات بشر انتخاب نمود. یک حکومت یعنی دولت روم، دنیای شناخته شده آن زمان را تحت کنترل خود داشت و باعث شده بود که :

(۱) در دنیا آرامش نسبی بوجود آید.

(۲) جاده های بسیار و امن در سراسر اروپا و آسیا ساخته شود.

(۳) برای رفتن به کشورهای مختلف، مانع سیاسی وجود نداشته باشد (بخصوص برای یک شخص رومی همچون پولس).

(۴) زبان زیبا و غنی یونانی، زبان جهانی شود. در نتیجه موانع اختلاف زبان برداشته شده بود تا همگی بتوانند خیر خوش انجیل را شنیده و بفهمند.

شرایط بالا همراه با قدرت روح القدس در آیات و معجزات باعث شد که در قرن اول انجیل به سرعت در دنیا پخش گردد.

### تاریخ نگارش

کتاب های عهد جدید که حجم آنها تقریباً یک سوم کتب عهد عتیق می باشد حدود سال های ۴۵ تا ۵۹ میلادی نوشته شده اند یعنی بین ۱۲ سال تا ۶۲ سال بعد از مرگ و رستاخیز مسیح.

### زبان

یهودیان در زمان مسیح اکثراً به دو زبان آرامی و یونانی آشنا بودند. زبان یهودی تقریباً منسوخ شده و فقط بعضی عالمان مذهبی آن را می دانستند. اما یونانی زبان بین المللی آن زمان بود که خدا از آن برای نوشتن عهد جدید استفاده کرد. در کتب عهد جدید سه سبک زبان یونانی دیده می شود :

(۱) **یونانی محاوره ای** (Koine به معنی «معمولی» ) - که زبان عامیانه و کوچه و بازار آن زمانی بوده است. بیشتر عهد جدید به این زبان می باشد.

(۲) **یونانی رسمی** - این سبک بیشتر در ادارات و نامه های رسمی بکار برده می شده است. لوقا از تحصیلات عالی برخوردار بوده و کتبی که او نوشته سبک رسمی دارد (انجیل لوقا و اعمال رسولان).

**(۳) سبک ادبی** - که بوسیله نویسندگان و شعرا بکار برده می شده است. کتاب عبرانیان به این سبک نوشته شده است.

زبان یونانی به حق غنی ترین زبان تاریخ بشریت از لحاظ بیان مسائل روحی، روحانی و فلسفی می باشد. مثلاً برای مفهوم «محبت»، ۵ کلمه یونانی وجود دارد که ۵ نوع محبت را توضیح می دهد یا برای کلمه «دانستن»، ۷ کلمه وجود دارد که بطور دقیق هر کدام از آنها یک نوع از فعل داشتن را توضیح می دهد (دانستن از راه دور، دانستن از تجربه شخصی، دانستن از تفکر، ...) در نتیجه خدا بوسیله این زبان توانست با محدودیت کمتر، حقایق خود را با بشر در میان بگذارد.

## **نویسندگان**

از میان ۹ نویسنده عهد جدید، تنها لوقا غیر یهودی می باشد. پولس ۱۳ کتاب، یوحنا ۵ کتاب، لوقا و پطرس هر کدام ۲ کتاب و متی و مرقس و یعقوب و یهودا هر کدام یک کتاب نوشته اند. نویسنده کتاب عبرانیان بطور دقیق مشخص نیست.

## **تقسیم بندی کتاب ها**

کتاب عهد جدید را می توان به ۴ دسته تقسیم کرد :

**(۱) کتب تاریخی** - این ۵ کتاب اول (متی، مرقس، لوقا، یوحنا و اعمال رسولان) زندگی مسیح و پخش شدن مسیحیت در قرن اول را شرح می دهند.

**(۲) نامه های پولس** - نامه ها (رسالات) بطور کلی آنچه که در اناجیل هستند را باز می کنند و نشان می دهند که چگونه زندگی یک ایماندار باید عوض شود. پولس نویسنده ۱۳ کتاب در عهد جدید می باشد. او ۹ کتاب به کلیساها و ۴ کتاب به افراد خاص نوشت تا آنها را تعلیم داده، تصحیح و تشویق نماید.

**(۳) نامه های دیگران** - این نامه ها (رسالات) شامل ۸ کتاب می باشد که بوسیله پطرس، یوحنا، یعقوب، یهودا و نویسنده عبرانیان و برای تعلیم ایمانداران کلیساها و حل مشکلات کلیسایی نوشته شده اند.

**(۴) نبوت** - کتاب مکاشفه تنها کتاب از نوع «نبوت» می باشد. این کتاب پایان مناسبی برای عهد جدید و کل کتاب مقدس می باشد چرا که به آینده نگاه کرده و بازگشت ثانوی مسیح را می بیند. این کتاب از داوری خدا و نقشه او برای ایجاد آسمان و زمین جدید خبر می دهد.

## اناجیل

اناجیل برای این نوشته شدند تا ایمان افراد را نسبت به عیسای مسیح تقویت کرده، سوالات در مورد شخصیت و کارهای عیسای مسیح را جواب داده و سوء تفاهمات نسبت به او را برطرف کنند. در ابتدا رسولان همه جا گشته و تعلیم مسیح و تجربیات خود را شفماً توضیح می دادند اما زمانی که مسیحیت به سرعت در جهان پخش شد، دیگر توضیحات شفاهی رسولان برای پخش کلام عیسای مسیح کافی نبود. پس شهادت شفاهی آنها نوشته شد تا همه جهان از آن استفاده کنند.

### اناجیل همدید Synoptic

از چهار انجیل موجود، سه انجیل متی و لوقا و مرقس «همدید» خوانده می شوند زیرا که شباهت های زیادی نسبت به یکدیگر دارند. لیکن نقطه نظر انجیل یوحنا با این سه فرق می کند. پس به آن انجیل «تکمیلی» (Supplemental) گفته می شود.

یوحنا	لوقا	مرقس	متی	
۸۰ - ۹۰	۶۰-۶۸	۵۵-۶۵	۵۸-۶۸	<b>تاریخ نگارش</b>
فکر جهانی ( کلی )	فکر یونانی ( ایده آلیستی )	فکر رومی ( عملی )	فکر یهودی ( مذهبی )	<b>مخاطب</b>
پسر خدا	انسان کامل	غلام و نجات دهنده	مسیح و پادشاه	<b>معرفی عیسی مسیح</b>
« ایمان »	« پسر انسان »	« در ساعت » ( فوراً )	« تمام شود »	<b>کلمه تکراری</b>
۳۱ : ۲۰	۱۰ : ۱۹	۴۵ : ۱۰	۵ : ۲۱	<b>آیه اصلی</b>
تشبیهات	مثال ها	معجزات	موعظه ها	<b>خصوصیات چشمگیر</b>
بر حسب موضوع	بر حسب تاریخ	بر حسب تاریخ	بر حسب موضوع	<b>ترتیب وقایع کتاب</b>
روحانی	تاریخی	عملی	نبوتی	<b>حالت کتاب</b>
%۵۰	%۵۰	%۴۲	%۶۰	<b>درصد صحبت مسیح</b>
۲۰	۲۵	۳۶	۵۳	<b>نقل قول از عهد عتیق</b>
۱۰۵	۴۲	۲۷	۷۶	<b>اشاره به عهد عتیق</b>

## تاریخ خدمت عیسی مسیح

عیسای مسیح حدوداً سال ۶ تا ۴ قبل از میلاد به دنیا آمد. او خدمت رسمی خود را در پاییز سال ۲۹ میلادی شروع نمود و در تاریخ ۱۴ آوریل سال ۳۳ میلادی بعد از سه سال و نیم خدمت، به صلیب کشیده شد و سپس از مرگ برخاست.

شروع خدمت پاییز ۲۹ میلادی	عید فصح ۱ ۷ آوریل ۳۰	عید فصح ۲ ۲۵ آوریل ۲۳	عید فصح ۳ ۱۴ آوریل ۳۳	عید فصح ۴ ۱۴ آوریل ۳۳
یوحنا ۲: ۱۳ و ۲۳	مرقس ۲: ۲۳-۲۸ لوقا ۶: ۱-۵ متی ۱۲: ۱-۸	یوحنا ۴: ۶	یوحنا ۱۱: ۵۵-۵۷	

### سوالات برای مرور درس

- ۱) چهار دوره سیاسی در دوران سکوت را نام ببرید.
- ۲) کنیسه ها به چه دلیل و برای چه منظوری بوجود آمدند؟
- ۳) سنهدرین چه کسانی بودند؟
- ۴) «ترگم» چیست و چرا بوجود آمد؟
- ۵) «ترجمه هفتاد» چیست و چرا بوجود آمد؟
- ۶) تلمود چیست و چرا بوجود آمد؟
- ۷) اپوکریفا چیست؟
- ۸) فریسی ها چه کسانی بودند؟
- ۹) صدوقیان چه کسانی بودند؟
- ۱۰) کاتبان چه کسانی بودند؟
- ۱۱) سامری ها چه کسانی بودند؟
- ۱۲) خداوند از دوره حکومت روم برای پخش سریع انجیل چگونه استفاده کرد؟
- ۱۳) تقسیم بندی کتاب های عهد جدید را بیان کنید.
- ۱۴) اناجیل «همدید» کدامند و چرا همدید خوانده می شوند؟
- ۱۵) عیسای مسیح چند سال خدمت کرد؟

## نویسنده و تاریخ نگارش

نویسنده این کتاب متی می باشد که قبل از ایمان، باجگیری بود که در شهر کفرناحوم برای رومی ها خدمت می کرد. وقتی مسیح او را دعوت کرد، بلافاصله شغل پردرآمد خود را کنار گذاشت و به دنبال مسیح رفت. همچنین بلافاصله در خانه اش مهمانی داد و تمام دوستانش را دعوت کرد تا با نجات مسیح آشنا شوند. اسم دیگر متی، لایوی بود (مرقس ۲ : ۱۴ و لوقا ۵ : ۲۷). متی یکی از ۱۲ رسول مسیح بود. کلمه «متی» به معنی «هدیه خداوند» است. تاریخ نگارش این کتاب حدود ۸۵ تا ۶۸ میلادی می باشد.

## زمینه و موضوعات اصلی

کتاب متی کتابی است که بوسیله یک یهودی و خطاب به یهودی و در مورد یک یهودی (عیسای مسیح) نوشته شده است. این کتاب پل مناسبی بین عهد عتیق و عهد جدید می باشد چرا که در آن نویسنده با نقل قول ها و اشارات بسیار به عهد عتیق، می خواهد ثابت کند که شخصیت تاریخی بنام «عیسی»، همان «مسیح موعود» و «پادشاه یهود» می باشد که در عهد عتیق وعده داده شده است. او نشان می دهد که تولد، خدمت، معجزات، موعظه ها، مرگ و رستاخیز عیسی دقیقا همان است که طبق پیشگویی های عهد عتیق، از مسیح موعود انتظار می رود.

گرچه این کتاب خطاب به یهودیان نوشته شده است اما در آن می توان این دید جهانی را مشاهده کرد که عیسی نه تنها مسیح و پادشاه یهود است بلکه نجات دهنده دنیا می باشد. در شجره نامه عیسی، زنان غیر یهودی نام برده شده اند. در تولد او مجوسیان غیر یهودی جزو اولین کسانی هستند که او را می پرستند و کتاب با دستور مسیح به پایان می رسد که «همه ملل را شاگرد بسازید».

**کلمه کلیدی :** عیسی : مسیح و پادشاه

**آیات کلیدی :** ۱۶ : ۱۶-۱۹ و ۲۸ : ۱۸-۲۰

۱۶ : ۱۶-۱۹ ... « شمعون پطرس در جواب گفت که "تویی مسیح، پسر خدای زنده!" عیسی در جواب وی گفت "خوشا بحال تو ای شمعون بن یونا! زیرا جسم و خون این را بر تو کشف نکرد، بلکه پدر من که در آسمان است. و من نیز تو را می گویم که تویی پطرس و بر این صخره کلیسای خود را بنا می کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهد یافت. و کلیدهای ملکوت آسمان را به تو می سپارم؛ و آنچه بر زمین ببندی در آسمان بسته گردد و آنچه در زمین گشایی در آسمان گشاده شود.»

۲۸ : ۱۸-۲۰ ... « پس عیسی پیش آمده، بدیشان خطاب کرده، گفت : "تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است. پس رفته، همه امت ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمید دهید. و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده ام حفظ کنند و اینک من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می باشم." آمین»



## فصل کلیدی : ۱۲

نقطه عطف کتاب متی، فصل ۱۲ می باشد که در آن، فریسی ها به عنوان رهبران مذهبی قوم اسرائیل، رسماً عیسی را به عنوان مسیح رد کرده و می گویند قدرت او نه از خدا بلکه از شیطان است. از آن نقطه به بعد، روش مسیح عوض می شود : با شاگردان وقت بیشتری گذاشته و راجع به مرگ خود صحبت می کند در تمام اناجیل این الگو را می بینیم.

### بررسی

کتاب عهد عتیق مرتب از آمدن مسیح و نجات دهنده صحبت می کند. کتاب متی مقدمه مناسبی برای عهد جدید می باشد که نشان می دهد آمدن مسیح، انجام وعده هایی است که خدا در عهد عتیق بوسیله پیامبران متعدد داده است. در کتاب متی ۵ موعظه مهم مسیح وجود دارد :

- موعظه سرکوه (فصل های ۵-۷).
- تعلیم به شاگردان (فصل ۱۰).
- مثل های ملکوت (فصل ۱۳).
- شرایط شاگردی مسیح (فصل ۱۸)
- موعظه کوه زیتون (فصل های ۲۴-۲۵).

کتاب متی شامل سه بخش اساسی می باشد :

**۱) ظهور مسیح پادشاه (فصل های ۱ تا ۱۰) -** در این بخش، بیشتر موضوعات مختلف بررسی می شود تا اینکه شرح تاریخی وقایع داده شود. کتاب با شرح تولد عیسی مسیح شروع می شود. کلمه «عیسی» در عبری «یشوا» که فرمی از «یوشع» است می باشد که به معنی «یهوه نجات است» می باشد.

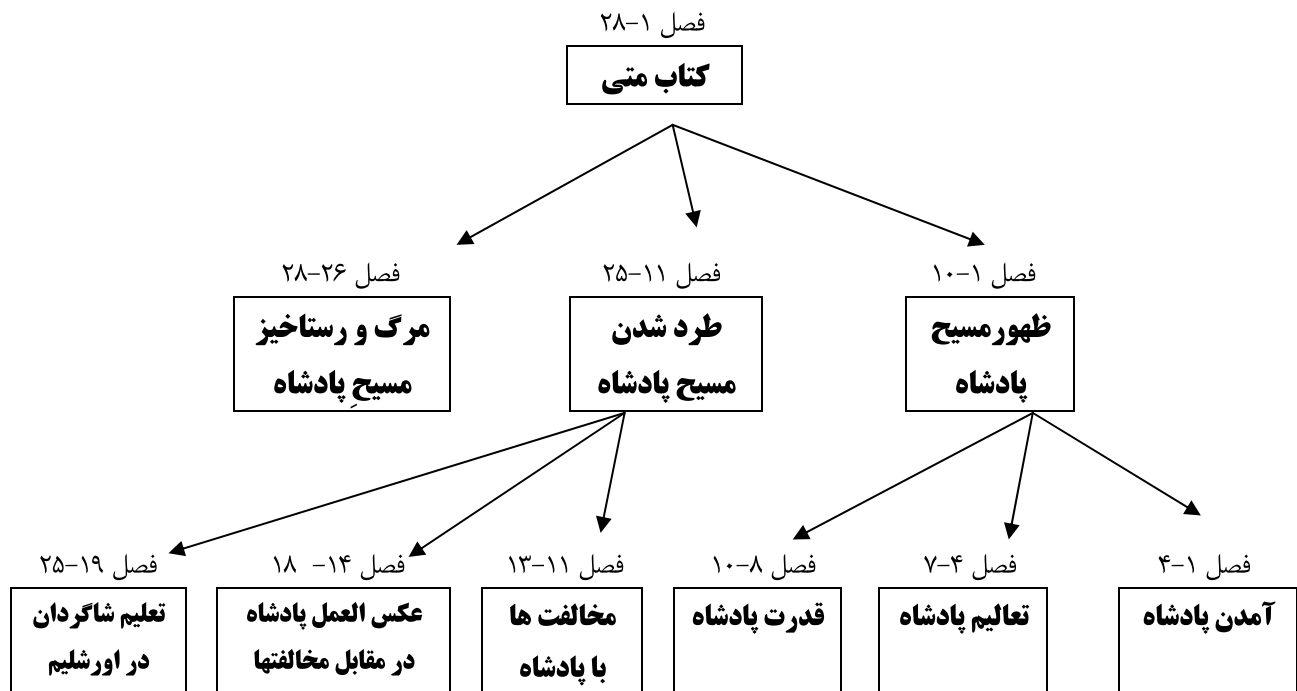
**موضوع شجره نامه -** فصل اول کتاب با شجره نامه یوسف شروع می شود. چون متی در وهله اول خطاب به یهودیان نوشته شده است، این شجره نامه نسل ها را فقط تا ابراهیم ذکر می کند چراکه ابراهیم برای یهودیان مهم ترین شخصیت تاریخ می باشد. این شجره نامه یوسف را پدر عیسی نمی داند بلکه او را «شوهر مریم» خطاب می کند. در حقیقت این شجره نامه می خواهد بطور ضمنی ثابت کند که یوسف نمی تواند جسماً پدر عیسی مسیح باشد چرا که در این شجره نامه اسم از «یکنیا» نام برده شده است (۱ : ۱۱-۱۲) که طبق پیشگویی ارمیاء، «هیچکس از ذریت وی کامیاب نخواهد شد و بر کرسی داود نخواهد نشست، و بار دیگر در یهودا سلطنت نخواهد کرد» (به ارمیاء ۲۲ : ۳۰ رجوع کنید و توجه کنید که «کنیا» پسر یهوایاقیم همان «یکنیا» می باشد : اول تواریخ ۳ : ۱۶). شجره نامه ای که در لوقا است، شجره نامه مریم می باشد و می خواهد ثابت کند که مریم مادر زمینی عیسی می بایست باشد.

در این فصل ها تولد و ظهور مسیح را می بینیم (فصل های ۱ - ۴)، سپس گفتار های او ارائه می شود (۵ - ۷) و آنگاه معجزات او بیان می شود (۸ - ۹) تا ثابت کند که مسیح بر بیماریها ، بر دیوها، بر طبیعت و بر مرگ اقتدار دارد.

**(۲) طرد شدن مسیح پادشاه (فصل های ۱۱ تا ۲۵) -** در ابتدای این قسمت، مسیح رسماً رد می شود (فصل های ۱۱ - ۱۳). بعد از آن او بیشتر وقت خود را با شاگردان می گذراند تا آنها را برای مرگ خود و خدمت آنها آماده کند. بیشتر تعالیم او در فصل های ۱۶ - ۲۰ خطاب به کسانی است که او را قبول می کنند. از طرف دیگر بیشتر تعالیم او در فصل های ۲۱ - ۲۵، خطاب به کسانی است که او را طرد می کنند. او از داوری وحشتناک آینده و پخش شدن دوباره قوم اسرائیل سخن گفته و سپس از بازگشت ثانوی خود و داوری جهان خیر می دهد.

**(۳) مرگ و رستاخیز مسیح پادشاه (فصل های ۲۶ تا ۲۸) -** در این قسمت مخالفت های دشمنان مسیح بالا گرفته، با یکدیگر متحد می شوند و نقشه قتل عیسای مسیح را می کشند. با توطئه آنها، مسیح دستگیر و محاکمه شده و به صلیب کشیده می شود.

گرچه رهبران مذهبی، تمام قوم اسرائیل مسیح بودن و پادشاه بودن او را رد می کنند، اما او با رستاخیز خود و خالی گذاشتن قبر خود ثابت می کند که در واقع مسیح و پادشاه می باشد. در آخر، این پادشاه دستور حمله به ملکوت شیطان و پخش انجیل را به تمام جهان صادر می کند (فصل ۲۸).



## مکاشفه عیسی مسیح

**پادشاه-مسیح** همان پادشاه موعود عهد عتیق می باشد (۲ : ۲ و ۲۱ : ۵ و ۲۷ : ۱۱). کلمه «ملکوت آسمان» در این کتاب ۳۲ بار استفاده شده که در هیچ جای عهد جدید تکرار نشده است (۴ : ۱۷). لقب «پسر داود» که بارها در این کتاب تکرار شده است نیز اشاره به پادشاهی او می کند چراکه مسیح پادشاه می بایست از ذریت داود بوده و تا به ابد باقی بماند. همچنین باید بخاطر داشت که در عهد عتیق، «یهوه» خود را پادشاه یهود می داند (اول سموئیل ۱۲ : ۱۲). پس وقتی عیسی مسیح ادعا می کند که پادشاه یهود می باشد (متی ۲۷ : ۱۱)، در حقیقت دارد ادعا می کند که او «یهوه» می باشد.

**مسیح** - در این کتاب بیشتر از ۱۳۰ بار از عهد عتیق نقل قول شده و یا به آن اشاره می شود تا ثابت کند عیسی همان مسیح موعود است که پیامبران عهد عتیق از او سخن گفته اند.

**پسر خدا** - تولد معجزه آسای مسیح بطور مفصل شرح داده شده است تا نشان دهد مسیح، پسر خدا است (۱ : ۲۳ و ۲ : ۱۵). این حقیقت بوسیله خدای پدر تایید می شود (۳ : ۱۷). معنی الهی آن بوسیله مسیح توضیح داده می شود (۲۲ : ۴۱ - ۴۶)، بوسیله شاگردان اعلام می شود (۱۶ : ۱۶) و بوسیله خود عیسی مسیح اقرار می گردد (۲۶ : ۶۳ - ۶۴).

**پسر انسان** - مسیح خود را در آن واحد پسر خدا و پسر انسان می خواند (۶۲ : ۳۶ - ۴۶) تا نشان دهد او خدای کامل و در عین حال انسان کامل می باشد.

## مکاشفه روح القدس

کار روح القدس را در هر قدم زندگی عیسی مسیح از تولد تا مرگ و رستاخیز او می توان مشاهده کرد.

**روح خلقت** - روح القدس نطفه مسیح را در رحم مریم خلق کرد (۱ : ۱۸ و ۲۰).

**روح قدرت** - عیسی مسیح قبل از شروع خدمتش، خود از روح القدس پر شد (۳ : ۱۶). به قدرت روح القدس بود که او می توانست شفا دهد (۱۲ : ۱۵-۲۱) و دیوها را اخراج کند (۱۲ : ۲۸).

**روح هدایت** - روح القدس بود که مسیح را هدایت می نمود و حتی او را برای روبرویی با شیطان به بیابان برد (۴ : ۱).

**تعمید روح القدس** - همانطور که یحیی به آب تعمید می داد، وعده عهد جدید این است که مسیح کسانی که به او ایمان آورند را به روح القدس تعمید می دهد (۳ : ۱۱).

## دروس اصلی روحانی

### **۱ - محدودیتی برای خادم خدا وجود ندارد.**

عیسی مسیح با قدرت روح القدس بود که خدمت می کرد، شفا می داد و دیوها را بیرون می کرد. چون همین روح القدس در ما نیز ساکن است، پس مسیح انتظار دارد که کارهای او را تکرار کنیم و حتی کارهای بزرگتر از او انجام دهیم. پس باید باور کنیم که همین قدرت که در مسیح بود بوسیله روح القدس در ما نیز ساکن است. باید ایمان داشته باشیم که در خدمتی که برای مسیح می کنیم و در قدرتی که از ما برای شفا و معجزات می تواند صادر شود، هیچ محدودیتی وجود ندارد. تنها چیزی که عملکرد این قدرت را در ما محدود می کند کمبود ایمان ما، بی اطاعتی ما و عدم زندگی پاک ما می باشد.

چه چیزی جریان قدرت روح القدس را در شما محدود می کند؟ بی ایمانی؟ بی اطاعتی از کلام خدا؟ یا گناه؟ از هر کدام از این محدودیت ها باید توبه کنیم، خود را تسلیم خدا کنیم و اجازه دهیم روح القدس از ما جاری شده و عمل نماید. زور ما نیست که آیات و معجزات را جاری می کند بلکه تسلیم شدن ما است.

## ۲ - خادم خدا طبق قوانین روحانی ملکوت خدا زندگی می کند.

در فصل های ۵-۷، عیسای مسیح روش های زندگی مذهبی را کوبیده و زندگی در ملکوت خدا را توضیح می دهد. او هر گونه ظاهر سازی را محکوم می کند. «خوشا به حال» ها درست برعکس منطق و روش های انسانی هستند. او می خواهد ما نور و نمک باشیم. او از جدار مذهب گذشته و به قلب و روح کار دارد. مسایلی مانند خشم، شهوت، طلاق، سوگند خوردن، تلافی کردن، رفتار با دشمنان، صدقه دادن، دعا کردن، روزه گرفتن، پول، غصه خوردن و انتقاد از دیگران را از دیدگاه روحانی باز می کند. سپس هشدار می دهد که ایمان به زبان نیست بلکه هر شخص را از میوه های او می توان شناخت.

میوه های شما کدام است؟ آیا مطابق استانداردهای روحانی ملکوت خدا زندگی می کنید؟ چند نفر به خاطر زندگی شما به عیسای مسیح ایمان آورده و بخاطر شما در مسیح استوار و قوی هستند؟

افرادی که سرمشق شما هستند و در زندگی شما تاثیر می گذارند، خود آنها چند نفر را به مسیح آورده و در زندگی پاک و پرثمر مسیحی تربیت کرده اند؟ هر درخت را از میوه هایش می توان شناخت. میوه های اشخاصی که از آنها تاثیر می پذیرید کدام است؟

## ۳ - یک مسیحی مساله خدمت را جدی می گیرد.

در فصل های ۲۴ و ۲۵، عیسای مسیح هشدارهای تکان دهنده در مورد فعال بودن در خدمت می دهد. مسیحی که بعد از نجات وقت خود را تلف می کند و به امور دنیا مشغول می شود، مسیح او را «شریر» می خواند و او را در مکانی قرار می دهد که «گریه و فشار دندان» خواهد بود (۲۴ : ۳۶ - ۵۱). همچنین غلامی که به او قنطاری (هر چقدر کم) داده شده است، اگر آن قنطار را برای منفعت ملکوت خدا بکار نبرد، مسیح او را «غلام شریر بیکاره» می خواند و «آن غلام بی نفع» را در «ظلمت خارجی جایی که گریه و فشار دندان» است خواهد انداخت.

مساله خدمت و صرف کردن منابع خود (وقت، استعداد، پول) برای ملکوت خدا متأسفانه از دید بسیاری از مسیحیان انتخابی است. به نظر آنها این امر مربوط به تعداد محدودی است که بسیار روحانی هستند و احیاناً کار دیگری نداشته و وقت زیاد دارند. این فکر و روحیه مخالف کلام خداست و کسانی که چنین فکری دارند، هنگام بازگشت مسیح بسیار یکه خورده و به آنجایی که فکر می کنند نخواهند رفت.

دید و روحیه و تعهد شما به خدمت خدا چگونه است؟ با قنطارهای خود چه می کنید؟ آیا با وقت، عطایا و پول که خدا به شما داده ملکوت او را خدمت می کنید؟ اگر امروز عیسای مسیح برگردد به شما چه خواهد گفت؟ توبه امروز بهتر از گریه و دندان ساییدن فردا است.

## **سوالات برای مرور درس**

- ۱) کلمه کلیدی کتاب متی چه می باشد؟
- ۲) بخش های اصلی کتاب متی را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) فصل کلیدی کتاب متی کدام است؟ در این فصل چه اتفاقی می افتد؟
- ۴) کتاب متی خطاب به چه کسانی نوشته شده است و می خواهد چه چیزی را به آنها ثابت کند؟
- ۵) شجره نامه ذکر شده در متی، شجره نامه چه کسی است و می خواهد چه چیزی را ثابت کند؟
- ۶) دو درس روحانی کتاب متی را بیان کنید.
- ۷) سه مکاشفه عیسای مسیح را در کتاب متی نام ببرید.
- ۸) سه مکاشفه روح القدس در کتاب متی را نام ببرید.

## مرقس

### نویسنده و تاریخ نگارش

نویسنده این کتاب مرقس می باشد. او احتمالاً بوسیله پطرس ایمان آورد چون پطرس او را «پسر من» خطاب می کند. مرقس احتمالاً اطلاعات این انجیل را از پطرس گرفته است. او برادر زاده برنابا بود (کولسیان ۴ : ۱۰) که با پولس و برنابا به اولین سفر بشارتی رفت اما در نیمه راه برگشت. اما برنابا او را رها نکرد بلکه او را تربیت کرد که بعد ها خادم محکم و مفیدی برای خداوند گشت بطوری که حتی پولس او را تایید کرد (دوم تیموتاوس ۴ : ۱۱). مرقس اسم یونانی می باشد و اسم عبری او «یوحنا» بود (اعمال ۱۲ : ۱۲ و ۲۵). تاریخ نگارش این کتاب حدود ۵۵-۶۵ میلادی می باشد.

### زمینه و موضوعات اصلی

مرقس خطاب به رومی ها نوشته شده و مسیح را یک خدمتکار (خادم) و در عین حال نجات دهنده معرفی می کند. پیغام مرقس در یک آیه خلاصه می شود : « زیرا پسر انسان نیز نیامده تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیاری بسازد.» (۱۰ : ۴۵). بنابراین کتاب در مورد خدمت و فداکاری مسیح زیاد صحبت می کند.

رومی ها مردمی نبودند که مانند یونانی ها اهل فلسفه باشند. آنها افرادی اهل عمل بودند. حرکت، فعالیت، خدمت، عمل کردن و جانبازی برای فکر رومی (و هر انسان که مرد عمل است) بسیار مهم می بود. در این کتاب، مسیح خادمی است که مرتب در حال حرکت و خدمت است و در آخر نیز جان خود را فدا می کند. او نمونه کامل یک خادم است و بعد از رستاخیز خود به ایمانداران خود ماموریت می دهد و به آنها قدرت می دهد که مانند او یک خادم نمونه و کامل باشند.

چون مخاطب این انجیل یک شخص رومی است، از شجره نامه مسیح، نبوت های عهد عتیق و اشاره به شریعت موسی خبری نیست چرا که برای یک رومی این مسائل مورد توجه و مهم نمی باشند. برای آنکه خواننده رومی منظور را بهتر درک کند، مرقس در چند جا لغات آرامی را به یونانی ترجمه می کند (۳ : ۱۷ و ۵ : ۴۱ و ۷ : ۳۴ و ۱۵ : ۲۲) و در چند جا نیز لغات لاتین (زبان رومی ها) را بجای لغت یونانی بکار می برد (۴ : ۲۱ و ۶ : ۲۷ و ۱۲ : ۱۴ و ۱۴ : ۴۲ و ۱۵ : ۱۵ \_ ۱۶ و ۳۹).

رومی ها بیشتر مرد عمل بودند تا حرف. بنابراین مرقس بیشتر به کارهای مسیح می پردازد تا به سخنان او. همچنین این کتاب کمتر از مثال ها و تعالیم مسیح صحبت می کند و بیشتر به معجزات او می پردازد تا نه تنها قدرت مسیح بلکه قلب مهربان او را به خواننده ها بشناساند. کلمه «بلافاصله» یا «در ساعت» ۴۲ بار در این انجیل بکار رفته شده است که نشان دهنده حرکت می باشد.

**کلمه کلیدی :** عیسی : خادم و نجات دهنده

**آیات کلیدی :** ۱۰ : ۴۳ - ۴۵ و ۸ : ۳۴ - ۳۷

۱۰ : ۴۳-۴۵ ... « لیکن در میان شما چنین نخواهد بود، بلکه هر که خواهد در میان شما بزرگ شود، خادم شما باشد. و هر که خواهد مقدم بر شما شود، غلام همه باشد. زیرا که پسر انسان نیز نیامد تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیاری کند.»

۸ : ۳۴-۳۷ ... « پس مردم را با شاگردان خود خوانده، گفت : "هر که خواهد از عقب من آید، خویشتن را انکار کند و صلیب خود را برداشته، مرا متابعت نماید. زیرا هر که خواهد جان خود را نجات دهد، آن را هلاک سازد؛ و هر که جان خود را بجهت من و انجیل بر باد دهد آن را برهاند. زیرا که شخص را چه سود دارد هرگاه تمام دنیا را ببرد و نفس خود را بیازد؟ یا آنکه آدمی چه چیز را به عوض جان خود بدهد؟"»

### **فصل کلیدی : ۸**

مانند انجیل متی، انجیل مرقس نیز یک نقطه عطف دارد که در آن مسیح روش خدمتی خود را تغییر می دهد. در فصل ۸، پطرس اقرار می کند که «تو مسیح هستی». تا آن زمان عیسی می خواست که مسیح بودن خود را ثابت کند. اما از آن نقطه به بعد به تقویت شاگردانش می پردازد تا آنها را برای مرگ قریب خود آماده کند.

### **بررسی**

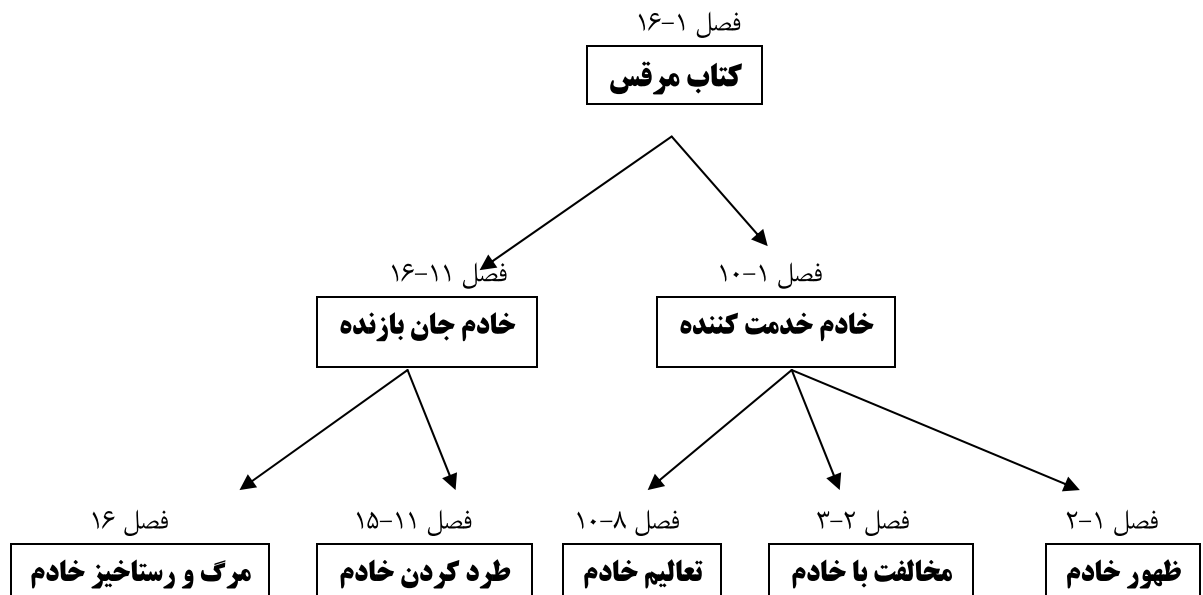
مرقس کوتاه ترین انجیل هاست و شامل دو بخش اساسی است.

#### **(۱) خادم خدمت کننده (فصل های ۱ تا ۱۰) - مرقس از داستان تولد مسیح می پرد (که برای خواننده رومی جالب**

نیست) و بلافاصله به شرح شروع خدمت او می پردازد (که برای خواننده رومی جالب است). او در همان فصل اول، بوسیله یحیی تعمید گرفته، از روح القدس پر شده، در بیابان بوسیله شیطان تجربه شده و به خدمت می پردازد.

#### **(۲) خادم جان بازنده (فصل های ۱۱ تا ۱۶) - بیشتر این فصل ها به شرح حال « غلام نمونه» در هفته آخر عمرش**

اختصاص داده شده است. مخالفت با او اوج گرفته و به دستگیری و مصلوب شدن او می انجامد. او در مقابل دستگیری، شکنجه و صلیب شدنش هیچ مقاومتی نمی کند. در آخر، مسیح از مرگ برخاسته و به شاگردانش ماموریت و قدرت می دهد که مانند او خادم مفید و نمونه باشند (۱۶ : ۱۵-۱۸).



### مکاشفه عیسای مسیح

**خادم نمونه** - مسیح خادم نمونه می باشد. او مطیع و دلسوز بوده و همیشه در حال خدمت است و به احتیاجات جسمانی و روحانی دیگران می رسد.

**پسر خدا** - مرقس گرچه مسیح را به عنوان یک خادم معرفی می کند اما در مورد هویت و الوهیت مسیح کوتاه نمی آید و او را پسر خدا معرفی می کند (۱ : ۱۱ و ۱۱ : ۳ و ۵ : ۷ و ۹ : ۷ و ۱۳ : ۳۲ و ۱۴ : ۶۱ و ۱۵ : ۳۹). حتی داستان باغبانهای ظالم به پسر بودن او اشاره می کند.

**پسر انسان** - عنوانی که مسیح بیشتر از همه در این کتاب در رابطه با خود بکار می برد «پسر انسان» است (۱۴ بار) که خدا بودن و در عین حال انسان بودن خود را اعلام می کند (دانیال ۷ : ۱۳).

### مکاشفه روح القدس

**گناه بر علیه روح القدس** - هر کفری بخشیده می شود اما وقتی کارهای روح القدس به شیطان نسبت داده می شود، بخشیده نخواهد شد (۳ : ۲۸).

**روح قدرت در خدمت** - عیسای مسیح در تعمیدش از روح القدس پر می شود که او را برای خدمتی پر ثمر قدرت می بخشد.

**روح هدایت** - روح القدس بود که مسیح را هدایت می نمود و حتی او را برای روبرویی با شیطان به بیابان برد (۱ : ۲۱).

**تعمید روح القدس** - مانند اناجیل دیگر، مرقس اعلام می کند که همانطور که یحیی مردم را در تعمید کاملاً در آب فرو می برد، روزی مسیح نیز ایمانداران خود را کاملاً در روح القدس فرو می برد.



**روح الهام** - عیسیای مسیح می فرماید که وقتی بخاطر او دستگیر می شویم یا در موقعیت های سخت گرفتار می شویم، نگران نباشیم بلکه اجازه دهیم روح القدس از طریق ما صحبت کند (۱۳ : ۹-۱۱)

## **دروس اصلی روحانی**

### **۱ - خادم خدا باید خود را انکار کند.**

تمام انجیل مرقس، خادم نمونه ای را معرفی می کند که همواره خود را انکار می کند. او در هر لحظه آماده خدمت و از خود گذشتگی و رسیدن به احتیاجات جسمی و روحی مردم می باشد.

مسیح از ما می خواهد که نمونه او را پیروی کنیم : « هر که خواهد از عقب من آید، خویشتن را انکار کند و صلیب خود را برداشته، مرا متابعت نماید زیرا هر که جان خود را نجات دهد، آن را هلاک سازد و هر که جان خود را بجهت من و انجیل بر باد دهد، آن را برهاند » (۸ : ۳۴-۳۸).

این یک اصل مهم در خدمت می باشد : در خدمت هر چقدر که خود را انکار می کنید، به همان اندازه قدرت دارید و به همان نسبت برای خدا ثمر می آورید. پس سوال این است : شما در زندگی خود تا چه حد خود را انکار می کنید و تا چه حد به فکر تشکیل زندگی و رسیدن به خود هستید؟

تمرکز بر بدست آوردن زندگی، طبق کلام خدا راهی است که به هلاکت و پوچی و بیهودگی ختم می شود. تمام دنیا این طرز فکر را دارد و این روش برایشان عادی است. برعکس اگر کسی به دنبال این دنیا نباشد، برای مردم این دنیا شخص غیر عادی به نظر می آید و حتی مورد تمسخر آنها قرار می گیرد. اما کلام خدا چیز دیگر می گوید. اگر زندگی خود را صرف تشکیل زندگی و موفقیت های زمینی بکنید، مطمئن باشید که در آخر متوجه خواهید شد که عمر خود را بیهوده تلف کرده اید و تازه از آن هیچ لذتی هم نبرده اید. برعکس اگر جان و زندگی خود را کاملاً به مسیح و برای خدمت انجیل بسپارید، آنگاه زندگی پر ثمر و پر معنی خواهید داشت و در آخر عمر با رضایت خاطر و با دستی پر به سوی خداوند خواهید رفت. انتخاب شما چیست؟ چه نوع زندگی را انتخاب می کنید؟

### **۲ - مسیح خادم خود را با آیات و معجزات تایید می کند.**

بعد از رستاخیزش، مسیح به ایمانداران خود دستور می دهد : « در تمام عالم بروید و جمیع خلائق را به انجیل موعظه کنید » و سپس قول می دهد که « این آیات همراه ایمانداران خواهد بود که به نام من دیوها را بیرون کنند و به زبانهای تازه حرف زنند و هر گاه دستها بر مریضان گذارند شفا خواهند یافت. » (۱۶ : ۱۵-۱۸).

توجه کنید که طبق این آیات، خداوند آیات و معجزات را وقتی جاری می کند که ایمانداران دستور بشارتی او را جدی گرفته و با جرات انجیل را به جمیع خلائق موعظه کنند. بعضی ایمانداران به دنبال آیات و معجزات هستند تا تجربه هیجان انگیز روحانی داشته باشند. اما کلام خدا می گوید که آیات و معجزات در وهله اول برای غیر ایمانداران است نه ایمانداران. زیرا که ایمانداران از قدرت مسیح آگاه هستند و آن را روزانه تجربه می کنند. اما غیر ایمانداران هستند که احتیاج دارند برای تایید کلامی که اعلام می کنیم، آیات و معجزات را ببینند.

روزی از خواهر پارکویی (که عطیه شفا دارد) پرسیدم آیا برای مسیحیان نیز دعای شفا می کنی؟ گفت نه! من فقط برای غیر مسیحیان دعای شفا می کنم و خدا معجزه کرده و شفا می دهد. پرسیدم چرا برای مسیحیان دعا نمی کنی، گفت چونکه یک ایماندار وعده های خدا را دارد. او مسیح را می شناسد و فقط کافی است که با ایمان خودش دعا کند تا شفا را بگیرد پس به من احتیاج ندارد. این غیر مسیحیان هستند که چون رابطه مستقیم با خدا ندارند، احتیاج دارند من برایشان دعا کنم تا شفا یابند. آیا می خواهید که آیات و معجزات از شما صادر گردد؟ پس این دستور عیسای مسیح را جدی بگیرید و بشارت دهید. از طرف دیگر، هر وقت که بشارت می دهید با تکیه بر این آیه، با جرات و ایمان برای آیات و معجزات و شفا دعا کنید و انتظار داشته باشید که خداوند، انجیل خود را بوسیله آیات و معجزات تایید کند.

### **سوالات برای مرور درس**

- ۱) کلمه کلیدی کتاب مرقس چه می باشد؟
- ۲) بخش های اصلی کتاب مرقس را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) کتاب مرقس خطاب به چه کسانی نوشته شده است و می خواهد چه چیزی را به آنها ثابت کند؟
- ۴) دو درس روحانی کتاب مرقس را بیان کنید.
- ۵) دو مکاشفه عیسای مسیح را در کتاب مرقس نام ببرید.
- ۶) سه مکاشفه روح القدس در کتاب مرقس را نام ببرید.
- ۷) چرا در کتاب مرقس، شجره نامه عیسای مسیح ذکر نشده است؟

## لوقا

### نویسنده و تاریخ نگارش

لوقا که یک غیر یهودی ( یونانی ) بود، دوست و همسفر پولس بود. پولس او را «طیب محبوب» صدا می زند (کولسیان ۴ : ۱۴ و فلیمون ۲۴). لوقا دکتر محقق است که بعد از تحقیقات و مصاحبه های زیاد (حتی با خود مریم، مادر عیسی مسیح) اطلاعات لازم را جمع کرده و برای دوستش تیوفلس (به معنی «دوست خدا» ) می فرستد. تاریخ نگارش در نیمه اول سالهای ۶۰ میلادی می باشد.

### زمینه و موضوعات اصلی

لوقا که یک طیب غیر یهودی ( یونانی ) بود شرح وقایع زندگی و خدمت عیسی مسیح را به ترتیب تاریخی می نویسد. این کتاب مسیح را یک « انسان کامل» معرفی می کند وموضوع اصلی آن این است که عیسی مسیح آمد تا انسان گمشده را « بجوید و نجات بخشد» ( ۹۱ : ۱۰). اما خدمت او باعث دودسته گی می شود. یک دسته با او ایمان می آورند و یک دسته نه تنها ایمان نمی آورند بلکه با او مخالفت می کنند. این مخالفت بالا می گیرد تا اینکه او را مصلوب می کنند. اما او با رستاخیز خود تضمین می کند که خدمت جستجو کردن و نجات دادن انسانها توسط او ادامه خواهد داشت.

انجیل لوقا خطاب به یونانی ها نوشته شده است. آنها در فلسفه خود به دنبال انسان کامل می گشتند و می خواستند با عقل و فلسفه، انسان را به کمال برسانند. انجیل لوقا اعلام می کند مسیح همان کمال مطلوب و انسان کامل است که آنها به دنبالش هستند چرا که خود خدا صورت انسانی گرفته است. لوقا در این انجیل کلمات عبری را برای خواننده یونانی خود ترجمه می کند و آداب و رسوم یهود را توضیح می دهد.

بخاطر طرز فکر خواننده که یونانی می باشد، انجیل لوقا به انسانها توجه زیادی می کند. این علاقه و توجه را می توان در شرح داستان زکریا، سامری نیکو، پسر گمشده، زکی و دو شاگرد در راه عمواس مشاهده کرد. همچنین برای توضیح دادن مسائل معنوی و روحانی، از روش فلاسفه یونانی استفاده کرده و با مثال های متعدد این مفاهیم را توضیح می دهد. موضوعات اصلی دیگر انجیل لوقا، دعا و روح القدس می باشد که همانطور که در کتاب اعمال رسولان می بینیم، از موضوعات مورد علاقه خود دکتر لوقا می باشد. این انجیل نشان می دهد که عیسی مسیح، پسر انسان، نجات دهنده تمام مردم جهان است چرا که در آن نجات یهودیان، سامری ها، غیر یهودیان، فقیر و ثروتمند، محترم و منفور جامعه، رهبران مذهبی و باجگیران را می توان مشاهده کرد.

**کلمه کلیدی :** عیسی : پسر انسان (انسان کامل)

**آیات کلیدی :** ۱ : ۳-۴ و ۱۹ : ۱۰

۱ : ۳-۴ ... « من نیز مصلحت چنان دیدم که همه را من البدایه به تدقیق در پی رفته، به ترتیب به تو بنویسم ای تیوفلس عزیز، تا صحت آن کلامی که در آن تعلیم یافته ای دریابی.»

۱۹ : ۱۰ ... « زیرا که پسر انسان آمده است تا گمشده را بجوید و نجات بخشد.»

## فصل کلیدی : ۱۵

در این فصل با سه مثال گوسفند گمشده، سکه گمشده و پسر گمشده، موضوع اصلی این انجیل تشریح می شود که مسیح آمد تا گمشده را بجوید و نجات بخشد.

### بررسی

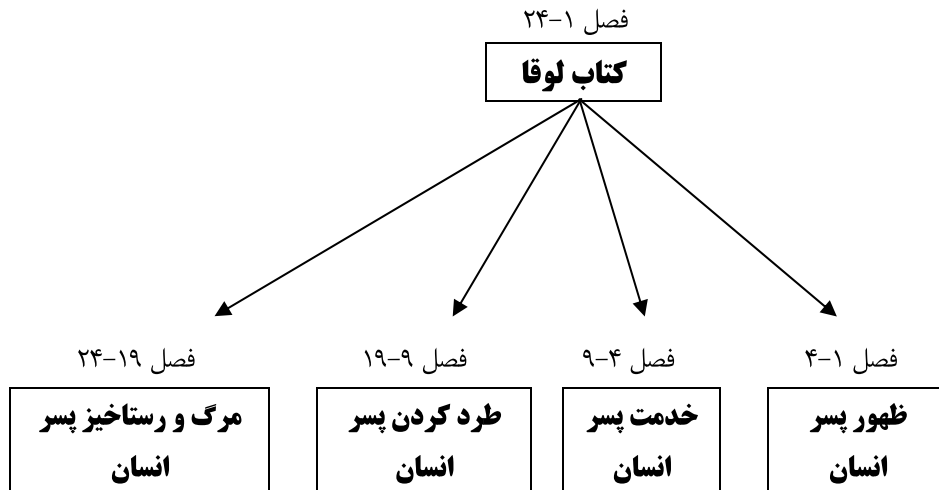
لوقا شرح انجیل را از نقطه نظر تاریخی بیان می کند و از همه اناجیل جزئیات بیشتر داشته و بلندتر است. این انجیل دارای ۴ بخش اساسی است.

**(۱) ظهور پسر انسان (فصل های ۱ تا ۴) -** مسیح به دنیا آمده و ظهور می کند. او در طی ۳۰ سال آماده می شود تا یک خدمت ۳ ساله را انجام دهد. شجره نامه عیسای مسیح در این کتاب در واقع شجره نامه مریم می باشد و تا به آدم بر می گردد که بخصوص مورد توجه خواننده یونانی می باشد و نشان می دهد که آدم به عنوان انسان اول، نقطه مشترک همه بشر می باشد و بعلاوه نشان می دهد که این نجات متعلق به قوم خاصی نیست بلکه برای تمام بشر است. شرح تولد عیسای مسیح در فصل های اول، به خواننده یونانی تفهیم می کند که عیسای مسیح انسانی نبود که به کاملیت رسیده باشد (هدف و آرزوی فلاسفه یونانی) بلکه خدایی بود که انسان شده بود تا نمونه عالی از انسان کامل را پیش چشم ما بگذارد.

**(۲) خدمت پسر انسان (فصل های ۴ تا ۹) -** در این بخش، قدرت و اقتدار پسر انسان به نمایش گذاشته می شود. او نشان می دهد که بر دیوها، امراض، طبیعت و اثرات گناه اختیار کامل دارد.

**(۳) طرد شدن پسر انسان (فصل های ۹ تا ۱۹) -** هرچه از خدمت پسر انسان می گذرد، همراه با ایمان آوردن عده ای، مخالفت با او نیز بیشتر ریشه می گیرد. هنگامی که مرگ خود را نزدیک می بیند و خود دارد به سوی اورشلیم می رود تا در آنجا مصلوب گردد، شاگردان خود را در موارد مختلف چون دعا، طمع، امانت، توبه، فروتنی، شاگرد، بشارت، پول، بخشش، خدمت، روحیه شکرگزاری، نجات و بازگشت ثانوی تعلیم می دهد (فصل های ۱۲ تا ۱۹).

**(۴) مرگ و رستاخیز پسر انسان (فصل های ۱۹ تا ۲۴) -** عیسای مسیح بعد از ورود پیروزمندانه به اورشلیم، با مخالفت های کاهنان، صدوقی ها و کاتبان روبرو می شود. برای بار آخر، قبل از رفتن به باغ جتسیمانی، شاگردان خود را تعلیم می دهد. بعد از سه محاکمه مذهبی و سه محاکمه دولتی، مصلوب می گردد. اما همانطور که قول داده بود بر مرگ ظفر یافته و در موارد مختلف به شاگردان خود ظاهر می شود و در آخر به نزد پدر بالا برده می شود.



## مکاشفه عیسای مسیح

**پسر انسان** - انسانیت و رحمت و دلسوزی مسیح در انجیل لوقا به طور واضح تشریح شده است. لوقا شرح مفصل تولد مسیح را می نویسد. او در نقش انسان کاملی است که با دردها و بدبختی های بشر، همدردی می کند. او گناهان و غم های بشر را برداشته و او را نجات می دهد. مسیح تنها کسی است که با مدل انسان کامل که یونانی ها در فلسفه و فکر خود داشتند، کاملاً وفق می کند. او انسان کاملی است که آمد تا انسانهای ناکامل را نجات بخشد.

**پسر خدا** - در تعمیم آب، خود خدای پدر، مسیح را به عنوان پسر خدا تایید می کند (۳ : ۱۲ - ۲۲).

**نبی** - عیسای مسیح آن نبی است که قرار بود در نقش نجات دهنده و مسیح بیاید (۴ : ۲۴ و ۷ : ۱۶ و ۳۹ و ۹ : ۱۹ و ۲۴ : ۱۹). ما مسلمان زاده ها بخاطر اینکه مسیح را فقط به عنوان یک نبی به ما معرفی کرده بودند، روی این تاکید داریم که عیسای مسیح نبی و پیامبر نبود. اما در حقیقت مقصود ما این است که او فقط یک نبی نیست و بیشتر از یک نبی می باشد. در حقیقت عیسای مسیح در هر مورد یک نمونه کامل است. او در قسمت نبوت، بهترین نبی، در قسمت انسانیت، بهترین انسان، در قسمت سلطنت، بهترین پادشاه می باشد.

**مسیح** - لوقا نه تنها عیسی را به عنوان مسیح معرفی می کند بلکه برای خواننده های غیر یهودی خود توضیح می دهد این مسیح بودن چه معنی دارد. نقش مسیح بودن را در مرگش توضیح می دهد (۹ : ۳۱ و ۵۱)، او پسر داود است (۲۰ : ۴۱-۴۴)، پسر انسان است (۵ : ۲۴)، نجات دهنده است (۴ : ۱۷-۱۹) که با گناهکاران محسوب شد (۲۲ : ۳۷).

**خداوند** - لوقا عیسای مسیح را در این کتاب ۱۸ بار «خداوند» خطاب می کند (و ۵۰ بار در کتاب اعمال رسولان). این لقب، خود به الهیت عیسای مسیح اشاره می کند. بعد از رستاخیز عیسای مسیح ثابت کرد که خداوند است.

## **مکاشفه روح القدس**

در لوقا، ۱۷ بار مستقیماً به روح القدس اشاره شده است.

**خلقت** - روح القدس در حاملگی و تولد عیسی مسیح نقش داشت و در حقیقت خدایی که دنیا و انسان را خلق کرد، چنین عیسی مسیح را در رحم مریم خلق نمود.

**روح نبوت** - روح القدس ایصابات را پر کرده و به او نبوت می دهد (۱ : ۴۱-۴۵). همچنین شمعون را روح القدس به هیکل هدایت کرده و نبوت می دهد (۲ : ۲۶-۳۵)

**روح هدایت** - روح القدس بود که شمعون را در زمان خاص به هیکل هدایت کرد. همینطور او مسیح را هدایت کرد که برای روبرویی با شیطان به بیابان برود (۴ : ۱).

**مسح خدمتی** - روح القدس مسیح را برای خدمتی موثر مسح کرد (۴ : ۱۸). مسیح با قدرت روح القدس خدمت می کرد (۴ : ۳۱-۴۴). عیسی مسیح چنین مسحی را به ایماندارانش وعده می دهد (۲۴ : ۴۹).

## **دروس اصلی روحانی**

### **۱ - هیچ انسانی وجود ندارد که برای او امید نجات وجود نداشته باشد.**

در انجیل لوقا می بینیم که عیسی مسیح همه را دوست دارد و می خواهد همه نجات پیدا کنند. در این انجیل می بینیم از همه نوع شخصیت ها و زمینه ها ایمان می آورند : ثروتمند و فقیر، باجگیر و کاهن، بدنام و خوشنام. در نتیجه باید برای نجات همه انسانها امیدوار بوده، ایمان داشته و تلاش کنیم. نباید فقط به دنبال فقرا رفت یا فقط به دنبال ثروتمندان. نباید فقط به دنبال تحصیل کرده ها رفت و یا فقط به دنبال کم سوادان. نباید فقط به دنبال بالا شهری ها رفت و یا فقط به دنبال جنوب شهری ها. بلکه باید برای همه اقشار جامعه دید و دل داشته و برای نجات آنها برنامه داشته باشیم .

تجربه من اکثراً این بوده است که افرادی که فکر می کردم زود ایمان می آورند، دیر ایمان آورده اند و برعکس آنهایی که فکر می کردم احتمالاً هیچوقت ایمان نمی آورند زود تر از همه ایمان آورده اند. آنهایی که در گناه و دنیا غرق هستند، گاهی بهترین و قوی ترین ایمانداران خواهند بود. کسانی که با جدیت با کلام انجیل مخالفت می کنند، می توانند بزودی خادم امین خدا بوده و او را با جدیت خدمت کنند.

چه کسی را می شناسید که نجات او بعید به نظر می رسد و شاید از نجات او قطع امید کرده اید. برایش با ایمان دعا کنید و انجیل نجات بخش مسیح را با او در میان بگذارید. احتمالاً او خیلی زودتر از بسیاری که به نجات آنها امیدوارتر هستید ایمان خواهد آورد.

### **۲ - مسیح می خواهد مسح خود را به خادمینش منتقل کند.**

عیسی مسیح ماموریت خود را در ابتدای خدمت خود در لوقا ۴ : ۱۸ بیان می کند و بلافاصله آنرا در عمل پیاده می کند. اکنون عیسی مسیح خدمت و ماموریت خود را به ما سپرده است تا کارهای او را ادامه دهیم. اما برای ادامه کار او، به مسح او نیز احتیاج داریم تا بتوانیم بگوییم : « روح خداوند بر من است. او مرا مسح کرده است تا.....»

بیاید زندگی خود را تسلیم مسیح و روح القدس کرده و مسح او را برای خدمت طالب باشیم تا خدمت ما نیز مانند مسیح موثر و مفید و پر از ثمرات روح القدس باشد. اگر می خواهیم کار مسیح را ادامه بدهیم، باید مسح او را داشته باشیم. خوشبختانه او روح القدس را به ما داده است و همان روح که در مسیح کار می کرد، می تواند در ما نیز کار کند.

عیسای مسیح ماموریت لوقا ۴ : ۱۸ خود را بوسیله بدن زمینی خود عملاً به انجام رسانید. او هنوز از بدن زمینی خود (کلیسا یعنی من و شما) استفاده می کند تا آن ماموریت را به انجام برساند.

### **۳ - انجیل عیسای مسیح فقط به نجات محدود نمی شود بلکه شامل شفا و آزادی نیز می باشد.**

کلمه «انجیل» به معنی «خبر خوش» می باشد. اما این خبر خوش فقط محدود به آسمان نمی شود بلکه به زندگی ما در زمین نیز مربوط است. این پیغام فقط به این محدود نمی شود که نجات پیدا کرده ایم و بعد از مرگ به بهشت می رویم. بلکه این خبر خوش شامل این می شود که خدا می خواهد در همین زندگی نیز ما را برکت داده، شفا دهد و آزاد کند. شفای جسمی، شفای روحی، شفای احساسی، شفای قلب های شکسته همه جزو خبر خوش (انجیل) می باشند. آزادی از عادت های بد، آزادی از اعتیادها، آزادی از افسردگی و غم و ناامیدی، آزادی از ضعف و بیچارگی، آزادی از حملات شیطان همه جزو انجیل هستند.

آیا تمام انجیل را خود تجربه کرده اید؟ آیا شفا و آزادی را از مسیح دریافت کرده اید؟ اگر بله، اکنون خداوند می خواهد شما نیز از روح او پر شده و حامل خبر نجات، شفا و آزادی برای بقیه باشید.

### **سوالات برای مرور درس**

- ۱) کلمه کلیدی کتاب لوقا چه می باشد؟
- ۲) بخش های اصلی کتاب لوقا را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) فصل کلیدی کتاب لوقا کدام است؟ در این فصل چه اتفاقی می افتد؟
- ۴) کتاب لوقا خطاب به چه کسانی نوشته شده است و می خواهد چه چیزی را به آنها ثابت کند؟
- ۵) شجره نامه ذکر شده در لوقا، شجره نامه چه کسی است و می خواهد چه چیزی را ثابت کند؟
- ۶) دو درس روحانی کتاب لوقا را بیان کنید.
- ۷) سه مکاشفه عیسای مسیح را در کتاب لوقا نام ببرید.
- ۸) سه مکاشفه روح القدس در کتاب لوقا را نام ببرید.

## یوحنا

### نویسنده و تاریخ نگارش

عیسای مسیح، یوحنا و برادرش یعقوب را «پسران رعد» می خواند (مرقس ۳ : ۱۷). پدر آنها زبیدی و مادرشان سالومه بود که هنگام به صلیب کشیدن مسیح حاضر بود (مرقس ۱۵ : ۴۰-۴۱). آنها اهل جلیل بودند که ابتدا یحیی تعمید دهنده را پیروی می کردند و سپس جزو اولین پیروان مسیح شدند (۱ : ۱۹-۵۱). او شاگردی بود که «مسیح او را محبت می نمود» (۱۳ : ۲۳ و ۲۰ : ۲ و ۲۱ : ۲۰ و ۱۹ : ۲۶). یوحنا بعدا همراه با یعقوب و پطرس، جزو سران کلیسای اورشلیم شد (غلاطیان ۲ : ۹). او بعد ها در سن پیری به جزیره پطموس تبعید شد که در آنجا کتاب مکاشفه را نوشت. معنی کلمه «یوحنا»، «یهوه فیض داده است» می باشد. تاریخ نگارش این کتاب بین ۶۰ تا ۹۰ میلادی می باشد.

### زمینه و موضوعات اصلی

انجیل یوحنا با سه انجیل دیگر (متی، مرقس و لوقا که همدید یا همنظر خوانده می شوند) فرق می کند. بسیاری مطالب از زندگی و تعالیم عیسای مسیح در آن است که در سه انجیل دیگر یافت نمی شود. این انجیل به گروه خاصی نوشته نشده است. مخاطب آن تمام جهان است و می خواهد به دنیا ثابت کند که عیسای مسیح خدای جسم پوشیده بود که برای قربانی شدن بخاطر گناهان بشر، به زمین آمد. هدف نوشتن این انجیل این است که «تا ایمان آورید که عیسی، مسیح و پسر خداست و تا ایمان آورده و به اسم او حیات یابید.» (۲۰ : ۳۱). در نتیجه کلمه ای که مرتب در این انجیل تکرار می شود «ایمان» است. کلمات دیگر که زیاد تکرار می شود، حقیقت، نور، تاریکی، کلمه، دانش، محبت، دنیا، شهادت و داوری می باشد. این انجیل نه تنها بشارتی است بلکه باعث تقویت و رشد ایمانداران نیز می باشد چرا که شخصیت الهی عیسای مسیح را بیان می کند.

همانطور که هر سکه دو رو دارد، ذات مسیح نیز دو جنبه دارد : عیسای مسیح انسان کامل و خدای کامل است. همانطور که تاکید انجیل لوقا روی انسانیت عیسای مسیح به عنوان «پسر انسان» است، تاکید انجیل یوحنا روی الهیت مسیح به عنوان «پسر خدا» می باشد.

انجیل یوحنا وقایع را بر حسب موضوع بیان می کند نه برحسب ترتیب تاریخی. مطالب آن بر اساس ۷ معجزه و ۷ «من هستم» مسیح دور می زند. این انجیل به زبان بسیار ساده یونانی نوشته شده است و در آن هیچ مثال بکار برده نشده است بلکه با تشبیهات (مثل شبان نیکو، تاک حقیقی، چشمه آب حیات، ...) مسائل روحانی به صورت ملموس بیان شده است.

**کلمه کلیدی :** عیسی : پسر خدا (خدای کامل)

**آیات کلیدی :** ۱ : ۱۱-۱۲ و ۲۰ : ۳۰-۳۱

۱ : ۱۱-۱۳ ... « به نزد خاصان خود آمد و خاصانش او را نپذیرفتند. و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد، که نه از خون و نه از خواهش جسد و نه از خواهش مردم، بلکه از خدا تولد یافتند.»  
۲۰ : ۳۱-۳۰ ... « و عیسی معجزات دیگر بسیار نزد شاگردان نمود که در این کتاب نوشته نشد. لیکن این قدر نوشته شد تا ایمان آورید که عیسی، مسیح و پسر خدا است و تا ایمان آورده به اسم او حیات یابید.»



### فصل کلیدی : ۳

یوحنا ۳: ۱۶، معروفترین آیه کتاب مقدس می باشد. در این فصل به طور ساده و واضح بیان می شود که نجات هدیه ای از خدا است و تنها بوسیله ایمان دریافت می شود. «تولد تازه» تنها راهی است که می توان وارد «ملکوت خدا» شد.

### بررسی

این کتاب ساده ترین و در عین حال عمیق ترین انجیل می باشد و برای بسیاری، روحانی ترین بوده و بیشترین غذای روحانی را دارا بوده است. این انجیل را می توان به ۵ بخش اصلی تقسیم کرد.

**(۱) جسم پوشیدن پسر خدا (فصل ۱) -** آیه های ۱-۱۸، مقدمه است که بقیه کتاب را معرفی می کند. ذات مسیح، ماموریت او، رد شدن او همه در همین آیه های اول ذکر می شوند.

**(۲) معرفی پسر خدا (فصل های ۱ تا ۴) -** در این قسمت، عیسای مسیح معرفی شده و بوسیله مردم اسرائیل مورد بررسی قرار می گیرد. ابتدا یحیی تعمید دهنده او را معرفی و تایید می کند. سپس ۷ معجزه عیسای مسیح شرح داده می شود تا الوهیت مسیح را در عمل ثابت کند.

۱. تبدیل آب به شراب ۲: ۱-۱۱

۲. شفای پسر سرهنگ ۴: ۴۶-۵۶

۳. شفای مفلوج ۵: ۱-۱۶

۴. غذا دادن به جماعت ۶: ۱-۱۳

۵. راه رفتن روی آب ۶: ۱۶-۲۱

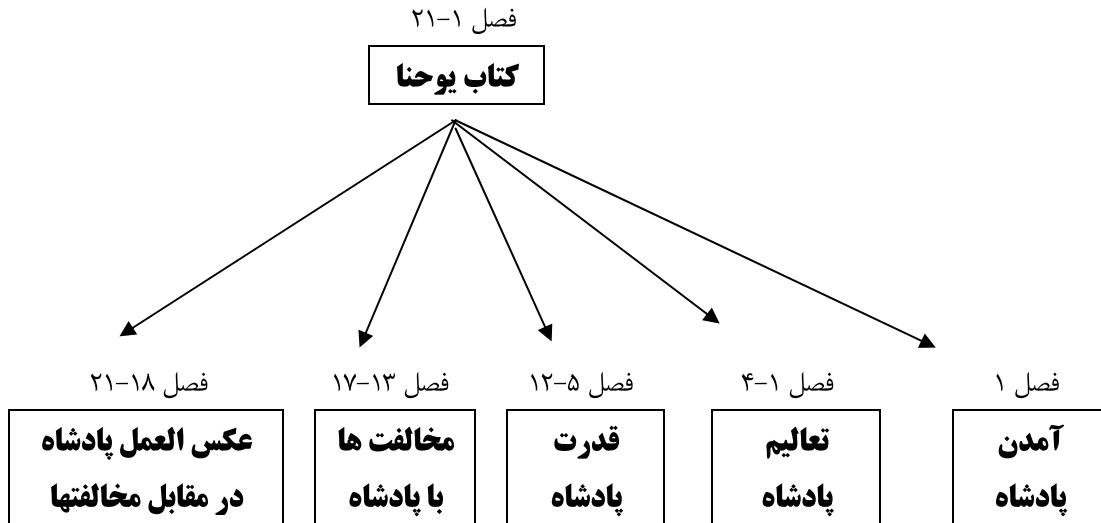
۶. بینا کردن کور ۹: ۱-۷

۷. زنده کردن ایلعاذر ۱۱: ۱-۴۴

**(۳) مخالفت با پسر خدا (فصل های ۵ تا ۱۲) -** این بخش عکس العمل مردم را در مقابل معجزات بالا نشان می دهد. در این بخش مخالفت های متعدد با عیسای مسیح مورد بررسی قرار می گیرد. این مخالفت ها بالا می گیرد تا اینکه به طرد شدن و مصلوب شدن او می انجامد.

**(۴) تربیت شاگردان بوسیله پسر خدا (فصل های ۱۳ تا ۱۷) -** مسیح در شرف مصلوب شدنش، با شاگردان وقت زیادی می گذارد. آنها را تعلیم داده و به آنها که ترسیده اند، قوت قلب و تسلی می دهد. مسیح می داند که در کمتر از ۲۴ ساعت مصلوب خواهد شد برای همین به شاگردانش می گوید که بعد از رفتنش چه خواهد شد و چگونه روح القدس خواهد آمد و آنها را تنها نخواهد گذاشت بطوریکه قادر خواهند بود کارهای عظیم تر از او بکنند. در بالاخانه، شاگردانش را در مورد روحیه خدمت، رابطه با روح القدس و در او ماندن تعلیم می دهد.

**(۵) مصلوب شدن و رستاخیز پسر خدا (فصل های ۱۸ تا ۲۱) -** در این بخش داستان دستگیری، محاکمه، مصلوب شدن و رستاخیز عیسای مسیح شرح داده شده است. یوحنا توضیح می دهد که بعد از رستاخیز چه اتفاقاتی افتاد. رستاخیز، آخرین اثبات این است که عیسای مسیح پسر خدا می باشد.



### مکاشفه عیسی مسیح

**پسر خدا** - در این انجیل، مفهوم پسر خدا بودن مسیح بطور واضح باز می شود که معنی آن، «خدا در جسم» است.  
**خدا** - تایید الوهیت مسیح در گوشه و کنار این انجیل دیده می شود (۱ : ۱ و ۵۸ : ۸ و ۳۰ : ۱۰ و ۱۴ : ۹ و ۲۰ : ۲۸).  
**یهوه** - عیسی مسیح بارها خود را با «من هستم» یا «یهوه» عهد عتیق برابر می داند (۴ : ۲۵ - ۲۶ و ۸ : ۲۴ و ۲۸ و ۵۸ و ۱۳ : ۱۹ و ۱۸ : ۵ - ۶ و ۸). عیسی مسیح با ۷ جمله «من هستم»، ذات الهی خود را آشکار می کند :

- من نان حیات هستم (۶ : ۳۵ و ۴۸)
- من نور جهان هستم (۸ : ۱۲ و ۹ : ۵)
- من در هستم (۷ و ۹)
- من شبان نیگو هستم (۱۰ : ۱۱ و ۱۴)
- من قیامت و حیات هستم (۱۱ : ۲۵)
- من راه و راستی و حیات هستم (۱۴ : ۶)
- من تاک حقیقی هستم (۱۵ : ۱ - ۵)

### مکاشفه روح القدس

در یوحنا، عیسی مسیح خودش روح القدس را معرفی می کند.  
**تسلی دهنده** - روح القدس، تسلی دهنده «دیگر» است (از همان جنس) که عیسی مسیح می فرستد. او همیشه با ما و در ما می ماند (۱۴ : ۱۶ - ۱۷).

**تولد تازه دهنده** - روح القدس به ما تولد روحانی می دهد که باعث نجات ما می گردد (۳ : ۶).

**ملزم کننده** - روح القدس دنیا را به گناه، عدالت و داوری ملزم می کند (۱۶ : ۸).

**روح عبادت** - روح القدس به ما کمک می کند که پدر را آنچنان که شایسته است در روح و راستی بپرستیم. برای داشتن عبادت زنده و روحانی و شایسته، باید اجازه دهیم تا روح القدس عمل کند (۴ : ۲۴).

**آماده کننده برای خدمت** - عیسای مسیح بعد از رستخیزش به شاگردان ماموریت داد و بعد به آنها دمید (۲۰ : ۲۱ - ۲۳) چرا که می دانست بدون روح القدس قادر به انجام ماموریت خود نخواهند بود.

**جلال دهنده عیسای مسیح** - روح القدس توجه ها را به خود جلب نمی کند بلکه هدف او این است که عیسای مسیح جلال یابد و همه بشر جلب عیسای مسیح شوند (۱۶ : ۱۴).

**روح هدایت و راستی** - روح القدس روح راستی است و ما را به جمیع راستی هدایت می کند (۱۶ : ۱۳).

**روح نبوت** - روح القدس ما را از امور آینده با خبر می سازد (۱۶ : ۱۳).

**روح قوت** - عیسای مسیح قول می دهد که با قوت روح القدس قادر خواهیم بود کارهای بزرگتر از او به انجام برسانیم (۱۴ : ۱۲-۱۷).

**چشمه آب حیات** - روح القدس چشمه آب حیات است که می تواند تشنگی های ما را برطرف کرده و ما و اطرافیانمان را آب حیات بدهد و سیراب و سرسبز کند (۷ : ۳۷-۳۹).

**تعمید روح القدس** - وعده و برکت عهد جدید برای هر ایماندار این است که علاوه بر تعمید آب، می تواند بوسیله روح القدس تعمید یابد (۱ : ۳۲-۳۴).

## دروس اصلی روحانی

### **۱ - تنها هدف خدمت باید جلال مسیح باشد.**

یحیی تعمید دهنده خود را لایق نمی دید که حتی بند کفش مسیح را باز کند. او شاگردان خود را به دنبال مسیح می فرستاد و می خواست که او کاسته شود تا مسیح افزوده گردد. حتی هدف خود روح القدس این است که مسیح را جلال دهد و همه را جلب مسیح کند.

برای خدمت موثر و پاک و الهی، باید همیشه جلال مسیح هدف اول زندگی و خدمت ما باشد. این هدفِ والا نه تنها ما را از لغزش ها، غرورها، اشتباهات حفظ می کند بلکه در هر مورد کمک می کند که تصمیمات درست بگیریم. در هر تصمیم گیری، از خود نپرسیم «آیا این به نفع من است؟ آیا این باعث پیشرفت خدمت من و کلیسا می شود؟» چنین روحیه ای باعث رقابت و جدایی می شود. در عوض باید سوال کنیم «آیا این مسیح را جلال می دهد؟ آیا ملکوت او را گسترش می دهد؟» چنین روحیه ای جلوی رقابت ها و حسادت ها و جدایی ها را می گیرد و باعث می شود که ایمانداران و کلیسا ها به یکدیگر نزدیک شوند.

فکر های انسانی باعث می شود که فکر کنیم کسی که چنین روحیه ای را دارد سرش کلاه می رود و خدمت او عقب می ماند و موفق نمی شود. اما این طرز فکر و منطق، انسانی است. در عمل، چون این فکر و روحیه مورد تایید خدا می باشد، پس خود خدا باعث می شود که روح القدس خدمت ما را تایید و پشتیبانی کند چرا که هدف روح القدس نیز جلال مسیح و گسترش ملکوت او می باشد.

## ۲- بدون رابطه سالم و قوی با روح القدس نمی توان خادم پیروز و پرنمیری برای مسیح بود.

روح القدس تسلی دهنده و کمک کننده است (کلمه « تسلی دهنده» در حقیقت به معنی «تقویت کننده» می باشد). او همکار ما در هر مورد می باشد. او ما را هدایت می کند و از آینده خبر می دهد. روح القدس حضور عیسای مسیح در ما است. عیسای مسیح خود انتظار دارد که به قوت روح القدس کارهای بزرگتر از خود او انجام دهیم. روح القدس آن چشمه آب الهی است که باید در ما جاری شود. وقتی آن آب آسمانی جاری شود نه تنها تشنگی های ما را برطرف خواهد کرد بلکه خدمت پاک و موثر ما به راحتی جاری خواهد شد و ثمرات فراوان خواهد آورد. با جاری شدن روح القدس در ما، تشنگان خودشان جلب ما و آبی که از ما جاری است شده، نجات خواهند یافت و رشد خواهند نمود.

رابطه شما با روح القدس چگونه است. آیا تعمید روح القدس را گرفته اید؟ تا چه حد نهر الهی روح القدس از شما جاری می باشد؟ رابطه تان با روح القدس تا چه حد عمیق است؟ آیا او به راستی تسلی دهنده و همکار شما می باشد؟ بدون رابطه درست با او باید خدمت را فراموش کنیم چراکه برای خودمان هم کم می آوریم چه برسد که بتوانیم به دیگران خدمت کنیم. بدون رابطه زنده با روح القدس، خودمان هم تشنگانی می شویم که تازه دیگران باید ما را خدمت کنند. برای خدمت پر ثمر فقط باید شاخه ای باشیم که به تاک (عیسای مسیح) وصل شده و اجازه دهیم شیره تاک (روح القدس) در زندگی ما ثمر آورد.

## ۳- خدمت ما باید از محبت ما به عیسای مسیح ناشی شود.

عیسای مسیح از پطرس سوال کرد که آیا او را دوست دارد یا خیر (۲۱ : ۱۵) و وقتی جواب مثبت شنید، آنوقت بود که او را به خدمت خواند. یک ایماندار اول باید عاشق مسیح شود و بعد او را خدمت کند. اول باید رابطه نزدیک با مسیح داشت و بعد خدمت کرد. در طول خدمت نیز باید همواره مراقب بود تا خدمت هیچوقت جای رابطه ما با مسیح را نگیرد. خداوند در وهله اول خدمت ما را نمی خواهد بلکه خود ما را می خواهد. عیسای مسیح روی صلیب نرفت تا برای خود خادمین تهیه ببیند. بلکه روی صلیب رفت تا برای خود فرزندان کسب نماید که با او رابطه نزدیک و شیرین داشته باشند.

## ۴- اولین نشانه ملاقات با مسیح و خواندگی برای خدمت، علاقه برای رسیدن به نوایمانان می باشد.

عیسای مسیح به پطرس گفت که اگر او را دوست دارد به بره هایش خوراک بدهد (۲۱ : ۱۵-۱۷). یک نشانه ملاقات یک شخص با مسیح و خواندگی او برای خدمت این است که کلیسا و ایمانداران را دوست دارد و برای آنها دلسوزی می کند. بخصوص این دل و روحیه را دارد که به نوایمانان رسیده و ببیند که آنها غذای سالم بخورند، در عیسای مسیح ریشه بگیرند تا مردان و زنان مفید خدا شوند.

آیا با مسیح ملاقات کرده اید؟ آیا کلیسای او را دوست دارید و به فکر بنا و سلامت آن هستید؟ آیا این اشتیاق را دارید که ببینید نوایمانان به طور سالم رشد کنند، شبیه مسیح شوند و او را در زندگی و خدمت خود جلال دهند؟ اگر چنین دلی را دارید، با مسیح همدل هستید. اگر چنین دلی را ندارید، باید به ملاقات او بروید. چون وقتی با او ملاقات می کنید و عاشق او می شوید، دل او را نیز می گیرید و دلسوز گوسفندان او و بخصوص بره ها می شوید.

## سوالات برای مرور درس

- ۱) کلمه کلیدی کتاب یوحنا چه می باشد؟
- ۲) بخش های اصلی کتاب یوحنا را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) کتاب یوحنا خطاب به چه کسانی نوشته شده است و می خواهد چه چیزی را به آنها ثابت کند؟
- ۴) دو درس روحانی کتاب یوحنا را بیان کنید.
- ۵) دو مکاشفه عیسای مسیح را در کتاب یوحنا نام ببرید.
- ۶) پنج مکاشفه روح القدس در کتاب یوحنا را نام ببرید.
- ۷) چه کلمه ای بیشتر از همه در انجیل یوحنا تکرار می شود؟

## اعمال رسولان

### نویسنده و تاریخ نگارش

نویسنده این کتاب، دکتر لوقا می باشد. برای آشنایی با شخص لوقا، لطفاً به شرح انجیل لوقا مراجعه کنید. این کتاب بین سالهای ۶۲ تا ۷۰ میلادی نوشته شده است. آخرین وقایع این کتاب، محاکمه پولس در سال ۶۲ میلادی می باشد. در وقایع انجیل لوقا، خود لوقا در آنها شرکت نداشته و با تحقیقات و مصاحبات با افرادی چون پطرس و مریم، آن انجیل را نوشته است. اما در نوشتن کتاب اعمال رسولان، خود لوقا بسیاری از وقایع این کتاب را شخصاً ناظر بوده است.

### زمینه و موضوعات اصلی

لوقا در اعمال رسولان، شرحی را که در انجیل لوقا شروع کرده بود ادامه می دهد. اعمال رسولان شروع و رشد کلیسا را در ۳۰ سال اول شرح می دهد که چگونه کلیسا در اورشلیم شروع شده و به سرعت به اقصای جهان پخش می شود. گرچه از بقیه رسولان نیز نام برده شده است ولی در حقیقت اعمال رسولان، بیشتر شرح اعمال پطرس (فصل ۱ - ۱۲) و پولس (۱۳ - ۲۸) می باشد. اما بیشتر از هر چیز، این کتاب روی کارهای روح القدس تکیه دارد و شاید بهتر می بود عنوان آن «اعمال روح القدس» باشد تا «اعمال رسولان». در این کتاب کارهای رسولان ثبت می شود اما واضح است که روح القدس است که از طریق رسولان عمل می کند. لوقا شخص بسیار دقیقی بود. اکتشافات باستانشناسی در قرن بیستم بطور عجیبی ثابت کرده است که تمام جزئیات تاریخی و جغرافیایی در انجیل لوقا و کتاب اعمال رسولان دقیقاً صحت دارند. از بیشتر از ۸۰ محل جغرافیایی و ۱۰۰ انسان با لقب هایشان در این کتاب نام برده شده است که همگی دقیق می باشند. وقایع این کتاب به فهمیدن رسالات بسیار کمک می کند و به آنها زمینه تاریخی می دهد. نکته چشمگیر در این کتاب تعداد موعظه ها و پیغام های آن می باشد. در این ۲۸ فصل، می توان ۲۴ پیغام را ملاحظه نمود.

**کلمه کلیدی:** رشد کلیسا

**آیات کلیدی:** ۱ : ۸ و ۲ : ۴۲ - ۴۷

۱ : ۸ ... « لیکن چون روح القدس بر شما می آید، قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان. »

۲ : ۴۲ - ۴۷ ... « در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت می نمودند. و همه خلق ترسیدند و معجزات و علامات بسیار از دست رسولان صادر می گشت. و همه ایمانداران با هم می زیستند و در همه چیز شریک می بودند و اموال و املاک خود را فروخته، آنها را به هر کس به قدر احتیاجش تقسیم می کردند. و هر روزه در هیکل به یکدل پیوسته می بودند و در خانه ها نان را پاره می کردند و خوراک را به خوشی و ساده دلی می خوردند. و خدا را حمد می گفتند و نزد تمامی خلق عزیز می گردیدند و خداوند هر روزه ناجیان را بر کلیسا می افزود. »

## فصل کلیدی : ۲

وقایع تکان دهنده روز پنطیکاست، انجام وعده عیسی مسیح و وعده های متعدد عهد عتیق (مثلاً یوئیل) است که قول فرستاده شدن روح القدس داده شده بود تا آنها قدرت یابند. در این فصل، روح القدس تعداد کمی انسانهای ترسو را طوری عوض می کند که پیغام مسیح را به تمام دنیا می رسانند.

### بررسی

اعمال رسولان انجام دستور مسیح در متی ۲۸ : ۱۹-۲۰ را نشان می دهد. خلاصه این کتاب را می توان در ۱ : ۸ دید : « لیکن چون روح القدس بر شما می آید، قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم (فصل های ۱ تا ۷) و تمامی یهودیه و سامره (فصل های ۸ تا ۱۲) و تا اقصای جهان (فصل های ۱۳ تا ۲۸) ». «

#### ۱) شهادت در اورشلیم (فصل های ۱ تا ۷) - مسیح دستور می دهد که شاگردان در اورشلیم باقی بمانند و منتظر آمدن

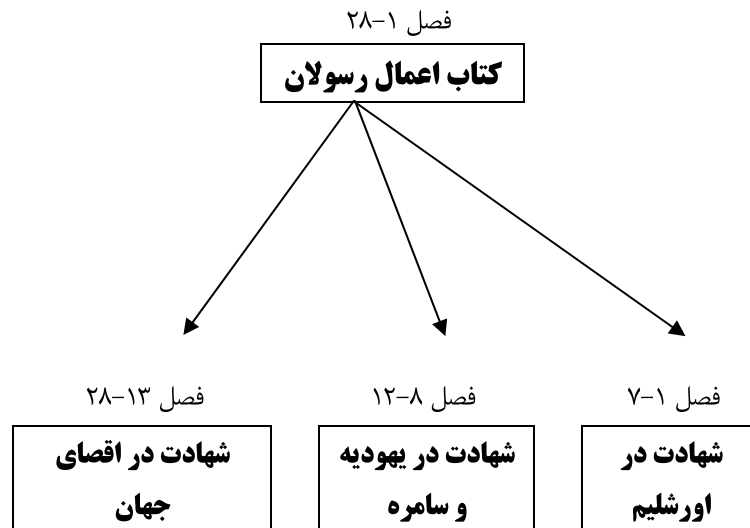
روح القدس شوند. ده روز بعد از آن، روح القدس فرو می ریزد و شاگردان از روح القدس پر شده و به خیابان ها می ریزند. خیابانها بخاطر عید پنطیکاست از افراد ملل مختلف که برای زیارت آمده اند پر است. پطرس موعظه کرده و ۳۰۰۰ نفر ایمان می آورند. بعد از آن، پطرس فلجی را شفا می دهد و با یک موعظه دیگر ۲۰۰۰ نفر دیگر ایمان می آورند. در عرض مدت کوتاهی تمام اورشلیم از پیغام انجیل پر می شود. سنهدرین استیفان را به قتل می رسانند.

#### ۲) شهادت در یهودیه و سامره (فصل های ۸ تا ۱۲) - فلیپس به سامره رفته و پیغام را با سامری ها که مورد تنفر

یهودیان بودند در میان می گذارد و بسیاری ایمان می آورند. پطرس و یوحنا به سامره می روند که مطمئن شوند این ایمانداران جدید حتماً تعمید روح القدس را تجربه کنند. پولس با مسیح روبرو شده و نجات می یابد. کلیسا با وجود جفا های بسیار، به سرعت رشد می کند.

#### ۳) شهادت تا اقصای جهان (فصل های ۱۳ تا ۲۸) - از فصل ۱۳ به بعد، تمرکز از پطرس برداشته شده و به کارهای

پولس دوخته می شود. انطاکیه مرکز خدمت های مسیونری می شود و پولس از آنجا به سفرهای بشارتی می رود. او به سه سفر بشارتی می رود. سفر بشارتی اول در سالهای ۴۸-۴۹ میلادی، سفر بشارتی دوم در سالهای ۵۰-۵۲ میلادی، و سفر سوم بشارتی در سالهای ۵۳-۵۷ می باشد. در سفر آخر، با وجود اختراهای زیاد، پولس به اورشلیم می رود. در آنجا پولس دستگیر شده و بعد از محاکمات متعدد به روم فرستاده می شود. در روم در زندان به سر می برد تا محاکمه شود.



### مکاشفه عیسیای مسیح

**مسیح زنده شده** - در اعمال رسولان مسیح زنده موعظه می شود و در بشارت ها و پیغام ها این حقیقت مرکزیت دارد (۲ : ۳۲ و ۳ : ۱۵ و ۴ : ۱۰).

**شهادت انبیاء** - او کسی است که تمام انبیاء به او شهادت می دهند (۱۰ : ۴۳ و ۳ : ۲۴) و در هیچکس دیگر نجات نیست جز در نام عیسیای مسیح (۴ : ۱۲).

**خداوند** - کتاب اعمال رسولان مرتب اعلام می کند که مسیح خداوند است (۲ : ۲۳).

**نبی-عیسیای مسیح همان نبی است که موسی قول داد می آید که هر کس او را نشنود، از قوم منقطع می گردد (۳ : ۲۲-۲۳).**

**داور زندگان و مردگان** - عیسیای مسیح است که داور زندگان و مردگان می باشد (۱۰ : ۴۲).

### مکاشفه روح القدس

در کتاب اعمال رسولان، روح القدس نقش اساسی دارد.

**روح قدرت** - روح القدس قدرت می دهد تا برای عیسیای مسیح شاهدان باشیم. عیسیای مسیح خود با قدرت روح القدس خدمت و معجزه می کرد (۱۰ : ۳۸) و در روز پنطیکاست همین روح القدس را به شاگردان داد تا آنها کارهای او را ادامه داده و حتی کارهای بزرگتر از او بکنند.

**تعمید روح القدس**-پری و تعمید روح القدس در تمام کتاب، جای خاص و تاکید خاصی دارد. به غیر از روز پنطیکاست، تعمید روح القدس و پری روح مرتب تکرار می شود. از ۵ مورد ریخته شدن روح و تعمید روح القدس، ۳ تای آن از این صحبت می کند که این واقعه با «صحبت با زبانها» همراه بود (۲ : ۴ و ۱۰ : ۴۶ و ۱۹ : ۶) و پر شدن سامری ها هم با نشانه ای دیدنی بود (چون شمعون دید ۸ : ۱۸) که احتمالاً همین «صحبت با زبانها» بود که او دید.



**روح نبوت** - عطیه نبوت را در اعمال رسولان فراوان می بینیم که در کلیسا معمول و رایج است. وقتی روح خدا بر نوایمانان در افسس می ریزد آنها نه تنها به زبانها صحبت می کنند بلکه نبوت نیز می کنند (۱۹ : ۶).

**روح هدایت** - روح القدس پولس را در خدمت هدایت می کرد. روح القدس بود که گفت پولس و برنابا را برای خدمت رسالت جدا کنند (۱۳ : ۱ - ۳).

## دروس اصلی روحانی

### **۱ - بدون تعمد روح القدس، باید در بالا خانه ماند و در دعا و عبادت ادامه داد.**

عیسای مسیح به شاگردانش دستور داده بود که کلام او را به تمام دنیا پخش کنند. اما در عین حال خواست که در اورشلیم بمانند و تا وعده پدر یعنی تعمد روح القدس را دریافت نکرده اند، جای دیگر نروند.

بدون تعمد و پری روح القدس، عیسای مسیح می خواهد که بیرون برویم چون خراب می کنیم. خودمان ضربه خورده و برای ملکوت خدا هم نمی توانیم کار اساسی کنیم. بعضی ها بدون روح القدس، خیلی غیرت دارند و برای خدا زحمت می کشند اما نتیجه اساسی نمی گیرند. خدا نمی خواهد غیرت داشته باشیم بلکه می خواهد آتش داشته باشیم.

خود عیسای مسیح، مزایای الوهیت خود را کنار گذاشت و مانند ما شد تا نشان دهد که یک انسان می تواند با پری روح القدس چگونه زندگی کند. همه آنچه که عیسای مسیح داشت، در دسترس ما نیز می باشد. او تنها با قدرت روح القدس خدمت و معجزه می کرد (۱۰ : ۳۸) و از مزایای خدا بودن خود استفاده نمی کرد. پس ما نیز می توانیم با قدرت همان روح، همان کارها را بکنیم.

### **۲ - کتاب اعمال رسولان، دستور کار و روش عملکرد هر ایماندار می باشد.**

بعضی ها به کتاب اعمال رسولان فقط به صورت تاریخی نگاه می کنند و از آن فقط اطلاعات تاریخی می گیرند و می گویند وقایع آن فقط مال آن زمان است و امروزه طرز عمل فرق می کند. اما خدا هیچگاه بیهوده و یا فقط محض اطلاع، کلام را به ما نمی دهد. کلام خدا خود می فرماید : « **تمام کتب** » از الهام خداست و برای تعلیم، تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است تا مرد خدا کامل و به جهت هر عمل نیکو آراسته بشود (دوم تیموتاوس ۳ : ۱۶).

کتاب مقدس مانند صورت غذای رستوران می باشد که در آن تمام غذاهایی که بدن روحانی ما و بدن روحانی مسیح (کلیسا) به آن احتیاج دارد فهرست شده است. ما نباید بعضی غذاهای آنرا قبول کرده و از بعضی غذاهای آن صرف نظر کنیم چرا که این باعث ضعف و مریضی ما می گردد. بلکه باید به صورت غذا نگاه کرده و به خدا بگوییم : « خداوند همه آنها را می خواهم. همه خوشمزه و مفید هستند. » در مقابل، خداوند هم غذایی را روی صورت غذا نمی گذارد که نداشته باشد و یا تمام کرده باشد!

وقتی کلام را می خوانید، باید با این روحیه بخوانید که هرچه نیکو در آن می بینید بخواهید. چون خداوند دیروز و امروز و تا ابد همان است و بعلاوه بین فرزندان در قرن اول و قرن ۲۱، فرق نمی گذارد. منصفانه نیست که خدا به شاگردان ماموریت بدهد و چنین قدرتی را به آنها بدهد و بعد همان ماموریت را به ما بدهد اما دست ما را خالی بگذارد.

بیاپید با اشتها و انتظار و با ایمان به نزد خدا برویم و مرتب برکات روحانی تازه را دریافت کنیم. مرتب بخواهیم کارهای روح القدس را در زندگی و خدمت خود بیشتر مشاهده کنیم. بخواهیم تجربیات روحانی عمیق تر داشته باشیم و بخصوص بخواهیم آنچه که در کلامش هست را شخصاً تجربه کنیم. بیاپید این روحیه را داشته باشیم که هرچه را که در کلام خدا می بینیم با اشتیاق بگوییم: «می خواهم».

کتاب اعمال رسولان نیمه کاره پایان می پذیرد. چرا؟ چون خدا عمداً این کار را می کند تا نشان دهد که داستان این کتاب هنوز تا به امروزه ادامه دارد و من و شما هم در نوشتن فصل بعدی آن دست داریم.

### **۳- در جفاها نباید برای رهایی دعا کرد بلکه برای دلیری و جاری شدن معجزات.**

در کتاب اعمال رسولان، هیچوقت در بین رسولان آه و ناله، قرقر و شکایت، ترس و شکست نیست. این روحیه مثبت و پیروزمندانه را در تمام رسولان می توان مشاهده کرد. چنین روحیه ای است که خداوند آن را با آیات و معجزات تایید و پشتیبانی می کند. وقتی پطرس و یوحنا را تهدید به مرگ کردند، آنها برای رهایی دعا نکردند بلکه برای جرات و قوت شفا و معجزات دعا کردند (۴ : ۲۹ - ۳۱). دعای آنها دفاعی و با ترس نبود، بلکه با جرات و تهاجمی بود.

وقتی بخاطر نام مسیح جفا می بینید و در موقعیت سختی قرار می گیرید، دعا نکنید که از آن موقعیت آزاد شوید. بلکه بدانید چنین موقعیت بهترین فرصتی است که قوت مسیح را در عمل نشان دهید. برای روح دلیری و جرات دعا کنید. آرامش و دلیری شما در چنین شرایط خود شاهد خوبی بر قدرت مسیح می باشد. سپس با ایمان قدم جلو گذاشته و برای شفا و معجزات دعا کنید. خداوند در چنین شرایطی است که روح خود را ریخته و کلام شما را با معجزات تایید می کند.

### **سوالات برای مرور درس**

- ۱) کلمه کلیدی کتاب اعمال رسولان چه می باشد؟
- ۲) بخش های اصلی کتاب اعمال رسولان را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) نبوت در کتاب اعمال رسولان چه نقشی دارد؟
- ۴) دو درس روحانی کتاب اعمال رسولان را بیان کنید.
- ۵) سه مکاشفه عیسای مسیح را در کتاب اعمال رسولان نام ببرید.
- ۶) دو مکاشفه روح القدس در کتاب اعمال رسولان را نام ببرید.
- ۷) در ۲۸ فصل کتاب اعمال، چند پیغام و موعظه وجود دارد؟

## رسالات پولس

رسالات پولس شامل ۱۳ نامه می باشد که تحت هدایت روح القدس نوشته شده اند. این نامه ها مشکلات خاص و تعالیم مهم کلیسایی را بیان می کنند. کاربرد این نامه ها جهانی می باشد بطوریکه بعد از ۲۰۰۰ سال هنوز مورد استفاده هر کلیسا در هر جای دنیا می باشند. رسالات در حقیقت تعالیم عیسی مسیح را در شرایط مختلف و به صورت عملی باز می کند. مثلاً عیسی مسیح دستور می دهد که ما یکدیگر را محبت کنیم. رسالات بطور مفصل توضیح می دهد که ما چگونه باید یکدیگر را عملاً محبت نماییم.

خداوند در نوشتن کلامش تصمیم گرفته است که از فرم «نامه» استفاده کند چرا که نامه بیانی بسیار شخصی دارد. در خواندن رسالات، انسان این حالت را احساس می کند که خود خدا این نامه ها را برای بچه هایش که خانواده الهی او را تشکیل می دهد می نویسد. طول اکثر این رسالات از یک نامه معمولی (که فقط روی یک طومار نوشته می شده) طولانی تر هستند و نشان می دهد که هدف نوشتن آنها فقط نامه نگاری نبوده بلکه منظور تعلیم و تربیت و تصحیح و تجهیز بدن مسیح بوده است. از ۱۳ نامه، ۹ تای آن به کلیساها و ۴ تای آن به افراد خاصی نوشته شده است. ۹ نامه های کلیسایی بر حسب طول نامه مرتب شده اند و همچنین، ۴ نامه های فردی نیز بر حسب طول نامه هستند.

### شخصی پولس

پولس که اسم عبری او «شائول» (یونانی شده آن «سولس») می باشد، شهروند رومی بود که از یک خانواده یهودی در شهر طرسوس در سیسیل (قیلیقیه) به دنیا آمد. این شهر یکی از مراکز آموزشی بود. او دوره تعلیماتی یونانی را در این شهر به پایان رسانید (اعمال ۲۲ : ۳) و آنگاه خانواده او به اورشلیم نقل مکان کردند. در آنجا، او حرفه خیمه دوزی را آموخت (اعمال ۱۸ : ۳). به عنوان عضوی از قبیله بنیامین، پولس این افتخار را داشت که تحت تعلیم خاخام معروفی به نام «غمالائیل» قرار بگیرد (اعمال ۲۲ : ۳). با هوش و پشتکاری که پولس داشت طوری در مذهب یهودیت پیش رفت که از هم دوره ای های خود جلو زد (غلاطیان ۱ : ۱۴).

پولس به عنوان یک فریسی جوان، در سنگسار شدن استیفان شرکت داشت (اعمال ۷ : ۵۸ و ۸ : ۱). او با جدیت، به مسیحیان جفا می رسانید تا اینکه با مسیح زنده در راه دمشق روبرو شد و زندگیش عوض شد. بعد از آن، او سه سالی را در عربستان و دمشق سر کرد (غلاطیان ۱ : ۱۷-۱۸) و سپس برنابا او را به رسولان در اورشلیم معرفی کرد. بعد از ۱۵ روز، برای قتل او توطئه می شود که باعث می شود مجبور شود اورشلیم را ترک کرده (اعمال ۹ : ۲۶-۳۰ و غلاطیان ۱ : ۱۸-۲۱) و مدت تقریباً ۱۰ سال در سیسیل و سوریه (در شهرهای طرسوس و انطاکیه) به سر برد.

بعد از آن است که پولس بوسیله برنابا به خدمت در انطاکیه دعوت می شود (اعمال ۱۱ : ۲۵). در انطاکیه جزو رهبران کلیسا (به عنوان معلم و نبی) می شود. آنگاه رهبران با هدایت روح القدس، او و برنابا را برای خدمت رسالت انتخاب می کنند (اعمال ۱۳ : ۱). او برای سه دوره سفرهای بشارتی به منظور شروع کلیساها به ترکیه (آسیا) و یونان و مکادونیه می رود. او با وجود سختی ها و جفا های بسیار، کلیساهای بسیاری را در ترکیه، یونان و مکادونیه پایه گذاری می کند.

در پایان سفر سوم، با وجود اخطارهای زیاد که بوسیله نبوت به او داده می شد، با هدایت خدا به اورشلیم می رود. در آنجا به او تهمت نجس کردن معبد را می زنند و شورش برپا می شود. بعد از دستگیری، ۲ سال در قیصریه زندانی می شود (اعمال ۲۴ : ۲۷). سپس در مقابل فلیکس، فستوس و اگریپاس محاکمه می شود و آنگاه بر حسب درخواست خودش به روم فرستاده می شود (اعمال فصل های ۲۴ تا ۲۸). در روم او به مدت ۲ سال زندانی می شود.

در این نقطه است که شرح وقایع در کتاب اعمال به پایان می رسد. اما از نامه های او به تیموتاوس و تیطس و نوشته های پدران کلیسا در قرن اول، می توان دریافت که بعد از این، او از زندان آزاد شد. سپس به اسپانیا و کریت و ترکیه و مکادونیه و یونان رفت و آنگاه برای بار دوم دستگیر و در شهر روم زندانی شد و این بار تحت امپراطوری نرو در سال ۶۷-۶۸ میلادی اعدام شد. زندگی پولس نمونه یک زندگی تسلیم و تقدیم شده به خدا می باشد. او با وجود سختی ها و جفا ها برای مسیح پایداری کرد. او کاملاً می دانست که مسیح او را برای چه کاری خوانده است برای همین به کارش ایمان قوی داشت و اقتدار روحانی روح القدس بر او بود. او در خدمت خود همواره به فیض عیسای مسیح و قدرت و هدایت روح القدس تکیه می کرد. در شخصیت و زندگی پولس می بینیم که وقتی یک مسیحی خود را کاملاً به عیسای مسیح تقدیم می کند، خداوند از او بطور عظیم برای نجات ملت ها و شروع کلیساها در کشورهای مختلف استفاده می کند. امروز نیز خداوند برای نجات ایران به دنبال یک شخص می گردد که مانند «پولس» تسلیم او شود تا از طریق او کلیساهای بسیار در شهرهای مختلف ایران برقرار نماید. آیا این پولس شما هستید یا او باید به دنبال کس دیگری بگردد.

## رومیان

### نویسنده و تاریخ نگارش

پولس نویسنده این کتاب است که آنرا در سال ۵۷ میلادی در آخر سفر سوم بشارتی خود وقتی که در قرنتس بود نوشته است (اعمال ۱۸ : ۲۳ تا ۲۱ : ۱۴ و رومیان ۱۵ : ۱۹). کلیسای روم بوسیله خود پولس پایه گذاری نشد ولی احتمالا بوسیله مسیحیانی شروع شد که از کلیساهایی در ترکیه (آسیا) و یونان و مکادونیه بودند که پولس پایه گذاری کرده بود.

### زمینه و موضوعات اصلی

رومیان، شاهکاری است که بوسیله پولس نوشته شده است. چهار انجیل راجع به کارها و تعالیم عیسای مسیح صحبت می کند و کتاب رومیان توضیح می دهد که مرگ مسیح چه اهمیتی دارد. با روش سوال و جواب، رومیان الهیات کتاب مقدس را شرح می دهد. این کتاب پایه الهیاتی بقیه رسالات می باشد. این کتاب در تاریخ کلیسا نقش مهمی را بازی می کند و کتابی است که مارتین لوتر با خواندن آن زندگی عوض شده و نهضت و بیداری پروتستان را شروع کرد.

اما رومیان فقط کتاب تئوری نیست بلکه راجع به زندگی عملی مسیحی درس های بسیاری دارد. ایمان به عیسای مسیح فقط باور کردن یک سری حقایق نیست بلکه داشتن زندگی نمونه و پاک است.

شهر روم در سال ۷۵۳ قبل از میلاد بنا شد و در زمان پولس ثروتمندترین، بزرگترین و با شکوه ترین شهر دنیا بود و بیشتر از یک میلیون جمعیت داشت. بیشتر این جمعیت را بردگان تشکیل می دادند که اقلیت ثروتمند شهر را خدمت می کردند. کلیسای روم مانند اکثر کلیساهای آن زمان مخلوطی از یهودی و غیر یهودی بود.

موضوع اصلی کتاب رومیان را می توان در ۱ : ۱۶ - ۱۷ خواند : خداوند عدالت خود را به کسانی هدیه می کند که با ایمان به سوی عیسای مسیح می آیند. کلماتی که در این کتاب تکرار می شوند : عدالت، ایمان، شریعت، گناه و کلمه «همه» هستند که هر کدام بیشتر از ۶۰ بار تکرار می شوند.

### کلمه کلیدی : عدالت خدا

کلمه «عدالت» به معنی «داشتن رابطه درست بر طبق ضوابط الهی» می باشد.

### آیات کلیدی : ۱ : ۱۶ - ۱۷ و ۳ : ۲۱ - ۲۵

۱ : ۱۶ - ۱۷ ... « زیرا که از انجیل مسیح عار ندارم چونکه قوت خداست، برای نجات هرکس که ایمان آورد، اول یهود و پس یونان، که در آن عدالت خدا مکشوف می شود، از ایمان تا ایمان، چنانکه مکتوب است که عادل به ایمان زیست خواهد نمود.»

۳ : ۲۱ - ۲۵ ... « لکن الحال بدون شریعت، عدالت خدا ظاهر شده است، چنانکه تورات و انبیا بر آن شهادت می دهند. یعنی عدالت خدا که بوسیله ایمان به عیسای مسیح است، به همه و کل آنانی که ایمان آورند.

زیرا که هیچ تفاوتی نیست، زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا قاصر می باشند، و به فیض او مجانا عادل شمرده می شوند به وساطت آن فدیه ای که در عیسی مسیح است که خدا او را از قبل معین کرد تا کفاره باشد به واسطه ایمان به وسیله خون او تا آنکه عدالت خود را ظاهر سازد، به سبب فروگذاشتن خطایای سابق در حین تحمل خدا.»

## فصل کلیدی : ۶ تا ۸

در این فصل ها جواب این سوالات داده می شود که چگونه می توانیم از گناه آزاد شویم، چگونه می توانیم در تحت فیض خدا زندگی متعادلی داشته باشیم و چگونه به قوت روح القدس می توانیم زندگی پیروزمندانه ای داشته باشیم.

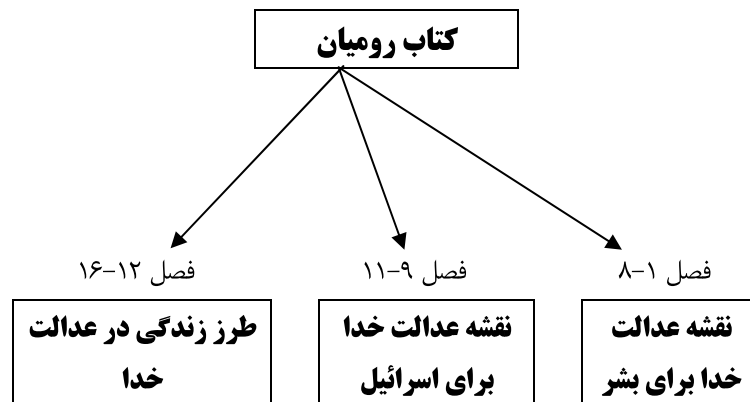
## بررسی

موضوع اصلی کتاب رومیان، عدالت می باشد. پولس این نامه را نوشت تا نقشه نجات خدا را آشکار کند (فصل های ۱ تا ۸)، تا نشان دهد یهود و غیر یهود چگونه در این نقشه جا می گیرند (فصل های ۹ تا ۱۱) و تا آنها را تشویق کند زندگی پاک و نمونه ای داشته باشند (فصل های ۱۲ تا ۱۶).

**(۱) نقشه عدالت خدا برای بشر (فصل های ۱ تا ۸) -** گناه و نجات در این قسمت شرح داده شده است. پولس در ابتدا گناه و لعنت آنرا شرح می دهد. به این وسیله پولس ابتدا خبر بد را می دهد تا خبر خوش کاملاً مفهوم پیدا کند. خبر بد این است که خدا انتظار دارد ما کاملاً بدون گناه باشیم وگرنه زیر لعنت هستیم. در نتیجه همه بشر زیر لعنت خدا هستیم. خبر خوش این است که یک گناهکار محکوم شده و لعنت شده، فقط بوسیله ایمان به عیسی مسیح، عدالت مسیح را دریافت کرده و از زیر لعنت بیرون آمده و وارد برکات خدا می گردد. یک ایماندار از جریمه گناه (در گذشته) و از قدرت گناه (در حال) و از حضور گناه (در آینده) نجات پیدا کرده است. او نجات پیدا کرده تا با قوت روح القدس زندگی تازه ای را در پاکی شروع کند.

**(۲) نقشه عدالت خدا برای اسرائیل (فصل های ۹ تا ۱۱) -** در ابتدا به نظر می رسد که خدا قوم اسرائیل را رد کرده است اما در حقیقت، قوم اسرائیل مسیح خود را رد کرده است. اسرائیل در گذشته انتخاب شده است اما بخاطر بی ایمانی اش، خدا آنها را درحال حاضر کنار گذاشته است. اما این کنارگذاشته شدن موقتی است. باقیمانده ای از اسرائیل همواره به مسیح ایمان خواهند داشت و در آخر، قوم اسرائیل نجات خواهد یافت.

**(۳) طرز زندگی در عدالت خدا (فصل های ۱۲ تا ۱۶) -** زندگی و رفتار درست باید بر اساس تعلیم درست باشد. پولس بعد از تعالیم الهیاتی، در این فصول زندگی درست مسیحی را شرح می دهد. مسیحی که از گناه نجات پیدا کرده است، باید زندگیش این حقیقت را نشان دهد. یک مسیحی، آزاد نشده تا گناه کند بلکه از گناه آزاد شده که زندگی پاک و نمونه داشته باشد



### مکاشفه عیسای مسیح

**آدم دوم** - همانطور که گناه و لعنت آن بوسیله یک نفر (آدم اول) وارد دنیا شد، نجات و برکات آن نیز بوسیله یک نفر (عیسای مسیح، آدم دوم) وارد دنیا شد (۵ : ۱۵ - ۱۷).

**نجات دهنده** - عیسای مسیح نجات دهنده بشر است. او بجای ما قربانی شد و با ایمان به او برکات زیادی نصیب ما می شود : با خدا آشتی می کنیم، حیات جاودانی را می یابیم، از لعنت گناه و شریعت آزاد می شویم، وارث او می شویم، در رنج های او شریک می شویم و با او جلال می یابیم.

**سلطان زندگان و مردگان** - عیسای مسیح مرد و زنده شد تا بر مردگان و زندگان سلطنت کند. در نتیجه « اگر زیست کنیم، برای خداوند زیست می کنیم و اگر بمیریم، برای خداوند می میریم. پس خواه زنده باشیم، خواه بمیریم، از آن خداوندیم» (۱۴ : ۸ - ۹).

### مکاشفه روح القدس

**روح مسیح** - روح القدس «روح خدا» و «روح مسیح» خوانده شده است (۸ : ۹). این تثلیث را نشان می دهد و خود نشانه ای از اولوهیت مسیح می باشد.

**روح ساکن در مسیحیان** - کلام خدا می فرماید : « هر گاه کسی روح مسیح را ندارد، وی از آن او نیست» (۸ : ۹ - ۱۱). ایمان و نجات، فقط قبول داشتن یک سری حقایق نیست. داشتن و عملکرد روح القدس در یک شخص است که نجات او را تایید می کند. اگر کسی می گوید به عیسای مسیح ایمان دارد اما کار روح القدس در زندگیش دیده نمی شود (در رشد میوه ها، در تبدیل زندگی، در پاکی روزافزون، در عمیق تر شدن رابطه با خدا)، این شخص باید به ایمان خودش شک کند و وظیفه خادم خدا است که به چنین شخصی هشدار دهد.

**روح حیات** - روح القدس روح حیات و سلامتی است و هر جا که وارد شود، در آنجا زندگی، تازگی، رشد و ثمره می آورد (۸ : ۶).

**روح هدایت** - روح القدس روح هدایت است. هدایت شدن از روح القدس برای ایمانداران آنقدر مهم است و باید آنقدر رایج باشد که کلام خدا می فرماید فقط آنانی که از روح القدس هدایت می شوند، پسران خدا هستند (۸ : ۱۴).

**روح رستاخیز** - روح القدس است که مسیح را از مرگ برخیزانید و ما را نیز زنده خواهد ساخت (۸ : ۱۱).

**روح آزادی از گناه و پیروزی بر جسم** - با جسم نمی توان بر خواهش های جسم (گناه) پیروز شد. بلکه باید به قوت روح القدس افعال بدن را کشت (۸ : ۳۱). روح القدس ما را از شریعت گناه و موت آزاد می کند (۲ : ۸).

**روح پسر خواندگی** - روح القدس است که پدر بودن خدا را برای ما مکشوف و ملموس می کند بطوریکه فریاد می زنیم «ابا ای پدر» (۸ : ۱۴ - ۱۷). اوست که محبت خدای پدر را به قلب های ما می ریزد (۵ : ۵). این محبت سرچشمه محبت ما به خود او و دیگران است.

**روح دعا** - روح القدس در دعا ما را یاری کرده و به ما یاد می دهد چگونه دعا کنیم. خود او برای ما شفاعت می کند و به دعاها ما عمق می بخشد (۲۶ - ۲۷).

## دروس اصلی روحانی

### **۱ - خادم خدا با مسیح مرده و با مسیح زندگی می کند.**

راز زندگی پیروزمندانه و پاک و پرثمر مسیحی همین است : یک مسیحی نسبت به گناه مرده است و در روح القدس با مسیح زندگی می کند. فصل های ۶ تا ۸ رومیان این مساله را کاملاً باز می کند. پیروزی بر گناه و تسلط بر جسم، خواست خدا برای هر مسیحی است. اما ما نمی توانیم آنرا فقط با قدرت جسم انجام دهیم (با جسم گناهگار نمی توان بر جسم گناهکار پیروز شد) بلکه باید در روح زندگی کنیم و بوسیله بندگی روح القدس، از بندگی گناه آزاد شویم پس این یک اصل روحانی است که : اگر می خواهی قدرت رستاخیز را تجربه کنی، اول باید مرگ بر روی صلیب را تجربه کنی. رستاخیز بدون مرگ وجود ندارد.

آیا از گناهان خود آزاد شده اید؟ آیا گناهی هست که شما را در بندگی خود دارد؟ خداوند می خواهد که در پاکی زندگی کنید. کلمه کلیدی اینجا «بندگی» است. برای آزادی از بندگی گناه، هیچ راهی ندارید جز آنکه بندگی روح القدس را بکنید و زندگی و تک تک اعضای بدن خود را به بندگی روح القدس برای عدالت و قدوسیت بسپارید.

### **۲ - کلید زندگی روحانی و جسمانی، فکر می باشد.**

برای زندگی روحانی باید در امور روحانی فکر کرد. فکر نشان دهنده این است که ما نفسانی یا روحانی هستیم. فکر تعیین می کند که ما در جسم زندگی می کنیم یا در روح (۸ : ۵ - ۷). برای داشتن زندگی موفق روحانی و رابطه سالم و زنده با روح القدس، باید مواظب افکارمان باشیم. باید افکار ما روی مسائل روحانی و پاک و نیکو دور بزنند. باید بطور جدی مواظب باشیم چه چیزی وارد فکر ما می شود. فکر خود را با چه چیزهایی تغذیه می کنیم؟ چه چیزهایی را می بینیم و می خوانیم؟ خداوند می خواهد همانطور که مواظب هستیم غذای فاسد نخوریم تا مریض شویم، به فکر و روح خود نیز غذای فاسد ندهیم تا مریض شویم.



برای پیروزی بر گناه و وسوسه ها می بایست اول در فکر خود پیروز شد. کلید پیروزی بر ترس ها، ضعف ها، افسردگی و دلسردی ها، همان فکر می باشد.

آیا نسبت به آنچه در فکر شما می گذرد، هوشیار هستید. افکار شما در طول روز روی چه چیز هایی دور می زند؟ آیا در قلب و فکر خود با روح القدس مشارکت دارید و راجع به حقایق کلام و وعده های خدا تفکر می کنید؟ آیا مواظب هستید که افکار منفی وارد فکر شما نشده و ریشه نگیرد؟ آیا آنقدر بالغ هستید که مواظب تغذیه فکری و روحی خود باشید و پای هر صحبتی نشینید و هر فیلمی را نبینید؟ یا مانند یک نوزاد، هرچه جلویتان بود را در دهانتان می گذارید؟ بدون تفکر روح، غیرممکن است که در روح زندگی کرد.

### ۳ - خادم خدا، آزادی خود را بخاطر محبت و خدمت، محدود می کند.

در دو فصل ۱۴ و ۱۵، خداوند مساله مهمی را باز می کند: در خورد و خوراک ها و رفتار و طرز زندگی، بسیاری چیزها است که به خودی خود گناه نیستند، اما بی محبتی و خودمحوری و لغزش دادن دیگران (بخصوص کوچکان) گناه می باشد. کلام خدا می فرماید: می دانیم هیچ چیز در ذات خود نجس نیست اما «هرگاه برادرت به خوراک آزرده شود، دیگر به محبت رفتار نمی کنی. به خوراک خود هلاک مساز کسی را که مسیح در راه او بمرد. پس مگذارید که نیکویی شما را بد گویند» (۱۴ : ۱۶ - ۱۶). اگر فکر می کنیم در ایمان قوی هستیم، وظیفه ماست که ضعف های ناتوانان را متحمل شویم (۱۵ : ۱).

خادم نیکوی خدا، بر روی حقوق خود پافشاری نمی کند بلکه حاضر است که از خود بگذرد تا باعث برکت و بنای دیگران شود (۱۴ : ۱۹ - ۲۱). ما که می خواهیم به مسلمانان بشارت دهیم، اکیداً لازم است و باید نسبت به مسایلی که برای یک مسلمان مهم است حساس باشیم و خود را بخاطر خدا و آنها محدود کنیم. مسایلی مانند مشروب، رقص، طرز لباس پوشیدن، طرز عبادت، سیگار، رابطه با جنس مخالف، و احترام به کتاب مقدس، برای یک مسلمان مسایل حساسی هستند و ما بخاطر بشارت به آنها باید در این موارد بسیار هوشیار و حساس باشیم. این محدودیت ها در مقابل شهیدانی چون برادر هاپیک که جان خود را برای بشارت به مسلمانان دادند، بهای کمی می باشد.

### ۴ - خانم های خادم نقش مهمی در ملکوت خدا دارند.

در فصل ۱۶، پولس از خادمین بسیاری نام می برد که مخلوطی از خانم و آقا هستند. پولس از خدمت خانم ها چون آقایان پشتیبانی و قدردانی می کند. فیبی، به عنوان «خادم» معرفی شده است (۱۶ : ۱). این کلمه مونث (خادمه) نیست بلکه اسم مذکر است و به صورت عنوان رسمی بکار برده شده است. از زن و شوهر خادم، از پرسکالا (زن) قبل از اکیلا (شوهر) نام برده شده است. طریفینا و طریفوسا، خانم های خادم فعالی بودند و پرسیس نیز زنی بود که برای خداوند زحمت بسیار کشیده بود.

در کلیسایی که در ترتیب الهی قرار دارد، خانم هایی که خود را در این ترتیب الهی قرار داده اند، می بایست نقش مهمی را در ملکوت خدا بازی کنند. خداوند به خانم ها نیز چون آقایان تمام عطایای روحانی را داده است تا برای جلال او و بنای ملکوت او بکار روند.

زنها با وجود موقعیت دشواری که در اسلام دارند، پشتیبانان اصلی اسلام هستند. برای نجات ایران لازم است سپاهی از زنان روحانی و جنگجو برای ملکوت آسمان تربیت شوند. در این سپاه هرنوع خدمت و عطیه از روح خدا جاری می باشد. خداوند زنانی را از میان ایمانداران ایرانی می خواند که برای او رسول، نبی، مبشر، شبان و معلم باشند.

دعای ما این است که از این کلیسا زنانی نمونه در شخصیت و رفتار مسیحی و پر از روح القدس و آزموده تربیت شوند که نقش اصلی و اساسی در نجات هزاران زن ایرانی داشته باشند.

### **سوالات برای مرور درس**

- ۱) کلمه کلیدی کتاب رومیان چه می باشد؟
- ۲) بخش های اصلی کتاب رومیان را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) عیسیای مسیح به عنوان «آدم دوم» چه شباهت هایی با «آدم اول» دارد؟
- ۴) دو درس روحانی کتاب رومیان را بیان کنید.
- ۵) طبق کتاب رومیان، چگونه می توان بر نفس پیروز شد؟
- ۶) چهار مکاشفه روح القدس در کتاب رومیان را نام ببرید.

## اول قرن‌تیان

### نویسنده و تاریخ نگارش

پولس نویسنده این کتاب است که آنرا در سال ۵۶ میلادی وقتی در شهر افسس بود نوشت.

### زمینه و موضوعات اصلی

قرن‌تس در قرن اول بخاطر دو بندری که داشت، مرکز اقتصادی جنوب یونان بود. این شهر دارای معابد بسیار بود که مهمترین آنها معبد «افرودیت»، الهه عشق بود که در آن ۱۰۰۰ فاحشه زیارت کنندگان را خدمت می کردند. جمعیت آن ۷۰۰ هزار نفر بود که دوسوم آنرا برده ها تشکیل می دادند که یک سوم جمعیت را خدمت می نمودند.

پولس در چنین شرایطی بود که در سفر دوم خود در سالهای ۵۱ تا ۵۲ به مدت ۱۸ ماه در قرن‌تس ماند و این کلیسا را بنیان گذاری کرد (اعمال ۱۹ : ۱ - ۱۷).

وقتی پولس این نامه را می نویسد، کلیسای قرن‌تس گرچه کلیسایی در حال رشد بود و عطایای روحانی در آن رایج بود، اما مشکلات داخلی نیز داشت. مسائلی از قبیل دسته بندی ها، به دادگاه کشاندن یکدیگر، فساد اخلاقی، روش غلط استفاده از عطایای روح القدس و شرکت غلط در شام خداوند در کلیسای قرن‌تس وجود داشت که آینده و موجودیت آن را بخطر می انداخت و در نتیجه فکر و دل پولس را بخود مشغول ساخته بود. این مشکلات داخلی همچنین باعث شده بود که کلیسا نتواند شاهد خوبی برای آن شهر باشد. در نتیجه پولس این نامه را می نویسد تا این مشکلات کلیسایی را برطرف کند و بعلاوه جواب سوالاتی که از او کرده بودند را بدهد. پولس این نامه را با محبت و به عنوان پدر روحانی شان می نویسد (۴ : ۱۴-۱۵) تا مجبور نشود که «با چوب» نزد آنها بیاید (۴ : ۲۱).

### کلمه کلیدی : تصحیح

### آیات کلیدی : ۶ : ۱۹-۲۰ و ۱۰ : ۱۲-۱۳

۶ : ۱۹-۲۱ ... « یا نمی دانید که بدن شما هیكل روح القدس است که در شما است که از خدا یافته اید و از آن خود نیستید؟

ریرا که به قیمتی خریداری شدید، پس خدا را به بدن خود تمجید نمایید.»

۱۰ : ۱۲-۱۳ ... « پس آنکه گمان برد که قایم است، با خبر باشد که نیفتد. هیچ تجربه ای جز آنکه مناسب بشر باشد، شما را

فرو نگرفت. اما خدا امین است که نمی گذارد شما فوق طاقت خود آزموده شوید، بلکه با تجربه، مفری نیز می سازد تا یارای تحمل آن را داشته باشید. »

### فصل کلیدی : ۱۳

این فصل که راجع به محبت است، در طول تاریخ قلب های بسیاری را لمس کرده است و بسیار در مراسم ازدواج خوانده می شود. بهترین تعریف از «محبت» را می توان در این فصل یافت. این فصل نشان می دهد که محبت واقعی یک احساس نیست بلکه عملی است که از روی اراده انجام می گیرد.

## بررسی

با وجود زحمات پولس و دیگر خادمین، کلیسا در قرن‌تس بود اما متأسفانه قرن‌تس هم در کلیسا بود. فساد اخلاقی و روش‌های نفسانی مردم قرن‌تس در کلیسا نیز دیده می‌شد. پولس این نامه را نوشت تا مشکلات مختلف را حل کند. برای همین، موضوعات مختلفی در این کتاب بررسی می‌شود و عبارت «اما در باره» بارها تکرار می‌شود (۷: ۱ و ۲۵ و ۸: ۱ و ۱۱: ۲ و ۱۲: ۱ و ۱۶: ۱). اول قرن‌تس را می‌توان به سه بخش اصلی تقسیم نمود.

### **۱) جواب به مشکل دسته بندی (فصل های ۱ تا ۴) -**

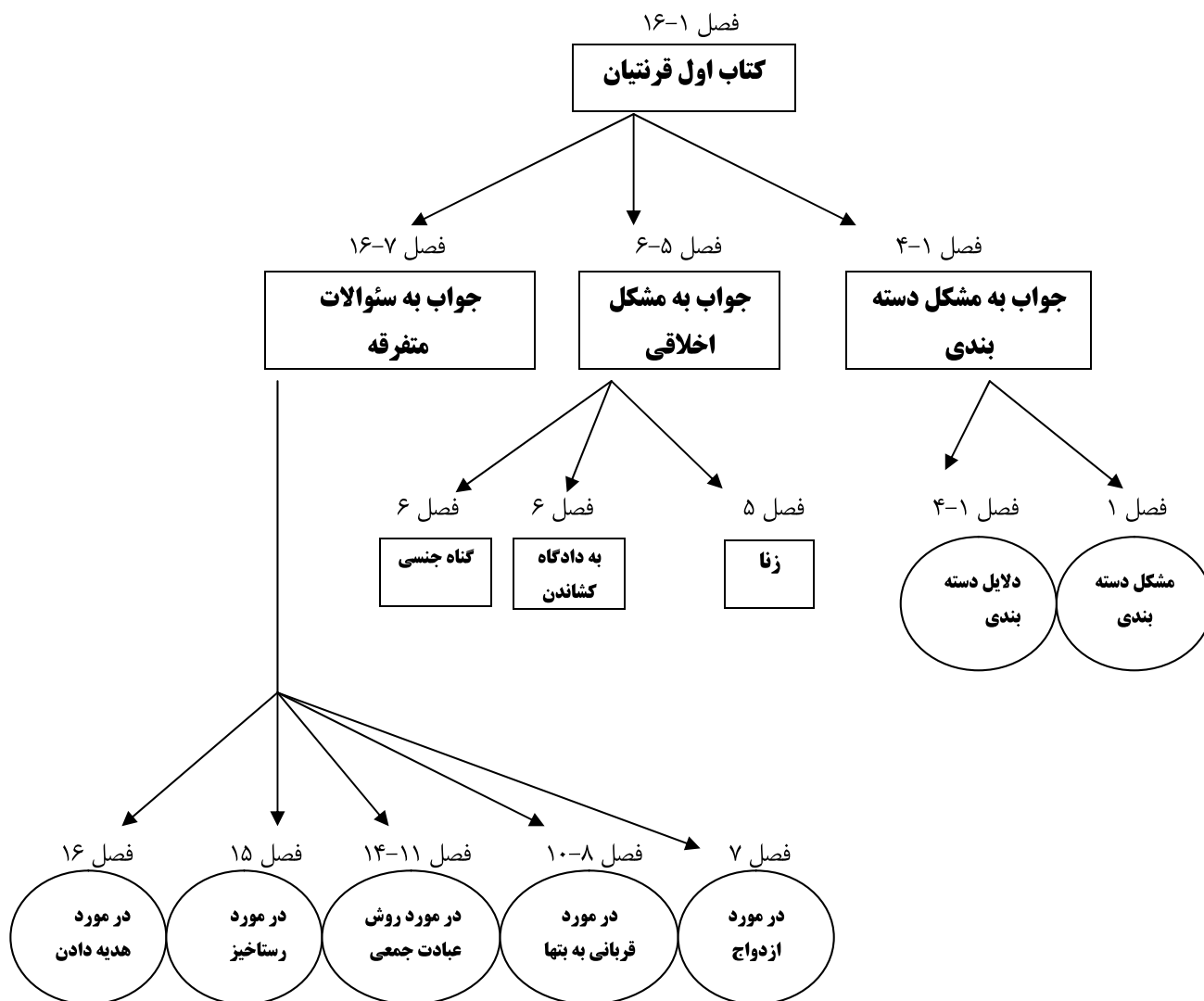
بخاطر غرور، ایمانداران خود را متعلق به شخصیت‌هایی چون پولس، اپلس و پطرس می‌دانستند. پولس به آنها یادآور می‌شود که دسته بندی آنها نشان می‌دهد که هنوز از لحاظ روحانی بچه هستند. آنها باید به مسیح افتخار کنند نه به خادمین مسیح. او به آنها خاطر نشان می‌کند که حکمت آنها نبود که آنها را به مسیح آورد و تعلیم می‌دهد که مسائل روحانی را باید با روح دریافت کرد.

### **۲) جواب به مشکل اخلاقی (فصل های ۵ تا ۶) -**

در این بخش، موضوع زنا مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخاطر رایج بودن این گناه در جامعه، چنین گناهی در کلیسا زیاد ایمانداران را تکان نمی‌داد. پولس می‌نویسد که مهم نیست جامعه چگونه است، کلیسا باید پاک باشد و باید چنین شخصی را اگر توبه نکند از کلیسا اخراج کرد (تاثیر جامعه در کلیسا، مشکلی است که هر کلیسا در هر جای جهان با آن روبرو است و باید نسبت به آن حساس و هوشیار بود). ایمانداران نباید یکدیگر را به دادگاه بکشاند و اختلاف بین آنها باید در خود کلیسا بوسیله مشایخ حل شود.

### **۳) جواب به سوالات متفرقه (فصل های ۷ تا ۱۶) -**

در این بخش، پولس به سوالاتی که از او کرده اند جواب می‌دهد. مسائل ازدواج مانند تجرد، طلاق و ازدواج مجدد مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس در مورد قربانی به بت‌ها صحبت می‌شود. مانند رومیان فصل ۱۴، تعلیم پولس این است که باید بخاطر محبت، هر ایماندار آزادی‌های خود را محدود کند. فصل‌های ۱۱ تا ۱۴ بسیار مهم می‌باشد. این آیات تنها آیاتی هستند در عهد جدید که در مورد کاربرد عطایا و روش عبادت جمعی صحبت می‌کنند. عطایا باید در محبت، برای بنای بدن مسیح در جمع بکار رود. قرن‌تس در مورد رستاخیز نیز سوال داشتند که پولس در این مورد تعلیم می‌دهد.



## مکاشفه عیسای مسیح

**حکمت خدا** - عیسای مسیح حکمت خدا است (۱ : ۲۴). انسان به دنبال حکمت می گردد و خود را بسیار حکیم می داند اما حکمت انسان در مقابل حکمت خدا (عیسای مسیح) حماقت می باشد.

**قدرت خدا** - عیسای مسیح قدرت خدا است (۱ : ۲۴). خدا ناتوانان را برمی گزیند تا قدرت خود را در عیسای مسیح ظاهر سازد تا هیچ بشری در حضور او فخر نکند (۱ : ۲۷-۲۹)

**نمونه کامل** - عیسای مسیح نمونه کامل برای همه ما است. بخصوص یک خادم باید به عیسای مسیح اقتدا کند تا ایمانداران نیز به او اقتدا کنند (۱۱ : ۱).

**کلیسا** - کلیسا بدن عیسای مسیح می باشد (فصل ۱۲). یک شخص با بدنش یکی می باشد و بدن، شخص را ظاهر کرده و به اسم آن شخص عمل می کند. عیسای مسیح در بدنش کلیسا تجلی می کند. این بدن، خود عیسای مسیح است. هرکه به کلیسا صدمه بزند، به خود عیسای مسیح صدمه زده است (مانند پولس که به کلیسا جفا می رسانید). عیسای مسیح از طریق بدنش (کلیسا) عمل می کند.

## مکاشفه روح القدس

**عطایای روح القدس** - روح القدس دهنده عطایا به کلیسا و مجهز کننده کلیسا است تا بتواند به عنوان بدن عیسی مسیح عمل کند. تعالیم فصل های ۱۲ تا ۱۴، نشان می دهد که عطایای روح القدس مهم بوده و وقتی با محبت بکار برده می شوند، در جلسات کلیسایی نقش بسیار مهمی را بازی می کنند.

**مکشوف کننده عمق های خدا** - انسان نمی تواند با حکمت خود خدا را درک کند. روح القدس است که «آنچه که چشمی ندید و گوشی نشنید و به خاطر انسانی خطور نکرد» را به روح خود بر ما کشف می کند (۲: ۱ - ۱۳).

## دروس اصلی روحانی

### **۱ - فخر خادم خدا، عیسی مسیح است.**

انسانها به چیزهای مختلف فخر می کنند (علم، حکمت، قدرت، عطایای روحانی، دوستی با انسانهای معروف، تعلق به کلیسا یا فرقه خاص) تا غرور خود را ابراز کرده و ایگوی نفسانی خود را ارضاء کنند. اما این غرور باعث جدایی ها می شود. خداوند می خواهد که همه اینها را کنار گذاشته و همواره تنها فخر ما در زندگی خود عیسی مسیح باشد (فصل های ۱ تا ۴). زیرا هرچه داریم از عیسی مسیح داریم (۴: ۷).

چه بسیار خادمین ایرانی با فخر فروشی در مورد علم شان، عطایای روحانی شان، دوستی شان با رهبران معروف یا تعلقشان به کلیسا یا فرقه خاص باعث جدایی ها شده اند. شخصی را می شناسم که خود را از لحاظ روحانی بالاتر از دیگران می دید چرا که می گفت: «من از کلیسای ایران هستم و برادر هایک مرا تعمیم داده است». خوب است متعهد شویم که همواره به دنبال جلال مسیح و پیشرفت ملکوت او باشیم. فخر ما مسیح باشد. به کلیساها و فرقه های دیگر احترام گذاشته و کار مسیح در بین آنها را تشخیص داده و با خوشحالی آنرا تشویق کنیم. باید بدانیم که کار روح القدس محدود به آنچه که در میان ما می کند نیست. او خدای خالق و خلاق است و در فرقه ها و کلیساهای مختلف به روش های مختلف عمل می کند.

فخر شما به چیست؟ به تحصیلات، به پول، به قیافه؟ یا به اینکه چقدر کلام را می دانید و یا چند سال است که مسیحی هستید. چقدر زننده است که گاهی شخصی که سالها در ایمان است به یک نو ایمان فخر می فروشد و می گوید: «تو به من حرفی نداری بزنی، تو چیزی نمی دانی. من سالها قبل از تو مسیح را می شناختم. پس زیادی حرف نزن!»

### **۲ - خادم خدا همواره به فکر بنا و نجات مردم است.**

یک خادم خدا «نفع خود را طالب نمی باشد بلکه نفع دیگران را تا که نجات یابند (۱۰: ۳۳). او آزادی خود را محدود می کند و از نفع خود می گذرد تا مبادا باعث لغزش دیگران شود و به کار بنا و بشارت او لطمه بخورد (۱۰: ۲۴ و ۳۲).

در هر موردی که می خواهید تصمیم بگیرید، بعد از آنکه با کلام خدا چک کردید، برسید آیا این کار به بنای ایمانداران و بشارت به غیر ایمانداران کمک می کند یا خیر. اگر می گوئیم هدف ما جلال خدا است آنرا به این صورت ثابت می کنیم که حاضریم اگر لازم باشد، گوشت نخوریم، مشروب نخوریم، نرقصیم تا به ملکوت خدا لطمه نخورد.

بسیاری از کارها به خودی خود «گناه» نمی باشد اما باعث سوء تفاهم و لغزش دیگران می شود. این روحیه مسیحی نیست که بگوییم: « این مشکل آنها است. من که گناه نمی کنم» محبت ایجاب می کند ما آزادی خود را بخاطر بنای دیگران محدود کنیم. ما مسیحیان آزاد هستیم کمی مشروب بخوریم (ولی نه مست شویم) اما بخاطر اینکه می خواهیم به مسلمانان بشارت درست دهیم و این سوء تفاهم را برداریم که « مسیحیان مشروب خوار هستند »، خوب است آزادی خود را محدود کنیم و جلوی غیر مسیحیان و حتی نوایمانان و مسیحیانی که این مساله برایشان حل نشده، لب به مشروب نزنیم. ما مسیحیان آزاد هستیم هر طور که دلمان می خواهد خدا را بپرستیم، اما باید در مقابل مهمانان و دیگران طوری خدا را بپرستیم که برای آنها بنا کننده و قابل فهم باشد. ما حتی در لباس پوشیدن خود را محدود می کنیم تا نشان دهیم خدا را دوست داریم و به بدن خود و به او احترام می گذاریم. به منظور بشارت مؤثر به مسلمانان، شما در چه مواردی خود را محدود من کرده و نفع خود را طالب نیستید بلکه نفع بسیاری را تا نجات یابند؟

### ۳ - عطایای روحانی را باید با غیرت طلبید.

کلام خدا دستور می دهد که همه عطایای روحانی را با غیرت بطلبیم (۱۴ : ۱) بخصوص اینکه نبوت کنیم. این عطایا وقتی با محبت خدا همراه باشد باعث بنای بدن مسیح و جلال او می شود. همه عطایا طبق فصل های ۱۲ تا ۱۴ جای خود را دارند. طبق این فصول، زبانها را نباید منع کرد و در عین حال مهم ترین عطایا نیز نمی باشد. نبوت مهم ترین عطایا می باشد و باید در کلیسا رایج باشد و ایمانداران در پی آن بکوشند. هر ایماندار باید با جدیت در پی عطیه نبوت باشد. عطیه نبوت چیست؟ عطیه نبوت قابلیت شنیدن صدای روح القدس در هر شرایطی می باشد. هر ایماندار باید چنان رابطه ای با روح القدس داشته باشد که روح القدس مرتب با او صحبت کند.

کدامیک از عطایای روح القدس در ۱۲ : ۵ - ۱۱ را دارید و در آن به آزادی و ثمرات نیکو عمل می کنید؟ آیا عطایا را به غیرت می طلبید؟ آیا نسبت به همه آنها باز هستید؟ اگر عطایا را دارید (چون نبوت و یا زبانها) آنها را بکار می برید؟ اگر عطایای خود را برای بنای کلیسا (بشارت و شاگردسازی) استفاده نمی کنید، دارید به دهنده عطایا و کلیسا خیانت می کنید چرا که امانتی که خدا به شما داده است را به کلیسا رد نمی کنید. آنچه شما دارید مال شما نیست، بلکه مال کلیسا است.

### ۴ - در عبادت کلیسای باید روح القدس آزاد باشد و در عین حال نظم باشد.

در فصل ۱۴ می بینیم که چگونه در عبادت کلیسای باید کاربرد عطایا رایج باشد و در عین حال نظم و ترتیب حفظ شود. در بعضی کلیساها آنقدر آزادی است که نظم و ترتیب از بین می رود و در بعضی کلیساها آنقدر نظم و ترتیب است که روح القدس محدود می شود. کلام خدا تعادل را درس می دهد.

در جمع های کلیسای چون جلسات شباهنگ، باید هر که سرودی دارد، تعلیمی دارد، زبانی دارد، مکاشفه ای دارد، ترجمه ای دارد، باید همه به جهت بنا بشود (۱۴ : ۲۶ - ۳۲). نبوت و زبانها باید به ترتیب و روشی که گفته شده اجرا شود. اگر مترجمی نباشد، شخص می تواند پیش خود به آرامی با خدا به زبانها سخن گوید (۱۴ : ۲۸).

روش عملکرد در گروه های شباهنگ باید فصل های ۱۲ تا ۱۴ باشد. آنها آموخته و در زندگی خود و در جلسات شباهنگ با دعا پیاده کنید.

## **سوالات برای مرور درس**

- ۱) کلمه کلیدی کتاب اول قرن‌تینان چه می باشد؟
- ۲) بخش های اصلی کتاب اول قرن‌تینان را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) کلیسا در فصل ۱۲ به چه چیز تشبیه شده است؟
- ۴) دو درس روحانی کتاب اول قرن‌تینان را بیان کنید.
- ۵) سه مکاشفه عیسای مسیح را در کتاب اول قرن‌تینان نام ببرید.
- ۶) یک مکاشفه روح القدس در کتاب اول قرن‌تینان را نام ببرید.
- ۷) عطایای روح القدس در چه فصل هایی توضیح داده شده اند؟



## دوم قرن تیان

### نویسنده و تاریخ نگارش

پولس نویسنده این کتاب است که آنرا در سال ۵۶ میلادی وقتی در مکادونیه بود نوشت.

### زمینه و موضوعات اصلی

بعد از دریافت نامه اول پولس، کلیسای قرنتس تحت تاثیر معلمین و رسولان دروغین قرار گرفت که مردم را بر علیه پولس تحریک می کردند. آنها می گفتند که پولس بی ثبات، مغرور، شخص نادرست و در موعظه و ظاهر ضعیف بوده و شایسته رسول بودن نمی باشد. پولس تیطس را فرستاد تا آن مشکلات را حل کند. اکثریت به خدمت تیطس جواب مثبت داده و توبه کردند. پولس این نامه را می نویسد تا از این اکثریت توبه کرده تشکر کرده آنها را تشویق کند و همینطور از آن اقلیت سرکش بخواهد که اقتدار او را قبول کنند. برای همین در طول این کتاب، پولس از رفتار، شخصیت و دعوت خود به عنوان یک رسول دفاع می کند. بعلاوه پولس از یونانیان قرنتس می خواهد که برای احتیاجات ایمانداران در یهودا هدیه جمع کنند. در رومیان، پولس بیشتر افکار خود را می نویسد اما در دوم قرن تیان قلب پولس بیشتر نمایان است. شخصیت او، انگیزه های او، ارجحیت هایش، خواسته هایش و احساساتش را می توان در این رساله مشاهده کرد. در این کتاب راجع به خودش و تجربیاتش بیشتر از هر جای دیگر صحبت می کند. او سختی هایی که حتی در اعمال رسولان نوشته نشده است را شرح می دهد (۱۱ : ۲۳ - ۲۷)، جزئیات بیشتری را در مورد فرارش از دمشق می گوید (۱۱ : ۳۲ - ۳۳)، به تجربه اش در رویا و مکاشفه بهشت اشاره می کند (۱۲ : ۱ - ۷) و درباره خاری که در جسم داشت توضیح می دهد. (۱۲ : ۷ - ۱۰).

**کلمه کلیدی :** دفاع پولس از اقتدار خود

**آیات کلیدی :** ۴ : ۵ - ۶ و ۵ : ۱۷ - ۱۹

۴ : ۵ - ۶ ... « زیرا به خویشتن موعظه نمی کنیم بلکه به مسیح عیسی خداوند، اما به خویشتن که غلام شما هستیم بخاطر عیسی. زیرا خدایی که گفت تا نور از ظلمت درخشید، همان است که در دلهای ما درخشید تا نور معرفت جلال خدا در چهره عیسی مسیح از ما بدرخشد.»

۵ : ۱۷ - ۱۹ ... « پس اگر کسی در مسیح باشد، خلقت تازه ای است. چیزهای کهنه در گذشت، اینک همه چیز تازه شده است. و همه چیز از خدا که ما را بواسطه عیسی مسیح با خود مصالحه داده و خدمت مصالحه را به ما سپرده است. یعنی اینکه خدا در مسیح بود و جهان را با خود مصالحه می داد و خطایای ایشان را بدیشان محسوب نداشت و کلام مصالحه را به ما سپرد.»

**فصل کلیدی :** فصل های ۸ و ۹

این دو فصل در واقع یک واحد هستند و بطور مفصل تر از هر جای دیگر در کتاب مقدس در مورد هدیه دادن تعلیم می دهد.

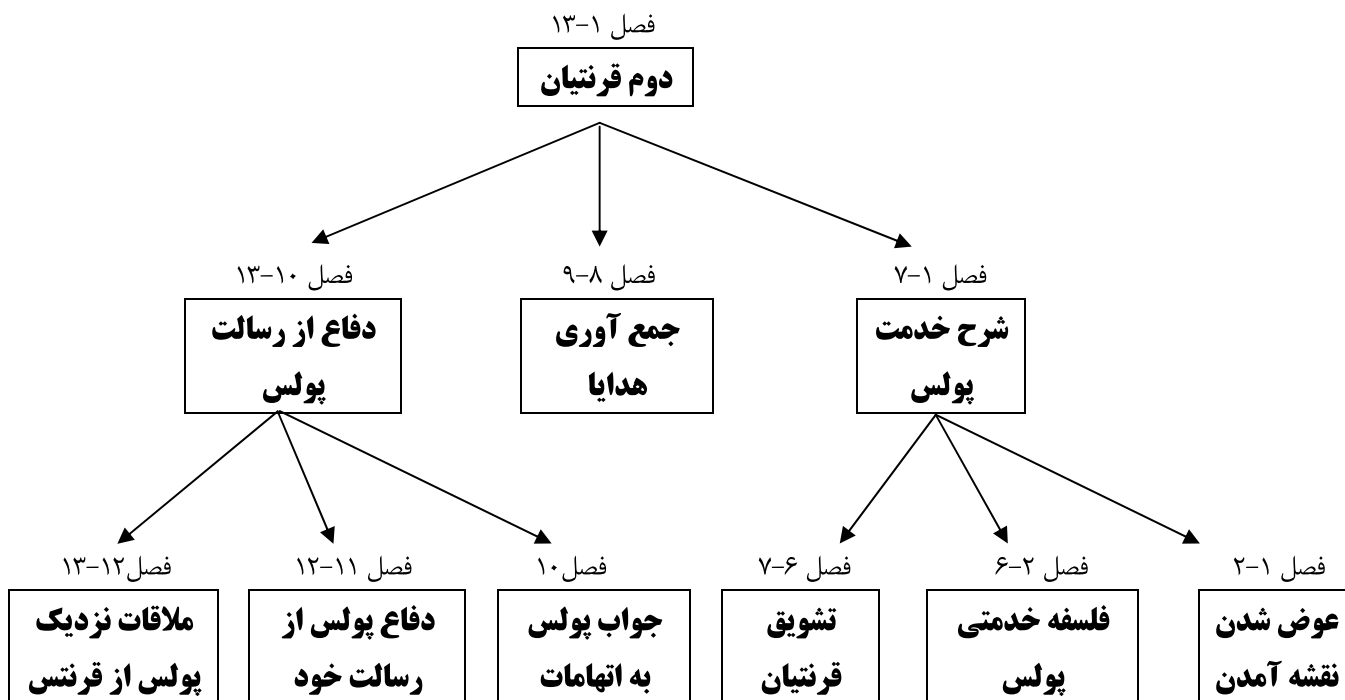
## بررسی

دوم قرن‌تیان یک رسول را کالبد شکافی می‌کند. قلب و روح و اقتدار پولس به عنوان یک رسول در این کتاب واضحاً مشهود است. این کتاب را می‌توان به سه بخش تقسیم نمود:

**(۱) شرح خدمت پولس (فصل‌های ۱ تا ۷)** - ابتدا پولس نشان می‌دهد که خوشحال است که قرن‌تیان به او گوش کردند و شخص خاطی را از کلیسا بیرون کردند. اما اکنون که او توبه کرده است، از آنها می‌خواهد که او را به کلیسا برگردانند. سپس پولس از خدمت خود در زمینه پیغام هایش، شرایطش، انگیزه هایش و رفتارش دفاع می‌کند.

**(۲) جمع آوری هدایا (فصل‌های ۸ تا ۹)** - در این بخش، اصول هدیه دادن بطور مفصل شرح داده شده است. هر ایماندار ابتدا خود را به خدا و به خادم خدا می‌سپارد و سپس از دل و با شادمانی برای خداوند با سخاوت هدیه می‌دهد.

**(۳) دفاع از رسالت پولس (فصل‌های ۱۰ تا ۱۳)** - در اینجا، پولس از اقتدار و مقام خود به عنوان یک رسول در مقابل اقلیت سرکشی که در قرن‌تس هستند دفاع می‌کند. فروتنی او نشانه این نیست که او اقتدار ندارد. برای دفاع از خود، پولس مجبور می‌شود بر خلاف میل خود، از دانش خود، از روراستی خود، از کارها و موفقیت هایش، از سختی‌هایی که کشیده، از رویاهایش و معجزاتی که بوسیله او انجام شده است نام ببرد. در انتها می‌گوید که قصد دارد برای بار سوم به آنها سر بزند و هشدار می‌دهد که بهتر است توبه کنند تا وقتی می‌آید مجبور نشود با آنها به سختی رفتار کند.



## مکاشفه عیسی مسیح

**خداوند** - عیسی مسیح خداوند است. هرچه می کنیم برای جلال اوست و اینکه نور او از ما بدرخشد (۴ : ۵).

**داور** - عیسی مسیح داور نهایی است و هر کس روزی جلوی ایستاده و در مورد هر آنچه که با بدن خود و زندگی خود کرده ایم به او جواب بدهیم (۵ : ۱۰).

**خدای مصالحه دهنده** - « خدا در مسیح بود و جهان را با خود مصالحه می داد » (۵ : ۱۹). این آیه خود نشانه دیگری از الوهیت مسیح است. که گرچه مسیح ظاهراً انسان بود ولی خدا در او بود و جهان را با خود (نه با شخص سوم خدا) آشتی می داد.

**گناه** - خدا مسیح را که گناه را نشناخت، در راه ما گناه گردانید (۵ : ۲۱). وجود عیسی مسیح تمام گناهان بشر را در طی همه قرون به خود گرفت بطوریکه خود گناه شد. آنگاه جریمه گناه را پرداخت (مرگ) و از مرگ برخاست.

**صورت خدا** - مسیح تجلی صورت خدا است (۴ : ۴-۶).

**شوهر کلیسا** - عیسی مسیح شوهر کلیسا است. ما نیز به عنوان سفیران مسیح، می خواهیم افراد گم شده را به عقد این داماد آسمانی در آوریم و سپس به آنها کمک کنیم تا مانند باکره ای خود را برای مسیح پاک نگاه دارند.

## مکاشفه روح القدس

**قدرت خدمت** - روح القدس خادم عهد جدید را پر می کند تا خدا را با قدرت روح خدمت کنیم (۳ : ۶).

**مهر و بیعانه** - روح القدس ما را مهر می کند. او بیعانه آنچه‌ای است که در آینده در انتظار ما است (۱ : ۲۲ و ۵ : ۱ - ۵). داشتن روح القدس است که نجات ما را و آینده ما را تأیید و تضمین می کند نه فقط اعتقاد فکری به یک سری حقایق.

**روح حیات** - کلام خدا هشدار می دهد که «حرف می کشد لیکن روح زنده می کند» (۳ : ۶).

**روح آزادی** - هر جا که روح القدس است در آنجا آزادی است (۳ : ۱۷). روح القدس ما را از گناه، ترس، خجالت، دین و مذهب و چهارچوب های سنتی کلیسایی آزاد می کند. این آزادی برای بی بند و باری نیست بلکه او ما را آزاد می کند تا آزادانه نور او را بتابانیم (۳ : ۱۶ - ۱۸).

**مشارکت با روح القدس** - مشارکت با روح القدس مانند فیض عیسی مسیح و محبت خدای پدر باید برای یک ایماندار روزانه ملموس باشد (۱۳ : ۱۴).

## دروس اصلی روحانی

### **۱ - خادم عهد جدید، خادم روح است نه حرف.**

حرف می کشد اما روح زنده می کند (۳ : ۶). در خادم خدا روح یعنی حیات و تازگی است. شریعت بدون روح، مرگ را می آورد. چنین خادمی، بوی خوش مسیح را می دهد و مانند مسیح عمل می کند (۲ : ۱۴-۱۶). اما چه کسی است که برای این امور کافی باشد؟ (۲ : ۱۶) برای چنین خدمت روحانی، هیچ کدام از ما کافی نمی باشیم اما خدا را شکر که کفایت ما از خداست و او ما را کفایت می دهد که عهد جدید را خادم شویم (۳ : ۵ - ۶). خادم خدا می داند که او فقط یک ظرف خاکی است اما همچنین می داند که در این ظرف گنجی نهفته است که برای هر امری کافی است.

در خدمتی که انجام می دهید چه مقدار است که شما دارید انجام می دهید و چه مقدار روح القدس است که دارد از طریق شما انجام می دهد. برای خدمت موثر، هرچه ما کمتر باشیم و روح القدس کفایت ما باشد، خدمت موثرتر و موفق تری خواهیم داشت. اگر ما صفر شویم و در خود بمیریم، آنگاه روح القدس می تواند بینهایت باشد و هر آنچه که دارد را در ما و از طریق ما انجام دهد.

آیا گاهی شک می کنید که بتوانید خدمتی را انجام بدهید؟ آیا در خدمت گاهی احساس کمبود می کنید و خود را لایق و یا قادر به خدمتی که به شما سپرده شده است نمی دانید؟ پس بدانید که لیاقت شما از خداست و همچنین کفایت شما از خداست. روح القدسی که در شما است برای هر موقعیت کافی می باشد. فقط بگذارید شما کنار رفته و او در شما و از طریق شما خدمت کند.

## ۲- خادم خدا می داند با ضعف هایش چگونه برخورد کند.

پولس ابتدا برای ضعف هایش دعا کرد که خدا بردارد. اطمینان داریم که خداوند بسیاری از دعاها را پولس را جواب داده و ضعف هایش را برداشت. اما در مورد «خاری در جسم»، پولس دعا کرد و خداوند به او جواب داد اما نه با برداشتن خار بلکه با گفتن « فیض من تو را کافی است، زیرا که قوت من در ضعف کامل می شود.»

(۱۲ : ۷ - ۱۰). گاهی خدا به دلایلی (در اینجا برای فروتن نگاه داشتن پولس و ایجاد وابستگی او به خدا)، ضعف های ما را بر نمی دارد یا ما را شفا نمی دهد. در این مواقع باید به فیض خدا پناه برد. با فیض او زندگی کرد و اجازه داد که قوت او در ضعف های ما کامل شود. تا اینکه در نقطه ضعف خود بتوانیم با قوت عمل کنیم. سپس با شادی بسیار، از ضعف هایمان بیشتر فخر می کنیم. نمونه زیبا در این مورد خواهرنادره می باشد که با وجود مریضی و دردها روزانه به فیض خدا متوسل شده، چشم خود را از خود برداشته و با رسیدن به احتیاجات دیگران، خدا را جلال می دهد.

شما چه ضعف هایی دارید؟ نگذارید ضعف های شما مانع خدمت شما و جلال دادن خدا شوند. برای آن دعا کنید و روزانه به فیض خدا متوسل شوید تا روح خدا در آن ضعف ها عمل نماید.

## ۳- خادم خدا دید ابدی دارد.

خادم خدا به چیزهای دیدنی چشم نمی دوزد بلکه به چیزهای نادیدنی است که چشم می دوزد. توجه اصلی او در زندگی، دنیای جسم نیست (دیدنی) بلکه دنیای روح است (نادیدنی) او به ایمان رفتار می کند نه به دیدار (۴ : ۱۸ و ۵ : ۷). او می داند که زندگیش در این دنیا موقتی است و زمانی این خیمه زمینی را ترک کرده و وارد عمارت آسمانی می شود (۵ : ۱ - ۵) در نتیجه او به مسائل فانی و زود گذر توجه زیاد نمی کند بلکه توجه اصلی او و اصل وقت او برای مسائل ابدی (چون نجات جانها) صرف می شود. خادم خدا می داند که در وهله اول، سفیر است و بزرگترین وظیفه او در روی زمین، سفارت برای خدا می باشد (۵ : ۱۷ - ۲۰). او خود را نماینده خدا می داند تا مردم را با خدا آشتی دهد و تا منافع خدا را در این جهان حفظ نماید.

تا چه حد فکر و توجه شما به مسائل این دنیا و چیزهایی است که به چشم دیده می شوند؟ آیا دنیای روحانی برای شما باز شده؟ آیا برای ابدیت زندگی می کنید؟ آیا زندگی و وقت شما برای ابدیت تأثیر دارد و یا فقط صرف نان در آوردن و مسائل روزمره می شود. با دعا، زندگی خود را در مقابل خدا مرور کنید. چه تغییراتی باید در زندگی خود بدهید تا زندگی شما با معیارهای آسمانی کلام مطابقت کند؟

#### ۴ - خادم خدا نسبت به جنگ روحانی آگاه بوده و در آن فعال می باشد.

کلام خدا بطور واضح می گوید که همه ما در یک جنگ روحانی هستیم. مانند هر جنگ دیگر باید هوشیار و آگاه باشیم، طرز استفاده از اسلحه های جنگی را یاد گرفته و در نبرد هایی که هر روزه پیش می آید از آنها استفاده کنیم. خادم خدا می داند که چگونه قلعه های شیطان را با زور و جنگ تصاحب کند. او می داند که چگونه هر فکری که از مسیح نیست را تشخیص داده و آنرا به اطاعت مسیح اسیر کند (۱۰ : ۳ - ۶).

به عنوان خادم خدا، شما تا چه حد در جنگ روحانی ورزیده و موثر هستید؟ آیا از اقتدار خود و اسلحه هایی که در اختیار شما است آگاه می باشید؟ اگر نه، لازم است در این مورد ورزیده شوید.

وگرنه در نبردهایی که روزانه با آن روبرو می شوید، مرتب از شیطان ضربه خورده و در مقابل او بی دفاع خواهید بود. خداوند می خواهد نه تنها بتوانید در مقابل شیطان مقاومت کنید بلکه حمله کرده و قلعه های او را تسخیر کنید. جنگ روحانی یکی از مسائل مهمی است که هر خادم باید در آن ورزیده شود. بدون آن، خدمت مؤثر غیر ممکن می باشد.

#### سوالات برای مرور درس

- ۱) کلمه کلیدی کتاب دوم قرن تیان چه می باشد؟
- ۲) بخش های اصلی کتاب دوم قرن تیان را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) در رومیان ، پولس با هدایت روح القدس ، فکرش را می نویسد ولی در دوم قرن تیان ، پولس..... خود را بیان می کند.
- ۴) دو درس روحانی کتاب دوم قرن تیان را بیان کنید.
- ۵) سه مکاشفه عیسای مسیح را در کتاب دوم قرن تیان نام ببرید.
- ۶) سه مکاشفه روح القدس در کتاب دوم قرن تیان را نام ببرید.
- ۷) عیسای مسیح شوهر کلیسا است. در این رابطه . بشارت و شاگردسازی چه مفهومی پیدا می کند؟

## غلاطیان

### نویسنده و تاریخ نگارش

پولس نویسنده این کتاب است که آنرا در سال ۴۹ میلادی نوشته است. غلاطیه، استانی در «آسیا» (ترکیه امروز) بود و این نامه خطاب به تمام کلیساهای آن منطقه نوشته شده است.

### زمینه و موضوعات اصلی

غلاطیان «بیانیه آزادی مسیحی» می باشد. در آن شرح داده می شود که چگونه بوسیله ایمان عادل شمرده شده و از شریعت آزاد می شویم. این کتاب خطاب به مسیحیانی نوشته شده است که داشتند آزادی خود در مسیح را کنار گذاشته و دوباره زیر یوغ شریعت می رفتند. بعضی یهودیان وارد کلیساهای غلاطیه شده بودند و از ایمانداران می خواستند که زیر بار شریعت بروند. آنها می گفتند ایمان کافی نیست بلکه برای نجات یافتن، علاوه بر ایمان به عیسی مسیح، یک شخص باید مذهب یهودی را قبول کند و ختنه شود و شریعت یهود را نیز اجرا کند. مسیحیان غلاطیه هم کم کم داشتند زندگی ایمانی خود را کنار می گذاشتند تا بر اساس شریعت زندگی کنند. پولس این رساله را می نویسد تا انجیل غلطی که بر اساس اعمال بود نه ایمان و این معلمین شریعت آن را اعلام می کردند را رد کند و نشان دهد که نجات فقط بر اساس ایمان است.

در قرن اول، ایمان یهودی مانند گهواره ای بود که در آن مسیحیت مانند نوزادی متولد شد. اما این خطر نیز وجود داشت که این گهواره به گور این نوزاد نیز تبدیل شود. خداوند همانطور که موسی را خواند تا قوم خود (یهودیان) را از اسارت مصر آزاد کند، پولس را نیز خواند تا قوم خود (مسیحیان) را از اسارت شریعت آزاد کند.

پولس به طور شدیدی به ایده «نجات از طریق اعمال» حمله کرده و از «نجات از طریق ایمان» دفاع می کند. برکات خدا بوسیله ایمان می آید نه اعمال شریعت. شریعت انسان را محکوم کرده و او را زندانی می کند. اما ایمان او را نجات می دهد که از آزادی خود در مسیح لذت ببرد. اما پولس بطور واضح توضیح می دهد که این آزادی برای گناه کردن نیست بلکه آزادی از گناه کردن است. یعنی اینکه آزاد هستیم تا از روح القدس پر شده و زندگی پاک، نمونه و پرتیری را داشته باشیم.

غلاطیان و رومیان از لحاظ موضوع شباهت های زیادی به یکدیگر دارند. هر دو کتاب در تاریخ کلیسا بخصوص در زندگی و تعالیم مارتین لوتر تاثیر بسیار داشته اند. اما در مقایسه با رومیان، غلاطیان با زبان تندتری نوشته شده است. پولس در این کتاب بدون مقدمه و تشکرات و تشویق هایی که در کتاب های دیگرش دارد، بلافاصله به اصل مطلب و حل بحرانی می پردازد که کلیساهای غلاطیه را تهدید می کند. گرچه پولس با زبان تند به تعالیم غلط حمله می کند، اما در بین صحبت هایش، با محبت و ملایمت، از ایمانداران می خواهد که به تعلیم درست برگردند.

**کلمه کلیدی:** آزادی از شریعت (انجیل فیض)

**آیات کلیدی:** ۲: ۲۰ - ۲۱ و ۵: ۱

۲: ۲۰ - ۲۱ ... « با مسیح مصلوب شده ام ولی زندگی می کنم لیکن نه من بعد از این، بلکه مسیح در من زندگی می کند. و زندگانی که الحال در جسم می کنم، به ایمان بر پسر خدا می کنم که مرا محبت نمود و خود را برای من داد. فیض خدا را باطل نمی سازم، زیرا اگر عدالت به شریعت می بود، هر آینه مسیح عبث مرد.»

۵: ۱ ... « پس به آن آزادی که مسیح ما را به آن آزاد کرد استوار باشید و باز در یوغ بندگی گرفتار مشوید.»

### **فصل کلیدی: ۵**

در این فصل توضیح داده می شود که آزادی در مسیح نباید برای ارضای خواهش های نفس بکار رود بلکه تا با محبت یکدیگر را خدمت کنیم. این فصل نشان می دهد که اگر تحت قدرت روح القدس زندگی کنیم نه تنها بر گناهان پیروز می شویم بلکه بوسیله میوه های روح القدس، زندگی نمونه ای خواهیم داشت.

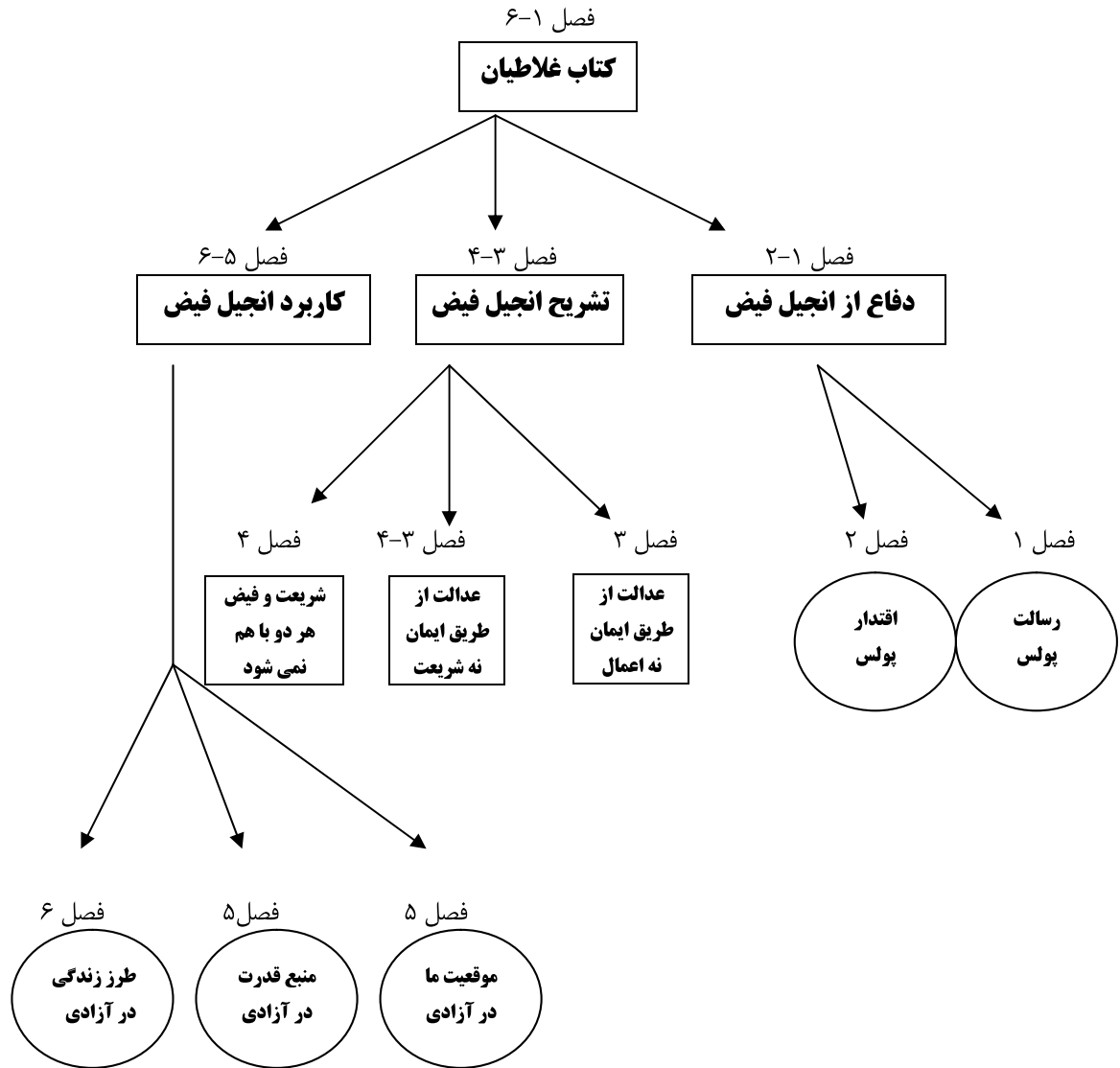
### **بررسی**

موضوع اصلی این کتاب، دفاع از انجیل فیض می باشد. پولس ابتدا از این انجیل دفاع می کند (فصل ۱ و ۲)، سپس آنرا توضیح می دهد (فصل ۳ و ۴) و در آخر کاربرد آنرا در زندگی شرح می دهد (فصل ۵ و ۶).

**(۱) دفاع از انجیل فیض (فصل های ۱ و ۲)** - پولس ابتدا از اقتدار رسالت خود دفاع می کند چراکه معلمین دروغین در وهله اول به اقتدار او حمله کرده بودند. پولس نشان می دهد که خودش تعالیمش را با رسولان در اورشلیم چک کرده است و طبق آن این اقتدار را داشته است که حتی پطرس را جلوی همه در مورد شریعت توبیخ کند.

**(۲) تشریح انجیل فیض (فصل های ۳ و ۴)** - در این قسمت، پولس به دلایل مختلف (۸ دلیل) ثابت می کند که انجیل عیسیای مسیح بر اساس ایمان است نه کارهای شریعت و ایماندارانی که با ایمان نجات یافته است، باید با ایمان نیز زندگی کند.

**(۳) کاربرد انجیل فیض (فصل های ۵ و ۶)** - در این قسمت، پولس اخطار می دهد که گرچه در فصلهای گذشته در مورد آزادی از شریعت صحبت کرده است، اما نباید ایمانداران آنرا بهانه ای برای زندگی بی بند و بار بدانند. آزادی در مسیح بهانه ای نیست تا اعمال جسم را بجا آوریم بلکه فرصتی است تا از روح القدس پر شده و زندگی پاک و نمونه ای داشته باشیم.



### مکاشفه عیسی مسیح

**آزاد کننده** - عیسی مسیح ما را از بندگی شریعت آزاد کرده است. این قدرت آزاد کننده مسیح در صلیب، ما را نه تنها از شریعت بلکه از گناه و نفس نیز آزاد می کند (۱ : ۴ و ۲ : ۲۰ و ۳ : ۱۳ و ۴ : ۵ و ۵ : ۲۴ و ۶ : ۱۴).

### مکاشفه روح القدس

**روح قوت و معجزات** - روح القدس بوسیله ایمان ما عمل کرده و قوت و معجزات را آشکار می کند (۳ : ۵-۳).

**روح پیروزی بر نفس** - فقط به قوت روح القدس است که می توانیم بر خواهش های جسم پیروز شویم (۵ : ۱۶-۱۷)

**روح هدایت** - روح القدس روح هدایت است. بجای آنکه شریعت ما را هدایت کند، باید روح القدس ما را هدایت نماید (۵ : ۱۸).



**دهنده ثمرات روحانی** - با جسم نمی توان ثمرات روحانی تولید کرد. از جسم فقط ثمرات جسم بیرون می آید. برای داشتن زندگی نمونه مسیحی و شخصیت روحانی، تنها راه این است که روح خدا در ما جاری شود (۵ : ۲۲).

## **دروس اصلی روحانی**

### **۱ - خادم خدا وقتی اقتدار دارد که خود نیز تحت اقتدار می باشد.**

پولس خود با انتخاب و اختیار آزاد خود به اورشلیم رفت تا تعالیم خود را با رسولان چک کند تا مطمئن شود که اشتباهی در تعالیمش نیست (۲ : ۱ - ۳). بخاطر همین بود که در تعالیمش با اقتدار عمل می کرد تا جایی که با اطمینان، پطرس، رسول مشهور و شناخته شده خدا را جلوی همه توبیخ کرد.

توجه کنید که پولس مجبور نبود از رسولان اطاعت نماید و یا تعالیم خود را با آنها چک کند. او می توانست با غرور به رسولان بگوید : « من بودم که در تمام اروپا گشتم و کلیساهای مختلف را پایه گذاری کردم. من خودم با مسیح ملاقات کرده ام و از خود او تعالیم گرفته ام. روح القدس به من مکاشفات و تجربیات روحانی عالی داده است. شما که خودتان در اورشلیم جا خوش کرده اید چیزی ندارید به من تعالیم بدهید و حق ندارید که کارها و تعالیم مرا چک کنید.» اما می دانیم پولس چنین روحیه ای را نداشت. او می دانست جوابگو نگاه داشتن خود نسبت به رسولان، نه تنها به خدمت او ضرری نمی زند و از اقتدار او کم نمی کند، بلکه برعکس باعث برکت و اقتدار بیشتر روحانی او می باشد چرا که تایید و پشتیبانی رسولان پشت او است. بخاطر همین بود که توانست حتی جلوی پطرس رسول بایستد و او را تصحیح و توبیخ کند چرا که مطمئن بود پشتیبانی و تایید رسولان را دارد.

خادم خدا نه تنها باید تعالیم پذیر و تصحیح پذیر باشد بلکه باید تعالیم جو و تصحیح جو باشد. اطاعت و جوابگویی او نباید بخاطر اجبار باشد بلکه او باید داوطلبانه خود را در اطاعت و جوابگویی قرار دهد. او نباید جوابگویی را بار و مانعی برای خدمت خود ببیند، بلکه برکتی که باعث حمایت و پیشرفت او می باشد. این نشانه بلوغ روحانی یک خادم است که خود را در اطاعت قرار می دهد. با اطاعت کردن است که با اقتدار می توانیم از دیگران انتظار داشته باشیم که ما را اطاعت کنند.

### **۲ - نه تنها برای نجات، بلکه برای رشد روحانی نیز به ایمان احتیاج داریم.**

برای همه واضح است که با ایمان است که نجات پیدا می کنیم. اما بسیاری از مسیحیان بعد از نجات، به زور خود می خواهند رشد کرده و مسیح وار زندگی کنند. زور می زنند که بر گناه و خواهش های جسم پیروز شوند. غلاطیان تعالیم می دهد که بعد از نجات نیز ایمان نقش مهمی را در زندگی یک مسیحی بازی می کند.

بوسیله ایمان است که روح القدس را دریافت می کنیم (۳ : ۲) و بوسیله ایمان است که کارهای روح القدس در ما جاری می شود. آیات و معجزات و قوات تنها با ایمان است که بوسیله روح به ظهور می رسد (۳ : ۵). زندگی با ایمان، زندگی است که تحت کنترل روح القدس بوده و باعث می شود بر خواهش های جسم پیروز شویم و در نتیجه میوه های روح القدس در زندگی ما دیده شود.

آیا با ایمان زندگی می کنید؟ آیا بر گناهان خود پیروز هستید؟ آیا میوه های روح القدس در زندگی شما مشهود است یا اینکه دارید سعی می کنید کاری را که روح القدس با ایمان در شما شروع کرده است با جسم به پایان برسانید؟ چون با ایمان نجات پیدا کردید، با ایمان نیز از روح القدس پر شده و بر گناه و نفس پیروز شوید.

### ۳ - خادم خدا باید مواظب باشد که خود را فریب ندهد.

در غلاطیان هشدار داده شده است که در دو مورد می توانیم خود را فریب دهیم.

(۱) خود را شخصی گمان بریم در صورتیکه چیزی نباشیم (۶ : ۳).

(۲) به این قانون الهی توجه نکنیم : هرچه را بکاری همان را درو می کنی (۶ : ۷).

غرور و فخر فروشی، نشانه خود فریبی است. خود بزرگ بینی، نشانه خود فریبی است. کسانی هستند که هنوز قدم های اولیه ایمان را برنداشته و هنوز نشانه های بچگی روحانی در آنها دیده می شود اما در فکر خویش خود را شخص بسیار پیشرفته در امور روحانی دانسته و خود را شایسته مقام شیخی و حتی سرپرستی کلیساها می دانند. همیشه به ظاهر آماده تعلیم و تصحیح هستند ولی در عمل هیچگاه آماده شنیدن و تصحیح شدن نیستند. این افراد فریب خورده هستند زیرا خود را آنطور که هستند نمی توانند ببینند.

قانون دوم بسیار ساده است اما اکثر افراد به آن توجه ندارند. اگر در جسم بکاریم، ثمره جسم را که مرگ و فساد است درو می کنیم و اگر در روح بکاریم، ثمرات روح و حیات جاودانی را درو خواهیم کرد. مساله به همین سادگی است. اگر فکر و روح خود را با فیلم ها و برنامه های تلویزیونی پر کنیم، انتظار نداشته باشیم که شخص بسیار روحانی و پیروزی باشیم. با کاشتن در جسم، انتظار محصول روحانی نداشته باشید.

البته این قوانین هم به صورت مثبت و هم به صورت منفی عملکرد دارند. بعضی ها هستند که دید منفی و غلطی (مخالف کلام خدا) از خود دارند و دروغ را در مورد خود باور کرده اند و فکر می کنند که حقیقت است. باور کرده اند که شخص ضعیف، شکست خورده، بی ثمر، دارای کمبود، بی ارزش، بی کفایت و گناهکاری هستند. در نتیجه زندگیشان با باورشان یکی است. این افراد نیز فریب خورده هستند. آنها در حقیقت شاهزاده ها و فرزندان خدا می باشند که هم ارث او بوده و با او در تخت پادشاهی در جاهای آسمانی نشسته اند. اما بخاطر فریبی که خورده اند، فکر می کنند کسی نیستند و چیزی ندارند.

همینطور نباید از نیکوکاری خسته شد بلکه در کاشتن چیزهای نیکو ادامه داد با این ایمان که در موسم خود محصول خوبی درو خواهد شد. کسی که فکر می کند خدمتش نتیجه ندارد و نتیجه هم نخواهد داد، فریب خورده است و شیطان می خواهد بوسیله فریب و دلسردی، باعث شود تا او از کارش دست بردارد.

شما خود را در چه مواردی فریب داده اید؟ آیا می دانید هرچه را بکارید همان را درو خواهید کرد؟ دارید در زندگی خود چه می کارید؟ در روح می کارید یا در جسم؟ چه تصویری از خود دارید؟ آیا خود را خیلی بزرگ و یا خیلی کوچک می بینید یا آنچه که کتاب مقدس در مورد شما می گوید را باور دارید؟

تشخیص فریب بسیار سخت است چونکه فکر باور کرده است که این حقیقت است. پس برای تشخیص فریب نباید به فکر خود رجوع کنید بلکه به کلام خدا رجوع کنید و همینطور از روح القدس بخواهید قلب و روح شما را تفشیش کند تا ببیند آیا خود فریبی در زندگی شما هست یا نه. حرف و انتقاد های دیگران را جدی بگیرید و نگویید : « نه تو اشتباه می کنی، من این مساله را در خود نمی بینم.» چرا که البته شما در خود نمی بینید وگرنه اسمش خودفریبی نبود. این از لطف خدا است که در جاهایی که فریب خورده ایم و خودمان نمی بینیم، او کسی را می فرستد تا نقاط کور زندگی ما را به ما گوشزد نماید. با رد کردن چنین شخصی، خود خدا و برکت او را رد کرده ایم.

#### ۴) زندگی شایسته مسیحی بدون روح القدس امکان پذیر نیست.

در فصل ۵ می خوانیم که کلید زندگی شایسته یک مسیحی و زندگی پیروزمندانه این است که از روح القدس پر شویم یعنی زندگی فکر ، زبان و رفتار ما تحت کنترل او باشد. راز پیروزی بر وسوسه و گناه و شهوات جسم این است که هر لحظه در حضور روح القدس و تحت کنترل او زندگی کنیم ( ۵ : ۱۶ ) بدون کنترل روح القدس ، ما مسیحیان فرقی با غیر مسیحیان نخواهیم داشت و همان میوه های نفس ( زنا ، ناپاکی ، دشمنی ، نزاع ، کینه ، خشم ، جدایی ، حسادت ، مستی ) در ما نمایان می شود ( ۵ : ۲۲ ) تنها در کنترل روح القدس است که شخصیت زیبای مسیح در ما نمایان می شود و محبت ، خوشی ، آرامش ، حلم ، مهربانی ، نیکویی ، امانت ، تواضع ، پرهیزکاری در ما دیده می شود . پس باید جسم را مصلوب کنیم و با روح القدس زندگی کنیم و با او رفتار کنیم ( ۵ : ۲۵ ).

#### سوالات برای مرور درس

- ۱) کلمه کلیدی کتاب غلاطیان چه می باشد؟
- ۲) بخش های اصلی کتاب غلاطیان را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) چه مشکلی در کلیساهای غلاطیه وجود داشت که این رساله می خواهد حل کند؟
- ۴) دو درس روحانی کتاب غلاطیان را بیان کنید.
- ۵) طبق کتاب غلاطیان، چگونه می توان بر نفس پیروز شد؟
- ۶) دو مکاشفه روح القدس در کتاب غلاطیان را نام ببرید.
- ۷) چه چیزی به پولس این حق را داد که پطرس را جلوی همه تصحیح و توبیخ نماید؟

### نویسنده و تاریخ نگارش

پولس نویسنده این کتاب است که آنرا در سال ۶۰-۶۱ میلادی نوشته است. افسس شهری بود در «آسیای صغیر» (ترکیه امروزی).

### زمینه و موضوعات اصلی

افسیان خطاب به مسیحیانی نوشته شده است که در مسیح مافوق تصور بسیار ثروتمند هستند اما مانند گداها زندگی می کنند چراکه از ثروت خود خبر ندارند. این رساله نوشته شده تا مسیحیان بدانند در مسیح چه کسی هستند و تا طبق آن زندگی کنند. در فصل های ۱ تا ۳، پولس نشان می دهد که موجودیت ما در حساب بانکی آسمانی چیست. او نشان می دهد که هر برکت آسمانی را داریم. از جمله: فرزندخواندگی، مقبول خدا شدن، بازخرید شدن، بخشیده شدن، حکمت، مهر روح القدس، حیات، فیض، اقتدار روحانی همه را به فراوانی در ارث و ثروت خود داریم.

فصل های ۴ تا ۶ نشان می دهد که طبق این ارث عظیم آسمانی چگونه زندگی کنیم. این وظیفه هر مسیحی است که طبق مقام آسمانی خود زندگی کند. افسسیان از آسمان شروع می کند اما به زمین و روابط روزانه ختم می شود. شهر افسس مرکز اقتصادی و مذهبی آسیای صغیر بود. معبد بزرگ «دیانا» در آن قرار داشت («دیانا» اسم رومی الهه ای می باشد که به زبان یونانی همان «آرتمیس» خوانده می شود). این معبد یکی از عجایب هفتگانه جهان بود. پولس در سفر سوم بشارتی خود، حدود ۳ سال در افسس ماند و کلیسای آنجا را بنا کرد (اعمال ۱۹). بوسیله این کلیسا، کلام خدا در تمام آن منطقه پخش شد. این کار باعث شد تجارت معبد دیانا طوری کساد شود که تجار این معبد به همین خاطر در شهر شورش بر پا کردند. رسالات افسسیان، فلپیان، کولسیان و فلیمون، همه نزدیک به هم نوشته شده اند و به «رسالات زندان» معروف هستند چونکه پولس آنها را در طول زندانی شدن اول خود نوشت. در همه این رسالات، پولس به زندانی شدن خود اشاره می کند.

**کلمه کلیدی:** بنای بدن مسیح

**آیات کلیدی:** ۲: ۸-۱۰ و ۴: ۱-۳

۲: ۸-۱۰ ... « زیرا که محض فیض نجات یافته اید، بوسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست، و نه از اعمال تا هیچ کس فخر نکند. زیرا که صنعت او هستیم، آفریده شده در مسیح عیسی برای کارهای نیکو که خدا از قبل مهیا نمود تا در آنها سلوک نماییم.»

۴: ۱-۳ ... « لهذا من که در خداوند اسیر می باشم، از شما استدعا دارم که به شایستگی آن دعوتی که به آن خوانده شده اید، رفتار کنید، با کمال فروتنی و تواضع و حلم و متحمل یکدیگر در محبت باشید. و سعی کنید که یگانگی روح را در رشته سلامتی نگاه دارید.»

## فصل کلیدی : ۶

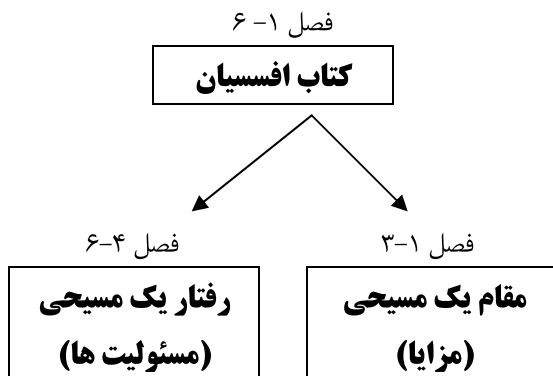
این فصل بطور واضح نشان می دهد که جنگ روحانی حقیقتی است که هر ایماندار روزانه با آن از نزدیک درگیر است. اما خداوند هرآنچه را که برای این جنگ لازم داریم به ما داده است تا « در توانایی قوت او زور آور» شویم.

### بررسی

این کتاب برای این نوشته شده است که ما مسیحیان به منابع روحانی خود پی برده و طبق آن زندگی کنیم. در نیمه اول کتاب (فصل های ۱ تا ۳) این منابع شرح داده شده است. در این نیمه هیچ فعل دستوری وجود ندارد. اما نیمه دوم (فصل های ۴ تا ۶) نشان می دهد که این منابع روحانی باید چگونه عملاً در زندگی روزانه ما بکار برده شود. در این قسمت ۳۵ دستور داده شده است و با ۴ : ۱ شروع می شود که دستور می دهد : « از شما استدعا دارم که به شایستگی آن دعوتی که به آن خوانده شده اید، رفتار کنید.»

**(۱) مقام یک مسیحی (فصل های ۱ تا ۳) -** در این قسمت تمام مزایایی که بخاطر ایمان مسیح به ما داده شده است شرح داده می شود. این مزایا و ارث آسمانی، نه بخاطر کارهای ما، بلکه بخاطر فیض مسیح و ایمان ما به ما داده شده است.

**(۲) رفتار یک مسیحی (فصل های ۴ تا ۶) -** از آیه ۴ : ۱، تئوری تمام شده و به کاربرد حقایق و عمل می رسد. مانند بقیه رسالات، این موضوع اصلی دیده می شود که : رفتار ما تعیین کننده برکت ها نیست، بلکه برکت ها تعیین کننده رفتار ما هستند. فصل ۴ به کاربرد عطایای روحانی در کلیسا می پردازد. مقام و هویت ما در مسیح باید در رفتار و گفتار ما تاثیر بگذارد (فصل ۵ و ۶). اما روزانه در جنگ روحانی هستیم که باید زره کامل را بپوشیم (فصل ۶).



## مکاشفه عیسیای مسیح

**در مسیح** - عبارت « در مسیح »، عبارت مهمی است که پولس آنرا بسیار به کار می برد. در این کتاب، این عبارت ۳۵ بار تکرار شده است. ما « در مسیح » صاحب ثروت عظیمی هستیم.

**سر کلیسا** - کلیسا بدن مسیح و او سر آن است (۱ : ۱۵-۲۳).

**سلامتی** - خود مسیح «سلامتی ماست» که ما را با خدا و ما را با یکدیگر مصالحه داده و یک می گرداند (۲ : ۱۱-۱۸).

**سنگ زاویه** - عیسیای مسیح سنگ زاویه بنای روحانی کلیسا می باشد که بنیاد آن رسولان و انبیا می باشند.

**ساکن در قلب ها** - عیسیای مسیح بوسیله ایمان در قلب ها «ساکن» می شود (۳ : ۱۷-۱۹).

**دهنده خادمین به کلیسا** - عیسیای مسیح است که به کلیسا یعنی به بدن خود هدیه می بخشد. خادمین هدایایی هستند که عیسیای مسیح به کلیسا می بخشد. این هدایا شامل رسولان، انبیا، مبشرین، شبانان و معلمین می باشد (۴ : ۷-۱۱).

**شوهر کلیسا** - عیسیای مسیح شوهر و کلیسا عروسش می باشد. حتی ازدواج تصویری از این رابطه می باشد. مسیح عروسش را طوری دوست دارد که آنرا نوازش کرده و جان خود را برای آن داده است (۵ : ۲۵ - ۲۷ و ۳۲).

## مکاشفه روح القدس

**مهر** - هر ایماندار بعد از ایمانش بوسیله روح القدس، مهر می شود تا عالم روحانی بدانند که او متعلق به عیسیای مسیح می باشد (۱ : ۱۳). این مهر، هم نشانه امنیت می باشد و هم نشانه مالکیت.

**بیعانه** - روح القدس بیعانه میراث ما است که ثابت شود آن ارثی که کلام می گوید مال ما است. گر چه ما آن ارث را اکنون نمی بینیم ولی این بیعانه تضمین می کند که مال ما خواهد بود (۱ : ۱۴).

**روح حکمت و کشف** - روح القدس است که مسایل روحانی را به ما مکشوف می کند. او حکمت آسمانی را که مافوق فهم بشر است به ما می دهد (۱ : ۱۷ و ۳ : ۵).

**روح قوت** - بوسیله روح القدس است که می توانیم در انسانیت باطنی خود به قوت زورآور شویم (۳ : ۱۶).

**روح اتحاد** - روح القدس روح اتحاد است و هر جدایی، او را محزون می کند (۴ : ۳ - ۴).

**روح قدوس** - او روح مقدس است و استفاده غلط ما از زبانمان او را محزون می کند (۴ : ۳۰).

**مست کننده** - روح القدس ما را از روح مست می کند (۵ : ۱۸). خدا می خواهد همواره در مستی روح القدس زندگی کنیم.

**شمشیر روح** - کلام خدا، شمشیر روح القدس می باشد (۶ : ۱۷) که باید آنرا بر علیه شریر استفاده کنیم.

**روح دعا** - روح القدس بما یاری می کند که «در روح» دعا کنیم. این نوع دعا بخصوص در جنگ های روحانی ضروری می باشد (۶ : ۱۸).

## دروس اصلی روحانی

### ۱ - خادم خدا بوسیله خود را «در مسیح» قرار دادن، از ارث های آسمانی خود برخوردار می شود.

پیغام اصلی کتاب افسسیان همین می باشد. برای داشتن زندگی پر و پیروزمند، باید خود را در مسیح قرار دهیم و او را بپوشیم. باید بدانیم که مقام ما چیست و چه اختیارات و منابعی در اختیار ما است و آنها را با ایمان برای زندگی نمونه در مسیح بکار ببریم. با چنین زندگی، او قادر است که مافوق آنچه که بخواهیم یا فکر کنیم از طریق ما عمل کند (۳ : ۲۰). روزانه «در مسیح» باشید. در او فرو روید. مسیح را بپوشید یعنی بگذارید رفتار و گفتار و ظاهر شما خود مسیح باشد.

### ۲ - عیسای مسیح به کلیسا خادمین را می بخشد تا کلیسا را برای کار خدمت مجهز کنند.

عیسای مسیح به کلیسا ۵ هدیه می دهد : رسولان، انبیا، مبشرین، شبانان و معلمین. این ها خدمات پنجگانه در کلیسا هستند که کلیسا روی آنها بنا می شود. وظیفه آنها در درجه اول این است که ایمانداران را برای خدمت مجهز کنند. بیشتر وقت و انرژی آنها باید صرف تجهیز ایمانداران شود. در یک کلیسای سالم همه این خدمات پنجگانه باید دیده شود. در هر هیئت مشایخ، باید این خدمات پنجگانه موجود باشد.

متأسفانه بطور غلط رایج شده است که سرپرست یک کلیسا، «شبان» خوانده شود. در صورتیکه شبانی فقط یکی از خدمت های لازم برای داشتن یک کلیسای سالم و قوی می باشد. بخاطر این اشتباه، معمولاً کلیساها به دست کسانی سپرده می شود که عطیه شبانی دارند. این شخص می تواند کلیسا را فقط در یک بعد بنا کند. کلیسای سالم است که در ۴ بعد بقیه یعنی رسالت، نبوت، بشارت و تعلیم نیز بنا شود.

در بسیاری از کلیسا ها تک رهبری وجود دارد. مشکل تک رهبری این است که یک رهبر معمولاً فقط در یکی از عطایای بالا مسح دارد. در نتیجه کلیسایی که بنا می کند، بنا به مسح او، یک بعدی و ناقص و ضعیف می باشد. در کتاب مقدس می بینیم که در کلیسا ها باید تیم رهبری وجود داشته باشند که البته این تیم یک کاپیتان نیز دارد. کلیسای سالم و قوی خواهد بود که در تیم رهبری او همه خدمات پنجگانه وجود داشته باشد.

در کلیسای خانگی شما، آیا این ۵ عطیه دیده می شود. کدامیک را دارید و کدامیک را کم دارید. خدا چه کسانی را به گروه شما داده است که می توانند در این عطایا عمل کنند؟

### ۳ - عدم بخشش و استفاده غلط از زبان، روح القدس را محزون کرده و به شیطان زمین می دهد.

افسیان ۴ : ۲۵-۳۵ بطور مفصل راجع به استفاده از زبان و بخشیدن دیگران صحبت می کند. این دو موضوع به یکدیگر ربط دارند. برای کنترل زبان باید مسئله در قلب حل شده باشد و گرنه دیر یا زود زبان آنچه که در دل است را لو می دهد.

بدون بخشش و همینطور بدون داشتن زبان درست، نه می توان از روح القدس پر شد (چون محزون می شود) و نه می توان جلوی شیطان ایستادگی کرد (چون به او زمین داده شده است که حق قانونی اوست).

اگر زبان خود را نمی توانید کنترل کنید، اول به قلب خود رجوع کنید. مشکل در قلب شما است. اول باید قلب عوض شود و شفا پیدا کند و بعد زبان عوض خواهد شد.

من در زندگی شخصی ام هنگام صحبت کردن همیشه از تست « فاب » استفاده می کنم . یعنی هر موقع می خواهم صحبت کنم طبق این آیات از خودم سه سؤال زیر را می کنم:

### (۱) تست « ف » فیض

یعنی از خود سؤال می کنم آنچه که می گویم به شنونده من فیض می رساند به یاد داشته باشید که « فیض » یعنی دادن چیزی که طرف مقابل لیاقت دریافت آن را ندارد . وقتی می خواهیم « حق افراد را کف دستشان بگذاریم » فیض نداریم . وقتی در مقابل بدی نیکویی می کنیم ولی در مقابل سخنان بی محبت آمیز و توهین آمیز با احترام و برکت صحبت می کنیم این آزمایش را قبول می شویم وگرنه رفوزه هستیم

### (۲) تست « الف » احتیاج

یعنی از خود سؤال می کنم آیا آنچه می گویم اصلاً احتیاج است گفته شود ؟ خیلی چیزها لازم نیست گفته شود . یعنی سخنان بیهوده است پر حرفی گناه است باید بر حسب احتیاج صحبت کرد نه بیشتر.

### (۳) تست « ب » بنا

یعنی از خود سؤال می کنم آیا آنچه می گویم شخص را بنا می کند یا خراب می کند . باعث می شود شخص دلگرم شود و در ایمان قوی تر شود یا اینکه باعث دلسردی و یأس او می شود آیا حرف من کلیسا را بنا می کند و باعث می شود افراد به کلیسا بچسبند یا اینکه باعث می شود افراد به کلیسا و رهبران آن بدبین شوند و دلشان دور شود.

### ۴ – زندگی سالم روحانی خود را در روابط سالم نشان می دهد.

در کتاب افسسیان، بعد از آنکه راجع به رابطه درست ما با خدا و مقام ما در مسیح صحبت شد، آنگاه کاربرد آن در روابط بین ما و دیگران شرح داده می شود. رابطه درست با خدا، باید تبدیل به رابطه درست با ایمانداران، همسر، فرزندان، کارگران و کارفرمایان شود.

نشانه سلامتی روحانی در زندگی یک شخص، همین است که با دیگران در خانواده اش و در کلیسا روابط سالم و خدا پسندانه دارد. بر من هر موقع این روابط مختل و ناسالم و حتی پاره شده هستند، ریشه مشکل را باید در مریضی روحانی افراد جستجو کرد. در بسیاری مواقع ریشه این است که فرد شخصیت و مقام خود را در مسیح نشناخته است و از منابعی که خدا در اختیار او گذاشته است بی خبر است و استفاده نمی کند.

برای مشورت دادن به چنین اشخاصی قبل از آنکه فصل های ۴ و ۵ و ۶ افسسیان را به آنها بیاموزیم (چه بکنند)، باید فصل های ۱ و ۲ و ۳ را به آنها آموخت (در مسیح چه کسی هستند و چه دارند).

### ۵ – زندگی موفق مسیح بدون هوشیاری و پیروزی در جنگ روحانی غیر ممکن است.

هر مسیحی باید دشمن خود را بشناسد، روزانه زره تام خدا را بپوشد و با دعا و کلام با شریر کشتی گرفته و او را شکست دهد (فصل ۶). کسی که در جنگ باشد ولی مانند جنگجو رفتار نکند، نه تنها پیروزی را تجربه نخواهد کرد بلکه هر روزه روی تخت بیمارستان به حالت زار خواهد خوابید.



بسیاری از مسیحیان از جنگ روحانی خبر ندارند در نتیجه نه تنها جلوی دشمنشان شیطان نمی ایستند، بلکه با او همکاری نیز می کنند! این افراد مرتب ضربه می خورند ولی نمی دانند از کجا خورده اند. فکر می کنند از انسان خورده اند. پس با انسان ها دشمن شده و می جنگند. در نتیجه دقیقاً خواست شیطان را انجام می دهند. هیچوقت نباید فکر کنیم انسانها دشمن اصلی ما می باشند. دشمن ما شیطان می باشد که باید با او بجنگیم. انسانها خواسته و ناخواسته آلت دست او قرار می گیرند. اگر در زندگی روحانی خود شکست می خورید و یا زخمی شده اید، ببینید در کدام قسمت از جنگ روحانی کوتاهی کرده اید. باید همواره به دنبال این باشید که در جنگ روحانی قوی تر و قوی تر شوید. دشمن خود را بهتر بشناسید، با اسلحه های خود آشنا شوید و آنها را روزانه بکار ببرید.

### **سوالات برای مرور درس**

- ۱) کلمه کلیدی کتاب افسسیان چه می باشد؟
- ۲) بخش های اصلی کتاب افسسیان را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) «رسالات زندان» شامل چه کتاب های می باشد؟
- ۴) سه درس روحانی کتاب افسسیان را بیان کنید.
- ۵) پنج هدیه ای که عیسای مسیح به کلیسای خود می دهد کدامند؟
- ۶) چهار مکاشفه روح القدس در کتاب افسسیان را نام ببرید.
- ۷) چهار مکاشفه عیسای مسیح در کتاب افسسیان را نام ببرید.

## فیلیپیان

### نویسنده و تاریخ نگارش

پولس نویسنده این کتاب است که آنرا در سال ۶۲ میلادی نوشته است.

### زمینه و موضوعات اصلی

رساله فیلیپیان به مسیحیان شهر فیلیپی واقع در یونان نوشته است که آنها را در میان سختی ها تشویق کند تا با شادی زندگی کنند. در آن، پولس با محبت، ایمانداران را تشویق می کند تا زندگی و حتی افکارشان روی شخصیت و قوت عیسای مسیح متمرکز باشد. بعلاوه پولس می خواهد مشکل رقابت و عدم اتحاد را در کلیسا حل کرده و از آنها بخواهد که مسیح را در فروتنی و روحیه خدمت نمونه قرار دهند. پیغام اصلی این رساله بسیار ساده است : فقط در مسیح اتحاد، شادی و آرامش واقعی وجود دارد.

کلمه تکراری در این رساله «شادی» می باشد که ۱۴ بار در ۴ فصل آن تکرار می شود. به قوت خدا، خود پولس قادر است که در سختی های زندان، با شادی، ماورای شرایط مشکل خود زندگی کند. در نتیجه، با اعتماد و اطمینان، همین روحیه ای که در خودش است را از ایمانداران فیلیپی می خواهد که داشته باشند. کلمات تکراری دیگر کلمه «فکر» می باشد که ۱۰ بار و کلمه «انجیل» است که ۹ بار بکار برده شده است.

پولس در شهر ترواس بود که خداوند در خواب با او صحبت کرد که به منطقه مکادونیه برود. در آنجا او وارد شهر فیلیپی می شود که منجر به نجات زنی به نام لیدیه و بقیه می شود. در این شهر بود که پولس و سیلاس کتک خورده و به زندان انداخته شدند. اما زندانی شدن آنها منجر به نجات زندانبان شد. پولس با مسیحیان فیلیپی رابطه نزدیک و گرمی دارد. این کلیسا بیشتر از هر کلیسای دیگر به خدمت او از لحاظ مالی کمک کردند (۴ : ۱۵-۱۸ و دوم قرن تیان ۸ : ۱۱).

**کلمه کلیدی :** زیستن مسیح است

**آیات کلیدی :** ۱ : ۲۱ و ۴ : ۱۲

۱ : ۲۱ ... « زیرا که مرا زیستن مسیح است و مردن نفع»

۴ : ۱۲\_۱۳ ... « و ذلت را می دانم و دولتمندی را هم می دانم، در هر صورت و در هر چیز، سیری و گرسنگی و دولتمندی و افلاس را یاد گرفته ام. قوت هر چیز را دارم در مسیح که مرا تقویت می بخشد.»

### فصل کلیدی : ۲

در این فصل، فروتنی مسیح شرح داده شده است. او جلال خود را در آسمان کنار گذاشت تا غلام انسان ها گردد. پس از هر مسیحی خواسته می شود که چنین طرز فکری داشته باشد.

## بررسی

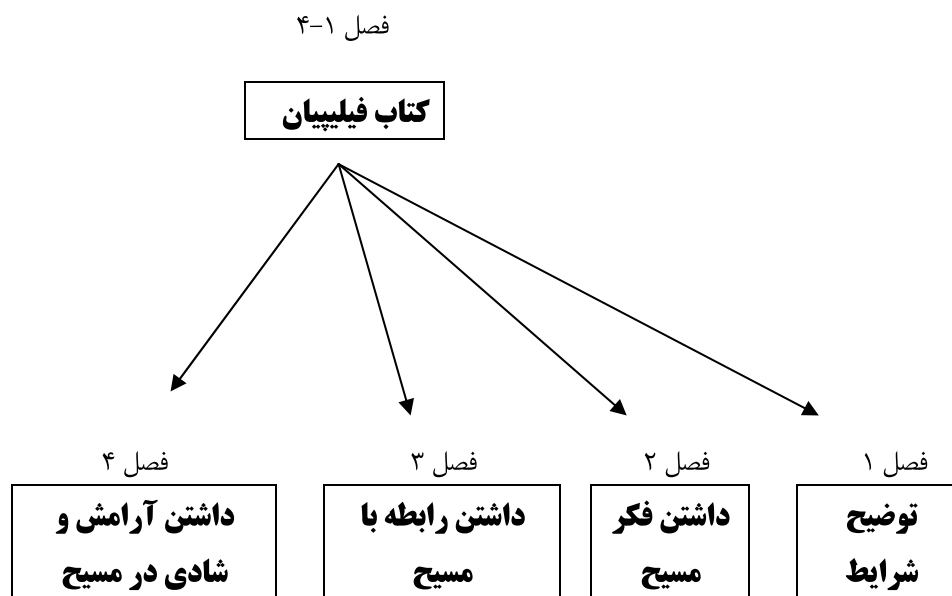
فیلیپیان رساله شادی در میان سختی‌ها و همچنین اتحاد از طریق فروتنی می‌باشد. این رساله را می‌توان به ۴ بخش اساسی تقسیم نمود.

**(۱) توضیح شرایط (فصل ۱)** - پولس طبق معمول با سلام‌ها و شکرگزاری‌ها و دعا شروع می‌کند. مسیحیان فیلیپی، سالها با او در کار خدمت شریک مالی بودند و پولس دعا می‌کند در شناخت مسیح رشد کنند. پولس سپس شرایط زندانی شدن خود را توضیح می‌دهد و می‌گوید که حاضر است رحلت کرده و با مسیح باشد.

**(۲) داشتن فکر مسیح (فصل ۲)** - در اینجا پولس از مسیحیان فیلیپی می‌خواهد که روحیه فروتنی داشته باشند تا بتوانند با یکدیگر اتحاد داشته باشند. بهترین نمونه خود مسیح است که جلال آسمانی خود را کنار گذاشت، غلام انسان‌ها شد و حتی حاضر شد مرگ صلیب را قبول کند. عیسای مسیح نه اینکه الوهیت خود را کنار گذاشت بلکه مزایای آنرا کنار گذاشت و خود را خالی (Kenosis) کرد. در نتیجه او وقتی روی زمین بود، از مزایای الوهیت خود استفاده نمی‌نمود بلکه مانند یک انسان چون من و شما، با قدرت روح القدس پر می‌شد و از پری روح عمل می‌نمود.

**(۳) داشتن رابطه با مسیح (فصل ۳)** - پولس ابتدا در مورد شریعت گراها، اخطار می‌دهد (مانند غلاطیان) سپس از زمینه شریعتی گذشته خود سخن می‌گوید و نشان می‌دهد همه آنها در مقابل شناخت مسیح به ضرر حساب می‌شوند.

**(۴) داشتن آرامش و شادی در مسیح (فصل ۴)** - در این فصل، پولس با یک سری تشویق می‌خواهد که ایمانداران در شادی و آرامش الهی زندگی کنند.



## مکاشفه عیسای مسیح

**خدا** - عیسای مسیح در «صورت خدا» و «با خدا برابر بود» (۲ : ۶) اما این برابر بودن را غنیمت نشمرد و خود را از مزایای آن خالی کرد.

**غلام** - مسیح گرچه با خدا برابر بود، اما خود را غلام ساخت و حتی مرگ روی صلیب را پذیرفت تا بتواند انسانها را نجات دهد (۲ : ۷-۸)

**خداوند** - وقتی مسیح از مرگ برخاست، دوباره جلال آسمانی خود را به دست آورد و خداوند جهان شد «تا به نام عیسی هر زانویی از آنچه در آسمان و بر زمین و زیرزمین است خم شود و هر زبانی اقرار کند که عیسای مسیح، خداوند است برای تمجید خدای پدر.» (۲ : ۱۰-۱۱)

بسیار مهم است که بدانیم عیسایی را که اناجیل معرفی می کنند، مسیح «خالی شده» است که برای مدت کوتاهی برای نجات بشر خدایی خود را محدود کرده و خوار شد. اما مسیحی که امروز وجود دارد، همان جلال و قوت و قدرت اولیه را دارا می باشد و همان است که کتاب مکاشفه او را معرفی می کند.

**تبدیل کننده جسد ما** - عیسای مسیح وقتی که بازگشت کند، «جسد دلیل» ما را تبدیل می کند تا به صورت «جسد مجید» او در آید (۳ : ۲۱).

**تقویت دهنده** - عیسای مسیح به ما قوت انجام هر کاری را می دهد (۴ : ۱۳). در فرهنگ لغت یک مسیحی، کلمه «نمی توانم» نباید وجود داشته باشد. وقتی خدا از ما کاری را می خواهد که انجام دهیم، گاهی برخلاف احساسات ما که به ما می گوید «نمی توانی»، باید با ایمان گفت «قوت هر چیز را دارم در مسیح که مرا تقویت می بخشد.»

## مکاشفه روح القدس

**تایید کننده اراده خدا** - ما برای چیزهایی دعا می کنیم که به ظاهر خواست خدا می باشند (مثل دعای فیلیپیان برای آزادی پولس از زندان) اما روح القدس است که اراده خدا را در زندگی ما تایید می کند (۱ : ۱۹).

**روح اتحاد** - روح القدس روح اتحاد است و وقتی با او مشارکت داریم، به ما کمک می کند که با یکدیگر در اتحاد و محبت زندگی کنیم (۲ : ۱).

**روح عبادت** - روح القدس به ما کمک می کند که خدا را آنطور که شایسته است در روح بپرستیم (۳ : ۳). بدون روح القدس نمی توان خدا را در روح و راستی پرستید.

## دروس اصلی روحانی

### ۱ - اساس اتحاد واقعی بین ایمانداران، فروتنی می باشد.

برای داشتن اتحاد واقعی در کلیسا کافی نیست که فقط در مورد مسایلی با هم توافق داشته باشیم و یا یک هدف داشته باشیم (لازم است ولی کافی نیست). پایه محکم یک اتحاد روحانی، بر اساس فروتنی می باشد و بدون آن ممکن نیست. این فروتنی در دو چیز خلاصه می شود :

(۱) دیگران را از خود بهتر دانستن (۲ : ۳)

(۲) فکر و نمونه مسیح را دنبال کردن (۲ : ۵).

در تجربه شخصی خودم، چه ساعت ها و هفته ها و ماه ها و سال ها که با شخصی دعا کردیم. یکدیگر را محبت نمودیم . با یکدیگر صحبت کرده و تبادل نظر کردیم. اما با وجود سعی و کوشش و خواست طرفین، به این اتحاد واقعی الهی نرسیدیم چرا که دو موضوع بالا وجود نداشت.

بدون فروتنی واقعی بخصوص در رهبری کلیسا، آینده آن کلیسا تاریک بوده و جدایی ها دیر یا زود بوجود خواهد آمد. بنابراین مهم ترین اصل در انتخاب خادمین بخصوص در کادر رهبری کلیسا، مساله فروتنی است. پس هیچگاه اجازه ندهید شخصیت جذاب، عطایای قوی، دیدهای وسیع و کارآیی یک شخص مغرور باعث شود اشتباه کرده و او را در رهبری کلیسا شریک کنید. من خود این درس را با اشتباهات و دردهای بسیار آموخته ام = یک شخص را هر چقدر که پر از عطایا می باشد و در کار خدا جدی است اگر فروتنی ندارد و تعلیم پذیر و تصحیح پذیر نیست در تیم رهبری کلیسا وارد نکن.

روحیه خود شما چگونه است؟ آیا دیگران را از خود بهتر می دانید یا فکر می کنید عقاید شما بهتر و پخته تر از دیگران، رشد روحانی شما بیشتر از دیگران، روح القدس در شما قوی تر از دیگران و مسح شما بیشتر از دیگران می باشد؟

### ۲ - برای خادم، مسیح همه چیز است.

زندگی و خدمت یک خادم می تواند بسیار نمونه و موثر و پیروزمندانه باشد اگر برای او « زیستن مسیح و مردن نفع» باشد (۱ : ۲۱). با داشتن این روحیه، زندگی و خدمت بسیار ساده، روشن و شیرین است. بدون این طرز فکر، زندگی و خدمت بسیار پیچیده است و با وجود زحمات زیاد، بی ثمر و بی نتیجه می باشد.

مانند فرمول ساده انشتین که انرژی را در جهان توجیه می کند ( $E=mc^2$ ) ، فرمول « زیستن مسیح و مردن نفع» نیز با وجود سادگی، همه زندگی را می تواند توجیه کند. این فرمول می تواند هر زندگی پیچیده را ساده کند. هر ترس را بردارد. ما را از هر نگرانی آزاد کند و خدمت ما را پرثمر سازد. چنین روحیه ای نه از زندگی ترس دارد و نه از مرگ.

آیا مسیح برای شما همه چیز است؟ آیا می توانید بگویید که برای شما « زیستن مسیح و مردن نفع» است؟ بزرگترین لطفی که می توانید به خود و به دیگران بکنید این است که این مساله را برای یک بار و همیشه با خداوند حل کنید.

### ۳- خادم خدا در زندگی ۴ هدف دارد.

پولس خود ۴ هدف در زندگی دارد و از همه ما می خواهد که ما هم به او اقتدا کرده و از نمونه ای که او می دهد پیروی کنیم. این ۴ هدف زندگی کدامند؟ (۳ : ۱۰)

(۱) شناخت مسیح

(۲) درک قوت قیامت او در روح القدس

(۳) شریک شدن در رنج های مسیح

(۴) در موت مسیح مشابه مسیح گردیدن.

هر هدف دیگر در زندگی در مقابل این اهداف زیان و فاصله می باشد (۳ : ۸). برای مسیحیانی که اهداف دیگری در زندگی دارند باید گریست چراکه « دشمنان صلیب عیسی » هستند و آخر کار آنها هلاکت است (۳ : ۱۸ - ۱۹).

اهداف شما در زندگی چیست؟ اهداف شما نشانه ارجحیت ها و ارزش های شماست. اهداف شما در زندگی نشان می دهد که وقتی می گوئید عیسای مسیح خداوند زندگی شما است، این فقط حرف است یا واقعیت دارد. در زندگی به دنبال چه چیزی هستید؟ اگر اهداف بالا اهداف زندگی شما نیست، طبق کلام خدا « دشمن صلیب عیسی » هستید و بهترین کاری که می توانید بکنید، توبه می باشد.

### ۴- خواست خدا این است که یک خادم در سختی ها شادی و آرامش داشته باشد.

شادی و آرامش الهی به شرایط بستگی ندارد. پولس در سخت ترین شرایط در زندان شاد است. وقتی پولس و سیلاس در همین شهر فیلیپی به زندان انداخته شدند، تا نیمه های شب با شادی سرود می خواندند.

با داشتن روحیه مثبت و شاد و آرام در میان مشکلات و سختی ها، یک خادم خدا، واقعیت وجودی روح القدس و حقانیت عیسای مسیح را به دنیا ثابت می کند. شاد و آرام بودن در زمانی که مشکلی وجود ندارد، برای دنیا شهادتی نیست چونکه خود آنها نیز چنین هستند. اما وقتی در میان سختی ها شاد و آرام هستیم، آن موقع بهترین فرصتی است که بتوانیم برای دنیا شاهد باشیم. شخصی را می شناسم که برای مصاحبه اقامتی رفته بود. وقتی جواب منفی شنید، بجای آنکه دلسرد و غمگین و زار باشد، جعبه شیرینی گرفت به خانه رفت و جشن گرفت. برای رد شدنش جشن گرفت؟ نه برای اینکه خدایش هنوز زنده و نیکو است و در هر حال برکت و پیروزی را برای او امر کرده است جشن گرفت.

عکس العمل شما در سختی ها چگونه می باشد؟ آیا می خواهید در سختی ها هم شاد و پیروز باشید؟ راهش این است که با دعا و شکرگزاری و همچنین با کنترل افکار، شادی و آرامش الهی را داشته باشید. در هر لحظه افکار خود را چک کنید و مواظب باشید که به هر چه راست، مجید، عادل، پاک، جمیل و نیک نام است بیاندیشید (۴ : ۸).

## **سوالات برای مرور درس**

- ۱) کلمه کلیدی کتاب فیلیپیان چه می باشد؟
- ۲) بخش های اصلی کتاب فیلیپیان را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) چه کلمه ای در کتاب فیلیپیان از همه بیشتر تکرار می شود؟
- ۴) دو درس روحانی کتاب فیلیپیان را بیان کنید.
- ۵) عیسای مسیح در اناجیل چه فرقی با عیسای مسیح امروزی دارد؟
- ۶) دو مکاشفه روح القدس در کتاب فیلیپیان را نام ببرید.
- ۷) سه مکاشفه عیسای مسیح در کتاب فیلیپیان را نام ببرید.

## کولسیان

### نویسنده و تاریخ نگارش

پولس نویسنده این کتاب است که آنرا در سال ۶۰-۶۱ میلادی نوشته است. شهر کولسی، شهری بود که در ۱۰۰ مایلی شرق افسس در آسیای صغیر (ترکیه امروزی) واقع بود.

### زمینه و موضوعات اصلی

همانطور که دیدیم، موضوع کتاب افسسیان « کلیسا، بدن مسیح » می باشد. در مقایسه با آن، کتاب کولسیان بیشتر در مورد « مسیح، سر کلیسا » صحبت می کند. کتاب افسسیان روی « بدن » تمرکز می کند ولی کتاب کولسیان روی « سر » متمرکز است.

**موضوع اصلی این کتاب این است :** مسیح در همه چیز مقام اول را دارد و برای همه چیز کافی است. این کتاب، مسیح را معرفی می کند که خداوند خلقت و سر کلیسا است و برای هر احتیاج روحی و جسمی هر ایماندار کافی می باشد. زندگی یک ایماندار باید روی این حقیقت بنا شود که زندگی او در مرگ و رستاخیز و جلال با مسیح متحد است. پس چنین رابطه ای با مسیح باید در روابط روزانه یک مسیحی دیده شود.

هدف این کتاب این است که نشان دهد مسیح در همه چیز مقام اول را دارد و زندگی یک مسیحی باید این حقیقت را به جهان آشکار سازد. او باید طوری زندگی کند که نشان دهد در واقع مسیح در همه چیز مقام اول را دارد. یک ایماندار چونکه در مسیح ریشه گرفته است، پس با مسیح زنده است. زندگی او در مسیح مخفی است و وجود او در مسیح کامل می باشد. پس طبیعی است که نتواند بدون مسیح زندگی کند. یک مسیحی محبت مسیح را پوشیده و با قلبی پر از آرامش مسیح، آماده است که مسیح را در هر حوزه زندگی اول قرار دهد.

**کلمه کلیدی :** الْوَيْتِ مَسِيح (مقام اول مسیح)

**آیات کلیدی :** ۲ : ۹-۱۰ و ۳ : ۱-۲

۲ : ۹-۱۰ ... « که در وی از جهت جسم، تمامی پری الوهیت ( خدا بودن ) ساکن است. و شما در وی تکمیل شده اید که سر تمامی ریاسات و قدرتها است

۳ : ۲-۱ ... « پس چون با مسیح برخیزانیده شدید، آنچه را که در بالا است بطلیبید در آنجایی که مسیح است، به دست راست خدا نشست. در آنچه بالا است تفکر کنید، نه در آنچه بر زمین است.»

### فصل کلیدی : ۳

این فصل موضوعات مهم و اصلی کتاب کولسیان را به هم وصل کرده و علت و معلول را مشخص می کند. چونکه یک ایماندار از مرگ با مسیح برخاسته ( ۳ : ۱ - ۴ )، باید آنچه کهنه بوده را کنار گذاشته و نو را بپوشد ( ۳ : ۵-۱۷ ) که باعث قدوسیت و روابط سالم می شود ( ۳ : ۱۸-۲۵ ).

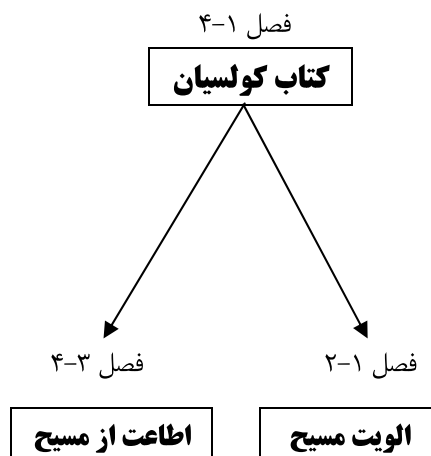


## بررسی

مانند بقیه رسالات پولس، نیمه اول این کتاب، تعلیم حقایق روحانی است (فصل های ۱ و ۲) و نیمه دوم در مورد کاربرد این حقایق در زندگی می باشد (فصل های ۳ و ۴). نیمه اول می گوید که مسیح در همه چیز سر است و نیمه دوم می گوید اگر مسیح در زندگی سر است، هر احتیاج روحانی و جسمانی در او خلاصه می شود.

**(۱) الویت مسیح (فصل های ۱ و ۲) - پولس نامه خود را با سلام و تشکرات و دعا برای ایمانداران کولسی شروع می کند.** سپس مسیح را به صورت پر جلالی معرفی می کند که از همه چیز برقرار است تا براساس آن در فصل ۲، تعالیم غلط را برملا سازد. او از ایمانداران می خواهد که در مسیح ریشه عمیق بگیرند. در فصل ۲، پولس تعالیم غلط که براساس منطق انسانی، فلسفه ها و رسوم مذهبی است را رد می کند و در مقابل، در مورد مسیح تعلیم درست می دهد. بعضی ها به کلمه «نخست زاده» در آیه ۱: ۱۵ اشاره می کند و می گویند به این معنی است که مسیح نیز خود آفریده شده است. البته بلافاصله آیه ۱: ۱۶ تأکید می کند که همه چیز بوسیله مسیح آفریده شده است. اما در مورد کلمه «نخست زاده» این کلمه یک اصطلاح است و در زبان یونانی Protogen است که به معنی «برتری داشتن» است نه «زاده شدن» مثلاً در عهد عتیق می بینم که عیسو این نخست زادگی را به برادرش یعقوب می فروشد.

**(۲) اطاعت از مسیح (فصل های ۳ و ۴) - اتحاد ما با مسیح در مرگ، رستخیز و جلال او، اساس زندگی زمینی ما است.** یک مسیحی باید خود را نسبت به گناهان گذشته اش مرده پندارد. او می بایست آن انسانیت کهنه خود را مانند لباسی کثیف و مندرس از تن در بیاورد و انسانیت تازه که به صورت خدا می باشد را مانند لباسی پاک و تازه بپوشد. بعلاوه ایمان به مسیح باید بر روابط ما در داخل و خارج خانه تأثیر مثبت بگذارد. چنین رابطه درستی با مسیح باید بر روابط زمینی ما چون روابط خانوادگی و روابط کاری تأثیر عمیق و مثبت بگذارد.



## مکاشفه عیسای مسیح

**خدا** - کتاب کولسیان عیسای مسیح را بطور واضح خدا معرفی می کند. عیسای مسیح « صورت خدای نادیده » است. همه چیز بوسیله او و برای او آفریده شده است. او قبل از همه است. تمام پری خدا در او ساکن است (۱ : ۱۵ - ۱۹ و ۲ : ۹).

**خداوند** - عیسای مسیح خداوند است و در همه چیز مقام اول را دارد. او در همه چیز تقدم دارد (۱ : ۱۷ - ۱۸ و ۲ : ۶). او باید در زندگی یک ایماندار مقام اول را داشته باشد.

**سر** - کلیسا بدن عیسای مسیح است و او سر این بدن می باشد (۱ : ۱۸). همچنین او سر تمام ریاسات و قدرت ها می باشد (۲ : ۱۰).

## مکاشفه روح القدس

**روح محبت** - محبت واقعی محبتی است که فقط در روح القدس می باشد (۱ : ۸).

## دروس اصلی روحانی

### **۱ - مسیح در همه چیز مقام اول را دارد و کسی که مسیح در زندگیش مقام اول را دارد هیچ کمبودی ندارد.**

چه دنیا و ما قبول کنیم و چه قبول نکنیم، مسیح مقام خدایی و خداوندی را دارد و در همه چیز در دنیا اول می باشد. اما اگر این مقام او را در زندگی خود بپذیریم و او خدا و خداوند زندگی ما باشد و در همه چیز زندگی ما عملاً اول باشد، آنگاه این حقیقت عملاً به زندگی ما فایده خواهد رساند.

این موضوع مانند این است که می دانیم عیسای مسیح تنها نجات دهنده جهان است. حالا جهان چه این حقیقت را بپذیرد و چه نپذیرد فرقی نمی کند. عیسای مسیح نجات دهنده عالم است. این به رای افراد بستگی ندارد. اما اگر کسی این حقیقت را بپذیرد، آنگاه منفعت آن (که نجات می باشد) شامل حال آن شخص خواهد بود. به همین صورت، عیسای مسیح خدا و خداوند می باشد و در همه چیز اول است. اما اگر این حقیقت را بپذیریم و او عملاً در زندگی ما مقام اول را داشته باشد، آنگاه قوت و پیروزی و آزادی را عملاً تجربه خواهیم کرد.

در کلیسا، بخصوص هنگام دعا و پرستش، ما ایمانداران بسیار « خداوندا، خداوندا » می کنیم. اما اگر می گوییم که عیسای مسیح خدا و خداوند است و در همه چیز مقام اول را دارد، پس باید زندگی های ما حرف و ادعای ما را تایید کند وگرنه افرادی دورو هستیم که حرف و عمل ما با هم نمی خواند. ارزش ها، ارجحیت ها و اهداف زندگی ما نشان می دهد که آیا واقعاً مسیح در زندگی ما مقام اول را دارد یا خیر و فقط تعارف توخالی با مسیح می کنیم و یا می خواهیم در مقابل دیگران روحانی جلوه نماییم. طرز استفاده از وقت و پول و استعدادهایمان نشان می دهد که آیا ادعاهایمان با اعمالمان مطابقت دارد یا خیر.

بسیاری از مسیحیان با ضعف ها و کمبودها زندگی می کنند زیرا که مسیح در زندگی آنها مقام اول را ندارد در نتیجه منابع و برکات آسمانی را دریافت نمی کنند. شما کجا هستید؟ آیا مسیح در واقع در زندگی شما مقام اول را دارد؟ آیا مسیح در هر مورد برای شما کافی است؟

## ۲- خادم خدا با اصول دنیوی و فلسفه های انسانی کاری ندارد.

خادم خدا می داند که روش ها و فلسفه های دنیوی هر چند به ظاهر جذاب و موثر می باشند، اما در نهایت مخرب هستند. در نتیجه به دنبال این نیست که به هر وسیله و حتی با روش های انسانی کارش پیش رود، بلکه می خواهد در هر مورد، شایسته مسیح عمل نماید. او مواظب است که گول فلسفه های انسانی را هرچند به ظاهر منطقی می آیند نخورد (۲ : ۸) بلکه به دنبال این است که فکرش همواره آسمانی باشد نه زمینی (۳ : ۲). حتی اگر دیگر خادمین از این روش ها استفاده می کنند، او تقلید نمی کند (۲ : ۸). پس چه خوب است مرتب روش ها و اصولی که در زندگی و خدمت خود دنبال می کنیم را با کلام خدا چک کنیم. اگر تعلیمی را می شنویم که برای ما جالب است و به نظر منطقی می آید یا روشی را می بینیم که دیگران انجام داده و موفق شده اند، باید هوشیار باشیم که آنرا در بست قبول نکنیم بلکه ابتدا با کلام خدا و روح القدس چک کنیم.

## ۳- خادم خدا مواظب است که آن خدمتی که در خداوند یافته است را به کمال رساند.

پولس به خادمی به نام آرخیس همین هشدار را می دهد (۴ : ۱۷). هر خادم، ابتدا باید از طرف خدا ماموریت دریافت کند. سپس هوشیار باشد که آنرا به کمال برساند چراکه شلوغی های زندگی و مسائل روزانه کم کم حواس او را از اصل مساله پرت کرده و به مسائل جانبی مشغول می دارد. روزی ناگهان متوجه می شود که وقت زیادی گذشته است و از خواندگی خود دور شده و ماموریتی که خدا به او داده است انجام نشده است.

آیا خواندگی و ماموریت خود را می دانید؟ اگر نه از خداوند بخواهید که در این عمر کوتاه از شما چه می خواهد. اجازه ندهید زندگی شما بدون ثمره تلف شود. ببینید خداوند چه عطایایی به شما داده است و آتش چه خدمتی را در دل شما قرار داده است. دعا کنید و از خداوند بخواهید هدف زندگی تان را برایتان مشخص کند. نباشد که بعد از گذشت سالها، افسوس بخورید که عمر شما سریع گذشت و از فرصت ها استفاده نکردید. نقشه شیطان تلف کردن وقت و انرژی و پول و عطایا و همه زندگی ما است او البته نمی تواند نجات را از ما که به مسیح ایمان آوردیم بگیرد. اما نقشه او برای ما این است که کاری برای مسیح نکنیم، زندگی بی ثمر باشد، باعث نجات دیگران نشویم و زندگی ما روی دیگران تأثیر نگذارد.

اگر خواندگی و ماموریت خود را می دانید، آیا در آن مسیر حرکت می کنید. آیا فعالیت های شما به انجام آن ماموریت کمک می کند. آیا فقط «کاشکی» می گویند یا با برنامه ریزی در مسیر رسیدن به اهدافی که خدا به شما داده است قدم بر می دارید؟ لازم است وقت ها و زندگی خود را طوری برنامه ریزی کنید تا خدمتی که خداوند به شما سپرده است را به کمال برسانید.

## سوالات برای مرور درس

- ۱) کلمه کلیدی کتاب کولسیان چه می باشد؟
- ۲) بخش های اصلی کتاب کولسیان را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) موضوع اصلی کتاب کولسیان چه می باشد؟
- ۴) دو درس روحانی کتاب کولسیان را بیان کنید.

## اول تسالونیکیان

### نویسنده و تاریخ نگارش

پولس نویسنده این کتاب است که آنرا در سال ۵۱ میلادی نوشته است. شهر تسالونیک، بندری بود که پایتخت استان رومی مکادونیه بود. پولس در سفر دوم خود در کنیسه آنجا خدمت کرد و اهالی آن سریع ایمان آوردند (اعمال ۱۷ : ۱۰).

### زمینه و موضوعات اصلی

کلیسای تسالونیک از بسیاری لحاظ یک کلیسای نمونه بود. پولس در موارد مختلف از آنها تعریف می کند. از جمله ایمان و امید و محبت آنها و صبر و ایستادگی آنها در سختی ها را تحسین می کند. اما در عین حال پولس هشدار می دهد که به آنچه هستند راضی نباشند بلکه در ایمان و محبت بیشتر پیش رفته و در همه چیز شکرگزار باشند. در مورد ایمانداران وفات یافته، آنها را دلداری داده و بازگشت ثانوی مسیح را یادآور می شود تا تسلی یابند.

پولس خاطرات خوشی از کلیسای تسالونیک دارد و خود را مانند یک پدر و مادر برای کلیسای تسالونیک می داند. در نتیجه، مهر و محبت او به این کلیسا در تمام نامه مشهود می باشد.

پولس این نامه را به ۴ دلیل می نویسد :

(۱) برای تشکر از ایمان و محبت آنها

(۲) برای آنکه از خودش در مقابل حملاتی که به او شده بود دفاع کند

(۳) تا آنها را تشویق کند که در پاکی زندگی کرده و تنبلی را کنار بگذارند

(۴) تا به آنها در مورد بازگشت ثانوی مسیح تعلیم دهد.

بازگشت ثانوی مسیح (کلمه یونانی Parousia) و «روز خداوند» موضوعاتی است که بخصوص در این رساله بسیار باز شده است و در هر ۵ فصل از آن صحبت می شود.

**کلمه کلیدی :** قدوسیت و بازگشت ثانوی

**آیات کلیدی :** ۳ : ۱۲-۱۳ و ۴ : ۱۶-۱۸

۳ : ۱۲-۱۳ ... « و خداوند شما را نمو دهد و در محبت با یکدیگر و با همه افزونی بخشد، چنانکه ما شما را محبت می نمایم، تا دلهای شما را استوار سازد، بی عیب در قدوسیت، به حضور خدا و پدر ما در هنگام ظهور خداوند ما عیسی مسیح، با جمیع مقدسین خود.»

۴ : ۱۶-۱۸ ... « زیرا خود خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست. آنگاه ما که زنده و باقی باشیم، با ایشان در ابرها ربوده خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود. پس بدین سخن همدیگر را تسلی دهید.»

## فصل کلیدی : ۴

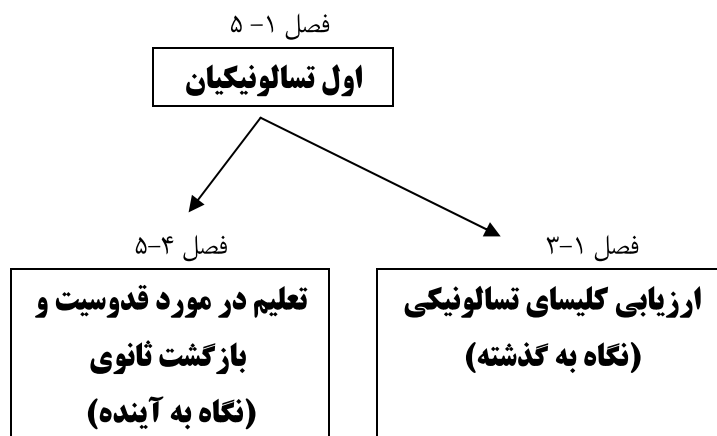
این فصل موضوع اصلی کتاب یعنی بازگشت ثانوی مسیح را بسط می دهد. وقتی مسیح برگردد، ابتدا آنهایی که در مسیح مرده اند برخواهند خاست و سپس آنهایی که زنده هستند او را در آسمان ملاقات خواهند نمود.

### بررسی

پولس از خبرهای خوبی که تیموتاوس در مورد کلیسای تسالونیک می دهد خوشحال است. در این نامه آنها را تشویق می کند که در این مسیر درست، ادامه دهند. بعلاوه او تعالیمی در مورد قدوسیت و بازگشت ثانوی مسیح می دهد که از لغزش های آنها جلوگیری کند. این رساله به دو قسمت اساسی تقسیم می شود.

**(۱) ارزیابی کلیسای تسالونیک (فصل های ۱ تا ۳)** - پولس از ایمان و امید و محبت ایمانداران کلیسای تسالونیک قدردانی می کند. سپس از خدمت و مقام خود دفاع می کند. او مانند یک مادر آنها را محبت کرده است (۲ : ۷) و همچنین مانند یک پدر آنها را تربیت کرده است (۲ : ۱۱).

**(۲) تعلیم در مورد قدوسیت و بازگشت ثانوی (فصل های ۴ و ۵)** - ابتدا پولس از ایمانداران می خواهد که در زندگی خصوصی و در روابطشان پاک و قدوس باشند. ایمانداران باید با گناهان یک جامعه فاسد درگیر نشوند. سپس در مورد بازگشت ثانوی مسیح به آنها تعلیم می دهد. آنها را دلداری می دهد که ایماندارانی که در خاک هستند، زنده خواهند شد. او روز خداوند را شرح داده و می خواهد ایمانداران در این مورد هوشیار باشند.



## مکاشفه عیسی مسیح

**بازگشت ثانوی** - جزئیات بازگشت ثانوی مسیح و روز خداوند به طور مفصل در این کتاب شرح داده شده است. روز خداوند مانند دزد در شب می آید. عیسی مسیح با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد. ابتدا مردگان در مسیح برخاست و سپس ایماندارانی که زنده هستند او را در هوا ملاقات خواهند کرد (۴ : ۱۳-۱۸).

**پسر خدا** - عیسی مسیح پسر خداست که از آسمان باز خواهد گشت (۱ : ۱۰).

## مکاشفه روح القدس

**روح قدوس** - خداوند «روح قدوس» خود را به ما عطا کرده است (۴ : ۸) تا ما نیز در قدوسیت زندگی کنیم. روح القدس، روح قدوسیت است و بدون قدوسیت نمی توان از روح القدس پر شد و با او مشارکت و رفاقت نزدیک داشت.

**روح خوشی** - روح القدس حتی در میان زحمت شدید، خوشی می دهد (۱ : ۶).

**روح قوت و آیات و معجزات** - کلام خدا فقط با حرف به شهر تسالونیکه نیامد بلکه همراه با قوت بود (۱ : ۵). روح خدا همواره آماده است که کلام خدا را با آیات و معجزات تایید و پشتیبانی کند.

**اطفای روح القدس** - نبوت باید در جمع مسیحیان رایج باشد و هر موقع که جمع می شوند به آن وسیله یکدیگر را بنا کنند. به دو طریق می توان روح القدس را اطفای (خاموش) نمود (۵ : ۱۹-۲۱).

(۱) خوار شمردن نبوت ها (یعنی آنرا بی ارزش دانستن و به آن توجه نکردن و سرسری از آن رد شدن)، روح القدس را اطفای می کند (مانند آبی که آتشی را خاموش می کند).

(۲) سرسری پذیرفتن هر نبوت و آزمایش نکردن آن نیز روح القدس را اطفای می کند. کلام خدا می خواهد که هر نبوتی را سرسری نپذیریم بلکه همه چیز را تحقیق کرده و به آنچه نیکوست متمسک شویم . پس وظیفه دارید نبوت هایی که برای شما و کلیسا می شود را جدی بگیرید ، آزمایش کنید ، دعا کنید ، و در آن مسیر عمل نمایید.

## دروس اصلی روحانی

### **۱ - ایمان را با اعمال، محبت را با محنت و امید را با صبر می توان اندازه گیری کرد.**

طبق اول قرنتیان ۱۳ : ۱۳، سه چیز باقی می ماند : ایمان و امید و محبت. اما این سه در قلب انسان است. نه دیدنی است و نه قابل اندازه گیری. اما کسی که اینها را دارد، می توان اثرات آنها در زندگیش مشاهده کرد. ایمان واقعی همیشه به عمل می رسد. باید دانست که هر شخص مطابق ایمان قلبی اش زندگی می کند. زبانش هر چه می خواهد بگوید اما زندگیش نشان می دهد واقعاً به چه چیزی ایمان دارد. پس از زندگی و اعمال یک شخص می توان ایمان قلبی او را درک کرد. همچنین، محبت شخص را می توان از مقدار از خود گذشتگی و محنت و سختی که حاضر است بخاطر آن محبت متحمل شود ، دید و اندازه گیری کرد (۱ : ۳). اثرات امید نیز در صبر و پایداری بخصوص در سختی ها دیده می شود.

آیا اثرات ایمان و امید و محبت در زندگی شما دیده می شود؟ اگر کسی به زندگی شما نگاه کند، نتیجه می گیرد که چقدر ایمان دارید؟ چقدر بخاطر محبت دارید سختی می کشید؟ چقدر با امید بخاطر خداوند صبر و پایداری می کنید و در خدمتی که انجام می دهید امانت دارید؟

### **۲ - خادم خدا دید درست نسبت به ایمانداران دیگر دارد.**

خدمت درست بر اساس دید درست است. اگر می خواهیم ایمانداران دیگر را بنا و خدمت کنیم، باید دید ما نسبت به آنها باید درست باشد وگرنه بجای بنا، خراب می کنیم. پولس در این مورد نمونه است. مانند پولس، باید هر ایماندار را برادر، عزیز و برگزیده بدانیم (۱ : ۴). آنها را امید و سرور و تاج فخر خود ببینیم و در قلب خود حس کنیم که آنها جلال و خوشی ما هستند (۲ : ۱۹-۲۰).

دید ما نسبت به دیگر ایمانداران در کلیسا چیست؟ بدون دید درست نمی توان برخورد درست با افراد داشت و در نتیجه نمی توان خدمت درست داشت. آیا هر کدام از ایمانداران را در خانواده الهی برادر یا خواهر خود می بینید؟ آیا هر کدام عزیز هستند یا فقط بعضی ها برای شما عزیز هستند؟ آیا ایمان دارید که هر کدام برگزیده خدا هستند و این نقشه و انتخاب خدا بوده که شما را در کنار یکدیگر قرار دهد؟ آیا ایمانداران کلیسا سرور و خوشی شما هستند؟ آیا به آنها افتخار می کنید؟ اینها سوالات بسیار خوبی هستند که باعث می شوند هر کدام قلب خود را چک کنیم و ببینیم که آیا روحیه غلطی در ما است یا نه. برای خدمت درست، باید روحیه درست داشت و برای روحیه درست، باید دید درست داشت.

### ۳ - وقتی یک خادم خدا کسی را به مسیح می آورد، نسبت به او وظیفه مادری و پدری دارد.

هر نوایمان مانند نوزادی است که در دنیای جدید متولد شده و چشم باز کرده است. پس احتیاج به سرپرستی، رسیدگی و تربیت دارد. وقتی کسی را به مسیح می آورید، باید اول نسبت به او مانند یک مادر مهربان و ملایم بوده مشتاق باشید که شیر کتاب مقدس را به او بدهید و از زندگی خود برای او بگذارید (۲ : ۷ - ۸). همچنین وقتی نوایمان کمی رشد کرد، باید مانند یک پدر او را نصیحت و تربیت و تشویق کنید تا زندگی و رفتار او شایسته خدا باشد (۲ : ۱۱ - ۱۲).

خدمت یعنی چه؟ خدمت یعنی باعث نجات و رشد ایمانی یک شخص شدن. همه خدمات در کلیسا باید مستقیم و غیرمستقیم به این هدف اصلی کمک کند. آیا تابحال باعث نجات کسی شده اید؟ اگر نه به بشارت ادامه دهید و از خداوند بخواهید که به شما فرزندان ایمانی بدهد. اگر فرزند ایمانی دارید، او را به حال خود رها نکنید. وظیفه شما در مقابل خداوند این است که او را شاگرد بسازید (متی ۲۸ : ۱۹ - ۲۰). مانند مادر یا پدری که بچه ای را به این دنیا آورده است، باید مواظب غذا و سلامتی او باشید. باید هدف و دید شما این باشد که او به زودی خود شخصی بالغ شده و خود صاحب فرزندان ایمانی گردد.

### ۴ - در کلیسا باید با افراد مختلف، رفتار مختلف داشت.

کلام خدا موقعیت های مختلف را در کلیسا شرح می دهد و می خواهد که با هر شخص طبق موقعیتی که پیش می آید، رفتار و عملکرد درستی داشته باشیم. در کلیسا بستگی به شرایط و روحیه افراد، گاهی باید با ملایمت و گذشت رفتار کرد و گاهی باید توبیخ و تنبیه کرد.

به عنوان مثال، در ۵ : ۱۴ درخواست می شود که با سه گروه مختلف، سه رفتار متفاوت داشته باشیم. یعنی به عنوان مثال، ممکن است که سه نفر مختلف سه کار شبیه هم را در کلیسا بکنند. انسانها انتظار دارند با آن سه نفر یک جور برخورد شود. اما طبق این آیات، اگر اولی به خاطر سرکشی آن کار را کرده است، باید او را **تنبیه** کرد. اگر دومی بخاطر ترس و کم ایمانی آن کار را کرده است، باید او را **تشویق** کرده و دلداری داد. و اگر سومی بخاطر ضعف و ناتوانی آن کار را کرده است، باید او را **حمایت و پشتیبانی** کرد.

از دید کسی که کلام را نمی داند و حکمت روحانی ندارد، این رفتار و تصمیم ما در بالا ممکن است غیرمنصفانه به نظر آید و مانند این باشد که بین آنها تبعیض قائل شده ایم. اما ما باید مطابق کلام عمل کنیم و از حرف و اتهامات انسان ها نترسیم. با سه تصمیم مختلف برای سه شخص بالا، در حقیقت اراده نیکوی خدا را برای هر کدام از آن سه شخص انجام داده ایم. پس باید جرات و ایمان و اعتماد داشته باشیم که چون خدا را اطاعت کرده ایم و از انسان نترسیده ایم، برای خود آن سه نفر و کلیسا بهترین تصمیم را گرفته ایم.

## **سوالات برای مرور درس**

- ۱) کلمه کلیدی کتاب اول تسالونیکیان چه می باشد؟
- ۲) بخش های اصلی کتاب اول تسالونیکیان را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) به چه طریق می توان روح القدس را اطفا کرد؟
- ۴) دو درس روحانی کتاب اول تسالونیکیان را بیان کنید.
- ۵) ایمان و امید و محبت را چگونه می توان دید و اندازه گیری کرد؟



## دوم تسالونیکیان

### نویسنده و تاریخ نگارش

پولس نویسنده این کتاب است که آنرا در سال ۵۱ میلادی احتمالاً چند ماهی بعد از اول تسالونیکیان نوشته است.

### زمینه و موضوعات اصلی

بعد از آنکه پولس نامه اول را به کلیسای تسالونیکی نوشت، مشکلات در این کلیسا شروع شد. معلمین دروغین با گفتن اینکه «روز خداوند» آمده است، باعث اغتشاش فکری و دلسردی ایمانداران شده بودند. پولس در این رساله توضیح می دهد که قبل از بازگشت ثانوی مسیح، باید یک سری اتفاقات بیافتد که هنوز نیافتاده. کسانی که در تحت جفا هستند باید دلگرم باشند چون وقتی مسیح بازگردد، داوری عادلانه خواهد کرد. پولس می خواهد که ایمانداران با پشتکار در کار خداوند فعال باشند و از فرصت ها به نحو احسن استفاده کنند.

از طرف دیگر این تعلیم غلط بالا (که روز خداوند آمده است) و محبتی که در کلیسای تسالونیکی بود، باعث شده بود تعدادی در کلیسا، انگیزه کاری نداشته و کار نکنند و از محبت کلیسا سوء استفاده بکنند. پولس از آنها می خواهد که از زندگی نمونه او پیروی کنند و دستور می دهد که بیکاران را باید تنبیه کرد و هرکس که کار نکند نباید نان بخورد.

نکته قابل توجه دیگر در این کتاب، دعاهای پولس می باشد. با اینکه این کتاب کوتاه است، پولس ۴ بار برای خوانندگانش دعا می کند (۱ : ۱۱-۱۲ و ۲ : ۱۶-۱۷ و ۳ : ۵ و ۳ : ۱۶).

بازگشت ثانوی یکی از اصول ایمان مسیحی است که در کتاب های اول و دوم تسالونیکیان، در فصل ۲۴ و ۲۵ کتاب متی و در کتاب مکاشفه شرح داده شده و در مورد آن نبوت های بسیاری شده است. این موضوع، بسیار مهم می باشد چرا که بیشتر از هر موضوع دیگر در عهد جدید تکرار شده است (۳۱۸ بار). بازگشت مسیح، امید زنده ما می باشد و در طرز زندگی روزانه ما تاثیر بسزایی می گذارد.

**کلمه کلیدی :** انتظار روز خداوند

**آیات کلیدی :** ۲ : ۲-۳ و ۳ : ۳-۴-۵

۲ : ۳-۲ ... « که شما از هوش خود بزودی متزلزل نشوید و مضطرب نگردید، نه از روح و نه از کلام و نه از رساله ای که گویا از ما باشد، بدین مضمون که روز مسیح رسیده است. زنهار کسی به هیچ وجه شما را نفریید. زیرا که تا آن ارتداد، اول واقع نشود و آن مرد شریر یعنی فرزند هلاکت ظاهر نگردد، آن روز نخواهد آمد.»

۳ : ۴-۵ ... « اما بر شما در خداوند اعتماد داریم که آنچه به شما امر کنیم، بعمل می آورید و نیز خواهید آورد. و خداوند دلهای شما را به محبت خدا و به صبر مسیح هدایت کند.»

## فصل کلیدی : ۲

در این فصل است که پولس به طور واضح نشان می دهد که روز خداوند هنوز نیامده است و اتفاقاتی را شرح می دهد که قبل از آمدن مسیح می بایست به وقوع بپیوندند.

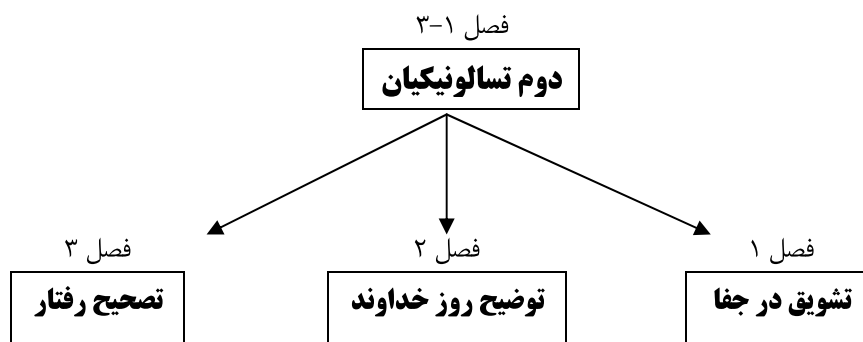
### بررسی

سه هدف پولس در نوشتن این رساله را می توان در سه فصل آن دید : (۱) تشویق در ایمان در فصل اول، (۲) تصحیح تعلیم غلط در مورد روز خداوند در فصل دوم، (۳) تصحیح رفتار غلط در فصل سوم.

**(۱) تشویق در جفا (فصل ۱) -** پولس ابتدا از ایمان و محبت روزافزونی که ایمانداران تسالونیکي دارند تشکر می کند. سپس به آنها دلگرمی می دهد که مسیح به زودی برگشته و تمام جفاکنندگان آنها را داوری خواهد کرد.

**(۲) توضیح روز خداوند (فصل ۲) -** بر خلاف معلمین دروغین که می گفتند روز خداوند آمده و گذشته است، پولس به ایمانداران تسالونیکي اطمینان می دهد که روز خداوند هنوز نیامده است و در آینده اتفاق خواهد افتاد. مخصوصاً توضیح می دهد که یک ارتداد روحانی انجام خواهد شد و بعد از آنکه «مانع» یعنی روح القدس برداشته شود، «مرد شریر یعنی فرزند هلاکت» که همان ضد مسیح است ظاهر خواهد شد.

**(۳) تصحیح رفتار (فصل ۳) -** در این فصل، پولس سه رفتار بی نظمی، تبلی و بی اطاعتی را می کوبد و می گوید کسی که بی نظم رفتار می کند را از کلیسا بیرون کنند و هر که تبلی می کند نیز اجازه غذا خوردن ندارد. همچنین می گوید اگر کسی در بی نظمی و تبلی است و دستورات بالا را اطاعت نمی کند، او را بخاطر بی اطاعتی از کلیسا بیرون کنند.



## مکاشفه عیسای مسیح

**بازگشت ثانوی** - موضوع مهم در اول و دوم تسالونیکیان بازگشت ثانوی مسیح می باشد که در آنها این موضوع شرح داده شده و در مورد آن نبوت ها می شود. بازگشت ثانوی مسیح باعث تسلی ایمانداران است ولی نتایج وحشتناک برای کسانی دارد که به او ایمان نیاورده اند (۱ : ۶-۱۰ و ۲ : ۸-۱۲).

**برابر با خدا** - خدای پدر و عیسای مسیح در بسیاری از آیات با هم نام برده شده اند. کلیسای تسالونیکی در خدای پدر و عیسای مسیح می باشد (۱ : ۱). فیض و سلامتی از جانب هردو می باشد (۱ : ۲ و ۱۲). هردو منبع محبت، تسلی ابدی و امید نیکو هستند (۲ : ۱۶-۱۷). در این دو جمله، فاعل « خود خداوند ما عیسای مسیح و خدا و پدر ما » می باشد اما افعال مفرد است! و این معنی را می دهد که این القاب همه در مورد یک نفر صحبت می کند. این مانند این است که کسی بگوید : کشیش هرمز ، برادر ما و کشیش کلیسا به منزل ما آمد .

## مکاشفه روح القدس

**روح تقدیس کننده** - خدا ما را برگزیده است تا نجات یافته و بوسیله روح القدس تقدیس شویم (۲ : ۱۳).

**روح مانع ضد مسیح** - حضور روح القدس در جهان است که جلوی پیروزی شرارت و ظهور ضد مسیح را می گیرد. وقتی روح القدس دست نگاه دارنده اش را بر دارد، ضد مسیح ظهور خواهد کرد (۲ : ۶-۸).

## دروس اصلی روحانی

### **۱ - با بی نظمی، بیکاری و بی اطاعتی در کلیسا باید شدیداً برخورد کرد.**

کلیسا جمع ایمانداران است که بوسیله آن نجات و محبت مسیح به جهان نمایان می شود. اما در کلیسایی که یک طرفه فقط روی محبت کردن تکیه می کند (مثل کلیسای تسالونیکی)، این خطر وجود دارد که گناه نیز بخاطر محبت در آن تحمل شود و یا افرادی از محبت کلیسا سوء استفاده کنند. پولس در دو نامه خود به کلیسای پر محبت تسالونیکی، روی این مسایل دست می گذارد و خطرات موجود در یک کلیسای پر محبت را خاطر نشان می کند. ما در کلیسای ایرانیان که می خواهیم کلیسای پر محبت باشیم و لوگوی ما « خدا محبت است » در معرض این ۴ خطر زیر هستیم.

**اولین خطر در کلیسای پر محبت، تحمل گناه است** که پولس در اول تسالونیکیان فصل ۴ به آن می پردازد و قدوسیت و پاکی را تاکید می کند. در کلیسا نباید بخاطر محبت، از گناه چشم پوشی نمود.

**دومین خطر، افراد بی نظم هستند** که هرچه دلشان می خواهد در کلیسا می کنند و ایمانداران کلیسا فکر می کنند بخاطر محبت نباید جلوی آنها را گرفت و نباید با تاکید از آنها خواست تا طبق روش ها و مقررات کلیسا عمل کنند. بخصوص ما ایرانی ها که اکثرمان اطاعت را زور شنیدن می دانیم . پولس در این مورد «حکم» می کند تا از چنین برادری «اجتناب» کنیم. یعنی اگر شخصی در کلیسا در بی نظمی عمل می کند، ما باید از ایمانداران بخواهیم که با او مشارکت نداشته باشند (۳ : ۶) و همچنین باید او را «تنبیه» کنیم (اول تسالونیکیان ۵ : ۱۲).

**سومین خطر، افرادی هستند که کار نمی کنند.** آنها کسانی هستند که از محبت کلیسا سوء استفاده کرده و انتظار دارند کلیسا (بقیه ایمانداران) روزی آنها را بدهد و بار آنها را بکشد. این نه تنها بار مالی، بلکه بار احساسی نیز می تواند باشد. بعضی ها در کلیسا فقط از دیگران انتظار دارند. خود به فکر کمک کردن دیگران نیستند ولی انتظار کمک از همه دارند. خود به دنبال محبت کردن و خدمت دیگران نیستند ولی انتظار دارند که دیگران همواره آنها را محبت و خدمت نمایند.

در مورد این نوع افراد است که پولس «امر» می کند که «اگر کسی خواهد کار نکند، خوراک هم نخورد». باید به آنها «حکم و نصیحت» کرد که «به آرامی کار کرده، نان خود را بخورند» (۳ : ۸-۱۲). پس اگر کسی می تواند کار کند و کار نمی کند و در احتیاج مالی و حتی غذایی است، کلام خدا دستور می دهد که کلیسا به او کمکی نکند. پس این حالت ممکن است در کلیسا پیش آید که ایمانداری در کلیسا باشد که گرسنه باشد و خرج غذا نداشته باشد و کلیسا به او کمک نکند چرا که می خواهد با تنبلی از محبت کلیسا سوء استفاده کند.

**چهارمین خطر، افرادی هستند که سرکشی و بی اطاعت هستند.** آنها از رهبران کلیسا و تصمیمات کلیسای اطاعت نمی کنند و خود را بالاتر از اینها می دانند. دلیلشان هم این است که «ما با تصمیمات رهبران موافق نیستیم و نظر دیگری داریم.» آنها در حقیقت دارند می گویند «رهبران کلیسا نمی دانند دارند چکار می کنند» و «من بهتر می دانم» و «من بهتر می توانم کلیسا را رهبری کنم». پولس در این مورد دستور می دهد که «بر او نشانه گذارید و با وی معاشرت نکنید تا شرمنده شود. اما او را دشمن بشمارید بلکه چون برادر او را تنبیه کنید» (۳ : ۱۴-۱۵).

در کلیسا نباید فکر کنیم محبت یعنی اینکه گناه، بی نظمی، تنبلی و بی اطاعتی را تحمل کنیم. تحمل چنین چیزهایی، محبت به بدن مسیح نیست بلکه بی محبتی است چراکه وجود چنین چیزهایی در کلیسا، آنرا ضعیف و مریض می کند. پس باید تعریف انسانی خود از محبت را کنار گذاشته و آنچه که کلام خدا محبت می خواند را انجام دهیم. بخاطر محبت، گاهی لازم است که جلوی گناه و ناراستی ایستاده و حتی اجازه دهیم شخصی گرسنگی بکشد و اگر لازم باشد از کلیسا اخراج گردد.

## **سوالات برای مرور درس**

- ۱) کلمه کلیدی کتاب دوم تسالونیکیان چه می باشد؟
- ۲) بخش های اصلی کتاب دوم تسالونیکیان را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) چهار خطر در یک کلیسای پر محبت کدامند؟
- ۴) چه چیزی مانع است که جلوی پیروزی شرارت و ظهور ضد مسیح را می گیرد.

## اول تیموتاوس

### نویسنده و تاریخ نگارش

پولس نویسنده این کتاب است که آنرا در سال ۶۲-۶۳ میلادی نوشته است. این رساله را پولس خطاب به شبان جوانی به نام تیموتاوس می نویسد. کلمه «تیموتاوس» به معنی «کسی که به خدا احترام می گذارد» می باشد. تیموتاوس خادم جوانی بود (۴ : ۱۲). پدر او یونانی (اعمال ۱۶ : ۱) و مادر و مادر بزرگ او یهودی بودند که او را با کتاب مقدس آشنا کردند (دوم تیموتاوس ۱ : ۵ و ۳ : ۱۵). او شخص مریض (۵ : ۲۳) و خجالتی بود (دوم تیموتاوس ۱ : ۷).

### زمینه و موضوعات اصلی

پولس به عنوان یک رسول پیر و با تجربه، به شبان جوانی به نام تیموتاوس نامه نوشته و او را راهنمایی می کند که کلیسا را چگونه رهبری کرده و مشکلات کلیسایی شهر افسس را چگونه حل کند.

در این رساله، پولس نه تنها راجع به عملکرد درست کلیسا راهنمایی می کند، بلکه راجع به عملکرد درست خود خادم نیز تعلیم می دهد. گرچه این کتاب خطاب به تیموتاوس نوشته شده است اما مملو از اصولی است که هر خادم خدا در هر جا باید در خدمتش بکار ببرد. پس این کتاب در حقیقت **راهنمای رهبری کلیسا** می باشد. در نتیجه در آن راجع به اصول مقدماتی ایمان صحبت نمی شود. چراکه فرض بر این است که خواننده این اصول را می داند و طوری رشد کرده است که دارد کلیسا را در سطح رهبری خدمت می کند. یک خادم کلیسا باید با این کتاب ها آشنایی کامل داشته باشد تا در رهبری خود اشتباهات اساسی نکند و به خود و به کلیسا صدمه نزند بلکه خدمتی مؤثر و پیش رونده داشته باشد.

پولس از تیموتاوس می خواهد تا مواظب بوده و از معلمین دروغین برحذر باشد. او باید نسبت به طمع هوشیار بوده و به دنبال عدالت، خداترسی، ایمان، محبت، پایداری و مهربانی باشد. پولس او را تشویق می کند که برای دیگران نمونه باشد، عطایای روحانی خود را بکار ببرد و جنگ نیکوی ایمان را بکند. زندگی شخصی و جمعی تیموتاوس باید بی ملامت باشد و باید یاد بگیرد نسبت به مسائل مختلف و گروه های مختلف در کلیسا چگونه عمل کند.

سه رساله اول تیموتاوس، دوم تیموتاوس و تیتوس به «**رساله های شبانی**» معروف می باشند که در آنها اصول زندگی نمونه و رهبری مسیحی بررسی می گردند. این رسالات، آخرین رسالاتی هستند که پولس در زمان زندانی شدن دوم خود و قبل از مرگش نوشته است.

**کلمه کلیدی :** راهنمای رهبری

**آیات کلیدی :** ۱۶-۱۵ : ۳ و ۱۶-۱۵ : ۶ و ۱۲-۱۱

۱۶-۱۵ : ۳ ... « لیکن اگر تأخیر اندازم، تا بدانی که چگونه باید در خانه خدا رفتار کنی که کلیسای خدای حی و ستون و بنیاد راستی است. و بالا جماع سر دینداری عظیم است که خدا در جسم ظاهر شد و در روح، تصدیق کرده شد و به فرشتگان، مشهود گردید و به ملت ها، موعظه کرده و در دنیا ایمان آورده و به جلال بالا برده شد.»

۱۲-۱۱ : ۶ ... « ولی تو ای مرد خدا، از اینها بگریز و عدالت و دینداری و ایمان و محبت و صبر و تواضع را پیروی نما. و جنگ نیکوی ایمان را بکن و بدست آور آن حیات جاودانی را که برای آن دعوت شدی و اعتراف نیکو کردی در حضور گواهان بسیار.»

### **فصل کلیدی : ۳**

این فصل خصوصیات و شرایط یک خادم خدا از جمله یک شیخ و شماس را ذکر می کند. جالب است که هیچکدام از این خصوصیات به مقام شخص در اجتماع اشاره نمی کند بلکه همه به شخصیت رهبر و رابطه او با خدا مربوط می شود.

### **بررسی**

پولس با تجربه، این نامه را به همکار جوان و بی تجربه اش می نویسد که او را در وظیفه خطیری که در سرپرستی کلیساهای افسس دارد، یاری کند. پولس از او می خواهد که کارش را با جرات انجام دهد به این صورت که جلوی معلمین دروغین بایستد، رهبران درست را تربیت کند، کلام خدا را درس بدهد و رفتار نمونه مسیحی را در کلیسا تشویق نماید. در این کتاب موضوعات مختلفی بررسی می شود. در نتیجه هر فصل موضوع خاص خود را دارد.

#### **(۱) خطرات تعلیم غلط (فصل ۱) - پولس در این فصل در مورد تعلیم غلط بخصوص تعالیمی که شریعت را بطور غلط**

بکار می برند، هشدار می دهد و از تیموتاوس می خواهد تا «امر کند تا تعلیم دیگر ندهند».

#### **(۲) راهنمایی در مورد عبادت (فصل ۲) - پولس در مورد دعا تعلیم داده و بخصوص مردان را تشویق می کند تا در دعا**

در هر جا نقش فعال داشته باشند. همچنین از زنان خواسته می شود که بیشتر به زیبایی درونی خود بپردازند تا زیبایی بیرونی.

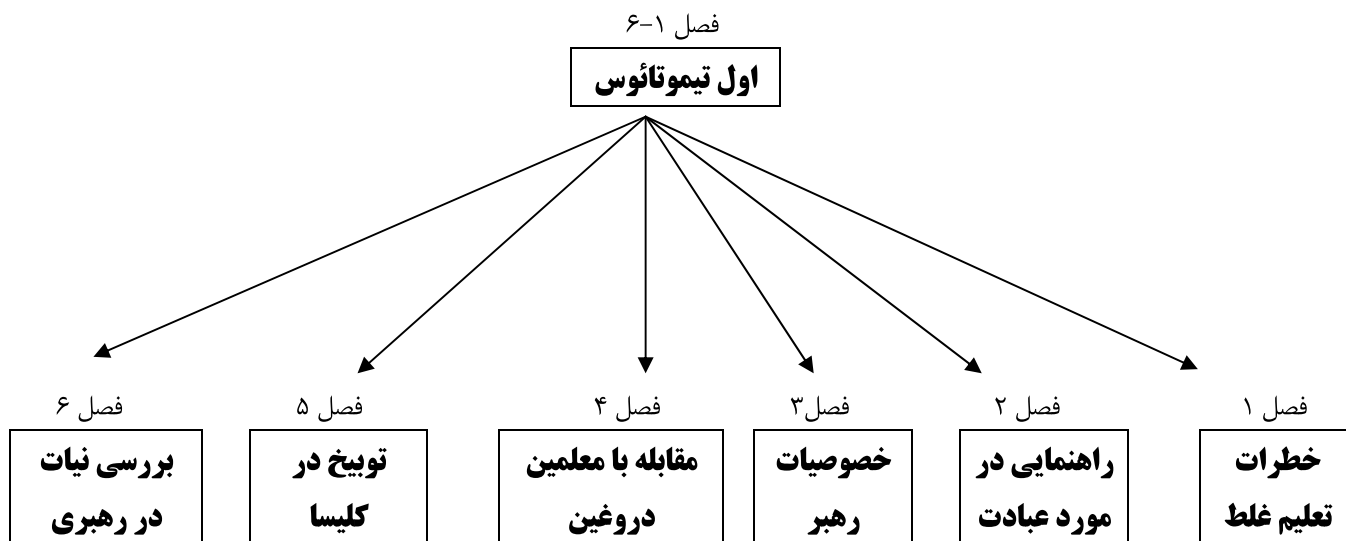
#### **(۳) خصوصیات رهبر (فصل ۳) - برای داشتن کلیسای سالم، وجود رهبران نمونه بسیار حیاتی می باشد. در این فصل**

خصوصیات اسقف و شماس ارائه می شود. کلمه «اسقف» به معنی «سرپرست» و «ناظر» می باشد (episcopos = overseer). در کتاب مقدس اسقف و شیخ (presbuteros = elder) هر دو یکی بوده و به رهبران کلیسا اطلاق می شود (اعمال ۲۰ : ۱۷ و ۲۸ و تیطس ۱ : ۵ و ۷). کلمات «شیخ» و «پیر» و «کشیش»، هر سه به یک معنی بوده و به مفهوم کسی است که در ایمان بالغ بوده و در کلیسا نقش رهبری را دارا می باشد. کلمه «شماس» به معنی «خادم» و «خدمتکار» می باشد (diakonos = servant) و به کسانی اطلاق می گردد که مسئولیت خدمات مختلف را در کلیسا به عهده دارند. کلمات «کشیش» و «شماس»، کلماتی هستند که از زبان آشوری به فرهنگ فارسی کلیسای وارد شده اند.

**(۴) مقابله با معلمین دروغین (فصل ۴)** - روح القدس پیشگویی می کند که معلمین دروغین وارد کلیسا خواهند شد. در این فصل تعلیم و خصوصیات چنین معلمینی بررسی شده و درمقابل، از خادم خدا خواسته می شود که او رفتار نمونه داشته باشد.

**(۵) توبیخ در کلیسا (فصل ۵)** - تصحیح و توبیخ یکی از مشکل ترین وظایف یک خادم می باشد بخصوص اگر جوان هم باشد. در این فصل، به خادم خدا تعلیم داده می شود که با گروه های مختلف در کلیسا چگونه رفتار کند و اگر لازم باشد حتی رهبران را پیش همه توبیخ کند.

**(۶) بررسی نیت در رهبری (فصل ۶)** - در این فصل تعلیم داده می شود که تنها خدمت مهم نیست بلکه نیت خدمت نیز مهم می باشد. خادم خدا باید هوشیار باشد که غرور، حسد و طمع در قلب او جای نگیرد.



### مکاشفه عیسیای مسیح

**واسطه واحد** - خدا یکی می باشد در نتیجه بین خدا و انسان، تنها یک واسطه وجود دارد (۲ : ۵) که می بایست از یک طرف انسان باشد و از یک طرف خدا. عیسیای مسیح تنها کسی است که هم خدا و هم انسان می باشد و بنابراین تنها کسی است که می تواند انسان را به خدا وصل کند.

**خدا در جسم** - سر عظیم دینداری همین است که خدا در جسم ظاهر شد و در روح تصدیق کرده شد و در آخر به جلال بالا برده شد (۳ : ۱۶).

**برگزیننده خادمین** - عیسیای مسیح است که با فیض خود به ما رحم می کند، ما را امین شمرده و به خدمت خاصی بر می گزیند (۱ : ۱۲ - ۱۴).

**تقویت دهنده خادمین** - عیسیای مسیح خادمی که بر می گزیند را برای خدمت تقویت می کند (۱ : ۱۲).

**نجات دهنده** - عیسیای مسیح به جهان آمد تا گناهکاران را نجات بخشد (۱ : ۱۵). او در زمان معین خود را در راه همه فدا کرد (۲ : ۶).

**خدای زنده** - عیسیای مسیح خدای زنده است که جمیع مردمان را نجات دهنده می باشد (۴ : ۱۰).

## مکاشفه روح القدس

**روح نبوت** - روح القدس از وقایع آینده خبر می دهد (۴ : ۱). فعل استمراری که در این آیه به کار برده شده است نشان می دهد که روح القدس مرتب سخن گفته و مکاشفه و نبوت می دهد. یعنی صحبت کردن او برای زمان خاص نمی باشد بلکه او در همه زمانها صحبت می کند.

**تصدیق کننده عیسای مسیح** - عیسای مسیح خدایی است که در جسم ظاهر شد و روح القدس او را تصدیق کرد (۳ : ۱۶). روح القدس هنوز تصدیق کننده عیسای مسیح می باشد.

## دروس اصلی روحانی

### **۱ - داشتن رهبران نمونه و واجد شرایط برای سلامتی و رشد کلیسا ضروری و حیاتی می باشد.**

کلام خدا در مورد رهبری در کلیسا بسیار سخت می گیرد چراکه رشد و سلامتی یک کلیسا رابطه مستقیم با کیفیت رهبران آن دارد. فصل سوم اول تیموتاوس مفصلاً راجع به شرایط روحانی و شخصیتی رهبران در کلیسا صحبت می کند. در اعمال رسولان خواندیم که حتی برای پخش غذا نیز باید رهبرانی روحانی انتخاب کرد.

سرمایه انسانی یک کلیسا، تعداد افرادی که در جلسات آن شرکت می کنند نیست. بلکه در درجه اول بستگی به تعداد رهبران نمونه، بالغ و فعال آن دارد. رهبران درست، بیشترین برکت را وارد کلیسا می کنند و به آن قدرت، استحکام و سلامتی می بخشند. برعکس رهبرانی که خود مشکل روحانی و شخصیتی دارند، بیشترین ضربه را به کلیسا وارد می کنند. به این دلیل، یک شبان کلیسا برای انتخاب رهبران باید بیشترین دقت را به خرج دهد و شرایط کتاب مقدس را جدی بگیرد. همچنین یک شبان باید وقت و انرژی کافی برای تربیت رهبران نمونه بگذارد.

وقتی کلیسایی تازه شروع می شود، این خطر وجود دارد که بخاطر کمبود خادمین، شخصی که از دیگران بالغ تر و قدیمی تر است و خود نیز بسیار مشتاق خدمت می باشد را برای خدمت رهبری کلیسا انتخاب نماییم. در سالهای اول شروع کلیسای ایرانیان، ما نیز مانند بسیاری از کلیساهای ایرانی دیگر، این اشتباه را کردیم که افرادی که طبق کلام واجد شرایط رهبری کلیسایی نبودند را برای رهبری و تعلیم در کلیسا برگزیدیم. این اشتباه باعث شد سالها در کلیسا تشنج و دودستگی وجود داشته باشد. چه بسیار در این مورد درد کشیدیم. دعا می کنیم با جدی گرفتن کلام خدا در مورد انتخاب رهبران نمونه طبق اول تیموتاوس فصل ۳، شما از این رنج عظیم مبرا شوید.

### **۲ - خواستن خدمت رهبری در کلیسا، نیکو می باشد.**

کتاب مقدس تشویق می کند که ایمانداران مشتاق خدمت رهبری در کلیسا باشند (۳ : ۱) اما شرایط آنرا نیز بیان می کند. رهبری در کلیسا، خدمت است نه ریاست. اما خدمتی است که شخص بوسیله آن می تواند ثمرات نیکو و بسیار برای ملکوت خدا بیاورد. اگر شخصی مشتاق است که برای خدا بسیار مفید و پرثمر باشد و آرزو دارد که کلیسای خداوند قوی شده و ملکوت خدا را گسترش دهد، طبیعی است که مشتاق رهبری باشد.



کلیسا همواره احتیاج به رهبران بسیار دارد. حتی اگر کار فعلی کلیسا با رهبران فعلی به خوبی پیش می رود، باز هم برای آینده کلیسا و گسترش ملکوت خدا، احتیاج به رهبران بیشتر می باشد. بخصوص کلیسای خداوند در بین ایرانیان به سرعت پیش می رود و در هر جا احتیاج مبرم به شبانان و رهبران نمونه می باشد. پس نباید افرادی که مشتاق رهبری در کلیسا هستند را دلسرد کرد بلکه باید آنها را تشویق نمود. اما در عین حال استانداردهای کلام را نیز باید حفظ کرد و به آن شخص کمک نمود که رشد کند تا زندگی و شخصیتش با شرایط کلام خدا وفق کند.

آیا مشتاق خدمت رهبری در کلیسا می باشید؟ اگر بله، خدا را شکر که چنین اشتیاقی را در قلب شما گذاشته و شما نیز به او جواب مثبت داده اید. خود را آماده کنید تا به عنوان یک رهبر، نمونه بوده و خدمت بسیار پرثمری را برای خداوندمان عیسای مسیح در بین ایرانیان داشته باشید.

### **۳ – خادم خدا باید همواره مواظب خود و تعلیم خود باشد.**

وضعیت روحانی و تعلیم یک خادم نه تنها روی خود او و خانواده اش تأثیر می گذارد بلکه بر روی همه کلیسا، زندگی او نه تنها باعث نجات خود او می شود بلکه شنوندگان او نیز نجات می یابند (۴ : ۱۶). در نتیجه یک خادم باید همواره مواظب خود و تعلیم خود باشد. او نباید نسبت به عطایای خود بی اعتنا باشد بلکه باید در عطایای خود رشد کند (۴ : ۱۴-۱۵). او باید با جدیت، خود را به قرائت و نصیحت و تعلیم کلام بسپارد (۴ : ۱۳). او باید در کلام و سیرت (شخصیت) و محبت و ایمان و عصمت (پاک زندگی کردن) نمونه باشد (۴ : ۱۲).

من و شما وظیفه داریم مرتب وضعیت روحانی خود را ارزیابی کنیم تا همواره در سلامتی روحانی باشیم. بعلاوه باید مرتب تعلیم خود را با کلام خدا تطبیق دهیم تا مطمئن باشیم آنچه می گوییم، آنچه تعلیم و مشورت می دهیم و آنچه که خود انجام می دهیم مطابق کلام خدا می باشد.

### **سوالات برای مرور درس**

- ۱) کلمه کلیدی کتاب اول تیموتاوس چه می باشد؟
- ۲) بخش های اصلی کتاب اول تیموتاوس را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) رساله های شبانی کدام می باشند؟
- ۴) دو درس روحانی کتاب اول تیموتاوس را بیان کنید.
- ۵) کلمات «اسقف» و «کشیش» هر کدام به چه معنی می باشند؟

## دوم تیموتاوس

### نویسنده و تاریخ نگارش

پولس نویسنده این کتاب است که آنرا در سال ۶۷ میلادی از سلولی در زندان روم به تیموتاوس نوشته است.

### زمینه و موضوعات اصلی

این رساله به مانند آخرین وصیت نامه پولس به پسر روحانی اش تیموتاوس می باشد. چه می شود که فرزند روحانی من و شما، شبان و سرپرست کلیسا باشند؟ چه افتخاری! چه دید الهی! با آنکه خود پولس در زندان است و مرگ او نزدیک می باشد، اما این نامه را می نویسد تا تیموتاوس را تشویق کند که در مقابل مخالفت ها و سختی هایی که در شهر افسس وجود دارد پایدار بوده و بایستد. پولس اهمیت داشتن زندگی پاک، موعظه کلام خدا در هر موقعیت و هوشیاری در مورد ارتداد در کلیسا را تاکید می کند.

در زمان نگارش این نامه، دو خطر، کلیسا را تهدید می کرد. (۱) **خطر بیرونی** : خطر جفای دولت روم که می خواست کلیسا را از بیرون نابود کند و (۲) **خطر درونی** : خطر تعالیم غلط که می خواست کلیسا را از درون نابود کند.

این رساله بخصوص روی اهمیت کلام خدا تاکید بسیار می کند چراکه با کلام خدا می توان در مقابل فشارهای جفای خارج کلیسا و فشار مشکلات داخل کلیسا پایداری کرد. فقط کسانی که مانند سرباز، ورزشکار، کشاورز یا خادم خدا استقامت و پایداری می کنند، حاصل کار خود را خواهند دید.

این رساله در زمانی نوشته می شود که جفا و آزار مسیحیان در تمامی امپراطوری روم رایج شده است. «نرو» امپراطور روم بعد از آنکه در سال ۵۴ میلادی به قدرت رسید، این جفا را بر علیه مسیحیان آغاز کرد. او از مردم انتظار داشت که او را به عنوان امپراطور و حتی خدا بپرستند. اما مسیحیان با جرات می گفتند که عیسای مسیح تنها خداوند آنهاست و خدا بودن نرو را نمی پذیرفتند. نه تنها این، بلکه مسیحیان می گفتند که فقط یک پادشاه دارند و آن عیسای مسیح می باشد در نتیجه، نرو احساس می کرد که مسیحیان نه تنها او را به عنوان خدا قبول ندارند، بلکه پادشاهی او را نیز نمی پذیرند.

در ماه جولای سال ۶۴ میلادی، آتش سوزی عظیمی در شهر روم رخ داد که نصف آن شهر را سوزاند. سوء ظن همه این بود که خود نرو این آتش سوزی را به راه انداخته تا زمین های دیگران را صاحب شود. نرو برای آنکه توجه را از خود بردارد، اعلام کرد که این آتش سوزی بوسیله مسیحیان به پا شده است. در نتیجه، مسیحیت رسماً غیرقانونی اعلام شد و جفا بر علیه کسانی که ایمان خود را به مسیح اعتراف می کردند شدیدتر شد. تا آن زمان، مسیحیان به عنوان فرقه جدید مذهبی، مورد اذیت و آزار بودند. اما از آن زمان، مسیحی شدن، قانون شکنی تلقی می شد و دیگر رسماً طبق قانون مجازات مرگ را به همراه می داشت.

پولس در این شرایط بود که برای بار دوم در روم زندانی می شد. در زندانی شدن اولش (سالهای ۶۰ تا ۶۲ میلادی) شرایطش بهتر بود (اعمال ۲۸ : ۱۶-۳۱). او در خانه ای تحت نظر بود و افراد می توانستند با آزادی به ملاقات او بیایند. او در بهار ۶۳ میلادی آزاد شد و تا پاییز ۶۷ میلادی به کلیساها و کشورهای مختلف سر زد و حتی تا اسپانیا رفت. اما با شروع جفای شدید بوسیله نرو، در پاییز ۶۷ میلادی دوباره به زندان افتاد و در بهار ۶۸ اعدام شد.

در این شرایط سخت بود که پولس رساله دوم تیموتاوس را می نوشت. گرچه جان او در خطر بود اما ایمانداران آسیا از ترس جان خود، بعد از دستگیری اش او را حمایت نکردند (۱ : ۱۵). در دادگاه اول نیز گرچه مسیحیان حضور داشتند اما از او حمایت نکرده (۴ : ۱۶) بلکه همه او را ترک نمودند (۴ : ۱۰-۱۱). در هنگام نوشتن این رساله، او به عنوان بدکار (۲ : ۹) در سلول سردی در روم زندانی بود (۴ : ۱۳) و با وجود موفقیت در دفاع اول (۴ : ۶-۸ و ۱۷-۱۸)، امید زیادی برای تبرئه و آزادی او وجود نداشت.

اکنون که جفا و جنگ بر علیه مسیحیان بالا گرفته است، پولس این رساله را به عنوان «راهنمای جنگ» می نویسد تا تیموتاوس تشویق شده و در مقابل جفا از خارج کلیسا و فریب و دو دستگی در داخل کلیسا پایداری کرده و پیروز شود. تیموتاوس می بایست با جرات کلام خدا را اعلام کند حتی اگر این باعث جفای بیشتر شود. این کتاب در طی قرن ها باعث تشویق و تسلی خادمینی بوده که در سختی خدمت کرده اند تا در میان فشارها و سختی ها بیشتر به کلام خدا بچسبند و آنرا با جرات بیشتری موعظه کنند.

### کلمه کلیدی : پایداری در خدمت

### آیات کلیدی : ۲ : ۳-۴ و ۳ : ۱۴-۱۷

۲ : ۳-۴ ... « چون سپاهی نیکوی مسیح عیسی در تحمل زحمات شریک باش. هیچ سپاهی خود را در امور روزگار گرفتار نمی سازد تا رضایت آنکه او را سپاهی ساخت بجوید.»

۳ : ۱۴-۱۷ ... « اما تو در آنچه آموختی و ایمان آوردی، قایم باش چونکه می دانی از چه کسان تعلیم یافتی، و اینکه از طفولیت کتب مقدسه را دانسته ای که می تواند تو را حکمت آموزد برای نجات بوسیله ایمانی که بر مسیح عیسی است. تمام کتب از الهام خداست و بجهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است، تا مرد خدا کامل و بجهت هر عمل نیکو آراسته بشود.»

### فصل کلیدی : ۲

این فصل آنقدر مهم است که هر خادم خدا باید آنرا روزانه بخواند و حتی آنرا حفظ کند. در این فصل، پولس راز یک خدمت موفق و پایدار را بیان می کند.

### بررسی

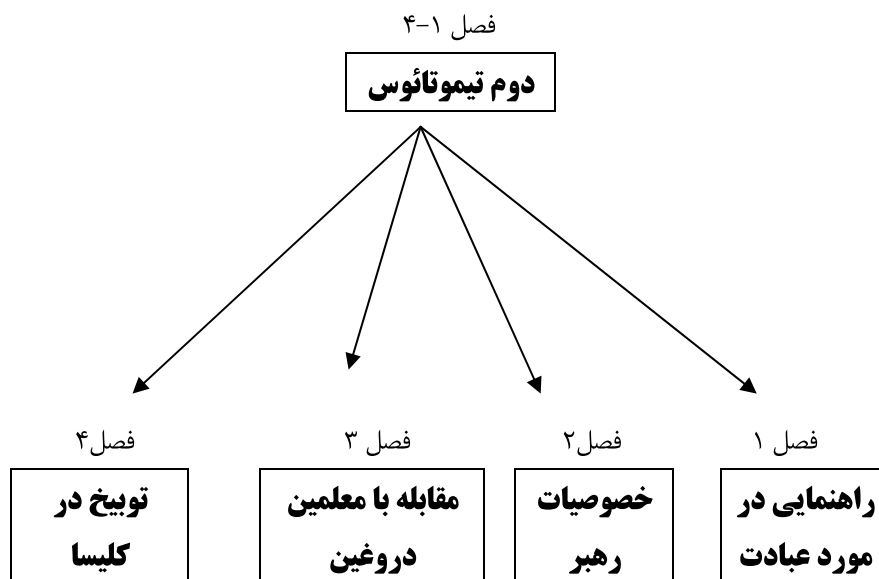
پولس می داند که دارد آخرین رساله اش را می نویسد و روزهایش بر زمین کوتاه است. همچنین می داند که جفا و سختی برای مسیحیان و بخصوص خادمین خدا شدت خواهد گرفت. پس این رساله را به عنوان «راهنمای جنگ» می نویسد تا تیموتاوس را به عنوان سرباز برای پایداری در جنگ آماده کند. در نتیجه این رساله پر از جملات دستوری می باشد.

**(۱) تشویق به پایداری (فصل ۱)** - بعد از سلام، پولس تیموتاوس را تشویق می کند که با وجود مخالفت ها و خطرات، بوسیله روح القدس بر ترس هایش پیروز شده و محکم بایستد.

**(۲) خصوصیات خادم امین (فصل ۲)** - پولس ابتدا از پسر ایمانی اش می خواهد که او نیز فرزندان روحانی پرثمر پرورش دهد. او باید خود را طوری تربیت کند که مانند یک سرباز، پهلوان، برزگر، ظرف و معلم نیکو عمل نماید. او نباید وقت خود را با بحث ها و مسایل بیهوده تلف کند. باید از نزاع ها و شهوات جوانی بگریزد و عدالت و ایمان و محبت و سلامتی را تعاقب کند تا زندگی و خدمت پرثمری داشته باشد.

**(۳) اخطار در مورد نزدیکی ارتداد (فصل ۳)** - پولس اخطار می دهد که هرچه به زمان آخر نزدیک تر می شویم، مذهب توخالی و تعالیم غلط بیشتر خواهند شد. اما خادم خدا (تیموتاوس) باید زندگی نمونه داشته باشد و هرچه بیشتر به کلام خدا متوسل شود که تمامی آن از الهام خدا است و برای تعلیم، تنبیه، اصلاح و تربیت در عدالت مفید می باشد.

**(۴) دستور اعلام انجیل (فصل ۴)** - در آخر، پولس تیموتاوس را قسم می دهد که به کلام خدا موعظه کند و در وقت و بی وقت آماده باشد کلام را برای تنبیه و توبیخ و نصیحت بکار برد. در آخر، پولس شهادت شخصی می دهد که با وجود سختی ها و خطرات، خود او چگونه به عیسای مسیح توکل کرده است.



### مکاشفه عیسای مسیح

**نیست سازنده موت** - عیسای مسیح بوسیله انجیل، «موت را نیست ساخت و حیات و بی فسادی را روشن گردانید» (۱: ۱۰).  
**نجات دهنده** - او نجات دهنده است و هر که نجات او را می پذیرد، جلال جاودانی را تحصیل می کند و اگر بخاطر او جفا و سختی را تحمل کند، با او سلطنت هم خواهد کرد (۲: ۱۱-۱۲).

**خداوند** - پولس بارها کلمه «خداوند» را در رابطه با عیسی مسیح به کار می برد. فقط یک خداوند در جهان وجود دارد که عیسی مسیح می باشد. هر بار که پولس، کلمه خداوند را برای عیسی مسیح بکار می برد، دارد به طور ضمنی خداوند بودن «نرو» یا هر کس دیگر را رد می کند.

**داور عادل** - عیسی مسیح باز خواهد گشت و زندگان و مردگان را داوری خواهد کرد (۴ : ۱). او به خادمین امین خود تاج عدالت را داده (۴ : ۸) و بدکاران را نیز برحسب افعالشان جزا خواهد داد ( : ۱۴).

## مکاشفه روح القدس

**روح قوت، محبت و تادیب** - روح القدس ترس و خجالت را برداشته و قوت، محبت و تادیب را در زندگی ایماندار جاری می سازد. «تادیب» به معنی خویشتن داری و انضباط شخصی است که بر اساس فکر درست می باشد.

**روح ساکن در ایمانداران** - روح القدس در هر ایماندار ساکن است. یک ایماندار به قوت روح القدس، «امانت نیکو» را حفظ می کند. مقصود از «امانت نیکو» می تواند «تعلیم صحیح» یا «عطیه روح القدس» باشد.

## دروس اصلی روحانی

### **۱ - خادم خدا باید یاد بگیرد مانند مربی، سرباز، ورزشکار، برزگر و ظرف عمل کند.**

در فصل ۲، از پنج مثال استفاده می شود تا جنبه های مختلف زندگی یک خادم شرح داده شود.

(۱) **مربی** : یک خادم باید مانند یک مربی عمل کند (۲ : ۱-۲). او باید تعلیم بگیرد و بعد با امانت افرادی را تربیت کند که آنها هم مانند خود او تعلیم پذیر بوده و بتوانند دیگران را تربیت کنند.

(۲) **سرباز** : به عنوان یک سرباز، خادم خدا نباید خود را گرفتار امور روزگار کند بلکه همواره به دنبال اطاعت از فرمانده اش عیسی مسیح باشد. او باید همیشه خواستار این باشد که فرمانده اش را خوشنود کند. یک سرباز زندگی پر انضباطی دارد. او خود را بخوبی آماده جنگ می کند و با اسلحه ها و تاکتیک های دشمن آشنا می باشد. او گوش به زنگ بوده و آماده است که هر لحظه از فرمانده خود اطاعت کرده و با دشمن درگیر شود (۲ : ۳-۴).

(۳) **ورزشکار** : به عنوان یک ورزشکار، خادم خدا زندگی پر انضباطی دارد. او بدن خود را تحت کنترل خود درمی آورد. او مرتب تمرین کرده و رژیم غذایی خود را رعایت می کند. در مسابقه نیز او مواظب است خطا نکند تا بخاطر خطایش از دور مسابقه کنار انداخته نشود (۲ : ۵).

(۴) **برزگر** : به عنوان یک برزگر نیز خادم خدا زندگی پر انضباطی دارد. برزگر صبح زود پا شده و تا پایان روز کار می کند. او زحمت بسیار می کشد و با امید و ایمان صبر می کند تا در فصل درو از کار و زحمت خود نصیبی ببرد (۲ : ۶-۷).

(۵) **ظرف عزت** : به عنوان ظرف عزت، خادم خدا خود را پاک نگاه می دارد. او خود را در اختیار مالک خود می گذارد تا برای مقاصد مالک خود بکار برده شود (۲ : ۲۰-۲۱). مالک می خواهد ظرف خود را از چیزهای نیکو چون آب حیات، محبت، خوشی، آرامش پر کند تا بتواند افراد محتاج و تشنه را خدمت نماید.

پنج تصویر بالا را به خاطر سپرده و همواره خود را با آنها ارزیابی کنید. در کدامیک از آنها باید رشد کنید؟ آیا روحیه یک سرباز، ورزشکار یا برزگر را دارید. آیا خود شما تعلیم گرفته و در عین حال دیگران را شاگردسازی می کنید؟ آیا ظرف پاک و مقدسی برای خداوند هستید؟

## ۲- برای داشتن خدمت نیکو، باید کلام خدا را نیکو دانست.

تمامی کتاب مقدس از الهام خداست و به جهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است تا مرد خدا کامل (بالغ) و به جهت هر عمل نیکو آراسته شود (۳: ۱۶-۱۷). پس بسیار حیاتی است که خادم خدا کلام را بخوبی بداند. هر ساعتی که در مطالعه کلام صرف می شود نه تنها برای خود ما مفید و موثر است، بلکه بوسیله کلام مجهز می شویم که دیگران را نیز بطور مفید و موثر خدمت کنیم.

خادم خدا باید همیشه آماده باشد که از کلام پیغام داشته باشد. او باید در فرصت و غیرفرصت هوشیار و آماده باشد که از کلام خدا برای تنبیه و توبیخ و نصیحت استفاده کند (۴: ۲).

شما تا چه حد کلام خدا را می دانید؟ آیا اگر به شما موضوعی داده شود می توانید همان جا بگویید که کلام خدا در مورد آن موضوع چه می گوید؟ آیا وقتی می خواهید به کسی که در مشکل است مشورت دهید می توانید عقاید خود را کنار گذاشته و از کلام خدا استفاده کنید؟ آیا وقتی می خواهید کسی را تصحیح یا نصیحت کنید، می توانید آیات مربوطه را بکار ببرید؟ اگر می خواهید خادم مفید و پر ثمر مسیح باشید، چقدر حیاتی است که در کلام خدا بسیار ورزیده شوید. پس بطور مرتب و طبق برنامه منظم، کلام خدا را به منظور مجهز شدن مطالعه کنید. هر ساعت و دقیقه ای را که در مطالعه کلام سرمایه گذاری می کنید، برای بقیه عمرتان برای خودتان، خانواده تان و هر کس که سر راه شما قرار بگیرد، بارها و بارها ثمرات نیکو خواهد داشت.

## سوالات برای مرور درس

- ۱) کلمه کلیدی کتاب دوم تیموتائوس چه می باشد؟
- ۲) بخش های اصلی کتاب دوم تیموتائوس را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) دو خطری که کلیسای قرن اول را تهدید می کرد کدام بودند؟
- ۴) پولس از کدام پنج مثال استفاده می کند تا جنبه های مختلف زندگی یک خادم را شرح دهد؟
- ۵) دو مکاشفه عیسای مسیح در کتاب دوم تیموتائوس را بیان کنید.
- ۶) کدام امپراطور مسیحیت را غیرقانونی اعلام کرد؟
- ۷) طبق دوم تیموتائوس، چگونه می توان بر ترس پیروز شد؟
- ۸) دو درس روحانی از دوم تیموتائوس را بنویسید؟

## تیطس

### نویسنده و تاریخ نگارش

پولس نویسنده این کتاب است که آنرا در سال ۶۳ میلادی نوشته است. گرچه از تیطس در کتاب اعمال رسولان اسمی برده نشده است، اما در نامه های پولس ۱۳ بار به او اشاره شده است. این نشان می دهد که تیطس همکار نزدیک پولس بوده است. او بوسیله پولس به مسیح ایمان آورد و پولس او را « فرزند حقیقی من برحسب ایمان » می خواند ( ۱ : ۴ ).

### زمینه و موضوعات اصلی

کریت جزیره ای در دریای مدیترانه می باشد که ۱۵۶ مایل طول و ۳۰ مایل عرض دارد. در روز پنطیکاست، تعدادی از اهالی این جزیره در اورشلیم بودند و همان روز ایمان آوردند (اعمال ۲ : ۱۱). احتمالاً آنها به جزیره خود برگشته و انجیل را با هموطنان خود در میان گذاشته بودند. در نتیجه تعدادی ایمان آورده بودند اما همه نوایمان بوده و نمی دانستند که چگونه کلیسا را باید متشکل نموده و اداره کنند.

تیطس خادم جوانی بود که پولس از او خواسته بود در جزیره کریت بماند و نوایمانان آنجا را تعلیم داده و رهبری کند تا در شهر های مختلف کلیساهای محلی تشکیل شود. برای همین در این رساله، پولس حکمت خود را در مورد متشکل کردن و اداره کلیسا با تیطس در میان می گذارد. بعلاوه پولس با این نامه، رسماً از مقام و اقتدار تیطس در کریت پشتیبانی می کند و از تیطس می خواهد که از این اقتدار خود برای انتخاب کشیشان (مشایخ) و نظم و ترتیب دادن به کلیساها استفاده کند. پولس تحت هدایت روح القدس راهنمایی می کند که رهبران کلیسا باید بر اساس شخصیت و رفتار مسیحیشان انتخاب شوند. معلمین دروغین باید بلافاصله تشخیص داده شده و از کلیسا بیرون کرده شوند. بعلاوه نه فقط رهبران کلیسا، بلکه همه ایمانداران از هر سن باید زندگی شایسته اسم عیسی مسیح داشته باشند. همه ایمانداران باید «بکوشند که در اعمال نیکو مواظبت نمایند» ( ۳ : ۸ ).

دو کتاب تیطس و اول تیموتائوس تقریباً همزمان و در شرایط مشابه و با اهداف یکسان نوشته شده اند. هر دو خطاب به شبانان جوان نوشته شده است و در مورد خصوصیات رهبر در کلیسا راهنمایی کرده و می گوید که چگونه جلوی معلمین دروغین باید ایستاد. هر دو از اهمیت تعلیم درست و زندگی پاک صحبت می کنند.

**کلمه کلیدی :** راهنمای رفتار در کلیسا

**آیات کلیدی :** ۱ : ۵ و ۳ : ۸

۱ : ۵ ... « بدین جهت تو را در کریت واگذاشتم تا آنچه را که باقی مانده است اصلاح نمایی و چنانکه من به تو امر نمودم، کشیشان در هر شهر مقرر کنی. »  
۳ : ۸ ... « این سخن امین است و در این امور می خواهم تو قدغن بلیغ فرمایی تا آنانی که به خدا ایمان آورند، بکوشند که در اعمال نیکو مواظبت نمایند، زیرا که این امور برای انسان نیکو و مفید است. »

## فصل کلیدی : ۲

در این فصل، دستورهای مختلف در مورد روابط سالم و رفتار درست در کلیسا داده می شود.

### **بررسی**

پولس تیطس را در جزیره کریت واگذاشت تا « آنچه که باقی مانده است را اصلاح نماید و کشیشان در هر شهر مقرر کند» (۱ : ۵). این رساله « راهنمای رفتار در کلیسا» می باشد که نه تنها می گوید رفتار شبانان و رهبران چگونه باشد بلکه در مورد رفتار درست اعضا نیز راهنمایی می کند.

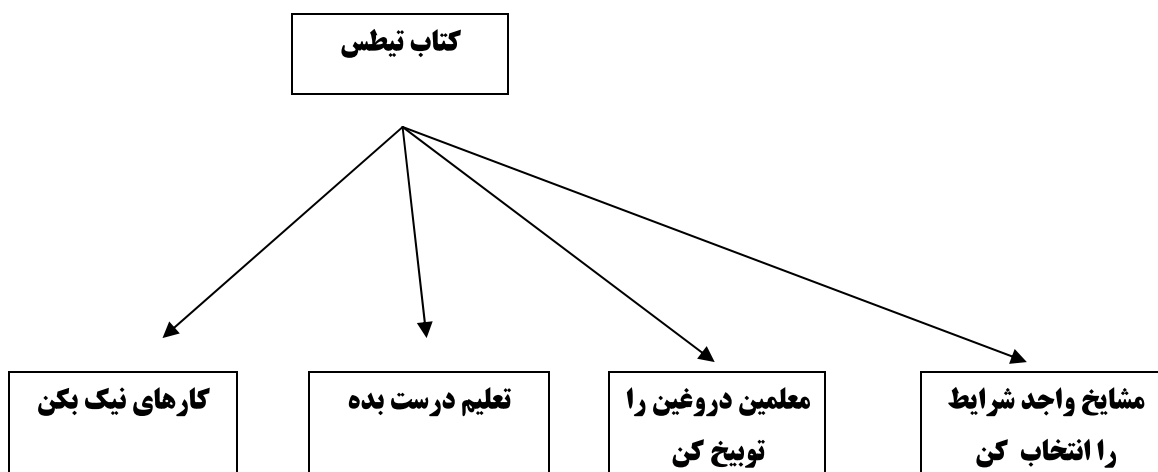
**(۱) مشایخ واجد شرایط را انتخاب کن (فصل ۱ : ۱-۹)** - در این آیات، شرایط و خصوصیات یک شیخ، کشیش و اسقف بیان می شود. این سه کلمه یکی هستند و به شخصی اطلاق می شود که واجد شرایط بوده و رسماً مسئولیت رهبری کلیسا را به عهد دارد.

**(۲) معلمین دروغین را توبیخ کن (فصل ۱ : ۱۰-۱۶)** - پولس هشدار می دهد که افراد یاهو گو و فریبنده در داخل کلیسا زیاد هستند که یک نشانه بارز آنها، سرکشی و بی اطاعتی شان می باشد. پولس دستور اکید می دهد که « دهان ایشان را باید بست» .

**(۳) تعلیم درست بده (فصل ۲)** - تیطس باید تعلیم درست داده و وظایف هر گروه در کلیسا را مشخص کند. وظیفه مردان پیر، زنان پیر، زنان جوان، مردان جوان و غلامان در این فصل مشخص شده است. سپس از همه خواسته می شود که زندگی پاک و نمونه داشته باشند. از تیطس نیز خواسته می شود که هر که در پاکی و شایستگی زندگی نمی کند را « با کمال اقتدار توبیخ نماید» (۲ : ۱۵).

**(۴) کارهای نیک بکن (فصل ۳)** - رفتار یک ایماندار باید با دیگران فرق کند. حتی نسبت به حکام و رهبران سیاسی نیز یک ایماندار باید رفتار صحیح داشته باشد. او باید بخاطر تازگی که از روح القدس است، زندگی تازه و متفاوتی داشته باشد. از تیطس خواسته می شود کسی که در کلیسا تفرقه و نزاع به راه می اندازد را ابتدا یکی دوبار نصیحت کرده و بعد با او قطع رابطه کند (۳ : ۹-۱۱).





### مکاشفه عیسی مسیح

**خدای عظیم** - الوهیت عیسی مسیح بطور واضح در ۲ : ۱۳ بیان می شود : او خدای عظیم است.

**نجات دهنده** - عیسی مسیح نجات دهنده ما است. او خود را فدا کرد تا نه تنها از پاداش گناه آزاد شویم بلکه تا از خود گناه آزاد شده، ملک خاص او بوده و در اعمال نیکو غیور باشیم (۲ : ۱۳-۱۴). این نجات دهنده خود خدا می باشد (۳ : ۴)

**دهنده روح القدس** - عیسی مسیح است که روح القدس را به فراوانی به ما می دهد (۳ : ۵-۶).

**داور عادل** - عیسی مسیح باز خواهد گشت و زندگان و مردگان را داوری خواهد نمود (۴ : ۱). او به خادمین امین خود تاج عدالت را داده (۴ : ۸) و بدکاران را نیز برحسب افعالشان جزا خواهد داد ( : ۱۴).

### مکاشفه روح القدس

**دهنده تولد تازه** - روح القدس است که به ما تولد تازه داده و ما را در بدن مسیح تعمید (غسل) می دهد (۳ : ۵).

**روح تازگی** - روح القدس روح تازگی است. کسی که او را دارد مرتب چیزهای تازه در او دیده می شود و رفتار و شخصیت او مرتب بهتر و بالغ تر می گردد. کسی که نجات یافته و روح القدس را دارد باید رفتار و گفتار او با گذشته فرق کند. کسی که اظهار ایمان می کند ولی زندگیش با گذشته اش فرقی نکرده است، معمولاً نشانه این است که نجات نیافته است.

### دروس اصلی روحانی

#### **۱ - رهبران و مشایخ کلیسا باید «مقرر» شوند و فقط با رای گیری انتخاب نشوند.**

داشتن رهبران نیک و شایسته در یک کلیسا، نقش حیاتی در سلامتی و رشد آن کلیسا دارد. کلام خدا شرایط روحانی و شخصیتی یک رهبر را بطور واضح بیان می کند (۱ : ۵-۹). رهبران واجد شرایط باید بوسیله رهبران یا سرپرستان کلیسا، تایید شده و مقرر شوند. این به این معنی نیست که خواست و نظر اعضای کلیسا در نظر گرفته نشود. پرواضح است کسی که به رهبری انتخاب می شود، باید در میان مردم خدمت کرده و شناخته شده باشد و همه شخصیت نمونه و خدمت موثر او را دیده باشند. قبل از مقرر کردن یک شخص به خدمت رهبری، باید رابطه او با مردم در نظر گرفته شود.

حتی وقتی در مورد انتخاب شماسان رای گیری می شود (اعمال ۶ : ۱-۶)، شرایط بوسیله مشایخ تعیین می شود (اعمال ۶ : ۳) و در آخر نیز بوسیله آنها تایید می شوند (اعمال ۶ : ۶).

این اشتباه بزرگی است که کسی را فقط بخاطر اینکه مردم دار و مردم پسند است، پولدار است، مقام مهمی در اجتماع دارد، خوب صحبت می کند، یا حتی مدیر و رهبر خوبی است، به رهبری کلیسا انتخاب کنیم. کلیساهایی که رهبران را فقط با رای گیری انتخاب می کنند، اکثراً مریض و حتی مرده می باشند. روش درست این است که رهبران، افراد واجد شرایط روحانی که مورد تایید مردم نیز هستند را برای خدمت رهبری انتخاب و مقرر نمایند.

## **۲ - نه فقط باید جلوی کسانی که تعلیم غلط می دهند را گرفت بلکه شنوندگان آنها را نیز باید توبیخ نمود.**

در کلیسای خداوند باید محبت الهی جاری باشد اما این محبت نباید باعث شود که تعلیم غلط تحمل شود. گرچه کلام خدا از رهبران می خواهد که بر گله خدا، خداوندی نکنند، اما همان کلام خدا از رهبران می خواهد که در بعضی مسائل مانند تعلیم غلط، روحیه سرکشی و بی اطاعتی، و گناه در کلیسا شدت عمل به خرج داده و حتی افراد را از کلیسا اخراج نمایند.

کلام خدا می گوید که یاوه گوینان، فریبندگان، متمردین و کسانی که تعلیم ناشایسته می دهند را نباید در کلیسا تحمل کرد و باید «دهان آنها را بست» (۱ : ۱۰-۱۱). همچنین باید ایماندارانی که به چنین افرادی حتی گوش می دهند را «به سختی توبیخ نمود» (۱ : ۱۳-۱۴). پس اگر رهبران یک کلیسا شخصی را به دلایلی که مطابق کلام خدا باشد اخراج نمایند طبق آیات گفته شده در بالا، ایمانداران کلیسا می بایستی مراقب باشند که چگونه با اینگونه افراد مشارکت و دوستی می کنند مبادا که محبت انسانی و دلسوزی بی جا نسبت به اینگونه افراد ضرر بیشتری هم به خود شخص و هم به دیگران و هم به کلیسا برساند.

آیا در محدوده ای که جزو خدمت و مسئولیت شما می باشد، با تعلیم غلط، روحیه سرکش و یا گناه چگونه برخورد می کنید؟ آیا آنها را تحمل می کنید یا با آن روبرو می شوید؟ با شنوندگان چنین افرادی، چه برخوردی دارید؟ بیابید در این موارد ترس از انسان ها را کنار گذاشته و کلام خدا را اطاعت کنیم.

بخاطر داشته باشید : برای داشتن بدن سالم، نه تنها باید آنها را تغذیه درست نمود، بلکه باید با ویروس های مریض کننده نیز با شدت برخورد کرد.

## **۳ - یک خادم باید یک مسیحی که در دنیا زندگی می کند را تعلیم دهد، نصیحت کند و توبیخ نماید.**

در فصل ۲، به تیطس دستور داده می شود که به ایمانداران، زندگی درست را تعلیم دهد و در عین حال کسانی که اسم مسیحی روی خود دارند ولی زندگی آنها در دنیا است را توبیخ نماید (۲ : ۱۵). خادم خدا باید مرتب تعلیم دهد که : فیض خدا نه فقط برای این است که ما را نجات بخشد (۲ : ۱۱) بلکه برای این است که زندگی پاک و شایسته داشته باشیم (۲ : ۱۲). خادم خدا باید مرتب یادآور شود که « عیسای مسیح خود را در راه ما فدا ساخت تا ما را از هر ناراستی برهاند و امتی برای خود طاهر سازد که ملک خاص او و غیور در اعمال نیکو باشند» (۲ : ۱۴). کسانی که به این تعلیم گوش نمی گیرند و زندگی شایسته یک مسیحی را ندارند می بایست « در کمال اقتدار توبیخ نمود» (۲ : ۱۵).

در کلیسا باید استاندارد مسیحی بودن را بالا برد. کسی که اسم مسیحی دارد اما در دنیا زندگی می کند دشمن صلیب مسیح می باشد (فیلیپیان ۳ : ۱۸). او ضرر زیادی برای ملکوت خدا دارد و زندگی او نه تنها باعث نجات دیگران نیست، بلکه عاملی است که کسانی که تا حدی مشتاق مسیح هستند نیز از نجات دور شوند.

#### ۴ - کسی که در کلیسا نزاع به پا می کند و باعث تفرقه می شود را بعد از یکی دو نصیحت باید از کلیسا اخراج نمود.

نه اینکه هرکس را که اختلاف نظر دارد باید از کلیسا بیرون کرد. این آیات در مورد افرادی سخن می گوید که با روحیه غلط، همواره به دنبال بحث و نزاع می گردند. آنها نسبت به هر حرکت و تصمیم در کلیسا اعتراض دارند و مرتب اعلام می کنند « ما با روش و تصمیمات رهبران کلیسا موافق نیستیم پس نه تنها با آنها همکاری نمی کنیم و آن تصمیمات را پشتیبانی نمی کنیم، بلکه وظیفه خود می دانیم در مقابل چنین تصمیمات غلطی بایستیم.»

آنها در مورد هر مسئله دسته بندی کرده و جبهه های «ما» و «آنها» را تشکیل می دهند. چنین اشخاصی ممکن است به ظاهر افراد بسیار روحانی باشند و ادعا کنند که از روح القدس هدایت می شوند اما در حقیقت «از خود ملزم شده اند» و نفس آنها در کنترل است. چنین اشخاصی برای سلامتی کلیسا بسیار مضر می باشند. یک رهبر کلیسا باید هرچه زودتر با چنین افرادی روبرو شده و بعد از یکی دو بار نصیحت، با آنها قطع رابطه کلیسایی کند یعنی از ایمانداران کلیسا بخواهد که با چنین شخصی نشست و برخاست نداشته باشند (۳ : ۹-۱۱).

#### سوالات برای مرور درس

- ۱) کلمه کلیدی کتاب تیطس چه می باشد؟
- ۲) بخش های اصلی کتاب تیطس را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) چرا پولس تیطس را در جزیره کریت وا گذاشت؟
- ۴) دو درس روحانی از کتاب تیطس را بیان کنید.
- ۵) دو مکاشفه عیسای مسیح در کتاب تیطس را بیان کنید.

## فلیمون

### نویسنده و تاریخ نگارش

پولس نویسنده این کتاب است که آنرا در سال ۶۰-۶۱ میلادی نوشته است. او آنرا به شخصی به نام فلیمون که در شهر کولسی زندگی می کرده، نوشته است. فلیمون برده دار ثروتمندی بود که در خاته او کلیسایی تشکیل شده بود (۲).

### زمینه و موضوعات اصلی

اونیسیمُس که برده فلیمون در شهر کولسی بود، از ارباب خود سرقت کرده و به شهر روم فرار می کند. در آنجا با پولس که در خانه اش زندانی بود آشنا شده (زندانی اول پولس اعمال ۲۸ : ۱۶-۳۰) و به عیسیای مسیح ایمان می آورد. پولس، اونیسیمُس را با یک نامه به اربابش پس می فرستد و از فلیمون می خواهد که او را ببخشد. اونیسیمُس، به عنوان یک برده فرار کرده بود اما اکنون در مسیح، برادر فلیمون می باشد. و به عنوان برادر بر می گردد پس پولس از فلیمون می خواهد که «او را چون من قبول فرما» (۱۷). کلمه اونیسیس به معنی « مفید » می باشد و پولس در آیه ۱۱ با این کلمه بازی می کند و می گوید او قبلاً برای تو اونیسیس ( مفید ) نبود اما حالا برای تو اونیسیس ( مفید ) است.

طبق قانون روم، جریمه برده ای که از دست ارباب خود فرار می کرد، مرگ بود. اما اکنون بخاطر محبت برادرانه مسیحی، اونیسیمُس نه تنها تسلیم مرگ نمی شود بلکه با آغوش باز پذیرفته می شود. آن هم نه به عنوان یک برده بلکه به عنوان « برادر مسیح » پذیرفته می شود. چرا از فلیمون خواسته می شود که چنین رفتاری با اونیسیس داشته باشد؟ چونکه عیسیای مسیح با خود فلیمون چنین رفتاری داشته و با او طبق خطایایش رفتار ننموده بلکه او را به عنوان فرزند پذیرفته است. پس اکنون از فلیمون خواسته می شود که او نیز با برده اش چنین رفتاری را داشته باشد.

در این کتاب قدرت انجیل در عوض کردن افراد را نه تنها در فلیمون و اونیسیمُس می توان دید بلکه در خود پولس. او خود قبلاً فریسی مغروری بود که حتی بسیاری از یهودیان را نیز قبول نداشت. اما اکنون یک برده غیریهودی خطاکار را «فرزند خود» می خواند (۱۰).

فلیمون یکی از چهار «نامه های زندان» می باشد (همراه با افسسیان، فیلیپیان و کولسیان).

### کلمه کلیدی : بخشش

### آیات کلیدی : ۱۶-۱۷

۱۶-۱۷ ... « لیکن بعد از این نه چون غلام بلکه فوق از غلام یعنی برادر عزیز خصوصاً به من اما چند مرتبه زیادتیر به

تو هم در جسم و هم در خداوند. پس هرگاه مرا رفیق می دانی، او را چون من قبول فرما.»

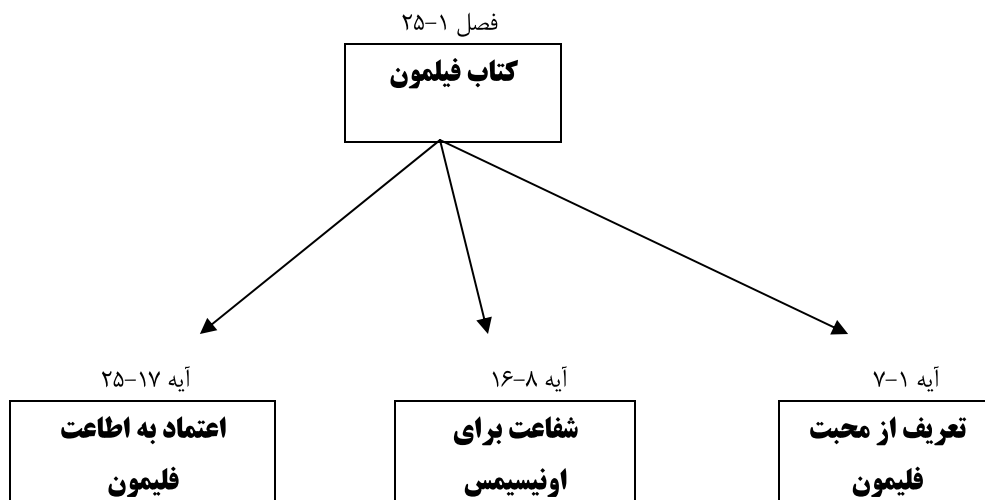
## **بررسی**

این نامه نشان دهندهٔ محبت خدا (از طریق پولس) برای کسی می باشد که مستحق مرگ است. این نامه گرچه کوتاه است اما بسیار گرم و محترمانه نوشته شده است.

**(۱) تعریف از محبت فلیمون (آیات ۱ تا ۷)** - فلیمون رهبر کلیسایی در شهر کولسی می باشد. پولس او را ابتدا در مورد چیزهای نیکویی که در مورد ایمان و محبت فلیمون شنیده است تشویق می کند.

**(۲) شفاعت برای انیسیمس (آیات ۸ تا ۱۶)** - گرچه پولس این حق را دارد که به فلیمون دستور بدهد که انیسیمس را بپذیرد اما این کار را نمی کند. در عوض، فلیمون را تشویق می کند که همان بخششی که خود از عیسای مسیح دریافت کرده است را شامل حال انیسیمس کند. از او می خواهد انیسیمس را نه به عنوان برده بلکه یک برادر قبول نماید (۱۶).

**(۳) اعتماد به اطاعت فلیمون (آیات ۱۷ تا ۲۵)** - پولس از فلیمون می خواهد که بدهی انیسیمس را به حساب او بگذارد. اما در عین حال یادآور می شود که چون فلیمون بوسیله پولس به مسیح ایمان آورده است، جانش را نیز مدیون پولس می باشد.



## **مکاشفه عیسای مسیح**

این نامه بطور سمبلیک نشان دهندهٔ نجات ما و کار شفاعت عیسای مسیح می باشد.

(۱) فلیمون در نقش خدای پدر می باشد که ارباب، خداوند و صاحب و مالک اولیه ما می باشد.

(۲) ما انیسیمس هستیم. کسانی که از ابتدا متعلق به خدای پدر بودیم. اما از خداوند خود سرقت کرده و فرار کردیم. ما هم برکات خدا را برداشته ایم و از حضور او در رفته ایم جریمه ما طبق قانون شریعت، مرگ می بود اما با فیض خدا بخشیده شده و نجات یافتیم.

(۳) پولس در نقش عیسای مسیح است که در نزد پدر برای ما شفاعت می کند. او می خواهد که گناهان ما، جریمه های ما و بدهی های ما به حساب او گذاشته شود. او از خدای پدر می خواهد که ما را مانند خود عیسای مسیح به حضور خود بپذیرد.

## مکاشفه روح القدس

**قدرت و محبت** - گرچه از روح القدس بطور مستقیم در این نامه اسمی برده نشده است، اما قدرت تبدیل کننده روح القدس را در زندگی انیسیمس، فلیمون و پولس به وضوح می توان دید. همچنین، محبت مسیحی که از میوه های روح القدس است، در زندگی فلیمون و در شفاعت پولس دیده می شود.

## دروس اصلی روحانی

**۱ - روش خدا برای عوض کردن جامعه، سیاست نیست بلکه نجات، عوض شدن، بخشش و محبت در تک تک اعضای جامعه است.**

هزاران سال انسان تلاش نموده است که بوسیله سیاست، وضع جامعه خود را عوض کند. حکومت ها آمده و رفته اند. انقلاب های بسیاری اتفاق افتاده است. در اوایل قرن گذشته، کمونیسم با وعده های بسیار برای تشکیل جامعه ای ایده آل آمد و در اواخر قرن با شکست و بدبختی رفت.

کلام خدا نشان می دهد که مشکل بشر، روش حکومتی نیست بلکه مشکل، قلب گناهکار بشر می باشد. ایمان به عیسای مسیح، افراد خشکه مذهبی به اجتماع تحویل نمی دهد بلکه افرادی عوض شده، بخشنده و با محبت که در جامعه خود تاثیر مثبت می گذارند.

کتاب فلیمون نشان می دهد که ایمان به عیسای مسیح چنان تاثیری در افراد و روابط آنها با یکدیگر می گذارد که رابطه یک برده دار و یک برده فراری تبدیل به دو برادر می شود. این رابطه، آنقدر نزدیک و پر محبت است که از رابطه کارگر و کارفرما در جوامع آزاد امروزی نیز منصفانه تر می باشد. راه خدا برای نسخ برده داری و یا هر بی عدالتی دیگر در جامعه، انقلاب خونین نیست، بلکه نجات و عوض شدن تک تک افراد است.

### **۲- به افراد زورگو بلکه با محبت بخواه، دستور نده بلکه درخواست کن.**

پولس گرچه رسول بود و می توانست به فلیمون دستور بدهد که انیسیمس را بپذیرد اما اینکار را نمی کند بلکه می گوید « به خاطر محبت، سزاوارتر آن است که التماس نمایم » ( آیه ۹ ) گرچه فلیمون جانش را مدیون پولس است ( آیه ۹ ) و پولس می تواند از این موضوع استفاده کند و او را برای انجام اینکار زور کند، اما نمی کند و می گوید « نخواستم کاری را بدون رأی تو کرده باشم تا احسان تو از راه اضطرار ( اجبار ) نباشد بلکه از روی اختیار » ( آیه ۱۴ ) .

ما هم نباید فکر کنیم چون رهبر یا شبان هستیم، حق داریم به همه زور بگوییم بدانیم که با زورگویی و اجبار نیست که افراد از ما اطاعت می کنند و درخواست ما را انجام می دهند بلکه با محبت و درخواست با احترام است. هیچ کس دوست ندارد به او زور گفته شود ولی همه دوست داریم با محبت و احترام از ما درخواست شود. محبت و احترام و آزاد گذاشتن افراد بهتر نتیجه می دهد تا زور و اجبار.

## **سوالات برای مرور درس**

- ۱) کلمه کلیدی کتاب فلیمون چه می باشد؟
- ۲) بخش های اصلی کتاب فلیمون را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) شخصیت های زیر در فلیمون بطور سمبلیک به چه کسانی اشاره می کنند؟

..... فلیمون

..... انیسیمس

..... پولس

## عبرانیان

### نویسنده و تاریخ نگارش

نویسنده عبرانیان نامعلوم می باشد. حتی کلیساهای قرن دوم نیز در مورد نویسنده آن نظر متحدی نداشتند. گرچه کلیسای شرق (ارتدکس)، نویسنده آنرا از ابتدا پولس می دانست. بعضی قسمت های این رساله از لحاظ روش نگارش و علم الهی به نوشته های پولس شبیه می باشد. بعلاوه نویسنده (همچون پولس) از تیموتائوس نام می برد (۱۳ : ۲۳). تاریخ نگارش این رساله بین ۶۴ تا ۶۸ میلادی می باشد.

### رسالات دیگر

در این بخش، ۸ رساله وجود دارد که نویسندگان آنها افرادی به غیر از پولس می باشند. ۵ نویسنده این رسالات عبارتند از: یعقوب، پطرس، یوحنا، یهوذا و نویسنده عبرانیان که نامعلوم می باشد. این رسالات گرچه کوتاه هستند اما از نقطه نظر علم الهی بسیار مهم می باشند چراکه دیدها و الهیات پولس را تکمیل می کنند.

همه این رسالات بجز یعقوب، در آخر زندگی پولس یا بعد از مرگ او نوشته شده اند. همانطور که پولس بارها نبوت کرده بود (اعمال ۲۰ : ۲۹-۳۰ و اول تیموتائوس ۱ : ۳-۷ و دوم تیموتائوس ۴ : ۳-۴)، تعالیم غلط وارد کلیسا شده و آنرا تهدید می کرد. کلیسا در زمان نگارش این رسالات، نه تنها تحت مخالفت ها و جفاها از بیرون کلیسا بود، بلکه بوسیله معلمین و انبیای دروغین از داخل نیز در خطر بود. به همین دلیل، این رسالات با شدت در مقابل تعالیم غلطی که داشت وارد کلیسا می شد، می ایستند.

### زمینه و موضوعات اصلی

وقتی جفا بر کلیسا بالا گرفت، بسیاری از یهودیان که به مسیح ایمان آورده بودند، می خواستند به همان دین یهودی خود برگردند تا از فشار جفاها آزاد شوند. آنها پیش خود می گفتند که ایمان مسیحی و یهودی در اصل و پایه یکی هستند. اما دین یهودی قانونی و پذیرفته شده است ولی مسیحیت نه تنها پذیرفته شده نیست، بلکه غیر قانونی نیز می باشد و خطر اعدام را نیز دارد. پس چرا نگوئیم ما همان یهودی هستیم.

با توجه به مشکل بالا، نویسنده عبرانیان این رساله را می نویسد تا آنها را تشویق کند که به یهودیت باز نگردند بلکه لازم است که در مسیح ادامه داده و به بلوغ روحانی برسند. در این رساله، نویسنده در مقابل کسانی که می گویند مسیحیت و دین یهودی یکی هستند می ایستد و ثابت می کند که مسیح از هر کس و هر چیز برتر است. بخصوص او برتر از دین یهودیت می باشد. مسیح برتر از انبیا می باشد چون مکاشفه کامل تری از خدا است. مسیح برتر از فرشته ها می باشد چون فرشته ها او را عبادت می کنند. او برتر از موسی می باشد چون موسی بوسیله او آفریده شد. او برتر از کهنات هارون است چون قربانی او یک بار و برای همیشه کافی بود. او از شریعت برتر است زیرا او عهد و قرارداد بهتری از شریعت را آورد. خلاصه نویسنده ثابت می کند که مسیح از همه چیز بهتر و برتر است و بهتر است یک شخص برای مسیح جفا ببیند تا به یهودیت قبلی خود برگردد. خوانندگان تشویق می شوند که در مسیح مانده و اجازه دهند این جفاها و سختی ها ایمان آنها را بالغ و کامل کند (۶ : ۱).



کلمه ای که بسیار در کتاب عبرانیان تکرار می شود کلمه «**بهتر**» می باشد (۱ : ۴ و ۶ : ۹ و ۷ : ۱۹ و ۲۲ و ۸ : ۶ و ۹ : ۲۳ و ۱۰ : ۳۴ و ۱۱ : ۱۶ و ۳۵ و ۴۰ و ۱۲ : ۲۴). سبک زبان یونانی که در این کتاب بکار برده شده است بسیار زیبا و ادبی می باشد. اشاره ها و نقل قول های بسیاری از عهد عتیق در این کتاب وجود دارد.

کتاب عبرانیان ایمان مسیحی را به عهد عتیق ربط می دهد و به این وسیله، به آن عمق زیبایی می بخشد. گرچه این کتاب بسیار در مورد الهیات صحبت می کند، اما فقط تئوری ارائه نمی دهد بلکه در عین حال بسیار عملی بوده و کاربردهای این الهیات را مرتب در بین آیات بیان می کند. مثلاً بیش از ۱۵ بار، نویسنده ما را دعوت به تصمیم گیری و عمل کردن می کند (۴ : ۱۱ و ۱۴ و ۱۶ : ۶ ; ۱ : ۱۰ ; ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ : ۱۲ ; ۱۲ و ۲۸ و ۱۳ : ۱۳ ; ۱۵ و ۱۷).

### **کلمه کلیدی : برتری مسیح**

#### **آیات کلیدی : ۴ : ۱۴ - ۱۶ و ۱۲ : ۱ - ۲**

۴ : ۱۴ - ۱۶ ... « پس چون رئیس کهنه عظیمی داریم که از آسمانها در گذشته است یعنی عیسی، پسر خدا. اعتراف خود را محکم بداریم. زیرا رئیس کهنه ای نداریم که نتواند همدرد ضعف های ما بشود، بلکه آزموده شده در هر چیز به مثال ما بدون گناه. پس با دلیری نزدیک به تخت فیض بیابیم تا رحمت بیابیم و فیضی را حاصل کنیم که در وقت ضرورت (ما را) اعانت کند.»

۱۲ : ۱ - ۲ ... « بنابراین چونکه ما نیز چنین ابر شاهدان را گرداگرد خود داریم، هر بار گران و گناهی را که ما را سخت می پیچد دور بکنیم و با صبر در آن میدان که پیش روی مقرر شده است بدویم و به سوی پیشوا و کامل کننده ایمان یعنی عیسی نگران باشیم که به جهت آن خوشی که پیش او موضوع بود، بی حرمتی را ناچیز شمرده، متحمل صلیب گردید و به دست راست تخت خدا نشسته است.»

### **فصل کلیدی : ۱۱**

این فصل نمایشگاه قهرمانان ایمان می باشد که حتی در سخت ترین شرایط به کلام خدا و وعده های او تکیه کردند. بدون ایمان، غیر ممکن است بتوان خدا را خشنود نمود.

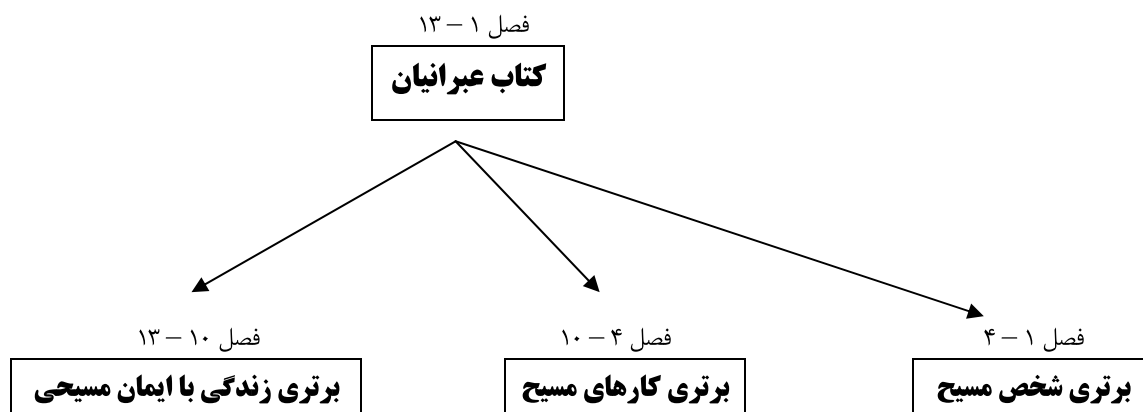
### **بررسی**

در این نامه، نویسنده دو روش بکار می برد که خوانندگان را تشویق کند در مسیح بمانند و برای مسیح بایستند. اول، برتری مسیح را بر هر چیز و هر کس ثابت می کند و دوم، اختراهای شدید می دهد که برگشتن از مسیح چه نتایج وخیمی را به دنبال دارد (۲ : ۱ - ۴ و ۳ : ۷ - ۴ : ۱۳ و ۵ : ۱۱ - ۶ : ۲۰ و ۱۰ : ۱۹ - ۳۹ و ۱۲ : ۲۵ - ۲۹). در قسمت اول رساله. برتری شخص مسیح و کارهایش نشان داده می شود و سپس در قسمت آخر، توضیح داده می شود که این برتری در زندگی یک مسیحی باید عملاً چه تأثیری داشته باشد.

**(۱) برتری شخص مسیح (فصل های ۱ تا ۴ : ۱۳) -** نویسنده، رساله عبرانیان با این شروع می کند که مسیح از هر چیز برتر و حتی از انبیای عهد عتیق، برتر و از فرشتگان برتر است. او از موسی برتر است زیرا که موسی خادم خانه خدا بود اما عیسای مسیح در آن خانه، پسر می باشد. در ۳ : ۷-۴ : ۱۳، از ایمانداران خواسته می شود که هوشیار باشند که در داوری خداوند قرار نگیرند.

**(۲) برتری کارهای مسیح (فصل های ۴ : ۱۴ تا ۱۰ : ۱۸) -** کهانت مسیح از کهانت هارون برتر است. او مانند ما شد و از هر لحاظ وسوسه شد اما گناه نکرد (۴ : ۱۵). او از قبیله لاوی نبود که بتواند کهانت در رده کهانت هارون را داشته باشد. بلکه کهانت او در رتبه ملکیمصدق بود که از کهانت هارون برتر است. از ایمانداران خواسته می شود که از اصول مقدماتی ایمانی یعنی مساله توبه و نجات، گذشته و به سوی «کمال» (یعنی بلوغ روحانی) بروند (۵ : ۱۱-۶ : ۲۰). عیسای مسیح، واسطه عهد جدید می باشد که خود این عهد، بهتر از عهد قدیم می باشد و عهد قدیم را کهنه و زایل می سازد (۸ : ۶-۱۳).

**(۳) برتری زندگی با ایمان مسیحی (فصل های ۱۰ : ۱۹ تا ۱۳) -** نویسنده در این قسمت به ایمانداران این هشدار را می دهد : چونکه مسیح از همه کس و همه چیز برتر است، پس با کنار گذاشتن او در موقعیت خطرناکی قرار می گیریم. ایمان در فصل ۱۱ تعریف می شود و سپس گفته می شود که چون با عیسای مسیح دشمنی شد، آنهایی که به او ایمان می آورند نیز گاهی باید بخاطر قدوسیت سختی ها را تحمل کنند (۱۲ : ۱-۲۹). به ایمانداران هشدار داده می شود که در زمان سختی از مسیح روگردان نشده و امید خود را در مسیح قرار دهند. در فصل ۱۳، زندگی یک ایماندار باید در محبتش، در مهمان نوازی اش، در پاکی اش، در قناعتش و در اطاعتش از رهبران نمایان شود.



## مکاشفه عیسای مسیح

تمام کتاب عبرانیان از عیسای مسیح صحبت می کند. در این کتاب به بیشتر از ۲۰ لقبِ عیسای مسیح بر می خوریم. بعضی از آنها در اینجا ذکر می شوند.

**رئیس کهنه** - عیسای مسیح کاهن اعظم از رتبه ملکيصدق می باشد که از کهناتِ هارونی برتر می باشد (۷ : ۱۱-۲۸).

**پادشاه** - عیسای مسیح به عنوان ملکيصدق، هم کاهن بود و هم پادشاه عدالت و سلامتی (۷ : ۱-۳).

**پسر خدا** - عیسای مسیح پسر خدا است که بیشترین مکاشفه از خدا می باشد. او آفریننده جهان و وارث جمیع موجودات می باشد (۱ : ۱-۳).

**خدا** - عیسای مسیح به عنوان پسر، «خدا» خوانده می شود که تخت او تا ابدالابد برقرار می باشد (۱ : ۸).

**انسان** - انسانیت عیسای مسیح نیز بطور واضح در عبرانیان بیان شده است. او جسم پوشید و مانند ما شد تا قدرت مرگ و گناه را نابود سازد (۲ : ۹ و ۱۴ و ۱۷-۱۸).

## مکاشفه روح القدس

**تایید کننده عظمت نجات** - روح القدس بوسیله آیات و معجزات و انواع قوات و عطایا، عظمت نجاتی که در عیسای مسیح است را تایید کرده و به آن شهادت می دهد. برای همین، هیچکس رستگار نخواهد شد «اگر از این نجات عظیم غافل باشد» (۳ : ۳-۴). همچنین اگر کسی عیسای مسیح را رد کند و خون او را ناچیز بشمارد، به روح القدس توهین کرده و او را بی حرمت می سازد (۱۰ : ۲۹).

**دهنده آیات عهد عتیق** - نویسنده، آیات عهد عتیق را نقل قول کرده و بیان می کند که گوینده آنها روح القدس می باشد (۳ : ۷ و ۱۰ : ۱۵).

**دهنده تجربیات روحانی** - کسی که به عیسای مسیح ایمان می آورد، مُنور می شود، لذت عطایای سماوی را می چشد و شریک روح القدس می شود. روح القدس است که به ایماندار مسیحی این تجارب روحانی را می دهد (۶ : ۴).

**دهنده مکاشفات روحانی** - روح القدس است که حقایق روحانی را برای ما باز می کند (۹ : ۸).

**یاری کننده عیسای مسیح** - عیسای مسیح به قوت روح القدس بود که توانست خود را قربانی کند (۹ : ۱۴).

## دروس اصلی روحانی

### ۱ – یک ایماندار باید مواظب باشد که وارد آرامی خدا شود.

یک ایماندار نباید فقط راضی باشد که نجات یافته است و از «مصر» بیرون آمده است. بلکه باید جد و جهد کند تا وعده های خدا را دریافت کرده و وارد آرامی خدا بشود (۳ : ۷ - ۴ : ۱۳). قوم یهود گرچه از مصر بیرون آمدند اما وارد سرزمین کنعان نشدند و در بیابان هلاک گشتند. طبق این آیات به سه دلیل است که یک ایماندار دارد آرامی خدا نمی شود و وعده های او را دریافت نمی کند

(۱) به علت بی ایمانی (۳ : ۱۹)

(۲) به علت بی اطاعتی (۳ : ۱۸ و ۴ : ۱۱)

(۳) به علت سخت دلی که از چسبیدن به گناه می آید (۳ : ۸ و ۳ : ۱۳)

یک ایماندار مسیحی باید مواظب باشد که نکند وارد آرامی خدا نشود و وعده ها را دریافت نکند چگونه؟ کلام خدا هشدار می دهد « امروز اگر آواز او را می شنوید، دل خود را سخت مسازید» (۳ : ۱۵ و ۴ : ۷). پس باید لحظه ای که خود را در این موقعیت بیابان می بینیم، تا وقتی « امروز» است از گناه و بی ایمانی و بی اطاعتی توبه کنیم و جد و جهد کنیم که وارد این آرامی خدا شویم (۴ : ۱۱).

آیا شما که نجات یافته اید و از مصر بیرون آمده اید، وارد وعده های خدا و آرامی خدا شده اید یا اینکه در بیابان زندگی می کنید؟ هر موقع خود را در بیابان دیدید، خود را بررسی کنید. آیا گناهی هست که به آن چسبیده اید؟ ادامه در گناه دل انسان را سخت می کند و توبه را مشکل می سازد. آیا در زندگی شما بی اطاعتی وجود دارد؟ بگذارید کلام خدا که از هر شمشیر دودم تیز تر است قلب شما را آزمایش کند. آیا اراده خدا را در قسمتی از زندگی خود می دانید ولی آنرا انجام نمی دهید؟ بی اطاعتی همین است. آیا بخاطر بی ایمانی است که در بیابان مانده اید؟ یعنی اینکه وعده های خدا را می خوانید ولی بخاطر بی ایمانی در زندگی شما انجام نمی شود؟ وعده های خدا را با ایمان دریافت کنید. همه آنها باعث می شود یک مسیحی در بیابان زندگی کند و وارد آرامی و وارث وعده های خدا نگردد.

در هر صورت « امروز اگر آواز او را می شنوید، دل خود را سخت مسازید». همین حالا از گناه، بی اطاعتی و بی ایمانی توبه کنید تا از بیابان در آمده و وارد آرامی خدا شوید (۶ : ۱۲).

### ۲ – بدون ایمان نمی توان خدا را خشنود ساخت.

ایماندار یعنی کسی که با ایمان زندگی می کند وگرنه اسم بی مسمایی است. پایه زندگی مسیحی ایمان است. با ایمان است که نجات پیدا می کنیم. با ایمان است که روح القدس را دریافت می کنیم. با ایمان است که وعده های خدا برای ما به وقوع می پیوندد.

ایمان چیست؟ ایمان اعتماد بر چیزهای امید داشته شده و دیدن نادیده است (۱۱ : ۱). ایمان می گوید : «گرچه شرایط چیز دیگر می گوید، اما من به وعده های خدا بیشتر اعتماد دارم تا به چشم خودم و شرایطی که در اطراف من وجود دارد.» چنین ایمانی باعث می شود چیزهای نادیده ابتدا در چشم روح دیدنی شوند و بعد به وقوع پیوندند. قهرمانان ایمان در فصل ۱۱، همگی در شرایط سخت مختلف، ترسان نشده و دست و پای خود را گم نکردند. بلکه با جرات و با اعتماد به خدا، قدم های شجاعانه برداشتند. حتی حاضر شدند شهید شوند ولی ایمان و اعتماد خود به وعده های خدا را انکار نکنند.

بی ایمانی می گوید: « اول بگیرم، بعد ببینم، بعد ایمان می آورم». اما ایمان می گوید: « اول ایمان می آورم، بعد آنچه که هنوز نیست را می بینم، بعد می گیرم.»

زندگی شما برحسب ایمان است یا دیدار؟ کلام خدا و وعده های خدا شما را کنترل می کند یا شرایط و سختی های روزانه زندگی است که روحیه و تصمیمات شما را کنترل می کند؟

بدون ایمان محال است کسی بتواند خدا را خوشنود سازد (۱۱ : ۶).

### ۳- بازگشتن از مسیح برای ایماندار نتایج وحشتناک دارد.

گرچه در کتاب مقدس آیات زیادی است که از اطمینان به نجات سخن می گوید، اما در طول کتاب عبرانیان این هشدار به ایمانداران مرتب داده می شود که از مسیح برنگردند.

آیا یک مسیحی می تواند نجات خود را از دست بدهد؟ بسیاری از مسیحیان با تکیه به آیات بسیار این باور را دارند که بعد از ایمان واقعی، غیرممکن است کسی نجات خود را از دست بدهد. اما چنین افراد در تفسیر بعضی آیات کتاب مقدس (بخصوص آیات کتاب عبرانیان) که به از دست دادن نجات اشاره می کند، مشکل فراوان دارند (از قبیل ۶ : ۴-۸ و ۱۰ : ۲۶-۳۱ و ۱۲ : ۲۵). بعضی دیگر از مسیحیان نیز می گویند که با هر گناه، نجات از دست می رود. این افراد مشکل بزرگتری دارند در تفسیر بسیاری از آیات کتاب مقدس.

نقطه نظر دیگر که سعی می کند همه آیات را طوری تفسیر کند که با هم مخالفتی نداشته باشند این است که : از دست دادن نجات ممکن است اما به این آسانی نیست. یک شخص، بعد از نجات و بعد از آنکه آنرا چشید و تجربه کرد، اگر دانسته و عمداً و از روی اراده آزاد، از مسیح روبرگرداند، نجات خود را انکار کرده و خود را در داوری خدا قرار داده است. در باغ عدن، آدم و حوا حیات جاودانی داشتند و در حضور خدا زندگی می کردند اما آزاد بودند. همانطور که خدا به آزادی انسان در باغ عدن احترام گذاشت، به آزادی یک ایماندار در قبول و رد نجات احترام می گذارد.

از نقطه نظر عمل و خدمتی خوب است که آیات هشدار دهنده را برای مسیحیانی خواند که خود را ایماندار می دانند اما در گناه زندگی می کنند و یا عملاً از مسیح روبرگردانده اند. همچنین آیات دلگرم کننده را برای مسیحیانی خواند که با صداقت می خواهند رابطه درست با خداوند داشته باشند و او را خشنود کنند اما بخاطر لغزش ها یا حملات فکری شریر، مرتب به نجات خود شک می کنند.

### ۴- خادم خدا باید هوشیار باشد که ریشه مرارت در کلیسا نمو نکند.

یک خادم همواره باید مواظب روابط افراد در کلیسای خداوند باشد. کلیسا محل انسانهای ناکامل و گناهکار چون من و شما می باشد که داریم به تدریج رشد کرده، کامل و بالغ می شویم و از گناهان آزاد می شویم. بین انسانهای گناهکار، طبیعی است که گاهی برخورد ها بوجود آید. پس برخورد بین افراد در کلیسا اجتناب ناپذیر است. در هر گروه شباهنگ دیر یا زود برخوردهای کوچک و بزرگ پیش خواهد آمد. اما باید به ایمانداران تعلیم داد که با فیض خدا یکدیگر را ببخشند و روابط را شفا دهند. تلخی ها و دلگیری ها را باید سریع حل کرد چرا که می تواند مانند سرطان به سرعت در بین ایمانداران پخش شود و بسیاری را آلوده کرده و کلیسا را مریض نماید (۱۲ : ۱۴-۱۵). بخصوص اگر در کلیسایی تعداد افراد نابالغ زیاد است (کلیسایی که تعداد نوایمانان در آن زیاد است یا اینکه ایمانداران قدیمی اش نابالغ و نفسانی هستند)، تلخی سریع پخش می شود و به دشمنی و دسته بندی و جدایی در کلیسا می انجامد.

متأسفانه چندین سال قبل، ما این حقیقت بالا را در تجارب تلخ در این کلیسا تجربه کردیم. تلخی، مرارت در کلیسا رشد کرده و به دسته بندی و در آخر به جدایی در کلیسا انجامید. ما با دردها این حقیقت را آموختیم که چقدر مهم است که همواره قلب خود را از هر نوع رنجش و تلخی حفظ نماییم و کسانی که به ما بدی می کنند را روزانه ببخشیم.

اما طبق آیات بالا، نه تنها باید مواظب قلب و روحیه خود باشیم، بلکه باید مواظب قلب و روحیه یکدیگر نیز باشیم. اگر کسی پیش شما قلب خود را باز کرد و یا حرفی زد که از آن بوی تلخی و مرارت استشمام کردید، طبق این آیات، وظیفه دارید به آن شخص کمک کنید تا از آن تلخی آزاد شود. این کافی نیست که فقط به او بگویید که غیبت نکند، بلکه باید تا ریشه تلخی و مرارت از قلب او ریشه کن نشده، دست از کار نکشید. چرا باید با این مساله با جدیت برخورد کنیم؟ چون هر ریشه مرارت و تلخی که در قلب حتی یک نفر باقی بماند، به تدریج گریبانگیر دیگران می شود، مثل بیماری سرطان شیوع پیدا کرده و تمام کلیسا را مریض می کند و حتی اگر از هم می پاشاند.

بیاید همین حالا با خود و خدا عهد ببندیم که این مساله را در خود و دیگران جدی بگیریم و با آن با جدیت برخورد نماییم.

### **سوالات برای مرور درس**

- ۱) کلمه کلیدی کتاب عبرانیان چه می باشد؟
- ۲) بخش های اصلی کتاب عبرانیان را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) نویسنده عبرانیان چه کسی می باشد؟
- ۴) دو درس روحانی از کتاب عبرانیان را بیان کنید.
- ۵) سه مکاشفه عیسای مسیح در کتاب عبرانیان را بیان کنید.
- ۶) سه مکاشفه روح القدس در کتاب عبرانیان را بیان کنید.
- ۷) عبرانیان چه مشکلی را در بین مسیحیان می خواهد حل کند؟

### نویسنده و تاریخ نگارش

نویسنده این کتاب، یعقوب برادر خود عیسیای مسیح می باشد (متی ۱۳ : ۵۵ و مرقس ۶ : ۳ و غلاطیان ۱ : ۱۹) که یکی از ستون های کلیسای اورشلیم بود (اعمال ۱۲ : ۱۷ و ۱۵ : ۱۳-۲۱ و ۲۱ : ۱۸ و غلاطیان ۲ : ۹ و ۱۲). یعقوب احتمالاً در زمان خدمت مسیح به او ایمان نداشت تا اینکه مسیح از مرگ برخاست و به او ظاهر شد (اول قرنتیان ۱۵ : ۷). او و برادرانش جزو کسانی بودند که در روز پنتیکاست در بالاخانه جمع بودند (اعمال ۱ : ۱۴). قبل از سقوط اورشلیم در سال ۷۰ میلادی، یعقوب بطور فجیعی به شهادت رسید. تاریخ نگارش این کتاب ۴۶-۴۹ میلادی می باشد (همزمان یا قبل از سفر اول بشارتی پولس).

### زمینه و موضوعات اصلی

این کتاب خصوصیات یک ایمان واقعی را بیان می کند. بوسیله یک سری آزمایشها به خواننده کمک می کند که واقعیت ایمان خود را و رابطه اش با عیسیای مسیح را ارزیابی کند. در این کتاب، کمتر در مورد اعتقادات و بیشتر در مورد عملکرد یک ایماندار صحبت می شود. یک ایمان زنده و واقعی، زندگی و رفتار یک شخص را عوض می کند. زندگی عوض نشده نشانه ایمان مرده می باشد. ایمان بدون عمل را نمی توان ایمان خواند. این چنین ایمان، مرده است و ایمان مرده بدتر از بی ایمانی می باشد. ایمان واقعی باید با عمل نشان داده شود، باید نتیجه بدهد، باید دیده شود. ایمان زبانی و یا فقط فکری، کافی نیست. ایمان واقعی عمل می کند، سختی ها را تحمل می کند، از کلام خدا اطاعت می کند، زبان را کنترل می کند، قدرت می دهد که در مقابل شیطان مقاومت شود و با صبر منتظر بازگشت خداوند می شود.

سختی ها می آیند و می روند اما ایمان پابرجا می ماند و سختی ها را متحمل می شود. ایمان جلوی وسوسه ها و شهوات می ایستد و در گناه نمی لغزد. ایمان فقط شنونده کلام نیست بلکه به آن عمل می کند. ایمان تبعیض قایل نمی شود. ایمان زبان را در کنترل خود نگاه می دارد که برای نیکویی و بنا و نه برای خرابی بکار رود. ایمان با حکمت آسمانی و نه انسانی عمل می کند. طرز فکر و روش تعلیمی یهودی را در این کتاب می توان مشاهده کرد که یعقوب با مثال ها و تشبیهات بسیار، افکار و تعالیم خود را بیان می کند. یعقوب با عهد عتیق آشنایی بسیار داشته و به آن بسیار اشاره می کند. در این رساله، در آیات مختلف به ۲۲ کتاب از کتب عهد عتیق اشاره می شود. اقتدار روحانی یعقوب را در جملات متعدد دستوری می توان مشاهده کرد (۵۴ فعل دستوری در ۱۰۸ آیه).

## کلمه کلیدی : ایمان در عمل

### آیات کلیدی : ۱ : ۱۹-۲۲ و ۲ : ۱۴-۱۷

۱ : ۱۹-۲۲ ... « بنابراین ای برادران عزیز من، هرکس در شنیدن تند و در گفتن آهسته و در خشم سست باشد. زیرا خشم انسان عدالت خدا را به عمل نمی آورد. پس هر جا نجاست و افزونی شر را دور کنید و با فروتنی، کلام کاشته شده را بپذیرید که قادر است که جانهای شما را نجات بخشد. لکن کنندگان کلام باشید نه فقط شنوندگان که خود را فریب می دهند.»

۲ : ۱۴-۱۷ ... « ای برادران من، چه سود دارد اگر کسی گوید : «ایمان دارم» وقتی که عمل ندارد؟ آیا ایمان می تواند او را نجات بخشد؟ پس اگر برادری یا خواهری برهنه و محتاج خوراک روزینه باشد، کسی از شما بدیشان گوید : «به سلامتی بروید و گرم و سیر شوید» ، لیکن مایحتاج بدن را بدیشان ندهد، چه نفع دارد؟ همچنین ایمان نیز اگر اعمال ندارد، در خود مرده است.»

## فصل کلیدی : ۱

در این فصل، یعقوب نشان می دهد که در مقابل آزمایش ها و وسوسه ها باید چه عکس العملی داشت. در سختی ها باید شادی داشت و حکمت طلبید. در وسوسه ها باید دانست که آنها از خدا نیستند.

## بررسی

کتاب یعقوب کاربرد ایمان را در زندگی روزانه بیان می کند. در این کتاب کوتاه، موضوعات مختلفی بررسی می شود. برای همین، کتاب یعقوب را «امثال عهد جدید» می نامند.

### ۱) آزمایش ایمان (آیات ۱ : ۱ تا ۱۸ : ۱) - آزمایشات، ایمان ما را محک می زند و باعث بلوغ ما و توکل بیشتر ما به خدا

می شوند. اما وسوسه ها از خدا نیستند چون هر چیز نیکو از خدا می باشد. برای همین، وسوسه را باید از همان اول تشخیص داد و جلوی آن ایستاد و گرنه نتایج وخیمی خواهد داشت.

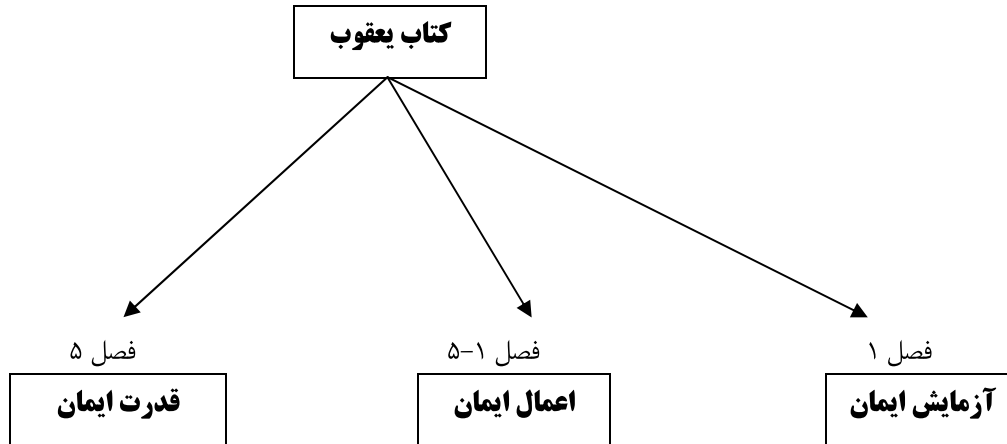
### ۲) اعمال ایمان (آیات ۱ : ۱۹ تا ۵ : ۶) - یک شخص ایماندار، باید «در شنیدن تند، در گفتن آهسته و در خشم سست

باشد». او باید مطیع کلام خدا باشد. فقط شنونده کلام نباشد بلکه عمل کننده باشد. ایمانی که در رفتار و زندگی یک شخص تاثیر نگذارد ایمانی نیست که او را نجات بدهد. ایمان واقعی، در کنترل زبان خود را نشان می دهد. اما هر عملکردی نیز از ایمان نیست. بنابراین در این بخش، ۷ نشانه حکمت انسانی و ۷ نشانه حکمت الهی بیان شده است تا فرق عملکرد انسانی و الهی مشخص شود. رفتار نفسانی، پر از حسادت و غرور می باشند که باعث نزاع و جدایی می گردد.

### ۳) قدرت ایمان (آیات ۵ : ۷ تا ۵ : ۲۰) - در این قسمت، ایمانداران واقعی تشویق می شوند که با چشم دوختن به آینده

زیبایی که در بازگشت مسیح در انتظار آنهاست، سختی و جفای زندگی امروزه را تحمل کنند. این رساله با قدرت عملی ایمان در دعا و شفا به پایان می رسد.





### مکاشفه عیسای مسیح

**خداوند** - یعقوب عیسای مسیح را «خداوند» خطاب می کند (۱ : ۱ و ۲ : ۱ و ۵ : ۷-۸). عیسای مسیح باید عملاً خداوند و صاحب و مالک زندگی ما باشد تا بتوانیم او را خداوند بخوانیم.

**شفا دهنده** - در نام عیسای مسیح قدرتی است برای شفای بیماران. وقتی به اسم عیسای مسیح برای بیماران دعا می شود و مشایخ با روغن بیماران را مسح می کنند، خود عیسای مسیح شخص بیمار را بر می خیزاند (۵ : ۱۴-۱۵).

**رب الجلال** - عیسای مسیح رب الجلال یعنی جلال خدا خوانده شده است (۲ : ۱). او حضور پر جلال خدا بر روی زمین می باشد.

### مکاشفه روح القدس

**روحي که مسیح را در ما ساکن می گرداند** - روح القدس کسی است که وجود و حضور مسیح را در ما ساکن می گرداند. مانند دامادی که برای عروسش غیرت دارد، این روح با غیرت بر ما اشتیاق دارد. در نتیجه، دوستی ما با دنیا را زنا می داند (۴ : ۵-۴).

**روغن** - روغن، سمبل روح القدس می باشد. تدهین کردن بیماران با روغن، نشانه ایمانی است که به قدرت روح القدس برای شفا توکل می کند.

### دروس اصلی روحانی

#### **۱- در زبان، قدرت حیات و مرگ وجود دارد.**

در زبان قدرت بسیاری برای بنا و یا خرابی وجود دارد. حرف های ما و صحبت های ما بی اثر نیستند. کلام درست ما می تواند قدرت نجات بخش و شفا بخش خدا را در زندگی ها جاری سازد. زبان ما می تواند چشمه آب حیات باشد و زندگی و حیات را جاری سازد و یا اینکه چشمه آب تلخ (زهر) بوده و مرگ را جاری سازد (۳ : ۱۱-۱۲).

یک خادم، بخصوص باید بسیار مواظب هر جمله خود باشد چراکه حرف های او قدرت بنا و تخریب بیشتری دارد. برای همین، خدا به خادمین هشدار می دهد که در مورد زبانشان بر آنها داوری سخت تر خواهد شد (۳ : ۱).  
به عنوان یک خادم، آیا کنترل زبانتان را دارید؟ آیا به قدرت زبان طبق کلام ایمان دارید؟ آیا مواظب هستید که زبان خود را در هر لحظه برای جلال خدا و بنای دیگران بکار ببرید؟ بیاید از همین لحظه این عضو پرقدرت را تقدیس کرده و تقدیم خدا کنیم تا از غیبت، بدگویی و فحش آزاد شده و زبان ما تبدیل به جریان آب حیاتی شود که روح القدس از آن طریق مسیح را جلال داده و دیگران را آب حیات برساند.

## ۲- ایمانی که در عمل دیده نشود، ایمان مرده است.

اگر کسی می گوید که ایمان دارد ولی رفتار و گفتارش آن را نشان نمی دهد، ایمانی از نوع مرده دارد که برای او کاری نمی کند (۲ : ۱۴-۲۶). در نتیجه نجات ندارد. وظیفه ما خادمین است که کسانی که ادعای ایمان دارند را نسبت به اعمالشان جوابگو نگاه داریم. این کمال محبت است. اگر کسی فکر می کند ایمان آورده و نجات یافته است اما رفتار و زبانش نشان دهنده آن نیست، این کمال محبت برای ما خادمین است که به چنین شخصی از روی کلام نشان دهیم که نجات ندارد تا شاید از این خود فریبی آزاد شده، از جهنم و نابودی رهایی یافته و نجات واقعی را دریافت کند.

ایمان شما تا چه حد زنده و تا چه حد مرده است؟ کسانی که خدمت می کنید یا در گروه شباهنگ شما هستند را چگونه می بینید؟ کدامیک ایمان زنده و کدامیک ایمان مرده دارند؟ بعد از دعا و با روحیه محبت و دلسوزی (نه طرد کننده و محکوم کننده) با شخصی که ایمان مرده دارد (زندگیش با اعتراف ایمانش نمی خورد) صحبت کنید تا شاید جان او از مرگ و جهنم نجات یابد.

## ۳- شیطان باید از خادم خدا بگریزد. (۴ : ۷)

اما این اتوماتیک وار نیست. برای اینکه شیطان از یک خادم خدا بگریزد، او باید (۱) در اطاعت خدا و کسانی که خدا بر او قرار داده است باشد.  
(۲) در مقابل شیطان و فشارها و وسوسه های او مقاومت کند و قدمی عقب نگذارد (۴ : ۷).  
(۳) دوست خدا باشد در نتیجه نمی تواند دوست دنیا باشد (که دشمنی با خداست).  
(۴) غرور را کنار گذاشته و فروتن شود تا بتواند فیض خدا را دریافت کند.  
(۵) با اشک و ناله از گناهان خود توبه کرده و دست و دل خود را پاک کند  
اگر یک خادم موارد بالا را رعایت نکند، حتی اگر هم بخواهد بازهم نمی تواند در مقابل شیطان مقاومت نماید (۴ : ۴-۱۰). اگر هم سعی کند در مقابل شیطان مقاومت کند، شیطان جلوی او ایستاده و از او نخواهد گریخت .  
آیا شما در اطاعت خدا هستید و در زندگی با شیطان مقاومت می کنید تا از شما بگریزد؟ طبق شرایط بالا، تا چه حد آماده مقاومت با شیطان هستید؟

## **سوالات برای مرور درس**

- ۱) کلمه کلیدی کتاب یعقوب چه می باشد؟
- ۲) بخش های اصلی کتاب یعقوب را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) شخص یعقوب چه رابطه ای با عیسای مسیح داشت ؟
- ۴) دو درس روحانی از کتاب یعقوب را بیان کنید.
- ۵) دو مکاشفه عیسای مسیح در کتاب یعقوب را بیان کنید.
- ۶) دو مکاشفه روح القدس در کتاب یعقوب را بیان کنید.
- ۷) عیسای مسیح چگونه رب الجلال می باشد؟

## اول پطرس

### نویسنده و تاریخ نگارش

پطرس رسول، نویسنده این رساله می باشد که آنرا در سال ۶۳-۶۴ میلادی و قبل از جفای شدیدی که بوسیله امپراطور نرو در سال ۶۴ میلادی شروع شد، نوشته است. پطرس در سال ۶۸ میلادی بطور وارونه به صلیب کشیده شد. این رساله در شهر روم (که بطور سمبلیک «بابل» خوانده می شود - ۵ : ۱۳) نوشته شده است.

### زمینه و موضوعات اصلی

موضوع اصلی این رساله، عکس العمل درست در مورد جفا و سختی می باشد. این رساله به ایمانداران آسیای صغیر (ترکیه امروزی) نوشته شده است که بیشتر و بیشتر تحت جفا قرار می گرفتند. مسیحیان در مورد یک ملکوت آسمانی صحبت می کردند که این خود باعث سوء ظن و بدرفتاری دولت روم می شد. پطرس این نامه را می نویسد تا آنها را تشویق کرده و برای جفای بزرگتری که در پیش است آماده سازد.

جفا و سختی، یا باعث شکایت و غرغر و تلخی ما می شود و یا باعث می شود که در ایمان رشد کنیم. این به عکس العمل ما بستگی دارد. این رساله به کسانی نوشته شده که در جفا و سختی می باشند و از آنها می خواهد که در ایمان پایدار بوده و زندگی نمونه و بی ملامتی داشته باشند. از ایمانداران خواسته می شود که این زندگی نمونه خود را در اطاعتی که دارند نشان دهند به این صورت که از رهبران حکومتی، از کارفرمایان و از همسر خود اطاعت نمایند. یک مسیحی نباید از سختی ها تعجب کند (۴ : ۱۲) بلکه باید خوشحال باشد که در زحمت مسیح شریک می باشد.

پطرس در این نامه مرتب یادآوری می کند که ایمانداران در این دنیا مسافر هستند و باید به جلال آینده ای که در انتظار آنهاست بنگرند. اقتدار پطرس همراه با دلسوزی او در این نامه دیده می شود. با ۳۴ جمله دستوری، پطرس خوانندگان خود را راهنمایی می کند. کتاب اول پطرس «ایوب عهد جدید» خوانده شده است زیرا که موضوع آن عکس العمل درست در مقابل سختی ها و مطیع اراده خدا شدن می باشد.

**کلمه کلیدی :** سختی کشیدن برای مسیح

**آیات کلیدی :** ۱ : ۱۰-۱۱ و ۴ : ۱۲-۱۳

۱ : ۱۰-۱۱ ... « که در باره این نجات، انبیایی که از فیضی که برای شما مقرر بود، اخبار نمودند، تفتیش و تفحص می کردند و دریافت می نمودند که کدام و چگونه زمان است که روح مسیح که در ایشان بود، از آن خبر می داد، چون از زحماتی که برای مسیح مقرر بود و جلالهایی که بعد از آنها خواهد بود، شهادت می داد.»

۴ : ۱۲-۱۳ ... « ای حبیبان، تعجب ننمایید از این آتشی که در میان شماست و بجهت امتحان شما می آید که گویا چیزی غریب بر شما واقع شده باشد. بلکه بقدری که شریک زحمات مسیح هستید، خشنود شوید تا در هنگام ظهور جلال وی، شادی و وجد نمایید.»

## فصل کلیدی : ۴

عیسای مسیح نمونه ما در سختی ها می باشد. یک مسیحی نه تنها از این نمونه باید پیروی کند، بلکه باید شادی کند که این افتخار به او داده شده است که در زحمت مسیح شریک شده است.

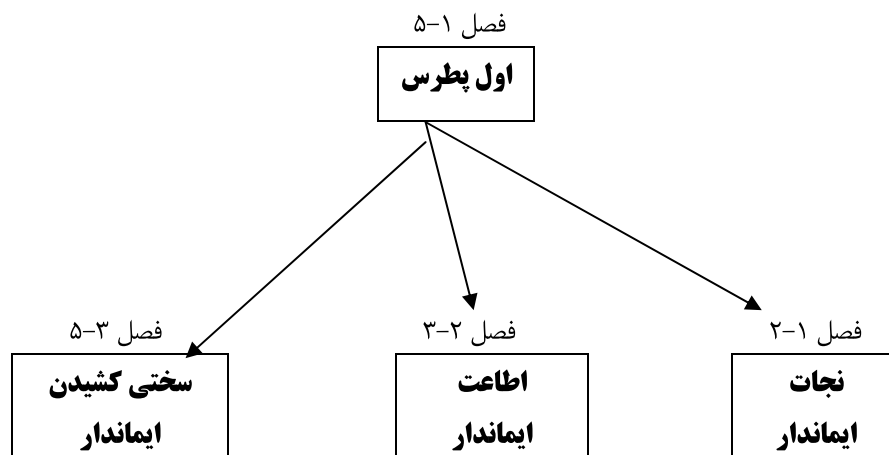
### بررسی

پطرس این نامه را به «غریبانی» که در آسیای صغیر «پراکنده» هستند می نویسد تا آنها را آماده کند در مقابل سختی و جفا عکس العمل درست مسیحی داشته باشند.

**(۱) نجات ایماندار** (آیات ۱ : ۱ تا ۱۲ : ۲) - در این قسمت، ابتدا راجع به نجات و امید زنده ای که در مسیح یافت می شود، صحبت می شود. عکس العمل درست یک مسیحی در مقابل چنین نجات عظیمی این است که پاک و مقدس زندگی کند. در آخر از ایمانداران خواسته می شود که مشتاق شیر روحانی باشند تا رشد سالم روحانی داشته باشند (۲ : ۲)

**(۲) اطاعت ایماندار** (آیات ۲ : ۱۳ تا ۱۲ : ۳) - در این قسمت، پطرس راجع به روابط ایمانداران در دنیا صحبت می کند و از آنها می خواهد که روحیه مطیع داشته باشند. بخاطر مسیح باید از مقامات دولتی، از کارفرمایان و از همسر اطاعت کرد تا شاهد خوبی در جامعه برای مسیح باشیم.

**(۳) سختی کشیدن ایماندار** (آیات ۳ : ۱۳ تا ۱۴ : ۵) - پطرس که می بیند با جفای بیشتر، ایمانداران مجبور خواهند شد از ایمان خود دفاع کنند، پس از آنها می خواهد که با روحیه ملایم (حلم و ترس) همواره آماده جواب سوالات و توضیح دادن ایمان خود باشند. سه بار به آنها می گوید که اگر باید زحمت ببینند بهتر است این زحمت بخاطر مسیح باشد نه بخاطر گناهانشان. به عنوان ایمانداران به مسیح، آنها نباید شهوات جسم را بجا آورند بلکه باید به دنبال این باشند که اراده خدا را به جا آورند. همینطور باید عطایای روحانی خود را با قدرت خدا بکار ببرند تا اینکه بنا شوند. ایمانداران نباید از سختی و جفا تعجب کنند چونکه خدا برای آنها نقشه دارد. در آخر از رهبران کلیسا خواسته می شود که برای گله خدا نمونه باشند و با روحیه درست، گله را خدمت کنند. از جوانان در ایمان خواسته می شود که نسبت به مشایخ روحیه مطیع و فروتن داشته باشند.



### مکاشفه عیسای مسیح

**بره بی عیب** - عیسای مسیح همان بره بی عیب است (نمونه ای از قربانی بره در عهد عتیق) که پیش از بنیاد عالی معین شد تا خون گرانبهای خود را برای ما بریزد و ما را بخرد (۱ : ۱۸-۲۰).

**شبان و اسقف** - ما گوسفندان گمشده بودیم که مسیح جاننش را برای ما داد تا اینکه به سوی او که شبان و اسقف (سرپرست و ناظر) جانهای ماست برگردیم (۲ : ۲۴-۲۵).

**رئیس شبانان** - عیسای مسیح گله خود را به شبانان می سپارد تا آنها تحت نظر او گله اش را شبانی، رهبری و خدمت کنند. اما خود او رئیس شبانان می باشد. شبانان به او جوابگو بوده و برای او کار می کنند (۵ : ۱-۴). او وقتی بازگشت کند، تاج ناپژمرده شدنی جلال را به شبانان امین خود خواهد داد.

**سنگ سر زاویه** - عیسای مسیح، سنگ زنده رد شده بوسیله مردم است که نزد خدا برگزیده و مکرم است. ایمانداران نیز سنگ های زنده هستند که بر روی این سنگ زاویه قرار گرفته و با هم عمارت روحانی کلیسا را تشکیل می دهند (۲ : ۴-۶).

**سنگ لغزش دهنده و صخره مصادم** - عیسای مسیح برای آنهایی که او را بپذیرند، سنگ سرزاویه می باشد که می توانند زندگی و ایمان خود را بر روی او بنا کنند. اما برای آنانیکه او را رد کنند و از کلام او اطاعت نکنند، عیسای مسیح سنگ لغزش دهنده است که آنها را زمین می زند و یا صخره مصادم می باشد که به او برخورد کرده و او را سد راه خود می بینند (۲ : ۸).

## مکاشفه روح القدس

**روح مسیح** - روح القدس، روح مسیح می باشد که در انبیای عهد عتیق در مورد مسیح خبر داده و نبوت می کرد ( ۱ : ۱۰-۱۱).

**روح خدا** - روح القدس، روح خدا نامیده می شود که هنگام سختی بر ایمانداران قرار می گیرد ( ۴ : ۱۴). در این کتاب می بینیم که تثلیث یعنی پدر، پسر و روح القدس، ذاتاً یک می باشند.

**روح جلال** - روح القدس روح جلال می باشد. او خدا و مسیح را جلال می دهد و جلال آنها را در ایمانداران نمایان می سازد. این جلال، بخصوص در جفا ها و سختی ها بر ایمانداران قرار می گیرد ( ۴ : ۱۴). این همان جلالی است که بر استیفان هنگام شهادتش قرار گرفت که صورت او می درخشید.

**روح زنده کننده مسیح** - عیسی مسیح در جسم مرد ولی در روح زنده شد ( ۳ : ۱۸-۱۹).

**روح تقدیس کننده** - روح القدس، ایمانداران را تقدیس می کند که از مسیح اطاعت کنند تا خون مسیح بر آنها پاشیده شود ( ۱ : ۲).

## دروس اصلی روحانی

### **۱ - خادم خدا باید برای نام مسیح زحمت ببیند نه برای اشتباهات و گناهان خود.**

کتاب مقدس و خود عیسی مسیح می گوید که اگر کسی بخواهد برای او زندگی کند در این دنیا زحمت خواهد دید. اما بسیاری مواقع ایمانداران بخاطر خطاها و کوتاهی ها و گناهانشان زحمت می بینند و آنرا به حساب عیسی مسیح می گذارند و ادعا می کنند که بخاطر ایمانشان جفا می بینند. ایماندارانی که حرفشان با عملشان نمی خورد، کسانی که با بی احترامی بشارت می دهند، کسانی که خودخواه و مغرور بوده و نسبت به احتیاجات دیگران حساس نمی باشند، کسانی که کم کاری کرده و نسبت به کارفرمایشان روحیه سرکش و بی اطاعت دارند، کسانی که نسبت به پدر و مادر یا همسر شان بی اطاعتی می کنند، همگی اگر سختی می بینند، بخاطر خودشان است نه بخاطر مسیح. البته چنین مسیحیان مورد مسخره و حمله غیر مسیحیان هستند اما آن را نباید بحساب مسیح گذاشت و گفت که بخاطر مسیحی بودن داریم جفا می بینیم. جفا بخاطر مسیح، وقتی است که برای او داریم نمونه زندگی می کنیم و دیگران بخاطر زندگی نمونه ما دارند به مسیح ایمان می آورند و این مانند خاری چشم مخالفان را اذیت می رساند.

کلام خدا هشدار می دهد که زندگی ما باید طوری نمونه باشد که حتی اگر ما را بخاطر ایمانمان آزار می دهند، باز نتوانند از زندگی ما ایراد بگیرند بلکه خجالت بکشند ( ۳ : ۱۳-۱۸).

اگر واقعاً زندگی نمونه داریم و برای مسیح زحمت می بینیم، باید انتظار آنرا داشته باشیم. پس وقتی پیش می آید، تعجب نکنیم و یکه نخوریم بلکه خوشحال باشیم چونکه روح جلال خدا بر ما قرار می گیرد ( ۴ : ۱۲-۱۶).

### **۲ - خادم خدا برای گله نمونه می باشد.**

رهبری در کلیسا ریاست نیست بلکه خدمت کردن و رسیدن به احتیاجات می باشد. خادم خوانده نشده که گله ای که خدا به او داده را خداوندی کند بلکه تا به آنها غذا بدهد، مواظب آنها باشد و برای آنها نمونه باشد ( ۵ : ۱-۴).

بعضی شبانان ایرانی، متأسفانه بجای نمونه بودن برای گله، بر گله خدا خداوندی می کنند. یک رهبر کلیسا باید آنقدر نمونه و با محبت و دلسوز باشد که ایمانداران از روی عشق و علاقه و احترامی که به او دارند با انتخاب آزاد و از دل ، او را پیروی و

اطاعت کنند. رهبری که خداوندی می کند، می خواهد با زور مجبور کند که ایمانداران او را اطاعت و پیروی کنند. چنین شبانانی، نسبت به کلیسا و ایمانداران آن احساس مالکیت می کنند. ایمانداران را از مشارکت و رفتن به هر کلیسای دیگر منع می کنند و می خواهند کنترل کامل بر آنها داشته باشند.

آنچه که در کلیسای عیسای مسیح، بخصوص در بین ایرانیان احتیاج می باشد، خادمین امین و دلسوز و بخصوص نمونه می باشد. ایمانداران کلام را می خوانند اما احتیاج مبرم دارند آنچه را که می خوانند به چشم ببینند تا بتوانند یاد گرفته و عمل کنند. بچه ها در خانواده کمتر با تعلیم و خواندن، چیز یاد می گیرند. بیشتر آنچه که بچه ها یاد می گیرند بصری می باشد. آنها افکار، ارزش ها، رفتار و گفتار پدر و مادر را یاد گرفته و تقلید می کنند. زندگی یک خادم باید نمونه ای باشد از کلام خدا در عمل. به عنوان خادم، خدا شما را خوانده تا برای گله نمونه باشید تا آنچه که از کلام تعلیم می دهید را بتوانید در زندگی خود نشان دهید.

### ۳- در مقابل شیطان باید هوشیار بوده و با او مقاومت نمود.

در این کتاب، واقعیت وجود شیطان و عملکرد او در زندگی خادم مطرح شده و به خادم هشدار داده می شود که این امر را سرسری نگیرد و گرنه مانند طعمه ای بوسيله شیطان (شیر) بلعیده می شود (۵ : ۸-۹). بعضی از ایمانداران مسیحی گاهی حتی با افتخار می گویند « من با شیطان کاری ندارم و او هم با من کاری ندارد » این جمله کاملاً مخالف کلام خدا است. طبق کلام خدا شیطان با ما کار دارد و ما هم با شیطان کار داریم. البته تمرکز اصلی ما نباید روی شیطان باشد بلکه باید روی مسیح باشد. اما طبق کلام نباید شیطان را نادیده بگیریم. حتی در دعای ربانی (متی ۷ : ۱۳) مسیح می گوید باید روزانه در این مورد دعا کنیم. برای آنکه طعمه شیطان نشویم، در این بخش، دستورهای زیر داده شده است :

(۱) باید از مشایخ (پیران) کلیسا اطاعت کنیم (۵).

(۲) باید نسبت به یکدیگر فروتن باشیم (۵).

(۳) باید زیر دست خدا فروتنی کنیم (۶). در جنگ روحانی، اطاعت و فروتنی بسیار حیاتی می باشد زیرا خداوند با متکبران مقاومت می کند ولی به فروتنان فیض می بخشد.

(۴) باید سرافراز شدن خود را به خدا بسپاریم تا او در وقت مناسب ما را بلند کند (۶). بخصوص برای خادمین بسیار مهم است که بدانند، سرافرازی از خداوند می آید و او در وقت خود (نه وقت ما) فروتنان را سرافراز می کند. وقتی می خواهیم در وقت خود سرافراز شویم و برای آن زور می زنیم، دست شیطان را در زندگی و خدمت خود باز می گذاریم و با این کار، به خود و به دیگران صدمه می زنیم.

(۵) باید بار نگرانی های خود را به خدا بسپاریم که برای ما فکر می کند (۷). اندیشه ها و نگرانی های خود را باید جدی گرفت. باید آنها را هرچه زودتر به مسیح بسپاریم و گرنه وسیله ای می شوند که در چنگال شیطان اسیر شده و طعمه او شویم.

(۶) باید (در دعا) هوشیار و بیدار باشیم (۸).

(۷) باید در ایمان (اعتماد به وعده های خدا) استوار شویم (۹).

(۸) باید با شیطان مقاومت کنیم و قدمی پس نگذاریم (۹).

به عنوان یک خادم باید بدانید که در جنگ روحانی هستید. اگر آنرا نادیده بگیرید بدیهی است که ضربه خورده، زخمی شده و طعمه شیطانی می شوید که مانند شیری به دنبال شما است.



## **سوالات برای مرور درس**

- ۱) کلمه کلیدی کتاب اول پطرس چه می باشد؟
- ۲) بخش های اصلی کتاب اول پطرس را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) سه مکاشفه عیسیای مسیح در اول پطرس را بیان کنید.
- ۴) سه مکاشفه روح القدس در اول پطرس را بیان کنید.
- ۵) دو درس روحانی کتاب اول پطرس را بیان کنید.
- ۶) چرا اول پطرس « ایوب عهد جدید» خوانده می شود؟

## دوم پطرس

### نویسنده و تاریخ نگارش

پطرس رسول، نویسنده این رساله می باشد که آن را در سال ۶۴\_۶۶ میلادی نوشته است.

### زمینه و موضوعات اصلی

اول پطرس راجع به حمله شیطان از خارج کلیسا صحبت می کند ولی دوم پطرس، بیشتر به حمله شیطان از داخل کلیسا می پردازد و راجع به انبیای دروغین هشدار می دهد.

بهترین دفاع در مقابل این انبیای کذب این است که ایمانداران اولاً در فیض و معرفت عیسای مسیح و کلام خدا ترقی کند و ثانیاً زندگی پاک و نمونه داشته باشند تا زندگیشان نقطه مقابل این انبیای دروغین باشد که از غرور و گناه و حسادت و طمع پر هستند. این معلمین، داوری آینده را سرسری گرفته و مسخره می کنند. در نتیجه، پطرس به آنها هشدار می دهد که گرچه در مورد داوری، خدا صبور است اما در نهایت، انبیا و معلمین دروغین را داوری خواهد کرد.

**کلمه کلیدی:** شناسایی انبیای کذب

**آیات کلیدی:** ۱: ۲۰-۲۱ و ۳: ۹-۱۱

۱: ۲۰-۲۱ ... « و این را نخست بدانید که هیچ نبوت کتاب از تفسیر خود نبی نیست. زیرا که نبوت به اراده انسان هرگز آورده نشد، بلکه مردمان به روح القدس مجذوب شده، از جانب خدا سخن گفتند.»

۳: ۹-۱۱ ... « خداوند در وعده خود تاخیر نمی نماید چنانکه بعضی تأخیر می پندارند، بلکه بر شما تحمل می نماید چون نمی خواهد کسی هلاک گردد بلکه همه به توبه گرایند. لکن روز خداوند چون دزد خواهد آمد که در آن آسمانها به صدای عظیم زایل خواهد شد و عناصر سوخته شده، از هم خواهد پاشید و زمین و کارهایی که در آن است سوخته خواهد شد. پس چون جمیع اینها متفرق خواهند گردید، شما چطور مردمان باید باشید، در هر سیرت مقدس و دینداری.»

### فصل کلیدی : ۱

در این فصل می بینیم که برای مقابله با انبیای دروغین، باید کلام خدا را خوب دانست زیرا که روح القدس آن نبوت ها را داده است و روح القدس هیچوقت حرف خود را نقض نمی کند.

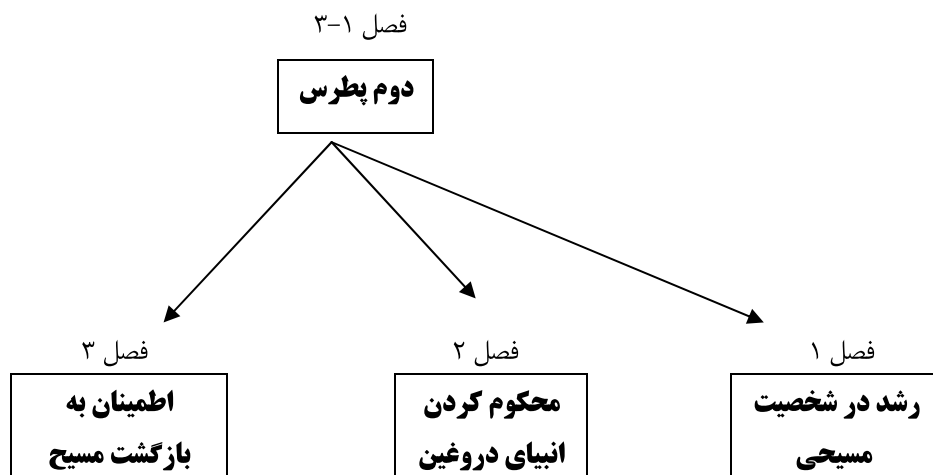
### بررسی

پطرس نامه اول را برای تشویق ایمانداران می نویسد تا در مقابل **جفای خارج کلیسا** مقاومت کنند. او نامه دوم را برای راهنمایی و هشدار می نویسد تا در مقابل **انبیا و معلمین دروغین در داخل کلیسا** مقاومت کنند.

**(۱) رشد در شخصیت مسیحی (فصل ۱)** - ایمانداران مسیحی خوانده شده اند تا از فساد دنیا جدا شده و شبیه مسیح گردند. پطرس آنها را تشویق می کند که در ۸ شخصیت مسیحی از ایمان تا محبت رشد کنند (۱ : ۵\_۷). سپس پطرس اقتدار کلام خدا که بوسیله انبیای گذشته بیان شده است را تایید می کند.

**(۲) محکوم کردن انبیای دروغین (فصل ۲)** - ابتدا در مورد وجود انبیای دروغین در داخل کلیسا هشدار داده شده می شود. سپس بطور مفصل و با دادن نشانه ها و آزمایشهای مختلف، راهنمایی می کند که آنها را چگونه در کلیسا تشخیص بدهیم. ممکن است نبوت آنها درست باشد و تعلیم آنها نیز به ظاهر درست باشد اما طرز زندگی آنها و خصوصیات شخصیتی و اخلاقی آنها نشان می دهد که از خدا نیستند. در آخر، آینده چنین اشخاصی بیان می گردد.

**(۳) اطمینان به بازگشت مسیح (فصل ۳)** - در این قسمت، حقایقی در مورد بازگشت ثانوی مسیح اعلام می شود تا تعلیم معلمین دروغین را رد کند که می گفتند خدا در امور انسان دخالتی نمی کند. پطرس با تاکید اعلام می کند که گرچه به نظر می آید خدا در انجام وعده خود در مورد داوری جهان تاخیر کرده است اما زمان از نظر خدا و ما بسیار فرق می کند چرا که «یک روز نزد خداوند چون هزار سال است و هزار سال چون یک روز» (۳ : ۸). دلیل تاخیر او، صبر و محبت اوست تا تعداد بیشتری توبه کرده و به او ایمان آورند. اما خداوند به وعده خود وفا کرده و روز داوری قطعاً خواهد آمد. در آخر، پطرس ایمانداران را تشویق می کند که زندگی پاک و نمونه داشته باشند.



## مکاشفه عیسی مسیح

**خداوند** - پطرس هر موقع راجع به عیسی مسیح صحبت می کند، او را خداوند خطاب می کند (۱ : ۲\_۳ و ۱ : ۸ و ۳ : ۱۸). عیسی مسیح تنها خداوند (سَرور و صاحب) یک ایماندار مسیح می باشد.

**خدا** - الوهیت مسیح در ۱ : ۲ بطور واضح بیان شده است. در این آیه، عیسی مسیح خدا و خداوند ما خوانده می شود.

**پسر خدا** - عیسی مسیح در عین حال پسر خدا می باشد که خدای پدر از او خشنود است (۱ : ۱۷).

**نجات دهنده** - عیسی مسیح نجات دهنده می باشد (۱ : ۱۱ و ۲ : ۲ و ۳ : ۲ و ۳ : ۱۸).

## مکاشفه روح القدس

**روح نبوت** - روح القدس روح نبوت است که کلام را به انبیای عهد عتیق داده است (۱ : ۲۱).

## دروس اصلی روحانی

### **۱ - معلمین و انبیای دروغین همواره کلیسا را از داخل تهدید می کنند.**

این خطر همواره کلیسا را از داخل تهدید کرده است. فشار و جفا و حتی کشتار مسیحیان، هیچوقت نتوانسته است کلیسا را نابود کند بلکه برعکس، همواره باعث برکت و رشد کلیسا بوده است. آنچه کلیسای عیسی مسیح را وارد قرون تاریک کرد، تعالیم غلط از داخل کلیسا بود. کلام خدا هشدار می دهد که هرچه به روزهای آخر نزدیک تر می شویم، رسولان، انبیا و معلمین دروغین بیشتر و بیشتر از داخل، کلیسا را تهدید خواهند نمود. تشخیص این افراد آسان نمی باشد چرا که شیطان به صورت فرشته نور خود را ظاهر می کند. رسولانی هستند که در ظاهر، رسولان درستی هستند و دارند کلیسا را گسترش می دهند اما در واقع کاذب هستند و دارند آن را از داخل نابود می کنند. انبیایی هستند که نبوت آنها مو به مو درست در می آید و با آیات و معجزات همراه است اما دروغین هستند. معلمینی هستند که بسیار ورزیده در کلام هستند اما معلمین کاذب هستند و هوش و ورزیدگی خود را برای انحراف ایمانداران بکار می برند.

تشخیص چنین افرادی برای اکثر ایمانداران و بخصوص نوایمانان (که بهترین طعمه های چنین اشخاص هستند)، بسیار مشکل است. این وظیفه هر ایماندار و بخصوص خادمین کلیسا است که همواره هوشیار باشند و خدمت هر شخص را چک کنند. نباید فکر کنید این خطر کلیسای ما را تهدید نمی کند. برعکس، کلیسایی که با قدرت پیش می رود و گسترش می یابد، مانند خاری در چشم شیطان فرو خواهد رفت. در نتیجه، شیطان همواره سعی می کند که کلیسا را بوسیله کسانی که خواسته و ناخواسته عامل دست او هستند تضعیف کرده و از مسیر خارج نماید.

در اول پطرس یک سری نشانه ها برای تشخیص چنین افراد داده شده است. این افراد :

۱) معمولاً طمع دارند و خدمتشان برایشان تجارت یعنی بده و بستان است (۲ : ۳).

۲) در ظاهر و یا در پنهان به دنبال ارضای شهوات جسم خود هستند (۲ : ۱۰).

۳) خداوندی و ترس از مسیح در زندگیشان دیده نمی شود (۲ : ۱۰).

۴) معمولاً جسور بوده و شرم و حیایی ندارند (۲ : ۱۰).

۵) مغرور و متکبر بوده و خود را بالا تر و حکیم تر و روحانی تر از دیگران می دانند (۲ : ۱۰).

- ۶) خیلی راحت تهمت می زنند بخصوص در مورد رهبران کلیسا (۲ : ۱۰).
- ۷) اگر چیزی را نمی دانند، چون فروتن نیستند، اعتراف نمی کنند که نمی دانند، بلکه آن مطلب را رد کرده، غلط می دانند و ملامت می کنند (۲ : ۱۲) آنها وانمود می کنند که همه چیز را می دانند و علم الهیات آنها کامل است در نتیجه تعلیم پذیر نیستند.
- ۸) بسیار اهل رفت و آمد هستند و بسیار در مهمانی ها شرکت می کنند (۲ : ۱۳)
- ۹) چشم های ناپاک دارند (۲ : ۱۴).
- ۱۰) معمولاً به دنبال نوایمانان و یا کسانی می روند که هنوز در ایمان استوار نشده اند تا آنها را به دام بیندازند (۲ : ۱۴ و ۲ : ۱۸).
- ۱۱) مانند بلعام، پول برایشان بسیار مهم است و حاضر به فروش خدمت خود هستند (۲ : ۱۵).
- ۱۲) مانند چشمه هایی بی آب و ابرهای بی باران هستند که ظاهرشان و کارهایشان در ظاهر درست است اما در عمل منفعتی برای کسی ندارند (۲ : ۱۷). به ظاهر خادم هستند و می خواهند خدا را خدمت کرده و دیگران را بنا کنند، اما در عمل، کسی از آنها بنا نمی شود.
- ۱۳) به حرف، وعده به آزادی در مسیح می دهند. اما در عمل، خود در بند هستند و کسانی که آنها را پیروی می کنند نیز در بند قرار می گیرند (۲ : ۱۹).
- همانطور که دیدیم، در کتب متعددی در عهد جدید در مورد معلمین، انبیا و رسولان کذب هشدار داده شده است. پس هر خادم باید این مساله را جدی گرفته و کلیسایی را که خداوند به اوسپرده از لغزش و انحراف حفظ کند.

## **سوالات برای مرور درس**

- ۱) کلمه کلیدی کتاب دوم پطرس چه می باشد؟
- ۲) بخش های اصلی کتاب دوم پطرس را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) سه مکاشفه عیسای مسیح در دوم پطرس را بیان کنید.
- ۴) ۶ خصوصیت نبی و معلم دروغین را بیان کنید.

## اول یوحنا

### نویسنده و تاریخ نگارش

نویسنده این نامه، یوحنا، رسول محبوب مسیح می باشد که آنرا در سال ۹۰ میلادی نوشته است. در اعمال رسولان ۸ : ۱۴ از یوحنا به عنوان یکی از رسولانی که در اورشلیم بود نام برده شده است. در غلاطیان ۲ : ۹، به او به عنوان یکی از ستون های کلیسا اشاره می شود. او احتمالاً کمی قبل از خراب شدن اورشلیم (در سال ۷۰ میلادی) از آن شهر خارج شده و در حوالی شهر افسس به خدمت خود ادامه داد.

یوحنا که بسیار پیر شده است، به عنوان یک پدر، این رساله را به فرزندان روحانی خود می نویسد.

### زمینه و موضوعات اصلی

خدا نور است. خدا محبت است. خدا حیات است. یوحنا از زندگی و مشارکت با چنین خدایی دارد لذت می برد. او با قلب یک شبان، به محبوبان و فرزندان روحانی اش نامه می نویسد زیرا که مشتاق است که آنان نیز از مشارکتی عمیق با چنین خدایی لذت ببرند. خدا نور است و هر که با خدا راه می رود در نور سالک می باشد و نه در تاریکی. کسی که در نور راه می رود، در گناه زندگی نمی کند بلکه از گناهان خود توبه کرده و خون مسیح او را پاک می سازد. نشانه راه رفتن در نور، اطاعت از دستورات خداوند و محبت به برادران می باشد. دو مانع زندگی در نور، دلبستگی به دنیا و گوش دادن به معلمین دروغین می باشد. خدا محبت است و ما به عنوان فرزندان خدا باید در محبت زندگی کنیم. این موضوع آنقدر مهم است که یوحنا اعلام می کند : هر که محبت ندارد، خدا را نمی شناسد. اما محبتی که از آن صحبت می شود، محبتی است عملی نه فقط زبانی. چنین محبتی به دنبال دادن است نه گرفتن.

خدا حیات است و هر که به عیسای مسیح ایمان آورد، از نو متولد شده و چنین حیاتی در زندگی او جاری می شود.

### ناستیک ها

دلیل مهم دیگری که باعث شد یوحنا این کتاب را بنویسد، ورود تعالیم غلط فرقه ای به نام «ناستیک» به کلیسا می باشد. کلمه «ناستیک» ( Gnostic ) از کلمه ( Gnosis ) به معنی «دانش» می آید. این فرقه، تعالیم مسیحی را با فلسفه یونانی آمیخته بودند و داشتند مسیحیت کاذبی را وارد کلیساها می کردند. تعالیم این فرقه بر این اصول قرار داشت :

#### (۱) ماده، ذاتا ناپاک و شرور است.

(۲) دانش فکری مهم تر از هر چیز دیگر است. زیرا این دانش فکری است که انسان را روحانی می کند.

ورود چنین تعالیم غلطی در کلیسا، سه نتیجه مخرب داشت :

۱) اگر ماده فانی و ناپاک است اما روح باقی و پاک است، پس مهم نیست که با بدنمان چه می‌کنیم چونکه بدن شرورمان در هر صورت بزودی از بین می‌رود. مسیحیانی که چنین تعلیمی را دنبال می‌کردند، این اعتقاد را داشتند که می‌توانند در بدن خود در گناه زندگی کنند اما در فکر و روح خود بسیار روحانی باشند و با خدا مشارکت داشته باشند. پس پیروان چنین فرقه‌ای در خود فریبی زندگی می‌کردند چراکه فکر می‌کردند بخاطر دانشی که دارند بسیار روحانی هستند اما عملاً در گناه و نفرت و رفتار ناشایسته و بی‌اطاعتی از کلام زندگی می‌کردند.

۲) اگر ماده ناپاک است، پس **خدا که پاک است نمی‌تواند جسم پوشیده باشد.** بخاطر چنین فرضیه‌ای، دو گروه در میان ناستیک‌ها وجود داشت. گروهی در این فرقه اعتقاد داشتند که چون مسیح جسم داشت، نمی‌توانست خدا باشد بلکه مخلوق خدا بود. گروهی دیگر در این فرقه اعتقاد داشتند که مسیح خدا بود اما جسمی که داشت در واقع جسم نبود بلکه شبحی بود و به چشم انسان، فقط به نظر می‌آمد که جسم دارد.

۳) **برای روحانی شدن باید به دانش‌های پوشیده و مرموز و عمیق دست یافت.** در نتیجه بجای مشارکت و راه رفتن با خدا، این گروه به دنبال دانش‌های روحانی می‌رفتند و به آن تکیه می‌کردند.

### جواب یوحنا به ناستیک‌ها

به منظور روبرویی و مقابله با فرضیه شبح بودن مسیح است که یوحنا از همان اول رساله اعلام می‌کند که او مسیح را دیده و با دست‌های خود لمس کرده است (۱ : ۱). در نتیجه، مسیح شبح نبوده بلکه در واقع بدن جسمانی داشته است. او بطور واضح اعلام می‌کند: «هر روحی که عیسای مسیح مجسم شده را انکار کند از خدا نیست و این است روح دجال» (۴ : ۳).

برای روبرویی با تکیه ناستیک‌ها روی دانش و نه رابطه با خدا، یوحنا روی رابطه و مشارکت با خدا تکیه می‌کند (۱ : ۳). او اعلام می‌کند که برای داشتن چنین مشارکتی با خدا، یک مسیحی باید پاک زندگی کند و بر خلاف تعالیم ناستیک‌ها، این بسیار مهم است که چگونه زندگی می‌کنیم. در حقیقت طرز زندگی ما نشان می‌دهد که آیا ایمان ما درست است یا خیر. زندگی پاک، محبت به برادران و اطاعت از کلام خدا، نشان دهنده ایمان درست است وگرنه داریم خود را فریب می‌دهیم و فکر می‌کنیم نجات داریم و خدا را می‌شناسیم در صورتیکه نه نجات داریم و نه خدا را می‌شناسیم (۳ : ۷-۱۰).

این رساله مانند انجیل یوحنا، به زبان بسیار ساده‌ای نوشته شده است. حالت آن بیشتر شبیه یک موعظه می‌باشد تا یک نامه. در آن موضوعات مختلف در مقابل یکدیگر قرار گرفته و بصورت تضاد ارائه می‌شوند. مثلاً نور در مقابل تاریکی قرار داده می‌شود، حقیقت در مقابل دروغ، محبت در مقابل نفرت، عشق به دنیا در مقابل عشق به خدا، مسیح در مقابل ضد مسیح، فرزندان خدا در مقابل فرزندان شیطان، عدالت در مقابل گناه، روح خدا در مقابل روح ضد مسیح و حیات در مقابل مرگ.

## کلمه کلیدی : مشارکت

### آیات کلیدی : ۱ : ۳-۴ و ۵ : ۱۱-۱۳

۱ : ۳-۴ ... « از آنچه دیده و شنیده ایم شما را اعلام می نمایم تا شما هم با ما شراکت داشته باشید. و اما شراکت ما با پدر و پسرش عیسی مسیح است. و این را به شما می نویسم تا خوشی ما کامل گردد.»

۵ : ۱۱-۱۳ ... « و آن شهادت این است که خدا حیات جاودانی به ما داده است و این حیات، در پسر اوست. آنکه پسر را دارد حیات دارد و آنکه پسر خدا را ندارد، حیات را نیافته است. این نامه را نوشتم به شما که به اسم خدا ایمان آورده اید تا بدانید که حیات جاودانی دارید و تا به اسم پسر خدا ایمان بیاورید.»

## فصل کلیدی : ۱

در این فصل می بینیم که برای مشارکت با خدا، یک مسیحی باید توبه کرده و از خدا طلب بخشش کند تا اینکه پاک گشته و رابطه اش با خدا دوباره برقرار شود.

## بررسی

یوحنا شرایط و خصوصیات مشارکت با خدا را توضیح می دهد. بخصوص می خواهد تعالیم ناستیک ها را رد کرده و تصحیح کند.

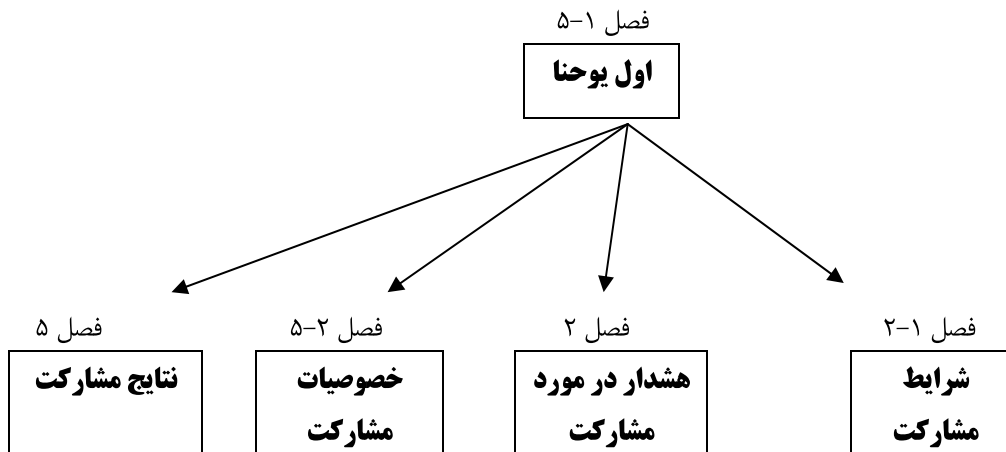
**(۱) شرایط مشارکت** (آیات ۱ : ۱ تا ۲ : ۱۴) - یوحنا از خوانندگان می خواهد که همان مشارکتی را که او با خدا دارد آنها هم تجربه کنند. برای تجربه کردن چنین مشارکتی، لازم است که آنها توبه کرده و با خون عیسی مسیح پاک شوند. یک ایماندار باید در نور زندگی کند و هر موقع این نور خطایی را در او نشان می دهد، توبه کند.

**(۲) هشدارها در مورد مشارکت** (آیات ۲ : ۱۵ تا ۲ : ۲۷) - یوحنا در دو مورد هشدار می دهد. اولاً در مورد دلبستگی به این دنیایی که ضد خدا است. ثانیاً در مورد تعالیم غلط که به ظاهر، مسیحی است اما در واقع، ضد مسیح می باشد.

**(۳) خصوصیات مشارکت** (آیات ۲ : ۲۸ تا ۳ : ۵) - امید ما این است که وقتی مسیح برمی گردد، شبیه او خواهیم بود. مسیح، نمونه عالی ما برای محبت واقعی است. محبتی که فقط به حرف نیست بلکه به عمل و با از خود گذشتگی همراه می باشد. نشانه اینکه کسی در مسیح است و مسیح در کسی است، محبتی است که او نسبت به دیگران دارد. این محبت، باعث می شود که شخص، مشارکت درست با خدا و انسان داشته باشد. محبت به خدا را نمی توان از محبت به انسان جدا ساخت.

**(۴) نتایج مشارکت** (آیات ۵ : ۴ تا ۵ : ۲۱) - نتایج چنین مشارکتی، ایمان به عیسی مسیح و اطاعت از خدا می باشد. ایمان به خدا، به ما اطمینان به نجات را می دهد و همینطور اطمینان به جواب دعا را.





### مکاشفه عیسای مسیح

**شفیع** - عیسای مسیح شفیع ما است (۲ : ۱). «شفیع» به معنی «وکیل مدافع» می باشد. عیسای مسیح، در نزد پدر وکیل مدافع ما است. او می تواند به خوبی و با عدالت کامل از ما دفاع کند و ما را از محکومیت در آورد زیرا که خودش گناهان ما را کفاره کرده است (۲ : ۲).

**پسر خدا** - عیسای مسیح، پسر خدا می باشد (۲ : ۲۲ و ۴ : ۱۴-۱۵ و ۵ : ۱۳-۱۴). رابطه او با پدر طوری است که اگر کسی پسر را رد کند، پدر را نیز رد کرده است و اگر پسر را اعتراف نماید، پدر را نیز دارد (۲ : ۲۳).

**نجات دهنده جهان** - عیسای مسیح بوسیله پدر فرستاده شد تا نجات دهنده جهان باشد (۴ : ۱۴).

**مسیح** - هر که اقرار کند که عیسی، مسیح است، از خدا مولود شده است (۵ : ۱). مسیح بودن عیسی، موضوع مهمی را بیان می کند. یعنی اینکه آن شخصیت تاریخی که به صورت انسان ظاهر شد و اسمش عیسی بود، همان شخصیت عهد عتیق است که قرار بود خدا در جسم ظاهر شود و اسمش مسیح بود.

**نجات دهنده** - عیسای مسیح باز خواهد گشت. بنابراین باید پاک زندگی کنیم (۲ : ۲۸ و ۳ : ۳). همچنین این امید مبارک را داریم که وقتی برگردد، ما شبیه او خواهیم شد (۳ : ۲).

### مکاشفه روح القدس

**روح رابط بین ما و مسیح** - وجود روح القدس در ما است که باعث می شود ما در مسیح و مسیح در ما قرار بگیرد (۳ : ۲۴ و ۴ : ۱۳).

**تایید کننده مجسم شدن مسیح** - روح القدس تایید می کند که مسیح در جسم ظاهر شد (۴ : ۲ و ۵ : ۶-۸).

**روح پیروز کننده بر شریر** - روح القدس در هر مسیحی می باشد و او از روحی که در این دنیا است، یعنی شریر، بزرگتر می باشد (۴ : ۴).

دهنده مسح مکاشفه - روح القدس به ایمانداران مسیحی را می دهد تا مسائل روحانی را درک کرده و بدانند (۲ : ۲۰).

## دروس اصلی روحانی

### ۱ - تفاوت بین حرف و عمل، فریب است و خادم خدا باید فریب را در خود و دیگران تشخیص دهد.

خادم خدا باید در خود و دیگران فریب را تشخیص دهد یعنی وقتی که اعترافات و حرف ها با اعمال نمی خوانند. کتاب اول یوحنا، کتاب راهنمای تشخیص فریب و خود فریبی می باشد. به همین منظور، این کتاب سه آزمایش اصلی ارائه می دهد :

**(۱) زندگی پاک** - اگر کسی گوید که با مسیح رابطه دارد و او را می شناسد اما در گناه زندگی می کند، دروغگو می باشد (۱ : ۶). گرچه همه گاهی زمین می خوریم، ولی فرزند خدا در گناه نمی ماند. اگر کسی به زندگی گناه آلود خود ادامه می دهد، هرچقدر هم که ادعاهای بزرگ کرده و حرف های قشنگ در مورد مسیح بزند، باز ما را و حتی شاید خود را دارد فریب می دهد.

**(۲) اطاعت از کلام** - اگر کسی گوید که خدا را می شناسد ولی احکام خدا را اطاعت نمی کند، دروغگو است (۲ : ۳-۴). کسی که نجات واقعی دارد، زندگیش باید بیشتر و بیشتر شبیه مسیح گردد (۲ : ۶). کسی که واقعاً نجات را دارد، می خواهد احکام خدا را اطاعت کند و انجام این احکام برای او سنگین نیست (۵ : ۳).

**(۳) محبت به ایمانداران** - اگر کسی گوید که با خدا مشارکت دارد اما از برادر خود نفرت دارد، دروغگو است (۴ : ۲۰-۲۱) و کوری است که در تاریکی راه می رود (۲ : ۹-۱۱). چنین شخصی قاتل است و باید بداند که نجات ندارد (۳ : ۱۴-۱۵). کلام خدا در ۳ : ۷-۱۰، به ما هشدار می دهد که «گول نخورید» و در این آیات دوباره سه آزمایش بالا را تکرار می کند.

### ۲ - خادم خدا باید به کسانی که ترس بیخود دارند، آرامش بدهد و به کسانی که آرامش بیخود دارند، ترس بدهد.

در انگلیسی جمله است که می گوید : Comfort the afflicted and afflict the comforted. کتاب اول یوحنا، بهترین کتاب راهنمای توبیخ و تسلی ایمانی است. در آن، آزمایشهای بسیار است که شخص با استفاده از آنها می تواند ایمان خود و دیگران را محک بزند. بعضی مطالب این کتاب باعث می شود که شخص در نجات خود شک کند و بعضی دیگر اطمینان به نجات می بخشد.

از یک طرف جملات بسیاری هستند که به صورت «اگر . . . پس . . .» می باشند. این جملات باعث خودآزمایی و حتی شک سالم نسبت به نجات می شوند. از طرف دیگر، جملاتی هستند که به صورت «میدانیم . . . از اینکه . . .» می باشند و باعث اطمینان هستند. گرچه در اول یوحنا تست ها و جملاتی هستند که شک را تولید می کنند، اما هدف اصلی نوشتن این رساله این است که به خواننده این اطمینان را بدهد که حیات جاودانی دارد (۵ : ۱۳). پس اعلام می کند که «هر که پسر را دارد صاحب حیات است» (۵ : ۱۱-۱۲) و وقتی دعا می کنیم می توانیم به جواب آن اطمینان داشته باشیم (۵ : ۱۴-۱۵).

ایه های این کتاب بهترین وسیله آزمایش و راهنمایی در دست یک خادم خدا می باشند. پس شما به عنوان یک خادم باید از آنها استفاده کنید تا کسانی که بیخود به نجات خود شک می کنند را اطمینان به نجات ببخشید و همچنین کسانی که بیخود به نجات خود اطمینان دارند را در شک بیاندازید.

### ۳ - خادم خدا باید مرحله رشد روحانی را در افراد تشخیص دهد.

در ۲: ۱۲-۱۴، خصوصیات مراحل رشد روحانی به طور مختصر بیان شده است:

**بچه** - بچه کسی است که می داند گناهکار بوده است اما گناهانش بوسیله مسیح آمرزیده شده است. او به پدر بودن خدا پی برده و آنرا تجربه می کند (۲: ۱۲-۱۳).

**جوان** - جوان کسی است که:

(۱) در روح و ایمان، قوی و توانا می باشد. کلمه «توانا» به معنی قدرتی است که در عمل بکار برده شده و نتیجه می آورد. پس یک جوان روحانی کسی است که در ایمان قوی است و این قدرت را عملاً در خدمتی مؤثر بکار می برد. چنین شخصی، قدرت روح القدس در او جاری است و در او ضعف اساسی دیده نمی شود.

(۲) جوان کسی است که کلام خدا در او ساکن است. یعنی نه تنها کلام خدا را خوب می داند بلکه این کلام در قلب و روح او جذب شده و در عملکرد آن در زندگی دیده می شود.

(۳) جوان کسی است که بر شریر پیروز شده است. او چشمانش به دنیای روحانی باز شده و شریر و حيله های او را تشخیص می دهد. او در استفاده از اسلحه های جنگ روحانی تبحر دارد و می تواند شریر را در زندگی خود و دیگران شکست داده و باعث آزادی روحی اسیران بشود (۲: ۱۳-۱۴).

**پدر** - پدر کسی است که از دو مرحله بچه و جوان رد شده است و رابطه عمیق با خود عیسی مسیح دارد (۲: ۱۳-۱۴)

نکته مورد توجه در بالا این است که در اکثر کلیساهای مسیحی متأسفانه آنقدر استاندارد روحانی پایین است و ایماندارانش آنقدر ضعیف هستند که اگر کسی خصوصیات جوان را در بالا داشته باشد، بسیار انگشت نما بوده و او را شخص بسیار روحانی حساب می کنند. او را با «پدر» اشتباه می گیرند و خدمت شبانی و شیخی را به او می سپارند. اما آنچه که حتی بیشتر باعث تأسف است این است که در بسیاری از کلیساهای، حتی یک جوان روحانی با خصوصیات بالا نیز وجود ندارد و رهبری و شیخی و شبانی در دست کسانی است که طبق تعریف بالا هنوز حتی به مرحله جوانی نرسیده اند و هنوز در ایمان «بچه» می باشند.

تعجبی ندارد که بسیاری از کلیساهای ایرانی در سطح رهبری مشکل دارند چرا که کلیساهای ایرانی اکثراً تازه هستند. اکثر افراد داخل آنها، اخیراً به مسیح ایمان آورده اند. در نتیجه کسی که کمی در ایمان جلو آمده است را به عنوان شیخ و رهبر (پدر) در کلیسا قرار می دهند. این کار باعث مشکلات عمیق و دردناک برای کلیسا می گردد.

آیا شما تمام خصوصیات یک جوان را دارید؟ چه چیزی کم دارید تا از بچگی در آمده و جوان شوید؟ خدا را برای آنچه که تا بحال در زندگی شما کرده است شکر کنید اما به آن راضی نباشید. همواره بخواهید رشد روحانی کرده و بالغ شوید. به عنوان خادم خدا باید هدف شما «پدر» بودن و «پدر بزرگ» بودن باشد.

## **سوالات برای مرور درس**

- ۱) کلمه کلیدی کتاب اول یوحنا چه می باشد؟
- ۲) بخش های اصلی کتاب اول یوحنا را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) سه مکاشفه عیسای مسیح در اول یوحنا را بیان کنید.
- ۴) دو مکاشفه روح القدس در اول یوحنا را بیان کنید.
- ۵) دو درس روحانی کتاب اول یوحنا را بیان کنید.
- ۶) سه مرحله رشد روحانی را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۷) دو تعلیم اساسی فرقه « ناستیک » کدام بودند؟
- ۸) کار عیسای مسیح به عنوان « شفیع » را توضیح دهید.

## دوم یوحنا

### نویسنده و تاریخ نگارش

نویسنده این نامه، یوحنا، رسول محبوب مسیح می باشد که آنرا در سال ۹۰ میلادی نوشته است. این نامه خطاب به «بانویی همراه با فرزندان» نوشته شده است («خاتون» به معنی «بانوی محترم» می باشد). این بانو احتمالاً سرپرست کلیسایی بوده که در خانه اش تشکیل می شده است. «خاتون» همچنین می تواند بطور سمبلیک به کلیسا اشاره کند.

### زمینه و موضوعات اصلی

یوحنا، نامه اول خود را به ایماندارانی نوشت که در خطر معلمین دروغین قرار داشتند. او نامه دوم خود را نیز خطاب به بانویی و فرزندانش می نویسد که در همین خطر قرار دارند. معلمین دروغین زیادی وجود دارند که حتی بعضی از آنها قبلاً در کلیسا بوده اند و اکنون از کلیسا جدا شده اند (اول یوحنا ۲ : ۱۹). این معلمین دروغین سیار بوده و شهر به شهر می گشتند. هر کلیسایی را که مستعد می یافتند، در آن نفوذ کرده و با تعالیم غلط خود، آنرا مریض و بی اثر می کردند.

در مقابله با آنها، تعلیم یوحنا این است که ایمانداران در پاکی زندگی کرده و در تعالیم درست رسولان ادامه دهند (۶). گرچه محبت جزو مهم زندگی هر مسیحی می باشد، اما این محبت نباید از روی احساسات و با بی حکمتی عمل کرده و کسانی را که می خواهند حقیقت را نبود کنند نیز در بر بگیرد. او خیلی رک می نویسد: «اگر کسی به نزد شما آید و این تعلیم را نیاورد، او را به خانه خود مپذیرید و او را تحیت نگویید» (۱۰).

یوحنا در این نامه باز تاکید می کند که ما ایمانداران باید یکدیگر را محبت کنیم چونکه محبت به یکدیگر معادل این است که طبق احکام خدا زندگی کنیم. اما در عین حال یوحنا هشدار می دهد که این محبت باید همراه با تشخیص باشد. این محبت نباید آنقدر ساده و کور باشد که هرکس را با هر تعلیم قبول کرده و تایید و پشتیبانی نماییم. معلمین دروغینی وجود دارند که باور ندارند مسیح در جسم ظاهر شده است (ناستیک ها). پس یوحنا هشدار می دهد که چنین معلمین دروغین را نباید پشتیبانی کرد و حتی نباید به خانه راه داد. البته ما باید با خدا مشارکت داشته باشیم. باید با ایمانداران دیگر مشارکت داشته باشیم. اما نباید با معلمین دروغین مشارکت داشته باشیم.

موضوع اصلی هر سه رساله یوحنا، «مشارکت» می باشد. تمرکز اول یوحنا، روی مشارکت با خدا بوده، تمرکز دوم یوحنا، عدم مشارکت با معلمین دروغین است و تمرکز سوم یوحنا، مشارکت درست با ایمانداران می باشد. شباهت این رساله به اول یوحنا این است که هر دو راجع به معلمین دروغین صحبت می کنند.

**کلمه کلیدی :** دوری از معلمین دروغین

**آیات کلیدی :** ۹-۱۰

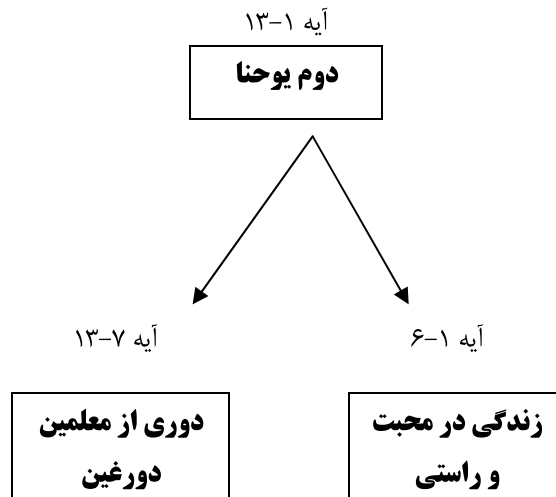
۹-۱۰ ... « هر که پیشوایی می کند و در تعلیم مسیح ثابت نیست، خدا را نیافته است. اما آنکه در تعلیم مسیح ثابت ماند، او هم پدر و پسر را دارد. اگر کسی به نزد شما آید و این تعلیم را نیاورد، او را به خانه خود مپذیرید و او را تحیت مگویید.»

### **بررسی**

نیمه اول این رساله، بطور مثبت صحبت می کند. در ۶ آیه اول، کلمه «راستی» ۵ بار و کلمه « محبت » ۴ بار تکرار می شود. نیمه دوم این رساله، منفی است و از این دو کلمه اسمی برده نمی شود.

**(۱) زندگی در محبت و راستی (آیات ۱ تا ۶) -** در سه آیه اول، «ماندن در راستی»، ۳ بار تکرار می شود. ایمانداران باید در تعلیم صحیح باقی بمانند. محبت کردن به یکدیگر، جزو مهم چینی تعلیم صحیح می باشد.

**(۲) دوری از معلمین دروغین (آیات ۷ تا ۱۳) -** در این قسمت، به خواننده هشدار داده می شود که مواظب فریبکاران باشد. یوحنا بسیار رک دستور می دهد که حتی به نام محبت، کوچک ترین کمک و یا تشویقی را نباید به معلمین دروغین کرد.



### **مکاشفه عیسای مسیح**

**خداوند و پسر خدا -** عیسای مسیح خداوند و پسر خدا می باشد (۳).

**خدای جسم پوشیده -** عیسای مسیح در جسم ظاهر شد. یعنی اینکه از قبل وجود داشت اما زمانی جسم پوشید و دیدنی شد (۷). هرکه چنین تعلیمی را رد کند، نجات نیافته است (۹). و نباید او را به عنوان یک مسیحی پذیرفت و از تعالیم او پشتیبانی کرد (۱۰).

## مکاشفه روح القدس

گرچه در این کتاب از روح القدس بطور مستقیم نام برده نشده است، اما روح القدس است که مسیح را تایید کرده و به او شهادت می دهد. همچنین روح القدس است که به ما قدرت می دهد که تعالیم غلط را تشخیص بدهیم.

## دروس اصلی روحانی

### **۱ – محبت و راستی هر دو باید بطور متعادل در زندگی و خدمت یک خادم عمل کند.**

یک مسیحی باید در راستی زندگی کند (در ۴ آیه اول ۵ بار کلمه «راستی» بکار برده شده است). همچنین یک مسیحی باید در محبت زندگی کند (۵-۶). اما راستی و محبت هر دو باید بطور متعادل در زندگی و خدمت یک مسیحی عمل کنند. نباشد که بخاطر راستی، محبت فراموش شود. اما هشدار دوم یوحنا این است که نکند بخاطر محبت، ناراستی را تحمل و حتی ناخواسته تایید و پشتیبانی کنیم.

بخصوص از کسی که تعلیم غلط می دهد به هیچ وجه پشتیبانی نکرده و حتی کاری نکنیم که به اشتباه نشانه تایید ما برداشت شود. برای همین، خواسته می شود که چنین شخصی را نباید به خانه راه داد و نباید به چنین شخصی حتی سلام کرد. کلام خدا هشدار می دهد که حتی سلام کردن به چنین شخصی، بمانند شریک شدن در کارهای او است.

گاهی در کلیسا افرادی پیدا می شوند که بعد از صحبت های لازم، بخاطر گناه، ناراستی، روحیه غلط، تفرقه و یا تعلیم غلط، کلیسا با آنها قطع رابطه می کند. در چنین شرایطی، گاهی بعضی ایمانداران به اصطلاح خود می خواهند به چنین شخصی محبت کنند. آنها بر خلاف تصمیم کلیسا، با آن شخص رابطه برقرار کرده و با یکدیگر رفت و آمد برقرار می کنند. چنین اشخاص نه تنها در گناه بی اطاعتی از کلیسا هستند بلکه با تعریف غلطی که از محبت دارند، خواسته و ناخواسته دارند ناراستی را تایید و پشتیبانی می کنند. کلام خدا می فرماید با چنین کاری خود این شخص نیز از نظر خدا شریک ناراستی می باشد.

خادم خدا باید کمال محبت و صبر را نسبت به همه داشته باشد. اما درعین حال، نباید اجازه دهد که این محبت باعث شود با ناراستی کنار آمده و ناخواسته آنرا تایید و پشتیبانی کند. گاهی لازم است بخاطر راستی، با کسانی که در ناراستی هستند قطع رابطه کرد.

## سوالات برای مرور درس

- ۱) کلمه کلیدی کتاب دوم یوحنا چه می باشد؟
- ۲) بخش های اصلی کتاب دوم یوحنا را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) یک درس روحانی کتاب دوم یوحنا را بیان کنید.
- ۴) در کتاب دوم یوحنا، از ایمانداران خواسته شده است که در مورد معلمین دروغین دو کار را نکنند. این دو کار کدامند؟

## سوم یوحنا

### نویسنده و تاریخ نگارش

نویسنده این نامه، یوحنا، رسول محبوب مسیح می باشد که آنرا در سال ۹۰ میلادی نوشته است. این نامه خطاب به شخصی به نام «غایس» نوشته شده است.

### زمینه و موضوعات اصلی

نامه اول یوحنا، در مورد مشارکت با خدا می باشد. در نامه دوم، یوحنا مشارکت با معلمین دروغین را منع می کند. در نامه سوم، یوحنا ایمانداران را تشویق می کند که مشارکت درست با برادران خود داشته باشند. یوحنا در این نامه، از دو شخصیت صحبت می کند. او غایس را تشویق می کند چونکه غایس در راستی زندگی کرده و خادمین انجیل را در خانه اش مهماننوازی می کند. اما در مقابل، شخصی به نام «دیوترفیس» را تکذیب می کند چراکه او اجازه داده غرور، جایگزین محبت در زندگیش شود و حتی تصحیحات یوحنا را رسول را نیز نمی پذیرد. دیوترفیس نقطه مقابل غایس است. هرچه غایس فروتن، با محبت، جویای حقیقت و مشتاق خدمت است، برعکس دیوترفیس، مغرور، بی محبت و دور از حقیقت می باشد.

**کلمه کلیدی :** مشارکت با برادران

**آیات کلیدی :** ۴

۴ ... « مرا بیش از این شادی نیست که بشنوم که فرزندانم در راستی سلوک می نمایند.»

### بررسی

سوم یوحنا، کوتاه ترین کتاب در کل کتاب مقدس می باشد. یوحنا این نامه را می نویسد که غایس را بخاطر زندگی نمونه اش تشویق و تایید کند و برعکس دیوترفیس را بخاطر روحیه و رفتار غلطش توبیخ کرده و رد نماید.

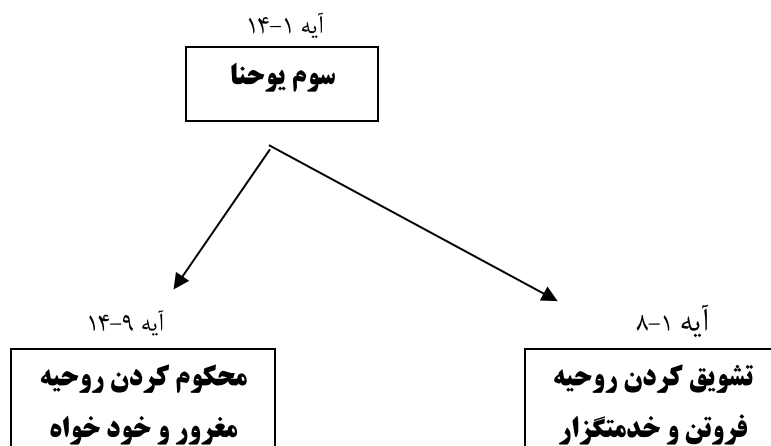
**(۱) تشویق کردن روحیه فروتن و خدمتگزار (آیات ۱ تا ۸) -** یوحنا غایس را در روحیه و زندگی نمونه ای که دارد

تشویق و تایید می کند. غایس شخص امین، پر محبت و سخاوتمندی می باشد.

**(۲) محکوم کردن روحیه مغرور و خودخواه (آیات ۹ تا ۱۴) -** در این آیات، ناگهان حالت عوض شده و منفی می گردد.

شخصی به نام دیوترفیس که روحیه غلطی دارد، حتی تعالیم و اقتدار رسالت یوحنا را رد می کند و معلمینی که بوسیله رسولان فرستاده می شوند را قبول نکرده و کمک نمی نماید.





### مکاشفه عیسای مسیح

گرچه این رساله کوتاه بطور مستقیم به عیسای مسیح اشاره نمی کند، اما عیسای مسیح خود نمونه کامل محبت و راستی است. زندگی و خدمتِ غایس و دیمتریوس، قابل تقدیر و تشویق می باشد چرا که نمونه محبت و راستی مسیح می باشد. برعکس، زندگی، خدمت و روحیه دبوترفیس هیچ شباهتی با عیسای مسیح ندارد.

### مکاشفه روح القدس

گرچه از روح القدس بطور مستقیم نام برده نشده است، اما کار روح القدس را در این می بینیم که به غایس و دیمتریوس کمک می کند که در راستی زندگی کنند. همچنین میوه روح القدس که محبت می باشد را در زندگی غایس می توان مشاهده کرد.

### دروس اصلی روحانی

#### **۱- باید از خادمینی که در راستی زندگی می کنند، پشتیبانی کرد.**

در دوم یوحنا، خواندیم که نباید معلمین دروغین و خادمینی که در ناراستی هستند را پشتیبانی کرد. آنها را نباید به خانه راه داد و حتی نباید به آنها سلام کرد. در سوم یوحنا، نقطه مقابل آنها می بینیم که باید خادمینی که در راستی هستند و زندگی نمونه دارند را به خانه راه داد و آنها را از لحاظ مالی پشتیبانی کرد «بدرقه کردن» در آیه ۶ به همین معنی می باشد یعنی اینکه خادم را با هدیه ای مالی روانه کنیم.

همانطور که اگر کسی معلم دروغین را پشتیبانی کند، در کارهای قبیح او شریک می شود (دوم یوحنا ۱۱)، به همان صورت اگر کسی خادم راستین خدا را حمایت کند، در راستی او نیز شریک می شود (۷). کسی که خادم درست خدا را پشتیبانی مالی می کند، در حقیقت در خدمت با او همکار و شریک شده است.

#### **۲- خادم نادرست را باید در کلیسا تشخیص داد.**

در این رساله، یوحنا خصوصیات دیوترفیس را به عنوان یک خادم نادرست توضیح می دهد. این خصوصیات از این قرار هستند :

**(۱) خادم نادرست، ریاست را دوست دارد (۸).** چنین شخصی، از خداوندی کردن لذت می برد و می خواهد «سرداری» (فرماندهی) کند. او روح کنترل کننده دارد و می خواهد هرچیز و هر کس را کنترل کند.

**(۲) خادم نادرست، اقتدار کسی را قبول ندارد (۸).** دیوترفیس حتی اقتدار یوحنا و رسولان دیگر را قبول ندارد. یک خادم نادرست هیچکس را به عنوان اقتدار قبول ندارد. دوست ندارد از کسی اطاعت کند. البته چنین شخصی، رک به بی اطاعتی خود اعتراف نمی کند و نمی گوید «من دوست ندارم از کسی اطاعت کنم» بلکه دلیلی منطقی و روحانی برای بی اطاعتی خود می تراشد. او از رهبران کلیسا شکایت دارد و آنها را روحانی و شایسته رهبری نمی داند. او می گوید: «من می خواهم که در اطاعت باشم ولی کسی وجود ندارد که از لحاظ روحانی در سطحی باشد که من قبولش داشته باشم تا از او اطاعت کنم». چنین شخصی، آنقدر مغرور است که کسی را شایسته اطاعت کردن نمی داند.

**(۳) خادم نادرست، خادمین دیگر را می گوید (۹).** دیوترفیس بر علیه یوحنا و رسولان سخنان ناشایسته گفته و یاهو گویی می کرد. خادم نادرست، خادمین دیگر را می خواهد پایین آورده و ناشایسته نشان دهد. بخصوص از کسانی که خدا بر او قرار داده و می بایست اطاعت کند، بدگویی می کند تا آنها را بی اعتبار ساخته و بی اطاعتی خود را توجیح کند. خادمی که از دیگر خادمین بدگویی می کند، متوجه نیست که نه تنها دارد آنها را بی اعتبار می کند، بلکه خود را نیز بی اعتبار می کند. شنونده او، اعتمادش و احترامش از خود او نیز صلب می شود. به عنوان یک خادم خدا، همین حالا با زبان خود عهد ببندید که در مورد خادمین دیگر بدگویی نکرده و جز نیکویی برای آنها چیزی نخواهید گفت. با بدگویی، به خدمت خادم دیگر صدمه می زنید. ولی بدانید که به خود و خدمت خود بیشتر صدمه می زنید.

**(۴) خادم نادرست، دسته بندی می کند (۹).** طرز فکر او این است: چه کسی با من است و چه کسی بر علیه من. آنها را با خود می داند که بتواند آنها را کنترل کند و کسانی که نتواند کنترل کند را بر علیه خود دانسته و به نحوی از کلیسا اخراج می کند. خادمی که کلیسا را به دو دسته تقسیم می کند: دوست و دشمن، ندانسته وسیله دست شیطان برای تخریب و پاشیده شدن آن کلیسا می باشد. یک حکمت در رهبری کلیسا که همیشه بکار برده ام این بوده است که ببینم افراد چه کلماتی را هنگام صحبت در مورد کلیسا بکار می برند.

بخصوص نسبت به استفاده از کلمات «اما» «شما» حساس هستم. مثلاً اگر کسی در کلیسا می گوید: «ما اعضای کلیسا ..... شما رهبران کلیسا .....» یا «ما این را می گوییم ..... آنها (دسته دیگر کلیسا) چیز دیگری می گویند.» نشان می دهد که در قلب خود کلیسا را دسته بندی کرده است. چنین شخصی خواسته و ناخواسته در دسته بندی در کلیسا نقش مخربی را دارد و خواهد داشت.

**(۵) خادم نادرست، اهداف شخصی دارد (۸-۹).** گرچه چنین شخصی ممکن است به ظاهر برای جلال خدا و پیشرفت ملکوت او صحبت کند، اما در عمل، ارجحیت برایش پیشرفت اهداف خود و بنای ملکوت خود می باشد. در هر تصمیم گیری، نمی پرسد که آیا چنین تصمیمی به پیشرفت ملکوت خدا کمک می کند بلکه سوال اول او همیشه این است: آیا چنین تصمیمی به پیشرفت من و رسیدن به اهدافم کمک می کند یا نه. یک خادم درست، همواره به فکر پیشرفت ملکوت خدا است. او حاضر است تصمیمی بگیرد که برای شخص او و خدمتش، مضر است اما برای پیشرفت ملکوت خدا، مفید می باشد.

کدامیک از این خصوصیات دارد در شما ریشه می گیرد؟ چه خوب است که قبل از آنکه جزوی از شخصیت شما شود، آنرا هرچه زودتر ریشه کن کنید. بعلاوه، با کمک آزمایشهای بالا، همواره در مورد خادمین نادرست هوشیار باشید و تا جایی که به شما مسئولیت داده شده به آنها اجازه پیشرفت ندهید بلکه کمکشان کنید تا توبه کرده و از این ضعف ها آزاد شوند.

### **سوالات برای مرور درس**

- ۱) کلمه کلیدی کتاب سوم یوحنا چه می باشد؟
- ۲) بخش های اصلی کتاب سوم یوحنا را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) یک درس روحانی کتاب سوم یوحنا را بیان کنید.
- ۴) «بدرقه کردن» خادمین درست، در این رساله به چه معنی می باشد؟
- ۵) سه نشانه یک خادم نادرست را بیان کنید.

## یهودا

### نویسنده و تاریخ نگارش

نویسنده این نامه، یهودا، یکی دیگر از برادران عیسیای مسیح می باشد (متی ۱۳ : ۵۵ و مرقس ۶ : ۳). او برادر کوچک تر یعقوب می باشد که یکی از رهبران کلیسای اورشلیم بود (اعمال ۱۵ : ۱۳-۲۱) و کتاب یعقوب را نوشت. یهودا هم مانند یعقوب، بعد از رستاخیز عیسیای مسیح از مردگان، به او ایمان آورد و قبل از آن ایماندار نبود (یوحنا ۷ : ۱-۹ و اعمال ۱ : ۱۴). تاریخ نگارش این رساله ۶۶-۸۰ میلادی می باشد.

### زمینه و موضوعات اصلی

روحیه سرکشی همیشه وجود داشته است و خطری است که همواره کلیسا را تهدید می کند. سرکشی اسرائیل، سقوط فرشتگان، سدوم و غموره، قائن، بلعام و قورح همگی یادآور این هستند که بی اطاعتی همواره وجود داشته و داوری خدا نیز همواره بوده است. یهودا زمانی این نامه را می نویسد که رهبران، خادمین و معلمین دروغین به کلیسا رسوخ کرده و با سوء استفاده از فیض خدا، هرکاری که می خواهند می کنند. یهودا با یادآوری تاریخ، از ایمانداران واقعی می خواهد که وقتی تعلیم غلط و روحیه غلط وارد کلیسا می شود و وقتی در خود کلیسا به حقیقت کتاب مقدس حمله می شود، آنها باید برای حقیقت ایستاده و بجنگند. پس یهودا از نوشتن این نامه دو هدف دارد :

#### **(۱) محکوم کردن کارهای رهبران، خادمین و معلمین دروغین**

#### **(۲) تشویق ایمانداران حقیقی برای مجاهده برای ایمان درست.**

نکته مهم این است که این کتاب، لزوما در مورد کسانی صحبت نمی کند که به نوعی به رهبری کلیسا رسیده اند، بلکه بیشتر صحبت او در مورد کسانی است که در کلیسا رهبری غیر رسمی دارند یعنی اینکه عده ای را به دور خود جمع کرده و آنها را تحت تاثیر خود قرار داده اند. رهبر کسی است که دیگران را تحت تاثیر زندگی و تعلیم خود قرار می دهد (چه زندگی و تعلیم آنها درست باشد و چه نباشد). چنین اشخاص ممکن است در کلیسا رسماً رهبر نباشند اما عملاً رهبر هستند.

**کلمه کلیدی :** ایستادگی و جنگ برای ایمان درست

**آیات کلیدی :** ۳

۳ ... « ای حبیبان، چون شوق تمام داشتم که در باره نجات عام به شما بنویسم، ناچار شدم که الان به شما بنویسم و نصیحت دهم تا شما مجاهده کنید برای آن ایمانی که یک بار به مقدسین سپرده شد.»

## بررسی

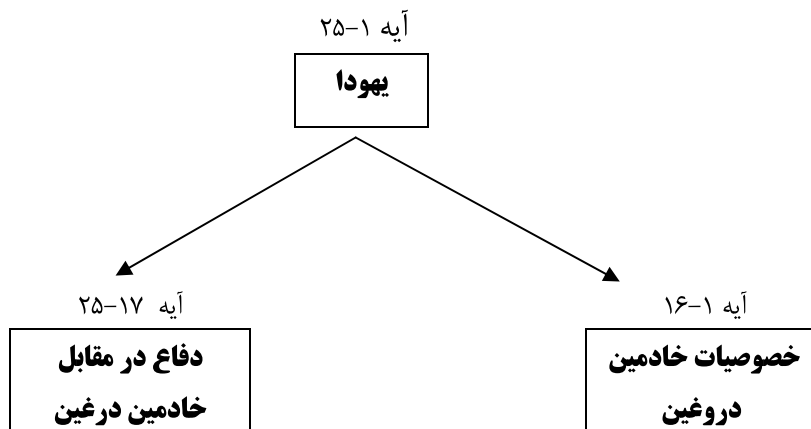
اکثر کتاب های عهد جدید، در مورد مشکل معلمین دروغین، انبیای دروغین، رسولان دروغین و رهبران دروغین صحبت می کند و یا حداقل به این مشکل اشاره می کند.

اما کتاب یهودا، از همه آنها صریح تر و خشن تر به معلمین و رهبران دروغین حمله کرده و آنها را رد می کند چرا که بسیاری از آنها «در خفا» به کلیسا رسوخ کرده اند و کلیسا حتی متوجه آنها نیست و آنها را ندانسته در جمع خود پذیرفته است و به آنها میدان داده است. آنها توی جمعیت بُر خورده و زیرکانه بدون اینکه در چشم دیده شوند، دارند کلیسا را از داخل ضعیف و مریض می کنند. تاریخ کلیسا از قرن اول تا به امروز این را ثابت کرده است که شیطان هرگز قادر نبوده است از بیرون کلیسا را نابود کند. برعکس هر چقدر فشار و جفا بر ایمانداران بیشتر بوده، کلیسا بیشتر و سالم تر رشد کرده است. اما وقتی افراد داخل کلیسا خواسته و ناخواسته وسیله دست او شده اند کلیسا بیشتر صدمه خورده است. شیطان در استفاده از این روش موفق تر بوده است.

کتاب یهودا شامل دو قسمت اصلی می باشد.

**(۱) خصوصیات خادمین دروغین (آیات ۱ تا ۱۶) -** یهودا در این رساله بیشتر به خصوصیات چنین خادمین دروغین می پردازد تا به تعالیم آنها. خادمین دروغین را می توان از زندگی آنها تشخیص داد. آنها با گناه کنار می آیند. آنها روحیه سرکش و مغرور دارند. یهودا آنها را با سه شخص سرکش در کتاب مقدس مقایسه می کند: قاین، بلعام و قورح که هر سه، داوری خدا را بر خود وارد کردند. یهودا سپس از ۵ مثال استفاده می کند تا خصوصیات چنین اشخاصی را بیان کند: صخره در ضیافت ها، ابرهای بی آب، درختان بی میوه، امواج جوشیده دریا و ستارگان آواره.

**(۲) دفاع در مقابل خادمین دروغین (آیات ۱۷ تا ۲۵) -** در این قسمت، یهودا مستقیم با ایمانداران محبوبش صحبت می کند. ایمانداران باید در ایمان طوری بالغ شوند که بتوانند کسانی که طعمه چنین افرادی می شوند را برهانند. نسبت به چنین افرادی که فریب معلمین و رهبران دروغین را خورده اند، باید رحمت نشان داد. ایمانداران باید در مقابل افراد غلط بایستند اما نسبت به کسانی که ندانسته تحت تاثیر آنها قرار گرفته اند، دلسوزی داشته باشد.



## مکاشفه عیسای مسیح

**آقای واحد و خداوند** - یک مسیحی فقط یک آقا و خداوند دارد که عیسای مسیح می باشد (۴).

## مکاشفه روح القدس

**روح عبادت** - عبادت یک ایماندار واقعی باید «در روح القدس» باشد (۲۰).

**روح اتحاد و پاکی** - خادمین دروغین، با وجود ادعاهایی که دارند، «روح را ندارند» چراکه نفسانی زندگی می کنند و باعث تفرقه هستند (۱۹).

## دروس اصلی روحانی

### **۱ - خادمین دروغین را باید در کلیسا تشخیص داد.**

شیطان کمتر می تواند از خارج کلیسا به آن ضربه بزند. در نتیجه، یک روش موثرتر او این است که کسانی را در کلیسا جلو بیاورد که به ظاهر، مسیحیان متعهد و پراز روح هستند، خدا را دوست دارند و خدمت خدا را می کنند. اما در واقع، عواملی هستند که کلیسا را از داخل مریض می کنند. این چنین اشخاص ممکن است که رسماً در کلیسا رهبر نباشند اما عملاً رهبر هستند چراکه بسیار مردم دار هستند و افراد زیادی را تحت نفوذ و تاثیر خود دارند. خصوصیات چنین شخصی به این صورت است :

**(۱) راجع به فیض و محبت خدا صحبت می کند اما از این فیض سوء استفاده می کند.** از این فیض استفاده نمی کند تا پاک زندگی کند بلکه در گناه زندگی می کند و موقعی که بر گناه او دست گذاشته می شود، در مورد فیض و رحمت خدا و قضاوت نکردن صحبت می کند. از دیگران انتظار دارند که بخاطر فیض خدا، زندگی گناه آلودش را تحمل کنند (آیه ۴).

**(۲) فردی سرکش است که اقتدار دیگران را رد کرده و خوار می شمارد** (آیات ۴ و ۸). البته اکثراً بهانه او این است که کسانی که در رهبری کلیسا هستند، شایستگی رهبری را ندارند و لیاقت آنرا ندارند که از اقتدار آنها اطاعت نمود.

**(۳) کسی است که به رهبران دیگر تهمت زده، بی احترامی می کند و حتی افترا زده و بدگویی می نماید** (آیات ۸ تا ۱۰). او چون از دید خود، در رهبران ضعف و گناه می بیند، این حق را به خود می دهد که نسبت به آنها بی احترامی کند. یهودا با مثال ربروبی میکائیل، رئیس ملائکه با شیطان، این درس را می دهد که هر چقدر یک شخص روحانی است و هر چقدر رهبری گناهکار و حتی شیطانی است، باز هم شخص این حق را نباید به خود بدهد که به او بی احترامی کند (۹).

**(۴) اگر چیزی را نمی داند، بجای آنکه فروتن شده و برای یادگیری آن اقدام کند، آنرا رد کرده و حتی نسبت به آن بدگویی می کند.** مثلاً کسانی هستند که تعمید روح القدس و عطایای روح را تجربه نکرده اند و چون خود تجربه نکرده اند، آنرا رد کرده و می کوبند. البته ممکن است مسیحیان خوب نسبت به بعضی از مسائل در کتاب مقدس اختلاف عقیده داشته باشند. مشکل، اختلاف عقیده داشتن نیست، بلکه مشکل، روحیه غلط داشتن است و اینکه عکس العمل ما نسبت به این اختلاف عقیده چه می باشد. اگر کسی چیزی می گوید که من تجربه نکرده ام و مخالف کلام خدا نمی باشد، حق ندارم آن را رد کنم یا نسبت به آن بدگویی کنم. وقتی از من می پرسند : «فلان کلیسا چنین تجربیات (به ظاهر عجیب) روحانی داشته اند. آیا آن از روح القدس است؟» جواب من این است که : «من چنین چیزی را تجربه نکرده ام که بتوانم در مورد آن قضاوت کنم. میوه و نتیجه ای که آن، بعد از گذشت زمان، در زندگی افراد و ملکوت خدا می آورد، بهترین ملاک خواهد بود.»

**(۵) مانند بلعام بیشتر به فکر پول و منفعت شخصی می باشد تا به فکر مردم یا خدا.** خدمت خود را به پول می فروشد و در هر رابطه و تصمیم گیری قسمت مالی آنرا در نظر می گیرد و اینکه چقدر به او می رسد و نه حقیقت و راستی خدا را (آیه ۱۱). همواره در فکر بده و بستان است و اینکه هر کاری چقدر برای شخص او منفعت دارد.

**(۶) مانند قائن حسود می باشد.** چنین شخصی، بخصوص دشمنِ خادمینی است که با راستی خدمت می کنند و از او موفق تر می باشند (آیه ۱۱). وقتی خادمی موفق تر از خود را می بیند، بجای اینکه خوشحال شود و ببیند که چه چیزی می تواند از چنین شخصی یاد بگیرد، حسادت کرده و آن خادم و خدمت او را می کوبد و با او دشمن می شود.

**(۷) متمایل به دسته بندی و شورش می باشد.** مانند قورح که بر علیه موسی و هارون شورش کرد (اعداد ۱۶ : ۱-۲۴)، او سعی دارد افرادی را دور خود جمع کند تا بر علیه شبان یا رهبران کلیسا بایستد. بی توجهی نسبت به چنین افرادی باعث می شود ناگهان کلیسا پاشیده شود و یا ناگهان دسته ای کلیسا را ترک کنند. افرادی را که او از کلیسا می برد، اکثرا در دنیا گم شده و طعمه شیطان می گردند.

**(۸) در مهمانی ها همواره حضور دارد و شمع مجالس می باشد.** معمولا بسیار مردم دار و خوش مشرب است و اهل مهمانی و رفت و آمد می باشد (آیه ۱۲). سعی می کند با تعداد بیشتری در رابطه باشد تا بتواند مقاصد خود را بهتر به انجام برساند. می خواهد در میان مردم به عنوان دوست شناخته شود تا رهبران کلیسا نتوانند به راحتی جلوی او ایستاده و او را از کلیسا اخراج نمایند.

**(۹) ادعای شبانی می کند اما در حقیقت به دنبال منافع خود هستند تا گله خدا (آیه ۱۲).** به ظاهر دلسوز مردم است اما در واقع، به دنبال منافع خود می باشد. در جلسات خصوصی و عمومی طوری صحبت می کنند که گویا رهبران کلیسا به فکر منافع مردم نمی باشند و تنها او است که طرفدار مردم می باشد.

**(۱۰) در عمل کسی را بنا نمی کند.** ظاهر و رفتار و گفتارش مانند یک خادم واقعی است اما در عمل دیده می شود که کسی را بنا نمی کند و باعث رشد ایمانی و شخصیتی کس نمی گردد. خدمت او برکتی واقعی برای کسی ندارد (مانند ابرهای بی باران و درختان بی میوه) (آیه ۱۲).

**(۱۱) فردی است مهمه کننده و گله مند که همیشه از وضع کلیسا شکایت دارد (آیه ۱۶).** نارضایتی و شکایت و گله را در کلیسا تشویق کرده و شایع می کند. طوری وانمود می کند که کلیسا، مشکلی اساسی دارد و رهبران این مشکل را بوجود آورده اند و قادر به حل آن نیز نمی باشند.

**(۱۲) با تکبر سخن می گوید.** وقتی از کلیسا ایراد می گیرد، با این حالت است که رهبران کلیسا چیزی سرشان نمی شود اما خودش خیلی وارد است. معمولا فکر می کند خیلی بهتر از رهبران فعلی می تواند خدمت کرده و رهبری کند. خودش را خیلی روحانی تر و بالاتر از آنچه که هست می بیند (آیه ۱۶).

**(۱۳) بسیار چاپلوس می باشد.** با هر کس مطابق دل او صحبت کرده و تعریف و چاپلوسی می کند تا دل آن شخص را بدست آورده و او را با خود همراه کند تا بتواند به اهداف خود برسد (آیه ۱۶).

**(۱۴) باعث تفرقه و جدایی در کلیسا می باشد.** در کلیسا دسته بندی کرده و افراد را از هم و از کلیسا جدا می کند (آیه ۱۹). در صحبت هایش کلمه «ما»، «شما» و «آنها» زیاد استفاده می کند. معمولا منظورش از «ما» خودش و اعضای کلیسا می باشد و «شما» یا «آنها» رهبران فعلی کلیسا هستند.

**۱۵) ممکن است ادعای داشتن روح را بکند اما نفسانی است و روح القدس را ندارد (آیه ۱۹).** از روح القدس صحبت می کند

اما اثرات حضور روح القدس در زندگی دیده نمی شود.

## **۲ - خادم امین خدا برای ایمان درست می جنگد و می ایستد.**

چنین خادمی برای ایمان درست مجاهده می کند (۳). او اول خودش را بنا می کند. چگونه؟ اول به ایمان درست می چسبد تا بنا شود. دوم برای قوت خودش، در روح القدس عبادت می کند و سوم در محبت خدا زندگی می کند (۲۰-۲۱).

یک خادم امین خدا، پس از آنکه خودش را بنا کرد، به فکر دیگران است بخصوص کسانی که طعمه خادمین دروغین شده اند. او کسانی که درگیر تفرقه و سرکشی و دسته بندی شده اند و مجادله می کنند را ملزم می کند تا توبه کنند (۲۲). آنانی که گول خادمین دروغین را خورده و در گناه، آلوده شده و بسوی نابودی آتش جهنم پیش می روند را با رحمت و دلسوزی می رهاند (۲۳).

خدا می خواهد در مقابل خادمین دروغین ایستاده و با آنها با جدیت برخورد کنیم. اما برای کسانی که در دام آنها افتاده اند. دلسوزی داشته باشیم. دسته بندی خادمین دروغین را نپذیریم و کسانی را که با آنها هستند دشمن نپنداریم. بلکه وارد اردوگاه آنها شویم تا بتوانیم فریب خوردگان را آزاد ساخته و نجات دهیم.

## **۳ - افتخار هر خادم خدا این است که غلام عیسای مسیح است.**

یعقوب و یهودا هردو برادران عیسای مسیح بودند اما در نامه هایشان، از این موضوع برای افتخار یا اعتبار خود استفاده نمی کنند بلکه خود را فقط « غلام عیسای مسیح » می خوانند. این نشانه ضعف و روحیه غلط یک خادم است که سعی کند از رابطه اش با خادمین سرشناس، برای خود اعتبار یا افتخار کسب کند. مثلاً کسی که با افتخار می گوید « مرا برادر هایک تممید داده است » یا با غرور برای نشان دادن برتری خود می گوید : « من در ایران با برادر ادوارد خدمت می کردم » ، نشان می دهد که در شخصیت روحانی خود ضعف دارد.

افتخار شما چیست؟ آیا این است که غلام عیسای مسیح هستید؟ اعتبار خود را در چه چیزی می بینید. آیا اعتبار خود را در این می بینید که با خادمین سرشناس یا در کلیساهای موفق خدمت کرده اید؟ خادمی که با خداوند راه می رود، روحیه اش و شخصیتش و خدمتی که می کند اعتبارنامه اوست. افتخار ما این است که غلام عیسای مسیح می باشیم.

## **سوالات برای مرور درس**

- ۱) کلمه کلیدی کتاب یهودا چه می باشد؟
- ۲) بخش های اصلی کتاب یهودا را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) یک درس روحانی کتاب یهودا را بیان کنید.
- ۴) یهودا با عیسای مسیح چه نسبتی داشت؟
- ۵) شش نشانه یک خادم دروغین را بیان کنید.
- ۶) رهبران غیر رسمی در کلیسا چه کسانی می باشند؟



### نویسنده و تاریخ نگارش

نویسنده این کتاب، یوحنا ی رسول می باشد که آنرا در اواخر زندگیش وقتی در جزیره پَطْمُس زندانی بود نوشته است. این جزیره متروکه، یکی از محل هایی بود که رومیان، تبه کاران و زندانیان سیاسی را به آنجا تبعید می کردند. یوحنا در این جزیره رویاهایی می بیند که آنها را به نگارش در می آورد. تاریخ نگارش این کتاب، ۹۵-۹۶ میلادی می باشد.

### زمینه و موضوعات اصلی

به همان شکل که کتاب پیدایش، کتاب آغازها است، کتاب مکاشفه کتاب پایانها می باشد. در آن، نقشه خدا برای نجات بشر به نتیجه رسیده و نام خداوند در مقابل تمام خلقت جلال داده می شود. گرچه نبوت های زیادی در اناجیل و رسالات وجود دارند، اما کتاب مکاشفه تنها کتابی در عهد جدید است که تمرکز اصلی آن نبوت می باشد.

کلمه «مکاشفه» به معنی «پرده برداری» یا «اکتشاف» می باشد و به این منظور است که این کتاب از شخصیت و برنامه آینده عیسای مسیح پرده برداری می کند. مرکزیت کتاب مکاشفه، خود عیسای مسیح از مرگ برخاسته می باشد که رویاها و سمبل های متعددی اقتدار او را در داوری جهان، خلقت دوباره جهان و سلطنت ابدی او نشان می دهد.

این کتاب در زمانی نوشته شده است که دشمنی رومیان بر علیه مسیحیان آنقدر زیاد شده بود که به جفای علنی و رسمی تبدیل شده بود. بعد از آتش سوزی که امپراطور نرو در روم در سال ۶۴ میلادی راه انداخت، جفا بر مسیحیان بالا گرفت. بعد از نرو، «دومیتیان» امپراطور شد که بین سالهای ۸۱ تا ۹۶ حکومت کرد. دومیتیان اولین امپراطوری بود که در زمان حیاتش از مردم رسماً می خواست که او را بپرستند. همین درخواست او باعث شد که اختلاف بین دولت و مسیحیان بازهم بالاتر بگیرد چراکه مسیحیان پرستش را مختص خدا می دانستند. یوحنا کتاب مکاشفه را در چنین شرایطی می نویسد تا نه تنها ایمانداران را از وقایع آینده خبر دهد، بلکه به آنها دلگرمی بدهد که در آخر، پیروزی از آن مسیح خواهد بود و عیسای مسیح بر همه دشمنانش و دشمنان عروسیش ظفر خواهد یافت.

پس این کتاب، مسیحیان آنروز و امروز را تشویق می کند که با دنیا سازش نکرده و در جفا و بدترین شرایط برای خداوند عیسای مسیح بایستند زیرا که برای چنین مسیحیانی، آینده ای درخشان در حضور مسیح در انتظار است. بیشتر کتاب مکاشفه (فصل های ۴ تا ۱۸)، وقایع دوره ۷ ساله «مصیبت عظیم» که درست قبل از بازگشت مسیح اتفاق می افتد را بیان می کند. فصل های ۱۹ تا ۲۲، از واقعه بازگشت مسیح و داوری جهان تا خلقت دوم را شرح می دهد.

## چرا تفسیر مکاشفه مشکل می باشد؟

مکاشفه از لحاظ تفسیر، مشکل ترین کتاب در کتاب مقدس می باشد. این موضوع به چند دلیل است :

**(۱) در کتاب مکاشفه از صد ها سمبل استفاده شده است.** بعضی از این سمبل ها در خود کتاب مکاشفه معنی شده اند (مثلاً ۱ : ۲۰) ولی برای درک بیشتر آنها باید به معنی سمبل ها در جاهای دیگر کتاب مقدس آشنایی داشت (مثلاً با سمبل های کتاب دانیال).

**(۲) کتاب مکاشفه می خواهد مسایل و صحنه های آسمانی را با زبان زمینی بیان کند.** آسمان دنیای دیگری است. در نتیجه، رویاهایی که یوحنا از آسمان دارد را نمی تواند به زبان زمینی طوری بیان کند که انسانی که تجربه اش محدود به زمین می شود درک کند. برای همین، یوحنا از تشبیهات بسیاری استفاده می کند و با استفاده از کلمات «چون»، «مانند» و «مثل» می خواهد آنچه در آسمان دیده است را برای ما زمینی ها توضیح دهد تا بتوانیم حداقل شبهی از آنرا درک کنیم. سختی کار به این می ماند که بخواهیم زیبایی های یک باغ گل را برای یک کور مادرزاد توضیح دهیم.

**(۳) اشارات بسیار به عهد عتیق وجود دارد.** کتاب مکاشفه گرچه بطور مستقیم از عهد عتیق نقل قول نمی کند، ولی بین ۲۵۰ تا ۵۵۰ بار به عهد عتیق اشاره می کند. پس برای درک آن، باید عهد عتیق را بسیار خوب دانست و بخصوص به پیشگویی ها و تشبیهات آن آشنا بود.

**(۴) کتاب مکاشفه وقایع آینده که اتفاق نیافتاده است را بیان می کند.** فهمیدن و تشخیص وقایع گذشته نسبتاً ساده می باشد. اما تشخیص و فهمیدن وقایع آینده مشکل است.

**(۵) وقایع کتاب به ترتیب دقیق زمانی نوشته نشده است.** گرچه در کتاب مکاشفه، بطور کلی پیشرفت زمانی وجود دارد، اما شرح وقایع از لحاظ زمانی مرتب به جلو و عقب می پرد.

**(۶) کتاب مکاشفه بطور متناوب صحنه هایی از وقایع آسمان و زمین را بیان می کند.** برای تفسیر درست باید تشخیص داد کدام صحنه مربوط به آسمان و کدام مربوط به زمین می باشد.

## مقایسه مکاشفه و پیدایش

کتاب مقدس که شامل ۶۶ کتاب می باشد، گرچه بوسیله ۴۰ نفر در طول ۱۵ قرن نوشته شده است اما داستان کاملی را از پیدایش تا مکاشفه بیان می کند. در فصل های اول پیدایش، خلقت زیبای خداوند و صحنه بهشت را می بینیم. اما این صحنه، ناگهان بوسیله گناه بشر فاسد و خراب می شود. مخلوق از خالق جدا شده و گناه، مسیر زندگی او را عوض می کند. خداوند نقشه نجات و بازگشت بشر را کشیده و به عمل می آورد. در مکاشفه می بینیم که این نقشه به نتیجه رسیده و انسان به آن مقام اول بر می گردد. با توجه به این نقشه، تشابهات عجیبی که بین سه فصل اول پیدایش (۱ تا ۳) و سه فصل آخر مکاشفه (۲۰ تا ۲۲) وجود دارد، معنی جدیدی پیدا می کند. بعضی از این شباهت ها به شرح زیر است :

۱:۱ خدا آسمان و زمین را می آفریند	۲۱: ۱ خدا آسمان و زمین جدیدی خلق می کند
۵: ۱ خدا تاریکی را شب نامید	۲۱: ۲۵ در خلقت جدید، شبی وجود ندارد
۱۶: ۱ خدا خورشید و ماه را خلق کرد	۲۱: ۲۳ خلقت جدید احتیاج به خورشید و ماه ندارد
۱۷: ۲ در خلقت اول مرگ وجود دارد	۲۱: ۴ در خلقت جدید، مرگ وجود ندارد
۳: ۱ شیطان برای فریب انسان وارد صحنه می شود	۲۰: ۱۰ شیطان برای همیشه از صحنه کنار می رود
۳: ۶-۷ باغی را نشان میدهد که در آن گناه وارد می شود	۲۱: ۲۷ شهری را نشان می دهد که گناه هرگز به آن وارد نمی شود
۳: ۸-۱۰ رابطه انسان و خدا قطع می شود	
۳: ۱۳ پیروزی اولیه مار	۲۱: ۳ رابطه انسان و خدا دوباره برقرار می شود
۳: ۱۶ زندگی پر غم و رنج شروع می شود	۲۰: ۱۰ و ۲۲: ۳ پیروزی نهایی بره خدا
۳: ۱۷ زمین لعنت می شود	۲۱: ۴ ماتم و غم و درد تا ابد برداشته می شود
۳: ۱۹ انسان تسلط خود را بر زمین از دست می دهد	۲۲: ۳ لعنت برای همیشه برداشته می شود
۳: ۲۳ در بهشت اول بسته می شود	۲۲: ۵ سلطنت دوباره به انسان بر می گردد
۳: ۲۴ حق خوردن از درخت حیات از انسان گرفته می شود	۲۱: ۲۵ بهشت جدید هیچگاه بسته نمی شود
۳: ۲۴ انسان از حضور خدا رانده می شود	۲۲: ۱۴ حق خوردن از درخت حیات دوباره به انسان داده می شود
	۲۲: ۴ انسان تا ابد در حضور خدا خواهد بود

**کلمه کلیدی:** مکاشفه عیسای مسیح

**آیات کلیدی:** ۱: ۱۹ و ۱۱-۱۵

۱: ۱۹ ... « پس بنویس چیزهایی را که دیدی و چیزهایی که هستند و چیزهایی را که بعد از این خواهند شد.»  
 ۱۹: ۱۱-۱۵ ... « و دیدم آسمان را گشوده و ناگاه اسبی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و به عدل داوری و جنگ می نماید، و جسمانش چون شعله آتش و بر سرش افسرهای بسیار و اسمی مرقوم دارد که جز خودش هیچکس آن را نمی داند، و جامه ای خون آلود در بردارد و نام او را «کلمه خدا» می خوانند. و لشکرهایی که در آسمانند، بر اسبهای سفید و به کتان سفید و پاک ملبس از عقب او می آمدند. و از دهانش شمشیری تیز بیرون می آید تا به آن امت ها را بزند و آنها را به عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود و او چرخشت خمر غضب و خشم خدای قادر مطلق را زیر پای خود می افشرد. و بر لباس و ران او نامی مرقوم است یعنی «پادشاه پادشاهان و رب الارباب.»

در این فصل ها نقشه خدا برای روزهای آخر و همینطور برای ابدیت بیان شده است.

## بررسی

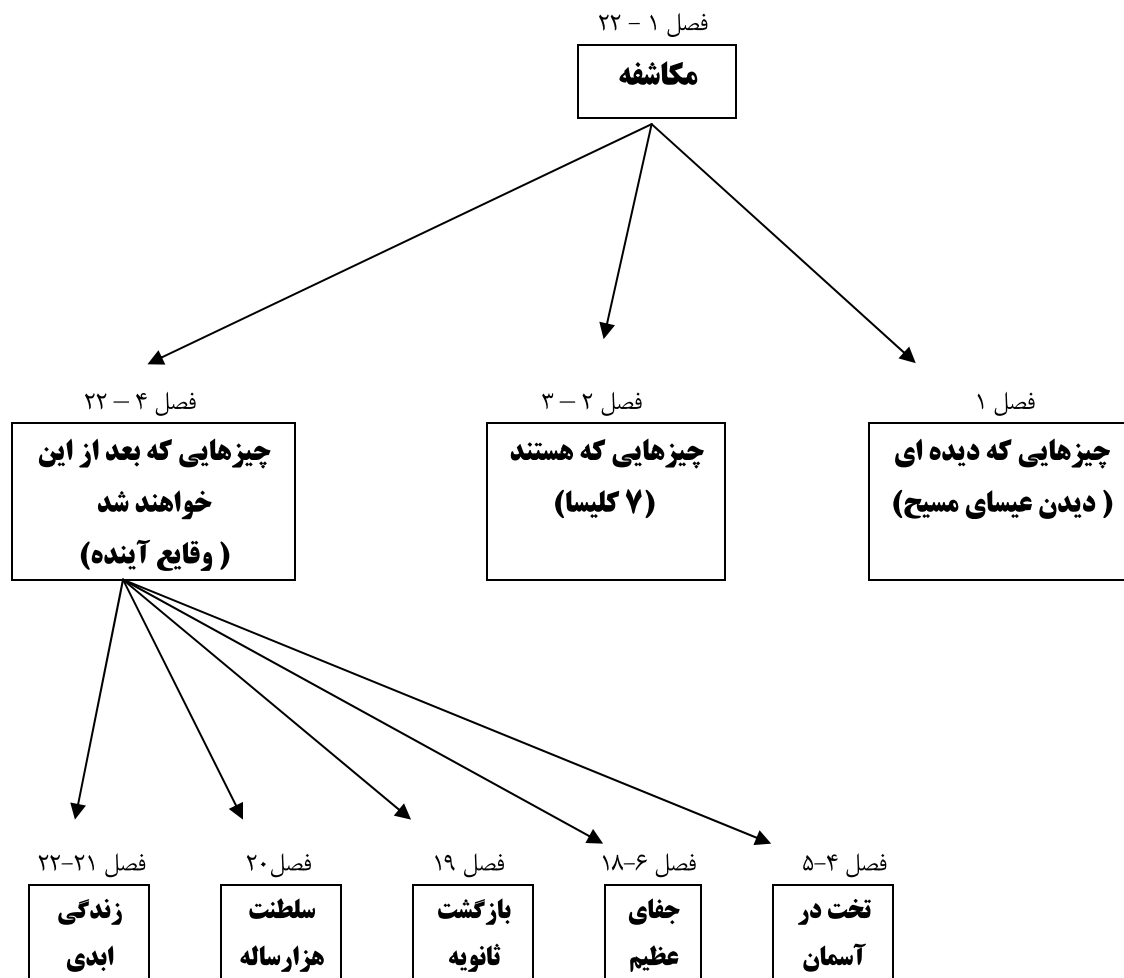
کتاب مکاشفه به سبک ادبی خاصی به نام سبک نبوتی (مانند دانیال و زکریا) نوشته شده است. سه بخش اصلی این کتاب را می توان در ۱ : ۱۹ مشاهده کرد : بنویس ۱- چیزهایی که دیده ای (فصل ۱) و ۲- چیزهایی که هستند (فصل های ۲ و ۳) و ۳- چیزهایی که بعد از این خواهند شد (فصل های ۴ تا ۲۲).

**(۱) چیزهایی که دیده ای (فصل ۱)** - در این فصل، بعد از یک مقدمه، یوحنا با عیسای مسیح جلال یافته روبرو می شود و مثل مرده به پاهای خداوند می افتد. عیسای مسیح در این صحنه در میان کلیساهای خود می خرامد.

**(۲) چیزهایی که هستند (فصل های ۲ و ۳)** - عیسای مسیح ۷ پیغام به ۷ کلیسا دارد. هر پیغام شامل یک دستور، تشویق و یا توبیخ، تصحیح و درخواست می شود. موضوع هر پیغام بستگی به احتیاج آن کلیسا دارد.

**(۳) چیزهایی که بعد از این خواهند شد (فصل های ۴ تا ۲۲)** - یوحنا به آسمان ربوده می شود و جلال خدا را مشاهده می کند. در آنجا پدر و پسر (شیر و بره) بوسيله ۲۴ شیخ، ۴ حیوان و فوج فرشتگان عبادت می شوند. عیسای مسیح ۷ مَهر داوری را باز می کند. سه دوره از ۷ داوری در فصل های ۶ تا ۱۶ اتفاق می افتد : ۷ مَهر، ۷ کرنا و ۷ پیاله. در آخر، جشن عروسی بره آماده می باشد و همه منتظر بازگشت شاه شاهان هستند که آمده و دشمنانش را نابود سازد. ضد مسیح و پیامبر دروغین به دریاچه گوگرد انداخته می شوند. شیطان برای هزارسال بسته می شود و همزمان، عیسای مسیح با مقدسین خود بر روی زمین سلطنت می کند. اما بعد از این هزار سال، بسیاری به دنیا آمده اند که نمی خواهند از مسیح اطاعت کنند. پس شیطان برای مدت کوتاهی رها شده و این افراد بوسيله شیطان برانگیخته می شوند که با خداوند بجنگند. بعد از آن، شیطان برای همیشه در دریاچه گوگرد انداخته می شود. آسمان و زمین از بین می رود و تخت بزرگ سفید برای داوری کسانی که مسیح را رد کرده اند برقرار می شود.

دنیای جدیدی خلق می شود که در آن از گناه و درد و مرگ و غم خبری نیست. بهترین چیزی که در بهشت وجود دارد این است که ایمانداران در حضور خدا خواهند بود و چهره او را خواهند دید. در آخر، دوباره تاکید می شود که عیسای مسیح به زودی برمی گردد و از همه دعوت می کند که به سوی ستاره درخشنده صبح (شباهنگ) بیایند و از آب حیات به رایگان بنوشند.



### مکاشفه عیسی مسیح

مکاشفه در مورد هر سه شخصیت تثلیث، مطالبی دارد. اما از همه بیشتر، جلال عیسی مسیح از مرگ برخاسته را مطرح می کند که تمام قدرت و قوت در دست اوست. القاب او در این کتاب به شرح زیر است :

مسیح (۱ : ۱)	شاهد امین (۱ : ۵ و ۳ : ۱۴)
نخست زاده از مردگان (۵ : ۱)	رئیس پادشاهان جهان (۱ : ۵)
اول و آخر (۱ : ۱۷ و ۲۲ : ۱۳)	زنده تا ابدلاباد (۱ : ۱۸)
دارنده کلیدهای موت و عالم اموات (۱ : ۱۸)	پسر انسان (۱ : ۱۳)
پسر خدا (۲ : ۱۸)	قدوس (۳ : ۷)
حق (۳ : ۷)	آمین (۳ : ۱۴)
صدیق (۳ : ۱۴)	ابتدای خلقت خدا (۳ : ۱۴)
شیر سبط یهودا (۵ : ۵)	ریشه داود (۵ : ۵ و ۲۲ : ۱۶)
بره (۵ : ۶ و ۱۹ : ۷)	امین و حق (۱۹ : ۱۱)
کلمه خدا (۱۹ : ۱۳)	پادشاه پادشاهان (۱۹ : ۱۶)

رب الارباب (۱۶ : ۱۹)

الف و یاء (۲۲ : ۱۳)

ابتدا و انتها (۱۳ : ۲۲)

ستاره درخشنده صبح (۲۲ : ۱۶)

خداوند عیسای مسیح (۲۲ : ۲۱)

## مکاشفه روح القدس

**۷ روح خدا** - روح القدس، ۷ روح خدا خوانده شده است (۱ : ۴ و ۳ : ۱ و ۴ : ۵ و ۵ : ۶). شماره ۷ سمبل کاملیت و الوهیت است. یعنی روح القدس کاملیت الوهیت خدا را دارا می باشد.

**روح نبوت** - روح القدس، روح خاموشی نیست. او از عیسای مسیح شنیده و با کلیساها صحبت می کند به شرطی که کلیساها گوش شنوا داشته باشند (فصل ها ۲ و ۳). او روح نبوت است (۱۹ : ۱۰) و یوحنا قبل از هر رویا و نبوت «در روح» می رود (۱ : ۱۰ و ۲ : ۴ و ۲۱ : ۱۰).

**روح دعوت کننده** - روح القدس است که با کلیسا (عروس) یک زبان شده و به مسیح «بیا» می گوید (۲۲ : ۱۷). همچنین روح القدس با ایمانداران یکی شده و غیر ایمانداران را به سوی عیسای مسیح، نجات و پری روح دعوت می کند : « هر که تشنه باشد، بیاید و هر که خواهش دارد، از آب حیات بی قیمت بگیرد » (۲۲ : ۱۷).

## دروس اصلی روحانی

### **۱ - اناجیل، شخصیت عیسای مسیح و کتاب مکاشفه، جلال عیسای مسیح را آشکار می کنند.**

در اناجیل، با شخصیت عیسای مسیح آشنا می شویم و عاشق او شده و به او ایمان می آوریم. در مکاشفه، با جلال او روبرو شده و ابهت او، ترس و احترام خاصی را در قلب ما می گذارد. بنابراین تصویری که از عیسای مسیح داریم نباید محدود به اناجیل شود. عیسای مسیح در اناجیل هنوز جلال نیافته بود اما اکنون جلال یافته است و پادشاه پادشاهان و رب الارباب می باشد. او مانند آمدن اولش دیگر بره مظلومی نیست که دهانش بسته بوده و برای ذبح شدن می بردندش بلکه شیر یهودا می باشد که این بار برای داوری جهان می آید و با نفس دهان خود، جهان را نابود کرده و زمین و آسمان جدیدی را خلق می کند.

### **۲ - عیسای مسیح در میان کلیساهای خود می خرامد و برای هر کلیسا پیغام دارد.**

در مکاشفه، با این واقعیت زیبا روبرو می شویم که خود عیسای مسیح در میان کلیسای خود می خرامد (۲ : ۱) و کارهای هر کلیسا و ضعف ها و قدرت های هر کلیسا را می بیند و پیغام تشویق و تصحیح و توبیخ و راهنمایی برای هر کلیسا دارد. وقتی ما ایمانداران در جلسات عبادتی جمع می شویم یا در جلسات دعا یا شباهنگ شرکت می کنیم، خوب است این حقیقت زیبا را بخاطر داشته باشیم که خود عیسای مسیح در میان ما می خرامد. در حضور اوست که دعا می کنیم. در حضور اوست که سرود خوانده و عبادت می کنیم. در حضور اوست که کلام او را در کلیسا یا شباهنگ اعلام می کنیم. حقیقت حضور او باید برای ما حقیقی و ملموس باشد.

از کتاب مکاشفه همچنین می آموزیم که عیسای مسیح برای هر کلیسا و هر گروه شباهنگ پیغام خاصی دارد. عیسای مسیح هشدار می دهد: « آنکه گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می گوید». پس وظیفه خطیر هر رهبر کلیسا و هر خادم گروه شباهنگ این است که گوشش به عیسای مسیح باشد تا روح به او بگوید که عیسای مسیح در گروه شباهنگ یا کلیسای او چه نقاط ضعفی می بیند، چه نقاط قوتی می بیند، چه هشدار دارد و چه راهنمایی می کند. آیا شما صدای روح را برای گروه شباهنگ خود و کلیسای خود می شنوید؟ آنکه گوش دارد بشنود.

### ۳- ایمانداران مسیحی باید عبادت واقعی را بیاموزند.

هر کلیسایی، به سبک و نوعی خاص، خداوند را عبادت می کند. گاهی آنقدر به سبک عبادتی خود عادت می کنیم که در آن چهارچوب گیر می کنیم. فکر می کنیم عبادت همین است و غیر این نیست. در نتیجه، نه تنها به آنچه که خارج از تجربه ما است بسته می شویم، بلکه حتی آنرا گاهی محکوم و رد هم می کنیم.

روحیه و روش درست این است که مرتب راههای خود را با کتاب مقدس مقایسه کنیم و بخواهیم که در هر مورد (فهم و دانش کلام، رابطه و تجربه با روح القدس، سبک ها و روش های عبادتی) وارد ابعاد جدید شویم.

در کتاب مکاشفه، با عبادت آسمانی روبرو می شویم. ممکن است فکر کنیم این عبادت فقط مال آسمان است. اما وقتی به عبادتی که در مزامیر شرح داده شده است رجوع می کنیم، می بینیم که عبادت در مزامیر و مکاشفه بسیار شبیه هم می باشند. این نوع عبادت با آنچه که در اکثر کلیساها می باشد بسیار متفاوت می باشد. آیا خدا از عبادت کلیسایی انتظار کمتری دارد تا از ایمانداران عهد عتیق (که روح القدس را مانند ما نداشتند)؟ چه خوب است در عبادت، در محدوده آنچه که در کلیساها می بینیم یا خود تجربه کرده ایم قرار نگیریم بلکه بخواهیم آنچه که در مزامیر و یا مکاشفه می خوانیم را در جلسات عبادتی کلیسا و جلسات گروه های شباهنگ تجربه کنیم.

در عبادت چطور هستید؟ آیا برای شما عبادت به صورت تکراری و بی معنی درآمده است؟ چه باید بکنید تا عبادت شخصی شما و عبادتی که در جلسات شباهنگ می کنید، شبیه عبادت موجود در مکاشفه و مزامیر باشد؟ آیا می خواهید در این امر مهم پیش رفته و عمیق تر شوید؟

### ۴- دانستن آخر داستان به ما امید و جرات می بخشد.

خداوند در مکاشفه، آخرت را برای ما باز می کند. پس ما می دانیم در این جنگ روحانی که در گیر هستیم، پیروز خواهیم شد. می دانیم شیطان نابود خواهد شد. می دانیم هر آنچه درد و رنج و غم و مریضی است، برای ما ایمانداران به پایان خواهد رسید. می دانیم این زمین و آسمان که با گناه آلوده شده است، نابود شده و خداوند، آسمان و زمین جدیدی برای ما خلق می کند. می دانیم که در جشن عروسی بره شرکت خواهیم کرد. می دانیم که تا به ابد در حضور خدا خواهیم بود.

این حقایق در سختی ها به ما امید می بخشد و کمک می کند برای مسیح تا به آخر پایدار بوده و پاک زندگی کنیم. به ما جرات می بخشد که از هیچ کس و هیچ چیز نترسیم و انجیل او را با شجاعت اعلام کنیم. ما را مجاب می کند تا به این دنیا وابسته و دلبسته نشویم بلکه به آسمان دلبستگی پیدا کنیم.

همچنین، داوری هولناک مسیح که در مکاشفه تشریح شده، ما را به خود می آورد که بشارت را بسیار جدی بگیریم. بشارت برای ایماندارانی که خودخواهانه فکر می کند، کاری است انتخابی که اگر فرصت کرد و جراتش را داشت انجام می دهد. اما برای غیر ایمانداران، بشارت ما موضوع مرگ و زندگی برای آنهاست. مکاشفه بما نشان می دهد که آینده وحشتناکی در انتظار عزیزانمان هست که به مسیح ایمان نیاورده اند.

بیایید چشم به آسمان دوخته و با تمام قوت و قدرت زندگی خود را به خدا بسپاریم. پاک زندگی کرده و با جرات و شهامت مشغول خدمت او و پخش کلام او باشیم و مردم را دعوت کنیم: « هرکه تشنه باشد بیاید و هرکه خواهش دارد از آب حیات بی قیمت بگیرد». فقط با داشتن چنین زندگی است که می توانیم با روح القدس یک صدا شده و بگوییم: « بیا ای خداوند عیسی، بیا!»

### **سوالات برای مرور درس**

- ۱) کلمه کلیدی کتاب مکاشفه چه می باشد؟
- ۲) بخش های اصلی کتاب مکاشفه را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) دو درس روحانی کتاب مکاشفه را بیان کنید.
- ۴) کلمه «مکاشفه» به چه معنی می باشد؟
- ۵) به چه دلایلی، تفسیر مکاشفه مشکل می باشد؟ (حداقل ۴ دلیل را بیان کنید)
- ۶) فصل های اول پیدایش چه شباهت هایی با فصل های آخر مکاشفه دارند؟ (حداقل ۷ مورد را نام ببرید)
- ۷) حداقل ۷ مکاشفه عیسای مسیح را در کتاب مکاشفه بیان کنید.



## ترتیب کتاب های عهد جدید

اکثر افراد آنچه را که می بینند بهتر به خاطر می سپارند تا آنچه را که می شنوند. برای کسانی که مثل من حافظه قوی ندارند، ساختن داستانی بوسیله شکل ها، یکی از راه های موثر حفظ کردن می باشد. به پیوست، اشکالی را می بینید که کمک می کنند ترتیب کتاب های عهد عتیق را حفظ نمایید. یکی از مزایای این روش این است که بعد از حفظ کردن، با دادن نام یک کتاب به راحتی می توانید نام کتاب بعد و قبل آنرا بگویید. پس ابتدا سعی کنید که این داستان را همراه با اشکال آن حفظ نمایید.

در محبت مسیح کشیش هرمز

### داستان مربوط به اشکال

- ۱) در خیابانی، مته ای (متی) در حال سوراخ کردن زمین است.
- ۲) این مته در دست مرغ (مرقس) گول پیکری می باشد.
- ۳) پشت این مرغ، دکتری (دکتر لوقا) ایستاده است و دارد او را معاینه می کند.
- ۴) در دست دیگر این دکتر یک قلب بزرگ می باشد (یوحنا، رسول محبت).
- ۵) این قلب را عمله ای (اعمال) دارد با کلنگ می شکند.
- ۶) اما این عمله لباس جنگی دارد و در حقیقت یک سرباز رومی (رومیان) است.
- ۷) این سرباز رومی، دست در دست خانمی دارد که یک «قر» می دهد (اول قرنطیان).
- ۸) این خانم نیز دست در دست آقایی دارد که او هم «قر» دوم را می دهد. (دوم قرنطیان).
- ۹) این آقا یک «لات» (غلاطیان) می باشد.
- ۱۰) این آقا خبر ندارد که دارند بر سر او «سُس» می ریزند (افسیان).
- ۱۱) بطری این سس را فیلی (فلیپیان) با خرطوم خود گرفته است.
- ۱۲) شخص بر کول (کولسیان) این فیل سوار است.
- ۱۳) این فیل از جایی می آید. از کجا؟ از یک سالن مشروب فروشی (اول تسالونیکیان).
- ۱۴) پهلوی این سالن، سالن دومی نیز قرار دارد (دوم تسالونیکیان).
- ۱۵) از این سالن دوم، یک طاوس دارد بیرون می آید (اول تیموتاوس).
- ۱۶) پیش روی این طاوس، طاوس دومی راه می رود (دوم تیموتاوس).
- ۱۷) اما سر این طاوس دومی پَر ندارد و طاس است (تیطس).

- ۱۸) در دهان این طاوس تکه گوشتی است که «فيله مینیون» (فلیمون) می باشد.
- ۱۹) بر سر طاس این طاوس ابرهای (عبرانیان) زیادی وجود دارند که شروع به باریدن می کنند.
- ۲۰) در زیر باران «یک بوق» (یعقوب) وجود دارد که دارد زیر باران خیس می شود.
- ۲۱) این بوق روی یک صخره ای قرار دارد (اول پطرس)
- ۲۲) در کنار این صخره، دومین صخره وجود دارد (دوم پطرس)
- ۲۳) صخره دوم به یک قلبی می خورد و آن را می شکند (اول یوحنا).
- ۲۴) کنار این قلب شکسته، قلب دوم ولی کوچکتری وجود دارد (دوم یوحنا)
- ۲۵) کنار این دومین قلب، سومین قلب که کوچکترین است وجود دارد (سوم یوحنا).
- ۲۶) یک یهودی (یهودا) این قلب را در دست دارد.
- ۲۷) در دست دیگر این یهودی یک فنجان قهوه می باشد که از جنس «مُکا» (مکاشفه) می باشد.

## فهرست کتابهای عهد جدید

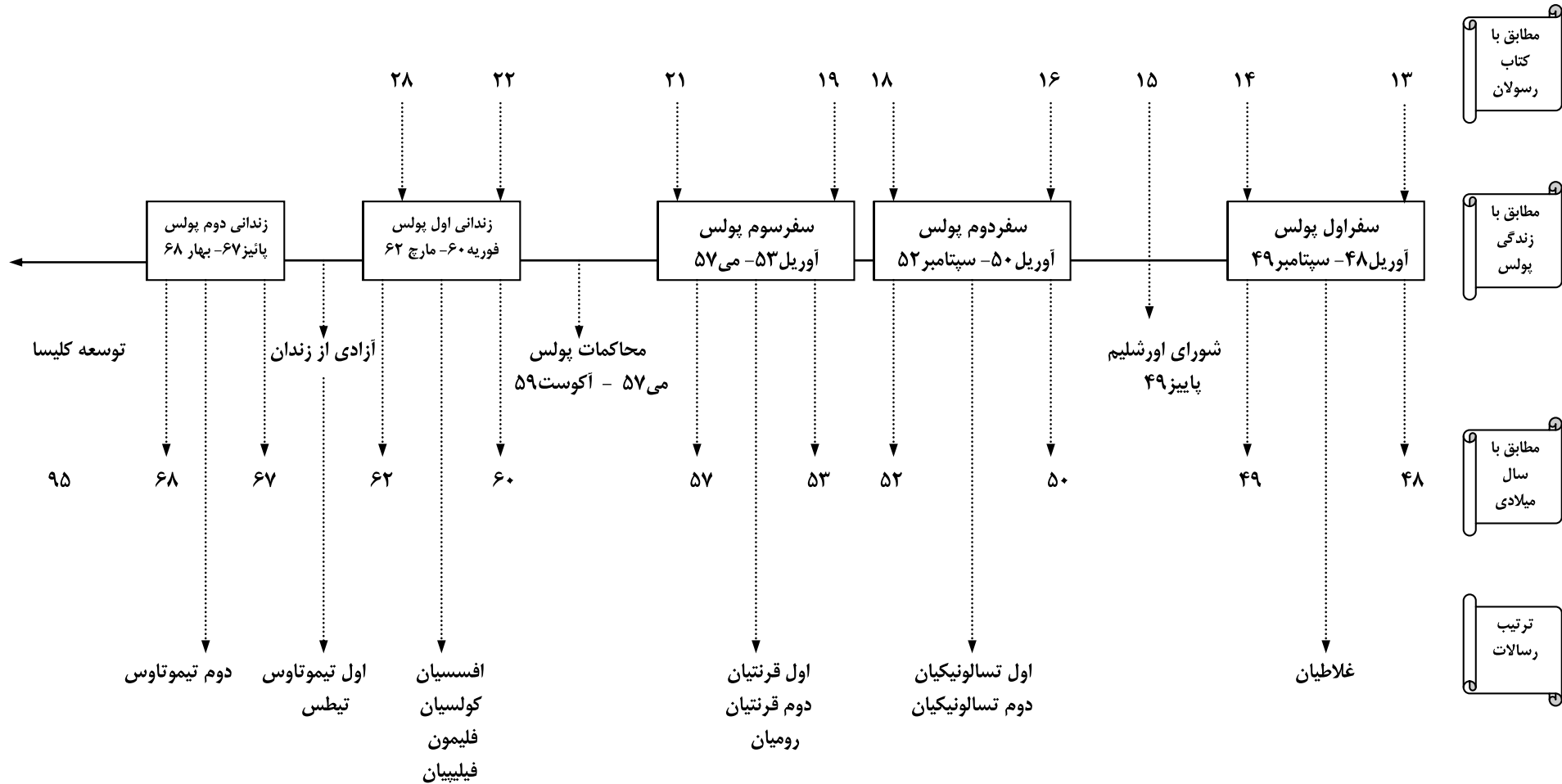
اناجیل مملی راجع به اعمال مسیحی در روم نوشته شده است . قر<sup>۳</sup> نزنید افکت<sup>۵</sup> آن افعی بدون سر است که عدد پی<sup>۴۲</sup> را مکشوف می کند.

حروفی که با قرمز مشخص شده ، حرف اول نام هر کتاب است و شماره کنار آن تعداد کتابهایی را که با آن حرف می باشد مشخص می کند.

مملی	متی - مرقس - لوقا - یوحنا
ا	اعمال رسولان
ر	رومیان
ق یا غ <sup>۳</sup>	اول قرنیتان - دوم قرنیتان - غلاطیان
	افسسیان - فیلیپیان - کولسیان - اول تسالونیکیان - دوم تسالونیکیان
افکت <sup>۵</sup>	اول تیموتائوس - دوم تیموتائوس - تیطوس
فعی	فلیمون - عبرانیان - یعقوب
پی <sup>۴۲</sup>	اول پطرس - دوم پطرس - اول یوحنا - دوم یوحنا - سوم یوحنا - یهودا
م	مکاشفه

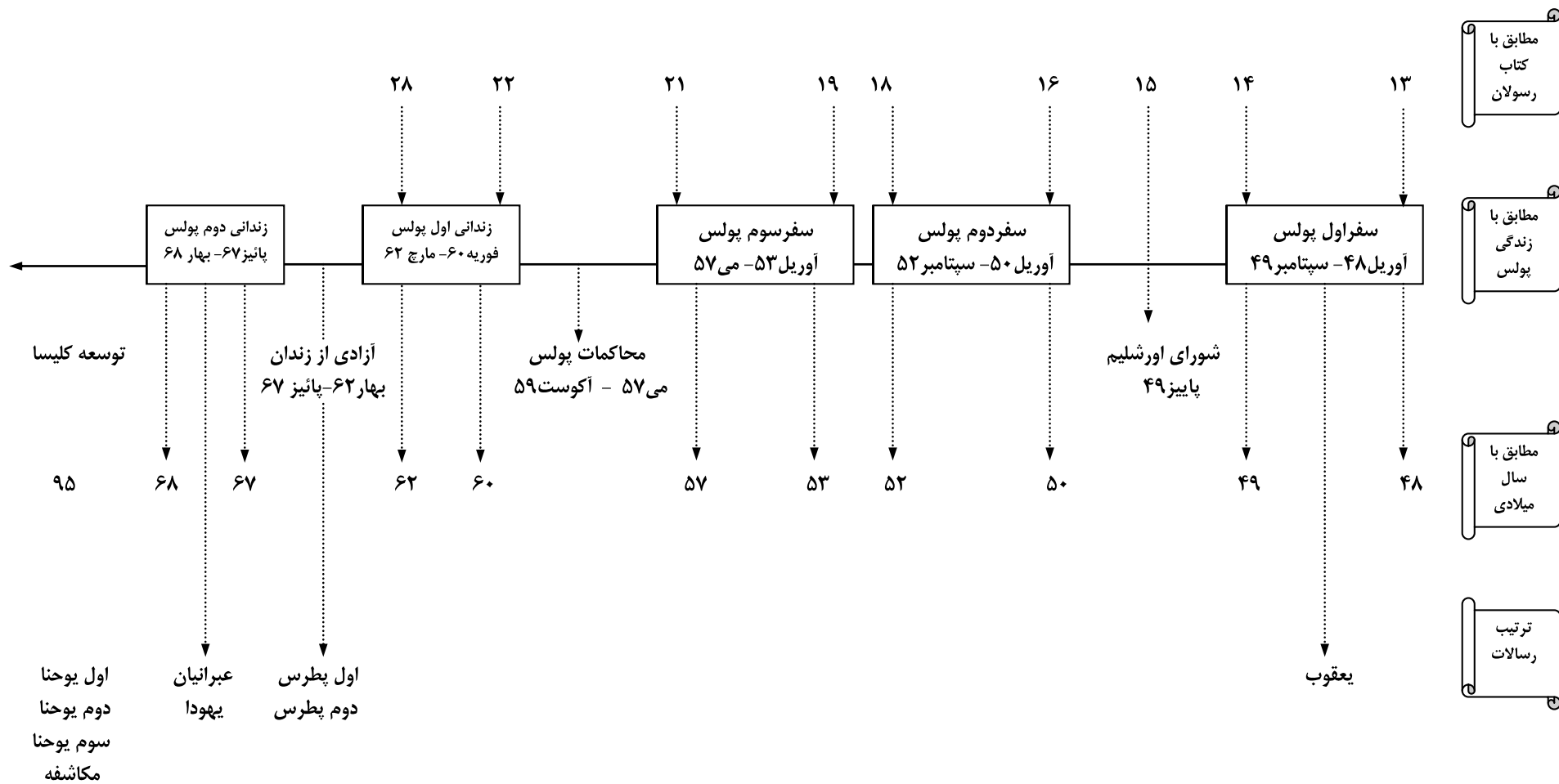
# ضمیمه (۱)

## ترتیب تاریخی رسالات پولس



## ضمیمه (۲)

### ترتیب تاریخی رسالات ( غیر پولس )



ترتیب کتابهای عهد جدید بوسیله عکس



ترتیب کتابهای عهد جدید بوسیله عکس

